



شروع پیدایش جهان هستی

تا تمدن امروز

(نویسنده : حمید آذرمنش)

جلد ۱

نام کتاب: پیدایش جهان هستی تا تمدن امروز (جلد اول)

نویسنده کتاب: حمید آذرمنش

نوع فایل کتاب: پی دی اف

منبع انتشار: <https://citar.ir> و سایت <https://inapply.com> و سایت <https://maintime.ir>

تاریخ انتشار کتاب: 1402/05/03

این کتاب به صورت رایگان در سایت توسط آقای حمید آذرمنش انتشار یافت

در باره حمید آذر: <http://hamidazar.ir>

تماس با نویسنده کتاب:

ایمیل: applytc@gmail.com

تماس: 09384124146 و 09333885448 در ساعات اداری

شبکه اپنا : 09904574032

امروزه کتاب‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع انتقال دانش، تاریخ و فرهنگ به نسل‌های آینده شناخته می‌شوند. اما برخی از کتاب‌ها، به عنوان سفرهایی الهام‌بخش به دوران‌ها و تجارب انسانی باستانی تلقی می‌شوند که ارتباط بین آن‌ها و جهان امروز را روشن می‌کنند. از جمله این کتاب‌ها، "شروع پیدایش هستی تا تمدن امروز" نام است.

در کتاب "شروع پیدایش هستی تا تمدن امروز"، نویسنده با بررسی دقیق و کامل از آغاز جهان تا دوران‌های امروزی، خواننده را در یک سفری جذاب به دوران‌ها و تاریخچه انسانی همراه می‌کند. این سفر، از شروع آفرینش و تکامل هستی گرفته تا تشکیل اجتماعات و تمدن‌های پیچیده، پر از اطلاعات جالب و مفهوم برای همه‌ی خوانندگان است.

در این کتاب، خواننده با مفاهیم جدیدی درباره‌ی فرهنگ‌ها، هنرها، دین‌ها، اختراعات و رویدادهای تاریخی آشنا می‌شود که به‌طور مستقیم به تمدن امروز و شکل‌گیری جامعه‌های معاصر ارتباط دارند. اثر ژرف این کتاب، خواننده را به فکر و تأمل در مسیر پیشرفت انسان‌ها و تحولاتی که به اینجا منجر شده، می‌اندازد.

این کتاب، با شیوه‌ی نوشتاری زیبا و روان و نگارشی پویا، از خواننده‌ها علاقه‌مند به دنیای تاریخ، فرهنگ و انسان‌شناسی می‌کند. در هر صفحه‌ی این کتاب، کاوشی هیجان‌انگیز به دنیای گذشته و نقش‌آفرینی انسان‌ها در جریان تاریخ می‌شود که خواننده را به‌طور قطع به خود جذب می‌کند.

در برابر رازهای نهفته‌ی آغاز هستی، انسان همواره تعجب و تمنا می‌کند تا بتواند به پیچیده‌ترین مراحل زندگی و راهکارهای ابتکاری هستی پی ببرد. کتابی فراگیر و البته الهام‌بخش به نام "شروع پیدایش هستی تا تمدن امروز"، این رازها را در چندین جلد توصیف می‌کند. این کتاب با آغاز بیگ بنگ و ایجاد کهکشان‌ها، منظومه‌ها، ستارگان و سیارات، به علم و دانشمندی متکی است و همچنین به دیدگاه‌های معنوی و دینی نیز توجه دارد که با تلفیقی جالب و منطقی در این اثر به تصویر کشیده می‌شوند.

کتاب "شروع پیدایش هستی تا تمدن امروز" به ارائه‌ی سفری هیجان‌انگیز از آغاز جهان تا به امروز می‌پردازد. این سفر با زمان‌ها و اتفاقاتی که در طول تاریخ و تکامل هستی رخ داده، خواننده را در معرفی دوران‌های مختلف و تحولات انسانی همراه می‌کند.

ابتدا کتاب با شرح رویدادهای بیگ بنگ و ایجاد کهکشان‌ها، منظومه‌ها، ستارگان و سیارات آغاز می‌شود. سپس مراحل اولیه‌ی زندگی به شکل آغازیان یا تک‌سلولی‌ها بررسی می‌شوند. پس از آن، دوره‌ی دایناسورها و نسل‌های پیشینی که در زمین حکمفرما بودند مورد بحث قرار می‌گیرند. سپس، به تکامل

موجودات پِن و پِن پرداخته می‌شود که به موجودات اجنه یا جنیان و شیاطین تبدیل می‌شوند. این مراحل تحولات زندگی، به نگاهی نو به زمان‌ها و چرخه‌های ایجاد می‌انجامد.

سپس، با حضور اجنه یا جنیان و شیاطین، کتاب به مسائل معنوی و اسطوره‌های مختلف اشاره می‌کند که به اصطلاح ماورائی و معنوی به‌شمار می‌آید. این بخش از کتاب با دیدگاه‌های علمی و دینی تلفیق می‌شود تا تفسیر متفاوتی از این مفاهیم ارائه شود که خواننده‌ها را به تأمل در معنای وجود و زندگی دعوت می‌کند.

و در نهایت، با ورود به دنیای آدم و حوا و انسان‌های امروزی، کتاب به نقطه‌ی پایانی خود می‌رسد. در این بخش، دانشمندان و پژوهشگران علم و فیزیکی و دانشمندان معنوی و دینی مشارکت می‌کنند تا نگاهی به نقش انسان‌ها در هستی داشته باشیم. این تلفیق دیدگاه‌ها به خواننده‌ها امکان می‌دهد که از دو نگاه مختلف به وجود انسان و علم جذب شوند و درک بهتری از معنای وجودی پیدا کنند.

یکی از جذابیت‌های این کتاب، تلفیق دیدگاه‌های مختلف به ویژه علمی و معنوی است. از یک سو، اصول و مبانی علمی و فیزیکی با کمک دانشمندان و پژوهشگران تبیین می‌شود و از سوی دیگر، به نگاه معنوی و دینی معتقدان پی‌برده می‌شود. این تلفیق، تنوع بیشتری به کتاب می‌بخشد و انسان را در مسیری از تفکر علمی و معنوی همراه می‌کند که بیشتر به درک عمیق‌تر و بازتعریف نقش انسان در جهان کمک می‌کند.

با توجه به محتوای غنی و شیوه نگارشی جذاب این کتاب، ارائه‌ی چنین مقاله‌ای می‌تواند خواننده‌ها را به دانلود و خواندن کتاب "شروع پیدایش هستی تا تمدن امروز" ترغیب کند. این اثر الهام‌بخش، از گذشته تا حال، پیچیدگی‌ها و زیبایی‌های هستی را در کنار هم قرار می‌دهد و درک بهتری از جهان اطراف و جایگاه انسان در آن به ما می‌آموزد.

با خواندن این کتاب، خواننده‌ها به دنیایی از معرفت و دانش پرداخته و با افق‌های جدید و گسترده‌تری از داستان‌های تاریخی، فرهنگ و تکامل انسانی آشنا می‌شوند. پیشنهاد می‌شود تا این کتاب را دانلود کرده و در دنیایی از پیچیدگی و زیبایی هستی سفر کنید و از این تجربه ممتع بهره‌مند شوید

و من الله توفیق : حمید آذرمنش

فصل اول : نظریه دانشمندان

تاریخچه جهان: بیگ بنگ تا کنون در 10 مرحله آسان

کهکشان های نزدیک به آغاز تاریخ کیهان

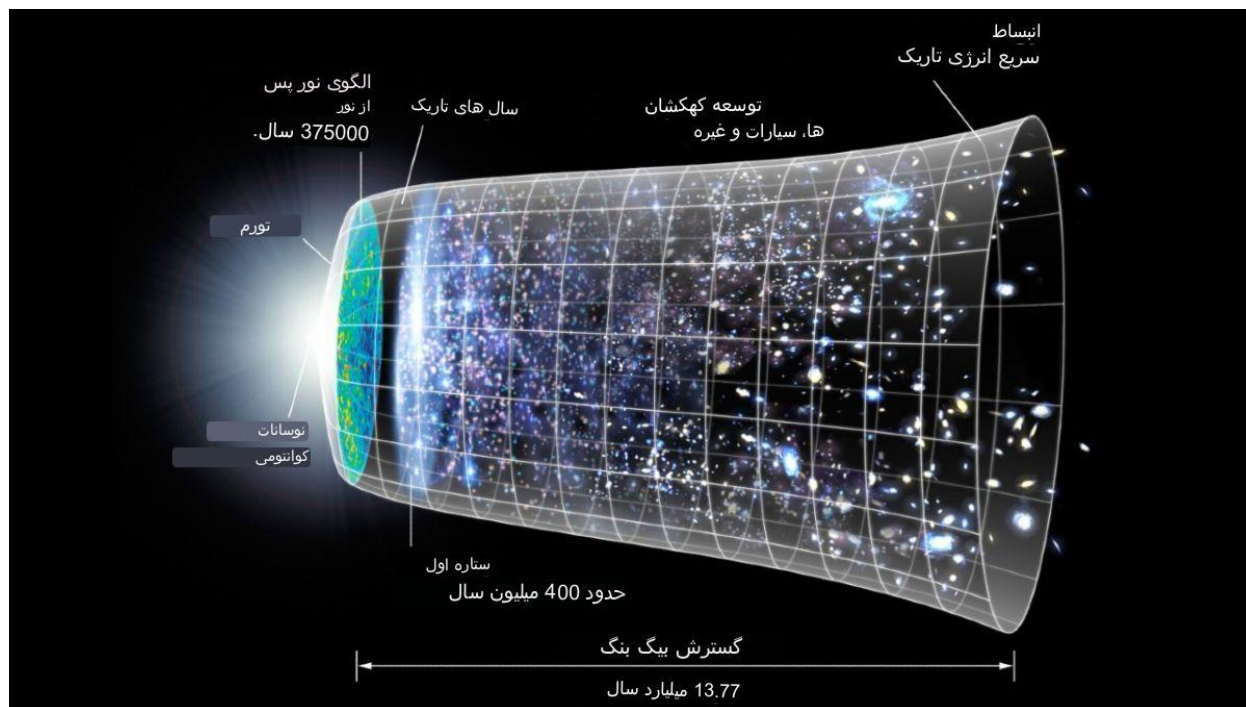
برداشت این هنرمند کهکشان ها را در زمانی کمتر از یک میلیارد سال پس از انفجار بزرگ نشان می دهد، زمانی که جهان هنوز تا حدی پر از مه هیدروژنی بود که نور ماوراء بنفش را جذب می کرد.

تاریخچه جهان و چگونگی تکامل آن به طور گسترده به عنوان مدل بیگ بنگ پذیرفته شده است، که بیان می کند که جهان به عنوان یک نقطه فوق العاده داغ و متراکم در حدود 13.7 میلیارد سال پیش آغاز شد. بنابراین، چگونه جهان از کسری از یک اینچ (چند میلی متر) به شکل امروزی رسیده است؟



در اینجا تجزیه و تحلیل بیگ بنگ تا کنون در 10 مرحله آسان برای درک بهتر نوشته شده

مرحله 1: چگونه همه چیز شروع شد (نمودار انفجار بزرگ)



تصویری از جدول زمانی جهان پس از انفجار بزرگ. (اعتبار تصویر: تیم علمی ناسا/WMAP)

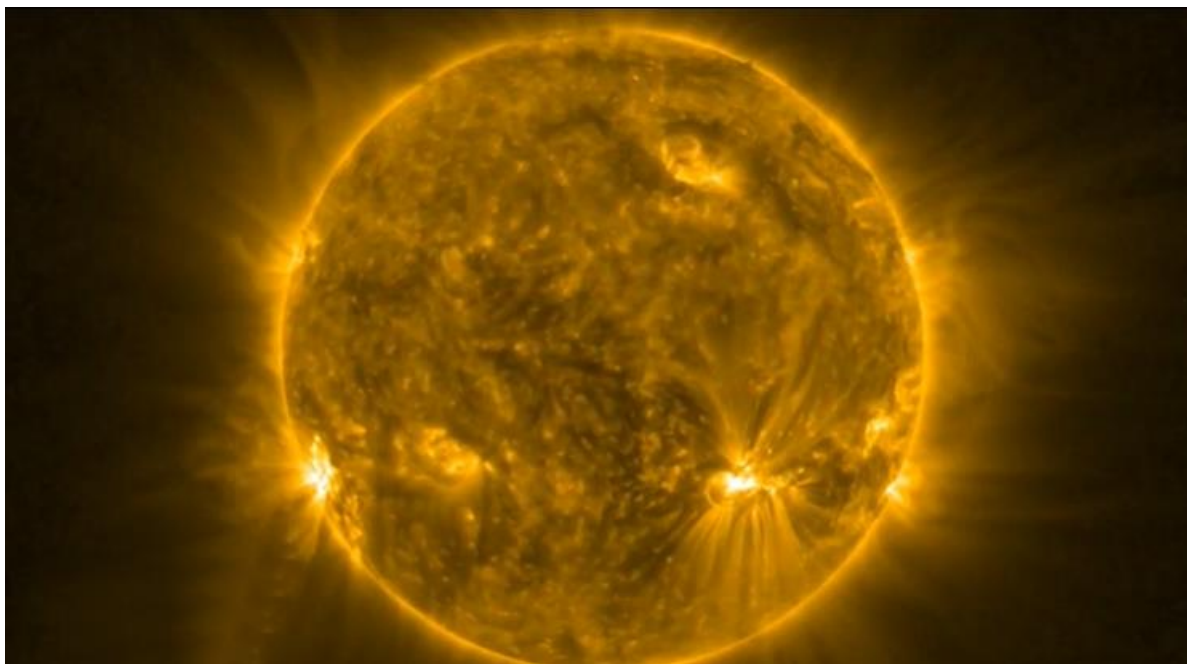
انفجار بزرگ، همانطور که از نام این نظریه ممکن است نشان دهد، انفجاری در فضا نبود. به گفته محققان، در عوض، این ظاهر فضا در همه جای جهان بود. طبق نظریه بیگ بنگ، جهان به عنوان یک نقطه بسیار داغ، بسیار متراکم و منفرد در فضا متولد شد.

کیهان‌شناسان مطمئن نیستند که قبل از این لحظه چه اتفاقی افتاده است، اما با مأموریت‌های فضایی پیچیده، تلسکوپ‌های زمینی و محاسبات پیچیده، دانشمندان تلاش کرده‌اند تصویر واضح‌تری از کیهان اولیه و شکل‌گیری آن ترسیم کنند.

بخش مهمی از این امر از مشاهدات پس‌زمینه مایکروویو کیهانی ناشی می‌شود که حاوی تابش پس از نور و تشعشع باقی مانده از انفجار بزرگ است. این بقایای بیگ بنگ جهان را فراگرفته و برای آشکارسازهای مایکروویو قابل مشاهده است، که به دانشمندان اجازه می‌دهد تا سرنخ‌هایی از جهان اولیه را جمع‌آوری کنند.

در سال 2001، ناسا مأموریت کاوشگر ناهمسانگردی مایکروویو ویلکینسون (WMAP) را برای مطالعه شرایط موجود در کیهان اولیه با اندازه‌گیری تشعشعات پس‌زمینه مایکروویو کیهانی پرتاب کرد. در میان سایر اکتشافات، WMAP قادر به تعیین سن جهان - حدود 13.7 میلیارد سال است.

مرحله 2: اولین جهش رشد کیهان

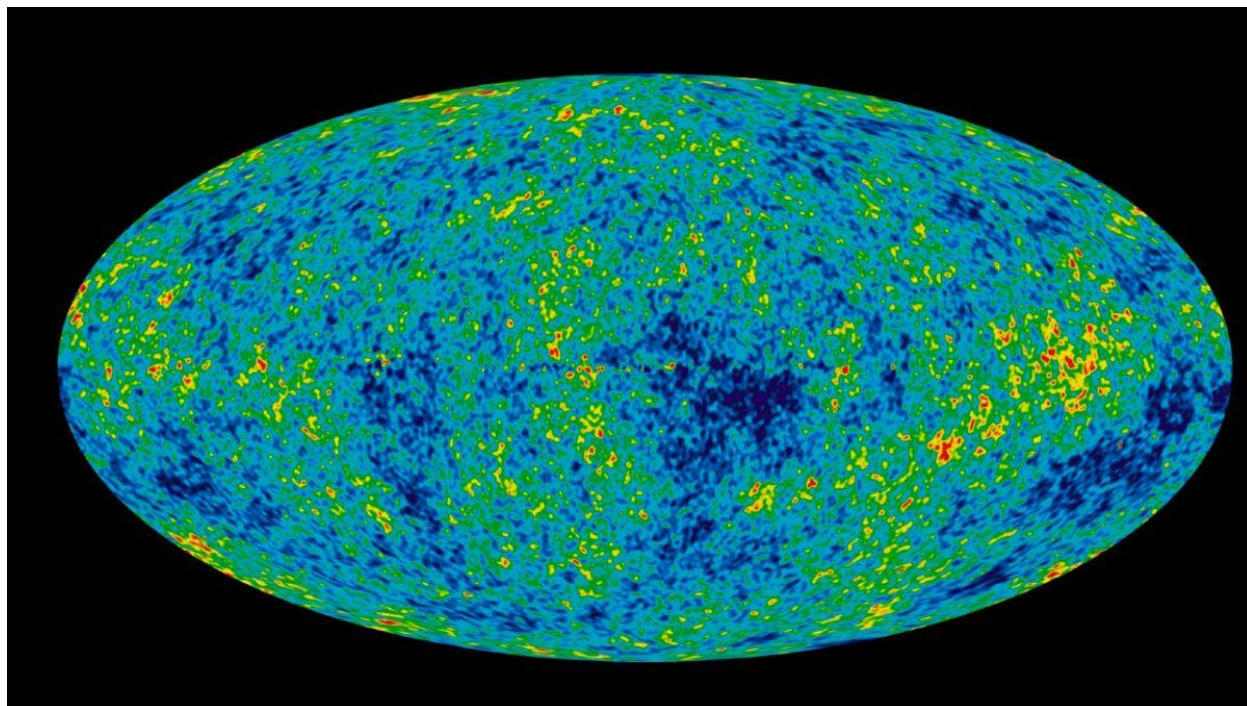


هنگامی که جهان بسیار جوان بود - چیزی در حدود یک صد میلیون سال پس از انفجار بزرگ - جهان در حال انبساط بود و در طول این انبساط، که به عنوان تورم شناخته می شود، جهان به طور تصاعدی رشد کرد و اندازه آن حداقل 90 برابر شد.

دیوید اسپرگل، اخترفیزیکدان نظری در دانشگاه پرینستون، نیوجرسی، گفت: جهان در حال انبساط بود و با انبساط، سردتر و چگالش کمتر شد. پس از تورم، جهان به رشد خود ادامه داد، اما با سرعت کمتر.

با گسترش فضا، جهان سرد شد و ماده شکل گرفت.

مرحله 3: برای درخشش خیلی داغ است



عناصر شیمیایی سبک در سه دقیقه اول شکل گیری کیهان ایجاد شدند. با انبساط جهان، دماها سرد شد و پروتون‌ها و نوترون‌ها با هم برخورد کردند و دوتریوم را ساختند که ایزوتوپ هیدروژن است. بسیاری از این دوتریوم برای ساختن هلیوم ترکیب شدند.

نقشه جهان از داده های WMAP ایجاد شده است

WMAP تصویر جدید و دقیق تری از جهان نوزاد ارائه کرده است. رنگ ها نشان دهنده نقاط "گرمتر" (قرمز) و "سردتر" (آبی) هستند. (اعتبار تصویر: تیم علمی ناسا/WMAP)

با این حال، برای 380000 سال اول پس از انفجار بزرگ، گرماي شدید ناشی از خلقت جهان اساساً آن را برای تابش نور بیش از حد داغ کرده بود. اتم ها با نیروی کافی به یکدیگر برخورد کردند تا به پلاسمای متراکم و مات از پروتون ها، نوترون ها و الکترون ها تجزیه شوند که نور را مانند مه پراکنده می کردند.

مرحله 4: بگذارید نور وجود داشته باشد

حدود 380000 سال پس از بیگ بنگ، ماده به اندازه کافی سرد شد تا الکترون ها با هسته ترکیب شوند و اتم های خنثی تشکیل دهند. این فاز به نام "بازترکیب" شناخته می شود و جذب الکترون های آزاد باعث شفاف شدن جهان شد. نوری که در این زمان منتشر شد، امروزه به شکل تابش از پس زمینه مایکروویو کیهانی قابل تشخیص است.

با این حال، دوران نوترکیبی با دوره‌ای از تاریکی پیش از تشکیل ستاره‌ها و دیگر اجرام درخشان دنبال شد.

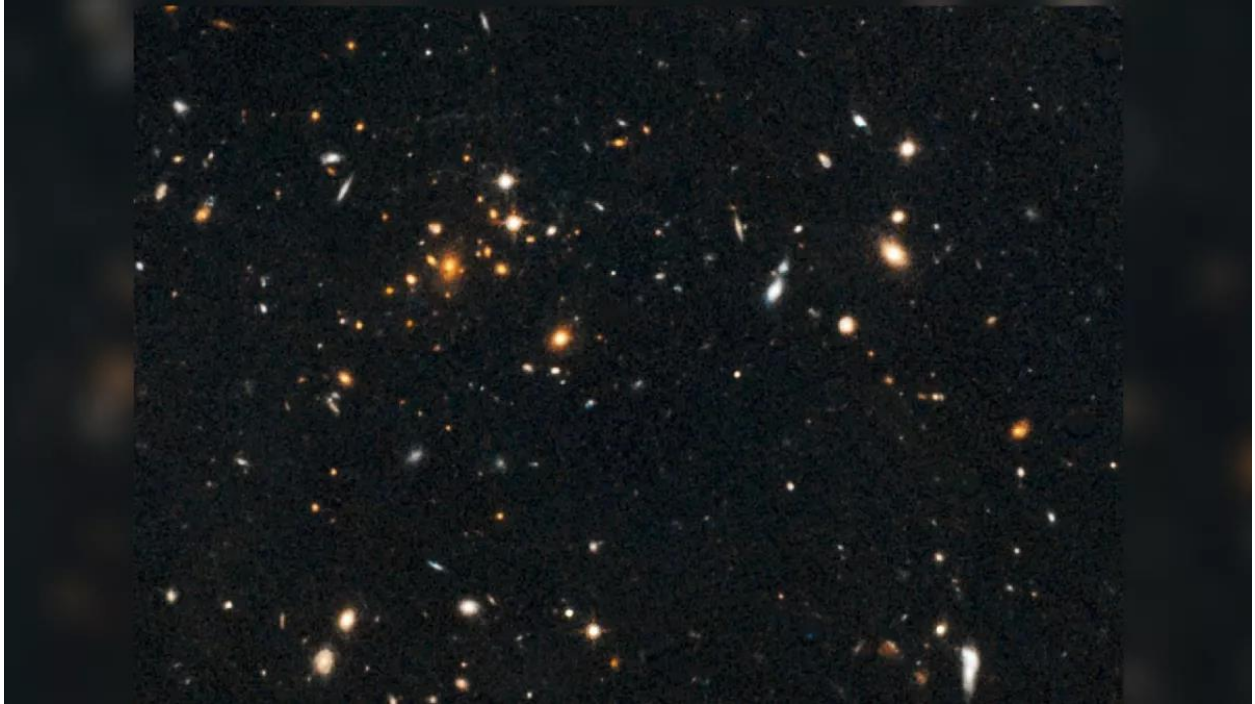
مرحله 5: ظهور از دوران تاریک کیهانی

تقریباً 400 میلیون سال پس از انفجار بزرگ، جهان شروع به بیرون آمدن از دوران تاریک خود کرد. این دوره در تکامل کیهان را عصر یونیزاسیون مجدد می نامند. تصور می‌شد که این مرحله پویا بیش از نیم میلیارد سال به طول انجامیده است، اما بر اساس مشاهدات جدید، دانشمندان فکر می‌کنند یونیزاسیون مجدد ممکن است سریع‌تر از آنچه قبلاً تصور می‌شد رخ داده باشد.

در طول این مدت، توده‌های گاز به اندازه کافی فرو ریختند تا اولین ستاره‌ها و کهکشان‌ها را تشکیل دهند. نور فرابنفش ساطع شده از این رویدادهای پرانرژی، بیشتر گاز هیدروژن خنثی اطراف را پاک و نابود کرد. فرآیند یونیزاسیون مجدد، به علاوه پاکسازی گاز هیدروژن مه‌آلود، باعث شد که جهان برای اولین بار در برابر نور فرابنفش شفاف شود.

مرحله 6: ستاره‌های بیشتر و کهکشان‌های بیشتر

تصویر هابل از کهکشان‌ها



تصویری که توسط تلسکوپ فضایی هابل ناسا گرفته شده است و خوشه ای از کهکشان ها را در فاصله 10 میلیارد سال نوری از ما نشان می دهد. (اعتبار تصویر:

NASA/ESA/دانشگاه فلوریدا، گینزویل/دانشگاه میسوری-کانزاس سیتی/ UC

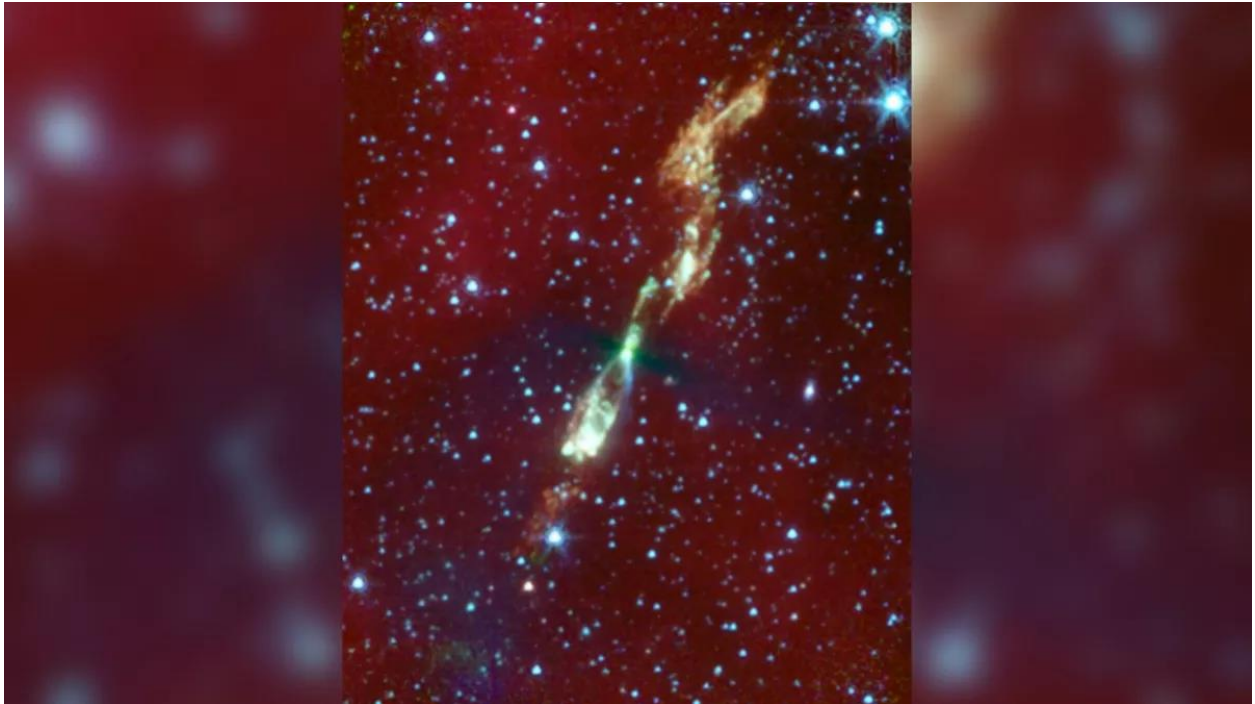
(Davis)

ستاره شناسان جهان را به دنبال دورترین و قدیمی ترین کهکشان ها می گردند تا به آنها در درک ویژگی های جهان اولیه کمک کنند. به طور مشابه، با مطالعه پسزمینه مایکروویو کیهانی، اخترشناسان می توانند به صورت معکوس کار کنند تا وقایع قبل را کنار هم بگذارند.

داده های مأموریت های قدیمی تر مانند WMAP و کاوشگر پسزمینه کیهانی (COBE) که در سال 1989 راه اندازی شد، و مأموریت هایی که هنوز در حال کار هستند،

مانند تلسکوپ فضایی هابل که در سال 1990 به فضا پرتاب شد، همگی به دانشمندان کمک می‌کنند تا بادوام‌ترین اسرار را حل کنند و به آنها پاسخ دهند. بحث برانگیزترین پرسش‌ها در کیهان‌شناسی

مرحله 7: تولد منظومه شمسی ما



تصویر مادون قرمز از ستاره در حال توسعه

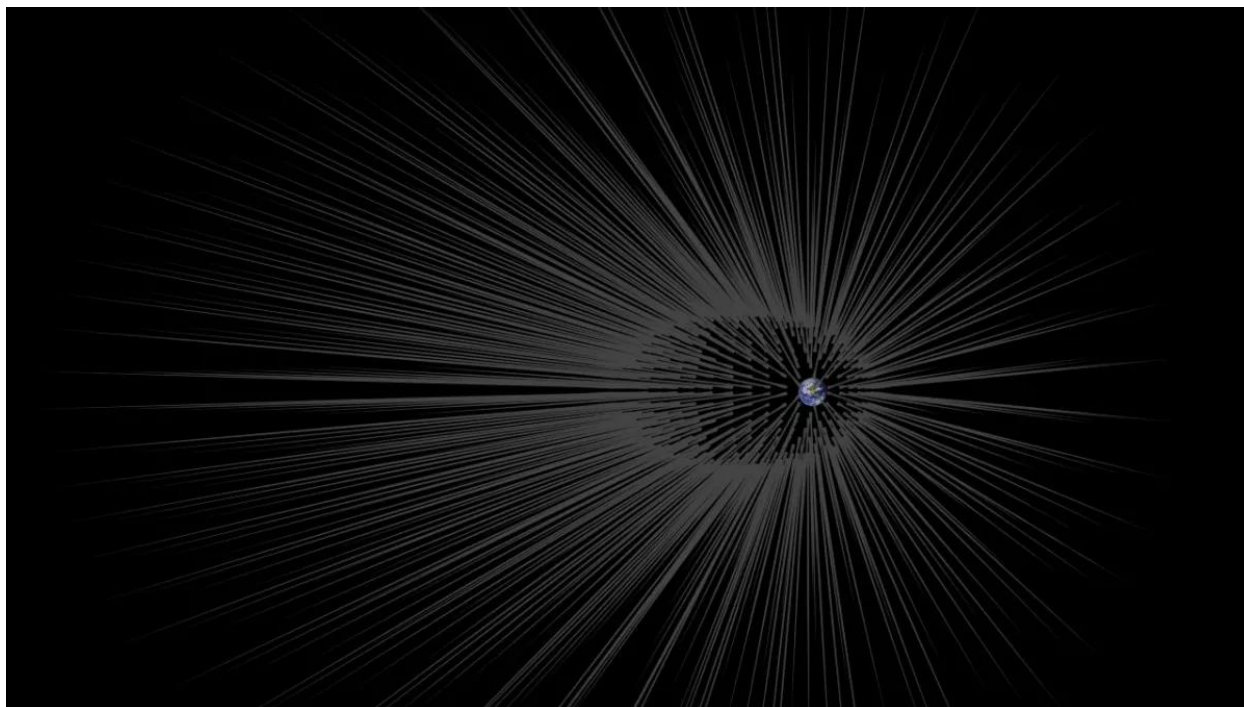
تخمین زده می‌شود که منظومه شمسی ما اندکی پس از 9 میلیارد سال پس از انفجار بزرگ متولد شده است، که باعث می‌شود حدود 4.6 میلیارد سال سن داشته باشد. بر اساس برآوردهای فعلی، خورشید یکی از بیش از 100 میلیارد

ستاره در کهکشان راه شیری ما به تنهایی است و تقریباً 25000 سال نوری از هسته کهکشان فاصله دارد.

نمایی مادون قرمز از یک ستاره در حال توسعه که توسط تلسکوپ فضایی اسپیتزر ناسا گرفته شده است. این نشان می دهد که منظومه شمسی ما میلیاردها سال پیش چه شکلی بوده است. (اعتبار تصویر: NASA/JPL-Caltech/AURA)

بسیاری از دانشمندان فکر می کنند خورشید و بقیه منظومه شمسی ما از یک ابر غول پیکر و چرخان از گاز و غبار به نام سحابی خورشیدی تشکیل شده اند. همانطور که گرانش باعث فروپاشی سحابی شد، سریعتر چرخید و به صورت یک دیسک صاف شد. در طول این مرحله، بیشتر مواد به سمت مرکز کشیده شدند تا خورشید را تشکیل دهند.

مرحله 8: چیزهای نامرئی در جهان



تصویری از رشته های زمین و ماده تاریک

در دهه های 1960 و 1970، ستاره شناسان به این فکر افتادند که ممکن است جرم بیشتری در جهان نسبت به آنچه قابل مشاهده است وجود داشته باشد. و را روبین ، ستاره شناس مؤسسه کارنگی واشنگتن، سرعت ستارگان را در مکان های مختلف کهکشان ها مشاهده کرد.

فیزیک پایه نیوتنی نشان می دهد که ستارگان حومه یک کهکشان آهسته تر از ستاره های مرکز می چرخند، اما روبین هیچ تفاوتی در سرعت ستارگان دورتر پیدا نکرد. در واقع، او دریافت که به نظر می رسد تمام ستارگان یک کهکشان با سرعت کم و بیش یکسان به دور مرکز می چرخند.

این توده مرموز و نامرئی به ماده تاریک معروف شد. ماده تاریک به دلیل کشش گرانشی است که بر ماده منظم اعمال می کند. یک فرضیه بیان می کند که این ماده مرموز می تواند توسط ذرات عجیب و غریبی که با نور یا ماده معمولی برهمکنش ندارند تشکیل شود، به همین دلیل است که تشخیص آن بسیار دشوار بوده است.

تصویری از زمین که توسط رشته هایی از ماده تاریک به نام "مو" احاطه شده است. (اعتبار تصویر: NASA/JPL-Caltech)

مرحله 9: جهان در حال گسترش و شتاب

در دهه 1920، ادوین هابل، ستاره شناس، کشفی انقلابی در مورد کیهان انجام داد. هابل با استفاده از تلسکوپ تازه ساخته شده در رصدخانه مونت ویلسون در لس آنجلس، مشاهده کرد که جهان ساکن نیست، بلکه در حال انبساط است. چند دهه بعد، در سال 1998، تلسکوپ فضایی پرکار به نام ستاره شناس معروف، تلسکوپ فضایی هابل، ابرنواخترهای بسیار دور را مطالعه کرد و دریافت که، مدت ها پیش، جهان آهسته تر از امروز منبسط می شد. این کشف شگفت انگیز بود، زیرا مدت ها تصور می شد که گرانش ماده در جهان انبساط آن را کاهش می دهد یا حتی باعث انقباض آن می شود.

تصور می شود که انرژی تاریک نیروی عجیبی است که کیهان را با سرعت فزاینده ای از هم جدا می کند، اما کشف نشده و در هاله ای از رمز و راز باقی می ماند.

وجود این انرژی گریزان که تصور می شود 80 درصد جهان را تشکیل می دهد، یکی از بحث های داغ در کیهان شناسی است.

مرحله 10: ما هنوز باید بیشتر بدانیم



تصویر JWST

برداشت یک هنرمند از تلسکوپ فضایی جیمز وب NASA/ESA/CSA. (اعتبار تصویر: NASA، ESA، S. Beckwith، STScI) و تیم HUDF، ATG medialab / STScI / Northrop Grumman Aerospace Systems

در حالی که در مورد خلقت و تکامل جهان چیزهای زیادی کشف شده است، سوالات پایداری وجود دارد که بی پاسخ مانده است. ماده تاریک و انرژی تاریک همچنان دو مورد از بزرگترین رازها هستند، اما کیهان شناسان به کاوش در جهان به امید درک بهتر چگونگی شروع همه چیز ادامه می دهند.

تلسکوپ فضایی جیمز وب (JWST) که در سال 2021 پرتاب شد، به شکار ماده تاریک گریزان ادامه خواهد داد و همچنین با استفاده از ابزارهای فرسرخ خود به آغاز زمان و تکامل کیهان نگاه خواهد کرد.

منابع اضافی

برای اطلاعات بیشتر در مورد تکامل کیهان، کتاب "تاریخ کیهان" را بررسی کنید توسط دیوید اچ. لیث یا کتاب "تاریخ مختصر زمان توسط استیون هاوکینگ. همچنین می‌توانید از اکتشافات JWST مطلع شوید، از صفحه وب اختصاصی ناسا یا صفحه وب اختصاصی آژانس فضایی اروپا دیدن کنید .

سیارات منظومه شمسی، نظم و شکل گیری

ترتیب سیارات منظومه شمسی که از نزدیک‌ترین نقطه به خورشید شروع می‌شوند و به سمت بیرون حرکت می‌کنند به شرح زیر است: عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و سپس سیاره نهم ممکن.

منظومه شمسی از خورشید امتداد می‌یابد، از چهار سیاره درونی می‌گذرد، از طریق کمربند سیارکی به چهار گول گازی می‌رسد و به کمربند کویپر دیسک‌شکل می‌رسد و بسیار فراتر از آن به هلیوپوز قطره‌ای شکل می‌رسد.

دانشمندان تخمین می‌زنند که لبه منظومه شمسی حدود 9 میلیارد مایل (15 میلیارد کیلومتر) از خورشید فاصله دارد. فراتر از هلیوپاز، ابر اورت کروی و گول پیکر قرار دارد که تصور می‌شود منظومه شمسی را احاطه کرده است.

از زمان کشف پلوتون در سال 1930، بچه‌ها با یادگیری اینکه منظومه شمسی 9 سیاره دارد بزرگ شدند. همه چیز در اواخر دهه 1990 تغییر کرد، زمانی که ستاره شناسان شروع به بحث در مورد اینکه آیا پلوتون واقعا یک سیاره است یا خیر. در یک تصمیم بسیار بحث برانگیز، اتحادیه بین المللی نجوم در نهایت در سال 2006

تصمیم گرفت پلوتون را به عنوان یک "سیاره کوتوله" معرفی کند و فهرست سیارات واقعی منظومه شمسی را به هشت سیاره کاهش داد.

اگر اصرار دارید که پلوتو را بگنجانید، پس از نپتون در لیست قرار می‌گیرد. پلوتون واقعاً در آنجا و در مداری بیضی شکل و شیب دار قرار دارد (دو مورد از دلایل متعددی که باعث کاهش رتبه آن شده است).

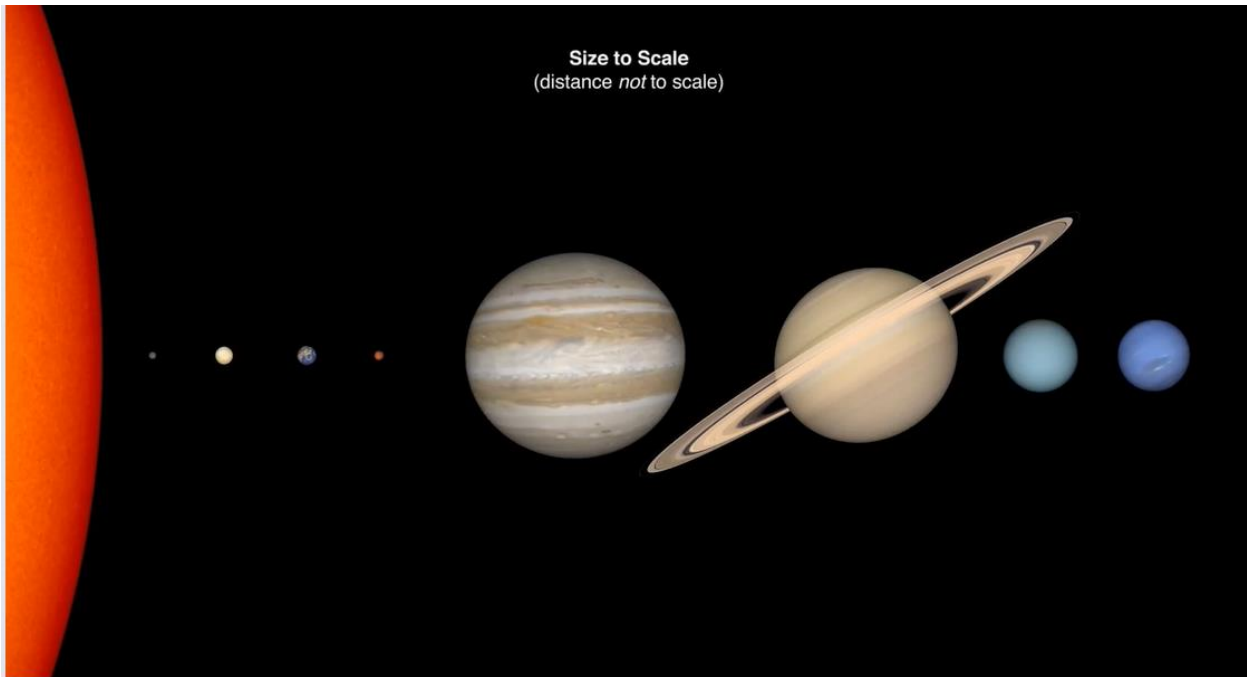
با این حال، ستاره شناسان هنوز در جستجوی یک سیاره احتمالی دیگر در منظومه شمسی ما هستند، سیاره نهم واقعی، پس از اینکه شواهد ریاضی وجود آن در 20 ژانویه 2016 فاش شد. اعتقاد بر این است که جرم آن حدود 10 برابر جرم زمین و 5000 برابر جرم پلوتون است.

انواع سیارات در منظومه شمسی

چهار سیاره درونی نزدیک به خورشید - عطارد، زهره، زمین و مریخ - اغلب "سیاره های زمینی" نامیده می‌شوند زیرا سطح آنها سنگی است. پلوتون همچنین دارای یک سطح صخره‌ای، هرچند یخ زده، است، اما هرگز با چهار زمینی گروه بندی نشده است.

چهار دنیای بیرونی بزرگ - مشتری، زحل، اورانوس و نپتون - گاهی اوقات سیارات جووین یا "مشتری مانند" نامیده می‌شوند، زیرا اندازه آنها نسبت به سیارات

زمینی بسیار زیاد است. آنها همچنین بیشتر از گازهایی مانند هیدروژن، هلیوم و آمونیاک به جای سطوح سنگی ساخته شده‌اند، اگرچه ستاره‌شناسان معتقدند برخی یا همه آنها ممکن است دارای هسته‌های جامد باشند.



ترتیب سیارات بر اساس اندازه (کوچکترین تا بزرگترین)

اگر بخواهید سیارات را بر اساس اندازه از کوچک‌ترین به بزرگ‌تر مرتب کنید، عطارد، مریخ، زهره، زمین، نپتون، اورانوس، زحل و مشتری خواهند بود.

مشتری و زحل را گاهی غول‌های گازی می‌نامند، در حالی که اورانوس و نپتون دورتر را غول‌های یخی نامیده‌اند. به گفته انجمن سیارات، این به این دلیل است که اورانوس و نپتون دارای آب جوی و سایر مولکول‌های یخ‌ساز مانند متان، سولفید

هیدروژن و فسفن هستند که در شرایط سرد سیارات به شکل ابرها متبلور می‌شوند. برای چشم انداز، بر اساس کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده، متان در دمای منفی 296 فارنهایت (منهای 183 درجه سانتیگراد) متبلور می‌شود

سیاره چیست (و نیست)؟

IAU تعریف می‌کند یک سیاره واقعی به عنوان جسمی که دور خورشید می‌چرخد بدون اینکه ماهواره جسم دیگری باشد. به اندازه‌ای بزرگ است که توسط گرانش خود گرد شود (اما نه آنقدر بزرگ که شروع به همجوشی هسته‌ای، مانند یک ستاره) کند. و همسایگی خود را از اکثر اجسام در حال گردش دیگر "پاکسازی کرده است".

اما این تعریف محدود کننده به جداسازی آنچه که باید و نباید سیاره در نظر گرفته شود کمک کرد - مشکلی که با کشف بیشتر و بیشتر اجرام سیاره مانند در منظومه شمسی توسط ستاره شناسان به وجود آمد. پلوتون از جمله اجرامی بود که برش را انجام نداد و دوباره به عنوان یک سیاره کوتوله طبقه بندی شد.

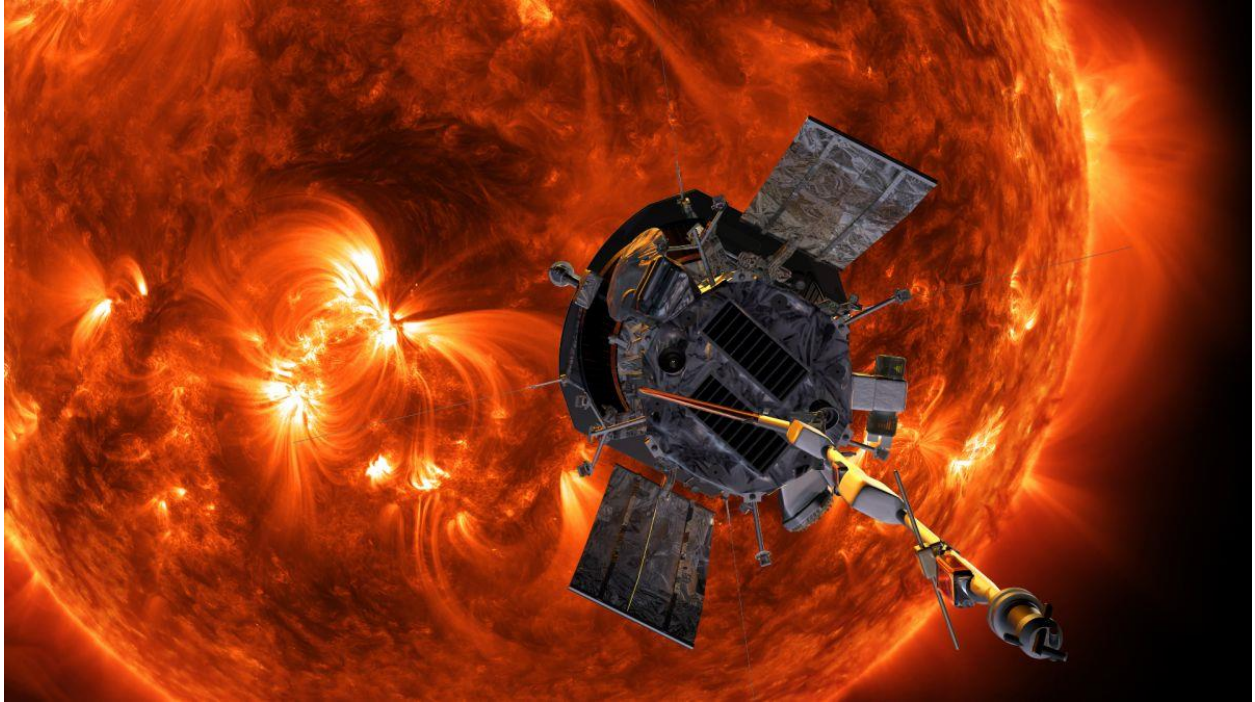
مشکل پلوتو، جدای از اندازه کوچک و مدار غیرمنتظره اش، این است که همسایگی خود را از زباله‌ها پاک نمی‌کند - فضای خود را با بسیاری از اجرام دیگر در کمربند کوپیر به اشتراک می‌گذارد. با این حال، تنزل پلوتون همچنان بحث برانگیز است.

تعریف سیاره IAU همچنین جهان های کوچک و گرد دیگری را در دسته سیارات کوتوله قرار می دهد ، از جمله اجرام کمربند کویپر Eris ، Haumea و Makemake .

سرس ، یک جسم گرد در کمربند سیارکی بین مریخ و مشتری، نیز چکمه را دریافت کرد. سرس زمانی که در سال 1801 کشف شد یک سیاره در نظر گرفته شد، اما بعداً به عنوان یک سیارک شناخته شد. این هنوز کاملاً مناسب نبود زیرا بسیار بزرگتر (و گردتر) از سایر سیارک ها بود. ستاره شناسان در عوض در سال 2006 آن را یک سیاره کوتوله دانستند، اگرچه برخی از ستاره شناسان دوست دارند سرس را به عنوان سیاره دهم در نظر بگیرند

در زیر مروری کوتاه بر هشت سیاره واقعی در منظومه شمسی داریم که از نزدیکترین سیاره به خورشید به دورترین فاصله از خورشید حرکت می کنند:

خورشید



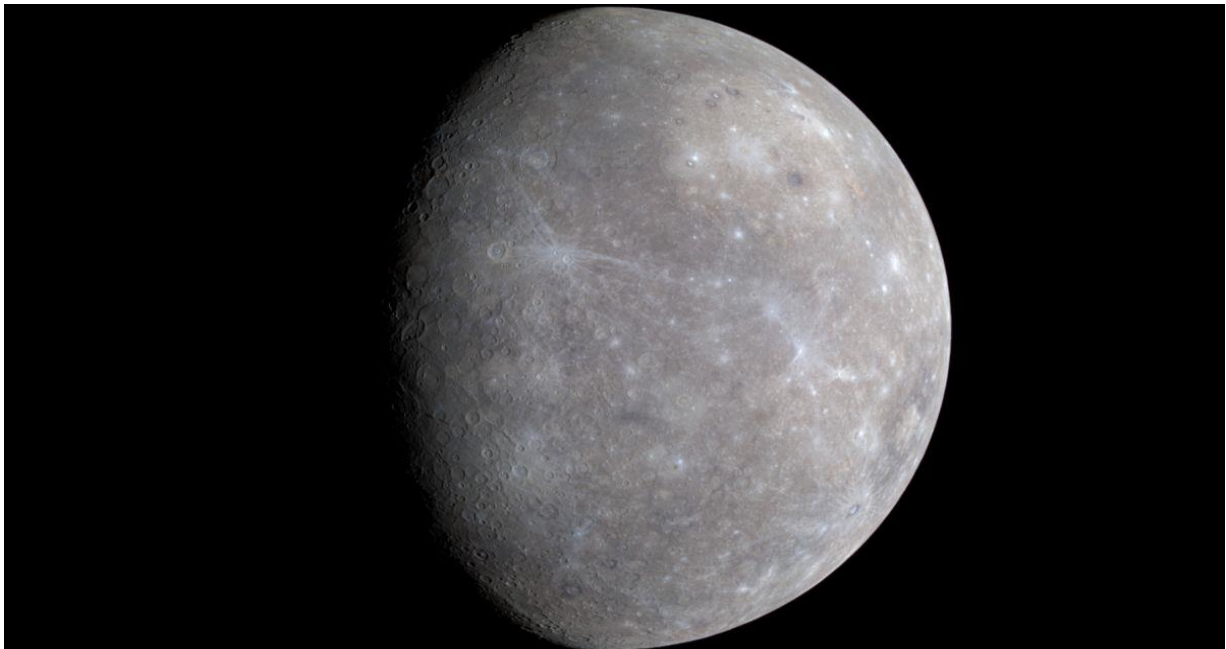
تصویری از کاوشگر خورشیدی پارکر و خورشید.

تصویر یک هنرمند از کاوشگر خورشیدی پارکر در حال مطالعه خورشید. (اعتبار تصویر: آزمایشگاه فیزیک کاربردی دانشگاه جان هاپکینز)

خورشید تا حد زیادی بزرگترین جرم منظومه شمسی است که 99.8 درصد از جرم منظومه شمسی را شامل می شود. بیشتر گرما و نوری که زندگی را روی زمین و احتمالاً در جاهای دیگر ممکن می سازد، دفع می کند. سیارات در مسیرهای بیضی شکلی به نام بیضی به دور خورشید می چرخند که خورشید کمی از مرکز هر بیضی فاصله دارد.

ناسا دارای ناوگانی از فضاپیماهایی است که خورشید را رصد می کنند، مانند کاوشگر خورشیدی پارکر ، تا در مورد ترکیب آن بیشتر بیاموزند و پیش بینی های بهتری در مورد آب و هوای فضا و تأثیر آن بر روی زمین انجام دهند.

عطارد: نزدیکترین سیاره به خورشید



عطارد نزدیکترین سیاره به خورشید است. این سیاره در اینجا با فضاپیما مسنجر ناسا به تصویر کشیده شده است. (اعتبار تصویر: ناسا/آزمایشگاه فیزیک کاربردی دانشگاه جان هاپکینز/کارنگی)

عطارد نزدیکترین سیاره به خورشید و کوچکترین سیاره در منظومه شمسی است - فقط کمی بزرگتر از ماه زمین است. عطارد تنها در 88 روز به دور خورشید می چرخد و به این دلیل که به ستاره ما بسیار نزدیک است (حدود دو پنجم فاصله زمین و خورشید).

عطارد تغییرات چشمگیری را در دمای شبانه روز خود تجربه می کند. دمای جیوه می تواند به 840 فارنهایت (450 درجه سانتیگراد) در روز برسد که برای ذوب سرب به اندازه کافی گرم است. در همین حال، در سمت شب، دما به منفی 290 فارنهایت (منهای 180 درجه سانتیگراد) کاهش می یابد.

حقایق عطارد

- کشف: برای یونانیان باستان شناخته شده و با چشم غیر مسلح قابل مشاهده است

- به نام فرستاده خدایان رومی

- قطر: 3031 مایل (4878 کیلومتر)

- مدار: 88 روز زمینی

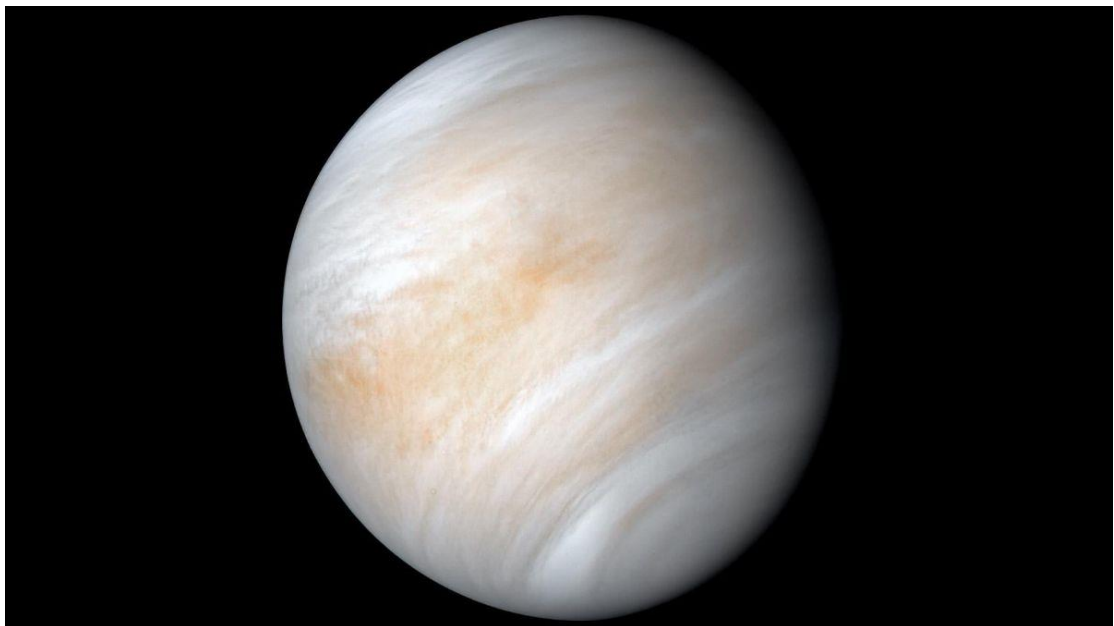
- روز: 58.6 روز زمین

- تعداد قمرها: 0

جو عطارد بسیار نازک است و عمدتاً از اکسیژن، سدیم، هیدروژن، هلیوم و پتاسیم تشکیل شده است. از آنجایی که اتمسفر آنقدر نازک است که نمی تواند شهاب های ورودی را وارد کند، بنابراین سطح آن مانند ماه ما با دهانه ها پوشیده شده است .

فضاپیماي مسنجر ناسا طی ماموریت چهار ساله خود، اکتشافات باورنکردنی را فاش کرد که انتظارات اخترشناسان را به چالش کشید. از جمله این یافته‌ها، کشف یخ آب و ترکیبات آلی منجمد در قطب شمال عطارد بود و اینکه آتشفشان نقش مهمی در شکل‌دهی سطح سیاره داشت.

زهره: همزاد منظومه شمسی زمین



تصویری تازه پردازش شده (2020) از زهره که توسط فضاپیماي مارینر 10 ناسا گرفته شده است. (اعتبار تصویر:

(NASA/JPL-Caltech)

زهره دومین سیاره از خورشید است و داغ‌ترین سیاره منظومه شمسی است. جو ضخیم آن بسیار سمی است و از ابرهای اسید سولفوریک تشکیل شده است، این سیاره نمونه‌ای افراطی از اثر گلخانه‌ای است.

حقایق ناهید

- کشف: برای یونانیان باستان شناخته شده و با چشم غیر مسلح قابل مشاهده است

- به نام الهه رومی عشق و زیبایی

- قطر: 7521 مایل (12104 کیلومتر)

- مدار: 225 روز زمینی

- روز: 241 روز زمینی

- تعداد قمرها: 0

میانگین دمای سطح زهره 900 فارنهایت (465 درجه سانتیگراد) است. در 92 بار، فشار روی سطح شما را خرد کرده و می کشد. و به طرز عجیبی، زهره به آرامی از شرق به غرب می چرخد، در جهت مخالف بیشتر سیارات دیگر.

زهره گاهی اوقات به عنوان دوقلوی زمین شناخته می شود زیرا اندازه آنها مشابه است و تصاویر رادار در زیر جو آن کوه ها و آتشفشان های متعددی را نشان می دهد. اما فراتر از آن، سیارات نمی توانند متفاوت تر از این باشند.

یونانیان بر این باور بودند که زهره دو جرم متفاوت است - یکی در آسمان صبح و دیگری در عصر. از آنجایی که زهره اغلب از هر جسم دیگری در آسمان درخشان تر است، گزارش های بسیاری از یوفوها تولید کرده است.

زمین: سیاره خانه ما، پر از زندگی



یکی از دقیق ترین تصاویر زمین. این مونتاز از عکس های گرفته شده توسط ابزار Visible/Infrared Imager Radiometer Suite (VIIRS) روی ماهواره Suomi NPP ایجاد شده است. (اعتبار تصویر: ناسا)

زمین ، سیاره اصلی ما ، سومین سیاره از خورشید است. این یک دنیای آبی است که دو سوم سیاره آن را آب پوشانده است. جو زمین سرشار از نیتروژن و اکسیژن است و تنها دنیایی است که در آن حیات وجود دارد.

حقایق زمین

- نام از "Die Erde"، کلمه آلمانی "زمین" گرفته شده است.

- قطر: 7926 مایل (12760 کیلومتر)

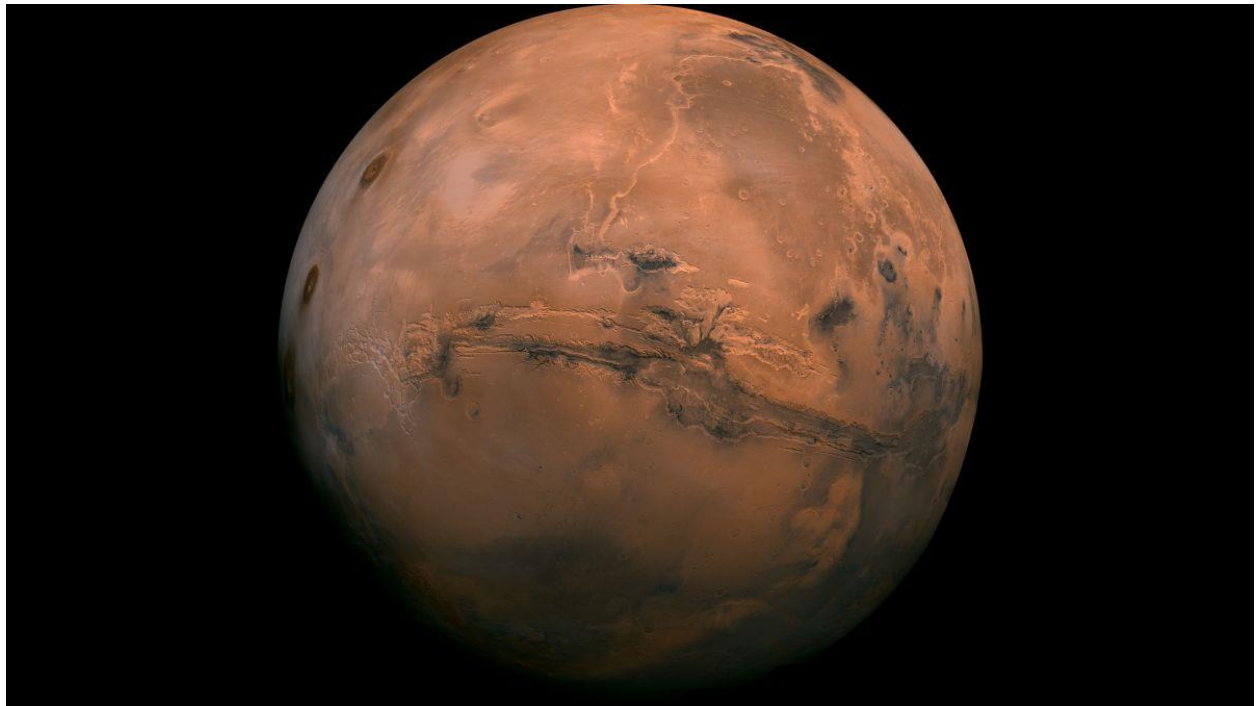
- مدار: 365.24 روز

- روز: 23 ساعت و 56 دقیقه

- تعداد قمر: 1

زمین با سرعت 1532 فوت در ثانیه (467 متر در ثانیه) - کمی بیشتر از 1000 مایل در ساعت (1600 کیلومتر در ساعت) - در خط استوا به دور محور خود می چرخد. این سیاره با سرعت بیش از 18 مایل در ثانیه (29 کیلومتر در ثانیه) به دور خورشید می چرخد .

مریخ: سیاره سرخ منظومه شمسی



موزاییک دره مارینریس نیمکره مریخ. این تصویر از 102 تصویر مدارگرد وایکینگ از مریخ ایجاد شده است. (اعتبار تصویر: (NASA/JPL-Caltech

مریخ چهارمین سیاره از خورشید است. این سیاره سرد و بیابانی مانند پوشیده از غبار اکسید آهن است که رنگ قرمز مشخصی به سیاره می دهد. مریخ شباهت‌هایی با زمین دارد: صخره‌ای است، دارای کوه‌ها، دره‌ها و سیستم‌های طوفانی است که از شیاطین گرد و غبار شبیه گردباد محلی گرفته تا طوفان‌های گرد و غبار سیاره‌ای را فرا می‌گیرند.

شواهد علمی قابل توجهی نشان می دهد که مریخ در یک نقطه میلیاردها سال پیش، جهان بسیار گرمتر و مرطوب تر، رودخانه ها و شاید حتی اقیانوس ها وجود داشته است. اگرچه اتمسفر مریخ آنقدر نازک است که آب مایع برای مدت زمان طولانی روی سطح وجود نداشته باشد، بقایای آن مریخ مرطوب تر هنوز هم امروزه وجود دارد. لایه های آب یخی به اندازه کالیفرنیا در زیر سطح مریخ قرار دارند و در هر دو قطب کلاهک های یخی ساخته شده از بخشی از آب یخ زده وجود دارد.

حقایق مریخ

- کشف: برای یونانیان باستان شناخته شده و با چشم غیر مسلح قابل مشاهده است

- به نام خدای جنگ رومی

- قطر: 4217 مایل (6787 کیلومتر)

- روز: فقط بیش از یک روز زمینی (24 ساعت و 37 دقیقه)

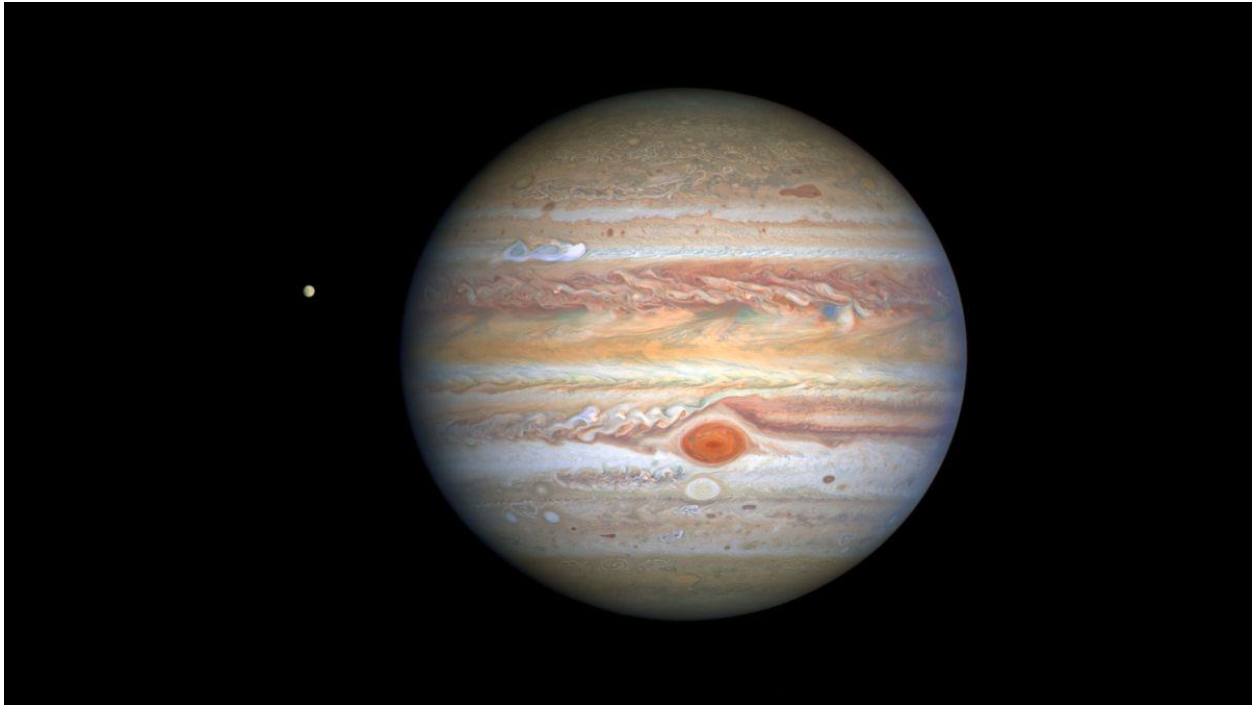
- تعداد قمر: 2

دانشمندان همچنین بر این باورند که مریخ باستانی شرایط لازم برای حمایت از حیات مانند باکتری ها و سایر میکروب ها را داشته است. امید به اینکه نشانه‌هایی از این حیات گذشته - و احتمال حتی شکل‌های حیات فعلی - ممکن است در سیاره سرخ وجود داشته باشد، مأموریت‌های متعددی را در مریخ انجام داده است و سیاره سرخ اکنون یکی از سیارات مورد بررسی در منظومه شمسی است.

کمربند سیارکی

کمربند سیارکی بین مریخ و مشتری قرار دارد. سیارک‌ها سیارات کوچکی هستند و طبق گزارش ناسا تقریباً بین 1.1 تا 1.9 میلیون سیارک وجود دارد. در کمربند اصلی سیارک‌ها با قطر بزرگتر از 0.6 مایل (1 کیلومتر) و میلیون‌ها سیارک کوچکتر دیگر. سیاره کوتوله سرس با قطر حدود 590 مایل (950 کیلومتر) در اینجا ساکن است. تعدادی از سیارک‌ها دارای مدارهایی هستند که آنها را به منظومه شمسی نزدیک می‌کند و گاهی اوقات آنها را به برخورد با زمین یا سایر سیارات درونی می‌کشاند.

مشتری: بزرگترین سیاره در منظومه شمسی



این تصویر خیره کننده از مشتری که توسط تلسکوپ فضایی هابل گرفته شده است، در 25 اوت 2020 گرفته شده است و امواجی در جو سیاره، لکه قرمز بزرگ مشهور مشتری و رنگ های خیره کننده سیاره را نشان می دهد. (اعتبار تصویر: NASA، ESA، STScI، A. Simon (مرکز پرواز فضایی گذارد)، MH Wong (دانشگاه کالیفرنیا، برکلی)، و تیم OPAL)

مشتری پنجمین سیاره از خورشید و بزرگترین سیاره منظومه شمسی است. به گفته ناسا، این غول گازی بیش از دو برابر کل سیارات دیگر جرم دارد.

حقایق مشتری

- کشف: برای یونانیان باستان شناخته شده و با چشم غیر مسلح قابل مشاهده

است

- به نام فرمانروای خدایان رومی

- قطر: 86881 مایل (139822 کیلومتر)

- مدار: 11.9 سال زمینی

- روز: 9.8 ساعت زمین

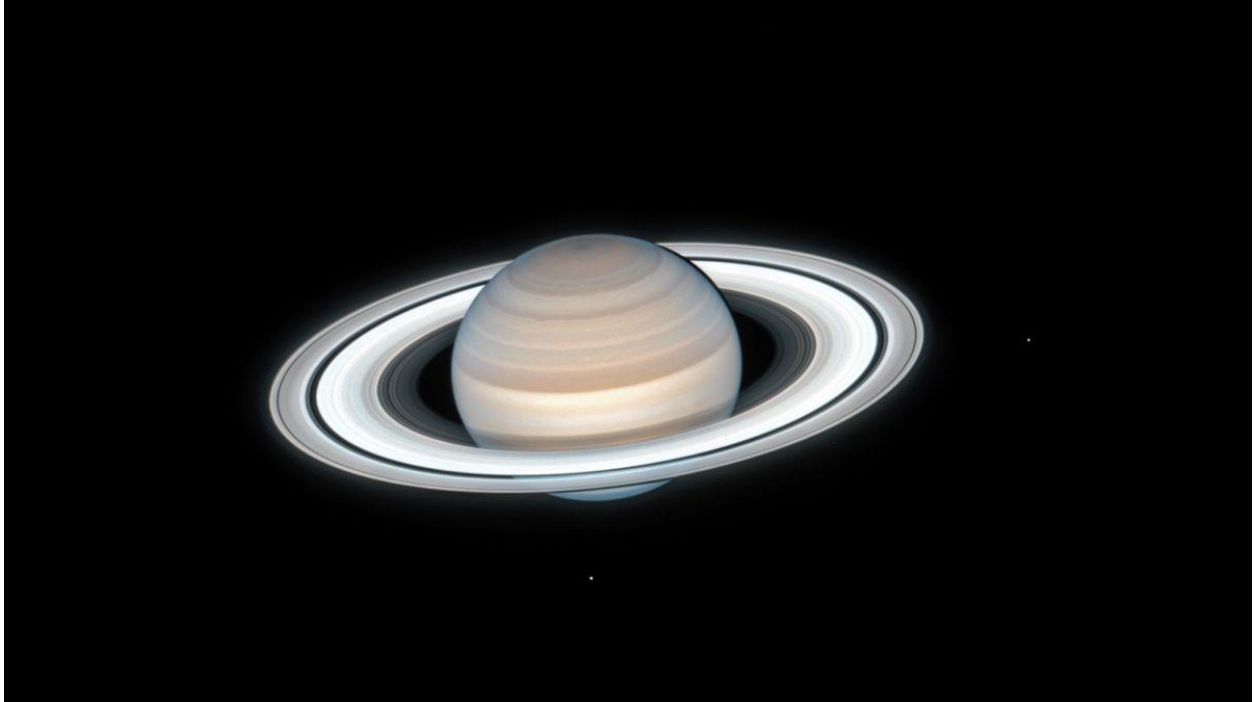
- تعداد قمرها: 79 (53 تأیید شده، 26 قمر موقت)

ابره‌های چرخان آن به دلیل انواع مختلف گازهای کمیاب از جمله یخ آمونیاک، بلورهای هیدروسولفید آمونیوم و همچنین یخ و بخار آب رنگارنگ هستند.

یکی از ویژگی‌های معروف در ابره‌های چرخان آن، لکه قرمز بزرگ مشتری است، طوفانی غول پیکر با بیش از 10000 مایل پهنا، که اولین بار در سال 1831 توسط ستاره‌شناس آماتور ساموئل هاینریش شوابه مشاهده شد. حداقل در 150 سال گذشته بیش از 400 مایل در ساعت سرعت داشته است.

مشتری دارای میدان مغناطیسی قوی است و دارای 75 قمر از جمله بزرگترین قمر منظومه شمسی، گانیمد است.

زحل: جواهر حلقه دار منظومه شمسی



تلسکوپ فضایی هابل این تصویر را از زحل در تابستان نیمکره شمالی آن در 4 ژوئیه 2020 ثبت کرد. (اعتبار تصویر: NASA، ESA، A. Simon (مرکز پرواز فضایی گدارد)، MH Wong (دانشگاه کالیفرنیا، برکلی)، و تیم OPAL)

زحل ششمین سیاره از خورشید است و به دلیل سیستم حلقه ای بزرگ و متمایزش مشهور است . اگرچه زحل تنها سیاره منظومه شمسی با حلقه نیست.

حقایق زحل

- کشف: برای یونانیان باستان شناخته شده و با چشم غیر مسلح قابل مشاهده است

- به نام خدای کشاورزی رومی

- قطر: 74900 مایل (120500 کیلومتر)

- مدار: 29.5 سال زمینی

- روز: حدود 10.5 ساعت زمین

- تعداد قمر: 82 (53 تأیید شده، 29 قمر موقت)

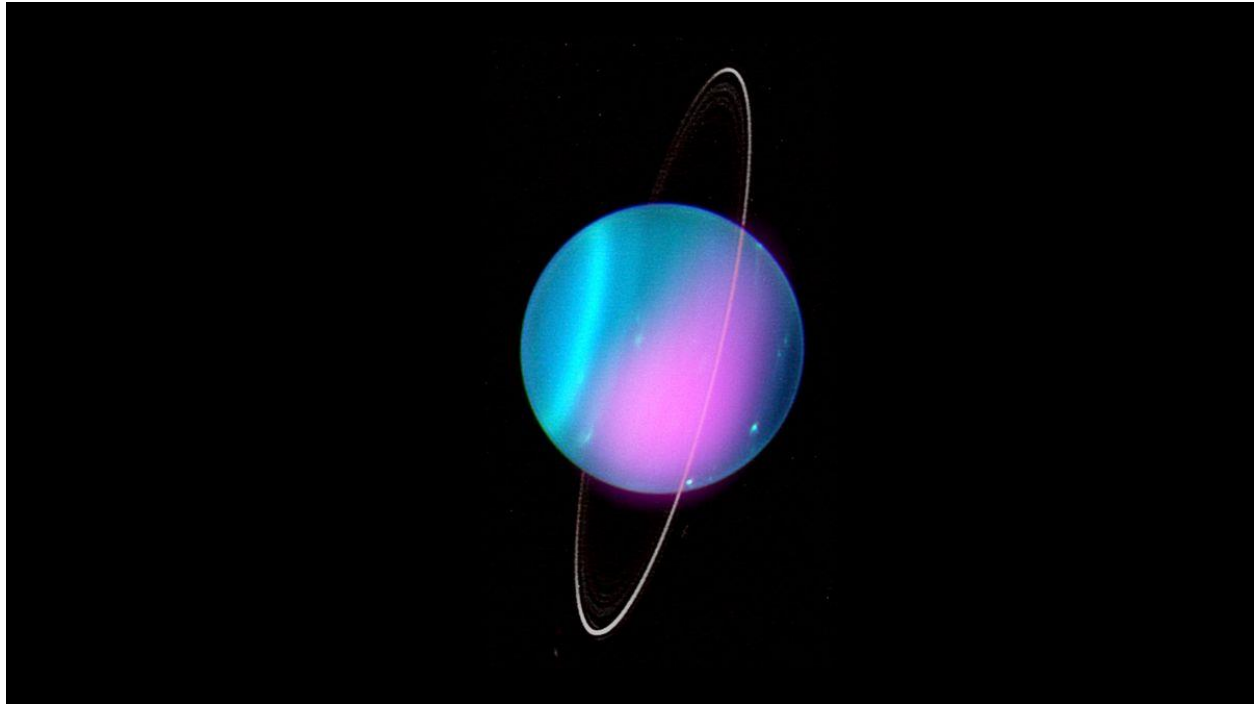
آیا می دانستید؟

اگر زحل را در وان حمام قرار دهید، چون زحل چگالی متوسطی دارد که کمتر از آب است. شما فقط باید یک وان حمام به اندازه کافی بزرگ پیدا کنید...

هنگامی که گالیله برای اولین بار زحل را در اوایل دهه 1600 مطالعه کرد، فکر کرد که این جسم دارای سه قسمت است: یک سیاره و دو قمر بزرگ در دو طرف. اخترشناس گیج بدون اینکه می دانست سیاره‌ای با حلقه‌ها را می بیند، یک نقاشی کوچک - نمادی با یک دایره بزرگ و دو دایره کوچکتر - را به عنوان اسم در جمله‌ای که کشف خود را توصیف می‌کند، در دفترچه‌اش وارد کرد. بیش از 40 سال بعد، کریستیان هویگنس پیشنهاد کرد که آنها حلقه هستند.

این حلقه‌ها از یخ و سنگ ساخته شده اند و دانشمندان هنوز مطمئن نیستند که چگونه شکل گرفته اند. این سیاره گازی عمدتاً هیدروژن و هلیوم است و قمرهای متعددی دارد.

اورانوس: سیاره کج و کج در منظومه شمسی ما



اشعه ایکس از اورانوس با استفاده از رصدخانه پرتو ایکس چاندرا ناسا شناسایی شده است. (اعتبار تصویر: اشعه ایکس: NASA/CXO/University College London/W. Dunn et al; Optical: WM Keck Observatory)

اورانوس هفتمین سیاره از خورشید است و کمی عجیب است.

این ابرها از سولفید هیدروژن ساخته شده است، همان ماده شیمیایی که باعث می شود تخم مرغ های فاسد بوی بدی دهند. مانند زهره از شرق به غرب می چرخد. اما بر خلاف زهره یا هر سیاره دیگری، استوای آن تقریباً در زوایای قائمه نسبت به مدار خود قرار دارد - اساساً به دور خود می چرخد.

حقایق اورانوس

- کشف: 1781 توسط ویلیام هرشل (در ابتدا تصور می شد یک ستاره است)

- به خاطر تجسم بهشت در اساطیر باستان نامگذاری شده است

- قطر: 31763 مایل (51120 کیلومتر)

- مدار: 84 سال زمینی

- روز: 18 ساعت زمین

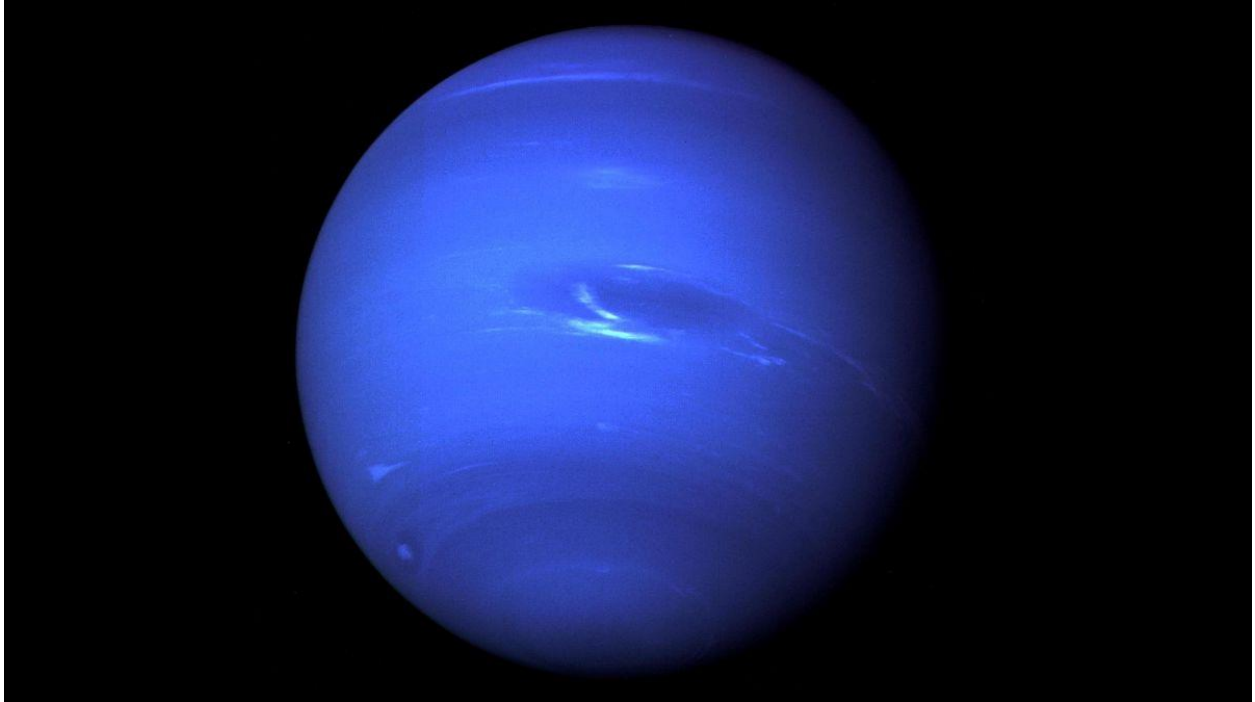
- تعداد قمر: 27

ستاره شناسان بر این باورند که جرمی دو برابر زمین تقریباً 4 میلیارد سال پیش با اورانوس برخورد کرده و باعث کج شدن اورانوس شده است. این شیب باعث ایجاد فصول شدیدی می شود که بیش از 20 سال طول می کشد و خورشید به مدت 84 سال زمینی در یک زمان روی یک یا قطب دیگر می تابد.

همچنین تصور می شود که این برخورد سنگ و یخ را به مدار اورانوس کوبیده است. این قمرها بعداً به برخی از 27 قمر سیاره تبدیل شدند . متان در جو اورانوس رنگ آبی مایل به سبز را به سیاره می بخشد. همچنین دارای 13 مجموعه حلقه کم رنگ است.

اورانوس رکورد سردترین دمای اندازه گیری شده در منظومه شمسی را دارد - منفی 371.56 درجه فارنهایت (منفی 224.2 درجه سانتیگراد). میانگین دمای اورانوس منفی 320 درجه فارنهایت (-195 درجه سانتیگراد) است.

نپتون: سیاره آبی غول پیکر و طوفانی



بادهای نپتون با سرعت بیش از 1500 مایل در ساعت حرکت می کنند و سریع ترین بادهای سیاره ای در منظومه شمسی هستند. (اعتبار تصویر: NASA/JPL)

نپتون هشتمین سیاره از خورشید است و به طور متوسط سردترین سیاره منظومه شمسی است. میانگین دمای نپتون در بالای ابرها منفی 346 درجه فارنهایت (منفی 210 درجه سانتیگراد) است.

حقایق نپتون

- کشف: 1846

- به نام خدای آب رومی

- قطر: 30775 مایل (49530 کیلومتر)

- مدار: 165 سال زمینی

- روز: 19 ساعت زمین

- تعداد قمر: 14

نپتون تقریباً به اندازه اورانوس است و به خاطر بادهای قوی مافوق صوت خود شناخته شده است. فاصله این سیاره از خورشید بیش از 30 برابر زمین است. نپتون اولین سیاره ای بود که با استفاده از ریاضیات پیش بینی شده بود به جای تشخیص بصری وجود داشته باشد. بی نظمی در مدار اورانوس، ستاره شناس فرانسوی الکسیس بووارد را بر آن داشت تا پیشنهاد کند که سیاره دیگری ممکن است در حال انجام یک کشش گرانشی باشد. یوهان گال، ستاره شناس آلمانی، از محاسباتی برای کمک به یافتن نپتون در تلسکوپ استفاده کرد. جرم نپتون حدود 17 برابر زمین است و هسته ای سنگی دارد.

منطقه فرا نپتونی

ستاره‌شناسان مدت‌ها گمان می‌کردند که نواری از مواد یخی معروف به کمربند کویپر در گذشته مدار نپتون وجود دارد که از حدود 30 تا 55 برابر فاصله زمین تا خورشید امتداد دارد و از دهه آخر قرن بیستم تاکنون، آنها بیش از هزار شیء از این دست پیدا کرده اند. دانشمندان تخمین می‌زنند که کمربند کویپر احتمالاً خانه

صدها هزار جسم یخی بزرگتر از 60 مایل (100 کیلومتر) و همچنین یک تریلیون یا بیشتر دنباله دار است.

پلوتو که اکنون یک سیاره کوتوله محسوب می شود، در کمربند کوپیر زندگی می کند. این تنها نیست - اضافه شده های اخیر عبارتند از Haumea، Makemake و Eris. یکی دیگر از جرمهای کمربند کوپیر به نام Quaoar احتمالاً به اندازه ای بزرگ است که بتوان آن را یک سیاره کوتوله در نظر گرفت، اما هنوز به عنوان چنین طبقه بندی نشده است. سدنا که تقریباً سه چهارم اندازه پلوتون است، اولین سیاره کوتوله کشف شده در ابر اورت است. ماموریت نیوهورایزنز ناسا اولین پرواز تاریخ را از منظومه پلوتون در 14 ژوئیه 2015 انجام داد.

پلوتو: زمانی یک سیاره بود، اکنون یک سیاره کوتوله



یک نمای جهانی رنگی پیشرفته از پلوتون که ناحیه قلبی شکلی را نشان می دهد که اکنون "Tombaugh Regio" نام دارد. (اعتبار تصویر: ناسا/آزمایشگاه فیزیک کاربردی دانشگاه جان هاپکینز/موسسه تحقیقاتی جنوب غربی)

پلوتون زمانی نهمین سیاره از خورشید بود و شبیه هیچ سیاره دیگری در منظومه شمسی نیست.

حقایق پلوتون

- کشف: 1930 توسط کلاید تومبا

- به نام خدای رومی عالم اموات، هادس نامگذاری شده است

- قطر: 1430 مایل (2301 کیلومتر)

- مدار: 248 سال زمینی

- روز: 6.4 روز زمین

- تعداد قمر: 5 عدد

از ماه زمین کوچکتر است. مدار آن بسیار بیضوی است، در برخی نقاط در داخل مدار نپتون و در برخی دیگر بسیار فراتر از آن قرار می گیرد. و مدار پلوتو مانند تمام سیارات دیگر در همان صفحه نمی افتد - در عوض، 17.1 درجه بالا یا پایین تر می چرخد.

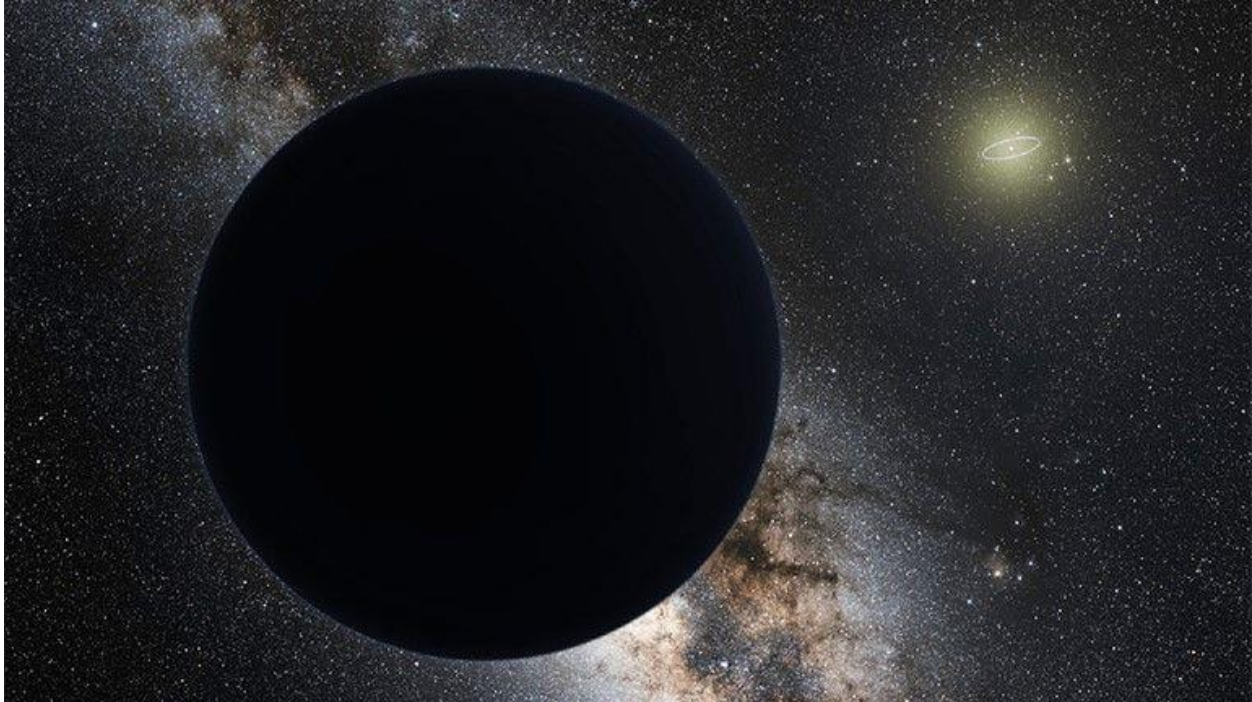
که طبق ESA برای تکمیل یک مدار 288 سال طول می کشد..

از سال 1979 تا اوایل سال 1999، پلوتون هشتمین سیاره از خورشید بود. سپس، در 11 فوریه 1999، از مسیر نپتون عبور کرد و بار دیگر به دورترین سیاره منظومه شمسی تبدیل شد - تا اینکه دوباره به عنوان یک سیاره کوتوله تعریف شد. دنیایی سرد و صخره ای با فضایی آرام.

دانشمندان فکر می کردند که ممکن است چیزی بیش از یک تکه سنگ در حومه منظومه شمسی نباشد. اما هنگامی که مأموریت افق های نو ناسا اولین پرواز تاریخ را از منظومه پلوتون در 14 ژوئیه 2015 انجام داد، دیدگاه دانشمندان را نسبت به پلوتون تغییر داد.

پلوتون یک دنیای یخی بسیار فعال است که پوشیده از یخچالهای طبیعی، کوههای آب یخی، تپه های یخی و احتمالاً حتی آتشفشانهای سرمایایی است که گدازه های یخی ساخته شده از آب، متان یا آمونیاک را فوران می کنند.

سیاره نهم: جستجوی سیاره در لبه منظومه شمسی



تخمین زده می شود که سیاره نهم جرمی حدود 10 برابر زمین داشته باشد(اعتبار تصویر: ESO/Tom

(Ruen/nagualdesign)

در سال 2016، محققان احتمال وجود یک سیاره نهم را پیشنهاد کردند که در حال حاضر به نام "سیاره نهم" یا سیاره X نامگذاری شده است. تخمین زده می شود که جرم این سیاره حدود 10 برابر جرم زمین باشد و بین 300 تا 1000 برابر دورتر از خورشید به دور خورشید می چرخد. مدار زمین

دانشمندان سیاره نهم را ندیده اند . آنها وجود آن را با تأثیرات گرانشی آن بر سایر اجرام در کمربند کوپبر ، منطقه ای در حاشیه منظومه شمسی که خانه سنگ های یخی باقی مانده از تولد منظومه شمسی است، استنباط کردند. این اجرام در

کمربند کوپیر که اجسام فرا نپتونی نیز نامیده می شوند، دارای مدارهای بسیار بیضی شکل یا بیضی هستند که در یک جهت قرار دارند.

دانشمندان مایک براون و کنستانتین باتیگین در موسسه فناوری کالیفرنیا در پاسادنا در مطالعه ای که در مجله *Astronomical* منتشر شد، شواهدی را برای سیاره نهم توضیح دادند.. این تحقیق بر اساس مدل‌های ریاضی و شبیه‌سازی‌های کامپیوتری با استفاده از مشاهدات شش شی کوچک‌تر دیگر کمربند کوپیر با مدارهایی که در یک ماده مشابه همسو هستند، انجام شده است.

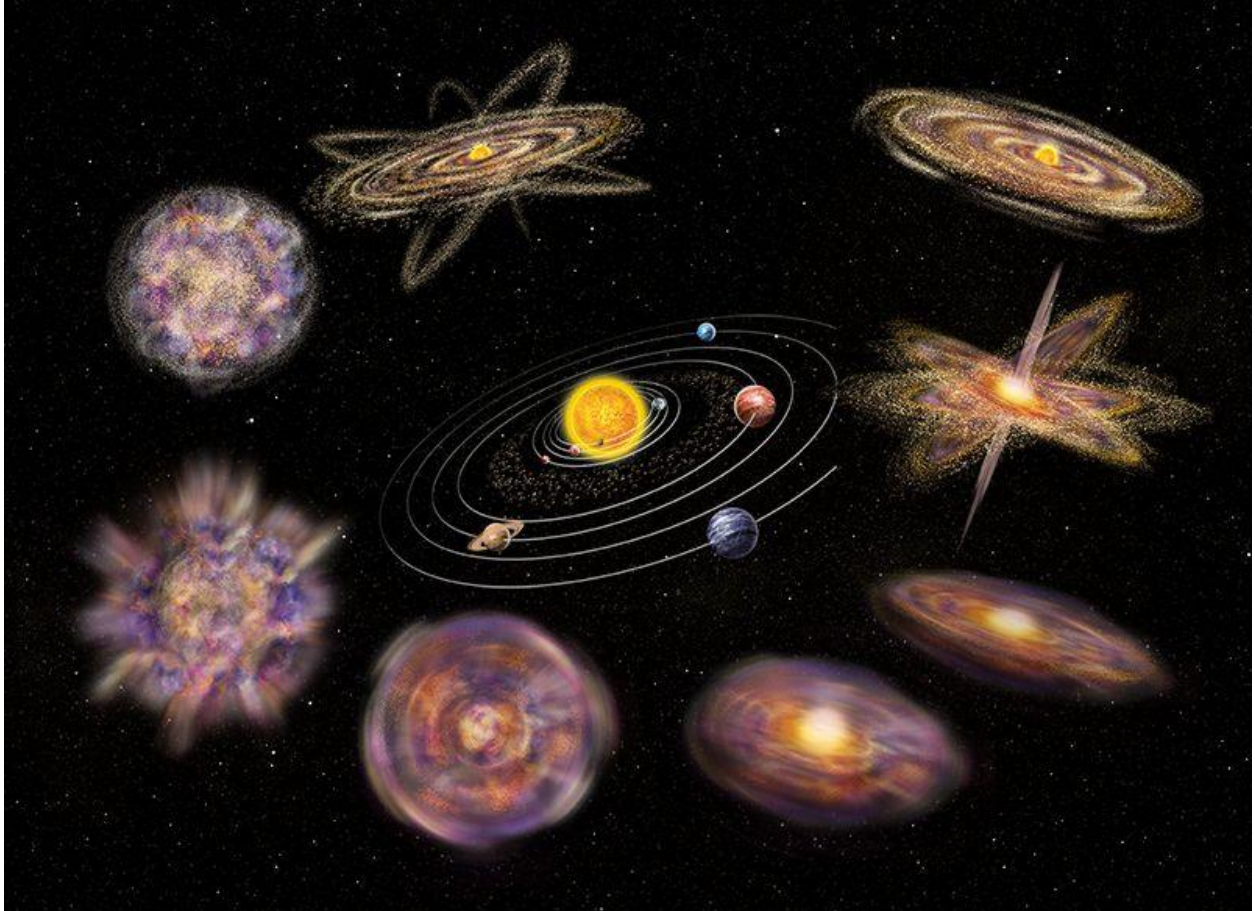
فرضیه‌ای که در سپتامبر ۲۰۱۹ در سرور پیش‌چاپ arXiv ارائه شد، نشان می‌دهد که سیاره نهم ممکن است اصلاً یک سیاره نباشد. در عوض، جاکو شولتز از دانشگاه دورهام و جیمز آنوین از دانشگاه ایلینویز در شیکاگو حدس می‌زنند که این می‌تواند یک سیاه‌چاله اولیه باشد که بلافاصله پس از انفجار بزرگ شکل گرفته و منظومه شمسی ما بعداً آن را تصرف کرده است. بر خلاف سیاه‌چاله‌هایی که از فروپاشی ستارگان غول پیکر به وجود می‌آیند، تصور می‌شود که سیاه‌چاله‌های اولیه از آشفستگی‌های گرانشی کمتر از یک ثانیه پس از انفجار بزرگ شکل گرفته‌اند و این سیاه‌چاله آنقدر کوچک (قطر 5 سانتی متر) است که چالش برانگیز است.

اخترشناسان همچنان در جستجوی سیاره 9 خالی هستند. بررسی اخیر آسمان در سال 2022 با استفاده از تلسکوپ کیهان شناسی 6 متری آتاکاما (ACT) در شیلی هزاران منبع نامزد آزمایشی را پیدا کرد، اما هیچ کدام تایید نشد.

لبه منظومه شمسی

گذشته از کمربند کویپر، لبه منظومه شمسی، هلیوسفر، منطقه وسیع و قطره‌ای از فضا است که حاوی ذرات باردار الکتریکی است که توسط خورشید منتشر می‌شوند. بسیاری از ستاره شناسان فکر می‌کنند که حد هلیوسفر که به هلیوپوز معروف است، حدود 9 میلیارد مایل (15 میلیارد کیلومتر) از خورشید فاصله دارد. ابر اورت به خوبی پشت کمربند کویپر قرار دارد که در فاصله 2000 تا 5000 واحد نجومی (AU) از خورشید در نظر گرفته می‌شود. لبه بیرونی ابر اورت ممکن است به 10000 تا 100000 واحد نجومی از خورشید برسد. یک AU معادل تقریباً 93000000 مایل (150 میلیون کیلومتر) است. بر اساس اطلاعات ناسا، ابر اورت میزبان میلیاردها یا حتی تریلیون‌ها جرم است.

شکل‌گیری و کشف منظومه شمسی



تقریباً 4.5 میلیارد سال پیش یک ابر تیره از گاز و غبار شروع به فروپاشی کرد. بر اساس اطلاعات ناسا ، با کوچک شدن، ابر به صورت یک صفحه چرخان به نام سحابی خورشیدی صاف شد..

گرما و فشار در نهایت آنقدر زیاد شد که اتم های هیدروژن شروع به ترکیب شدن کردند و هلیوم را تشکیل دادند. واکنش های هسته ای مقادیر زیادی انرژی آزاد کرد و خورشید ما تشکیل شد.

خورشید حدود 99 درصد از ماده موجود را جمع آوری کرد و مواد باقی مانده دورتر از خورشید، توده های کوچک تری را در داخل قرص در حال چرخش تشکیل دادند.

برخی از این توده ها به اندازه کافی جرم به دست آوردند که گرانش آنها را به شکل کره در آورد و به سیاره ها، سیارات کوتوله و قمر تبدیل شد. سایر قطعات باقی مانده به سیارک ها، دنباله دارها و قمرهای کوچکتر تبدیل شدند که منظومه شمسی ما را تشکیل می دهند.

برای هزاران سال، ستاره شناسان نقاط نورانی را که به نظر می رسید در میان ستارگان حرکت می کردند، دنبال می کردند. یونانیان باستان آن ها را سیاره ها به معنای «سرگردان» نامیدند. عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل در دوران باستان شناخته شده بودند و اختراع تلسکوپ کمر بند سیارکی، اورانوس، نپتون، پلوتون و بسیاری از قمرهای این جهان ها را اضافه کرد. در طلوع عصر فضا، ده ها کاوشگر برای کاوش در سیستم ما به فضا پرتاب شدند، ماجرای که امروز نیز ادامه دارد. تاکنون پنج جرم ساخته دست بشر به نام های وویجر 1، وویجر 2، نیوهورایزنز، پایونیر 10 و پایونیر 11 وجود داشته است که از آستانه ورود به فضای بین ستاره ای عبور کرده اند.

منابع اضافی

منظومه شمسی را با جزئیات بیشتر با این منابع تعاملی کاوش کنید از ناسا با این مطالب آموزشی شگفتی های منظومه شمسی را کشف کنید از ESA با این اورری تعاملی ببینید سیارات در مدار فعلی خود به سمت خورشید کجا هستند از ناسا مطالعه فرمایید

تاریخچه زمین

پرش به نوبری پرش به جستجو

این موضوع در مورد شواهد علمی در مورد تاریخ زمین است. برای تاریخ بشریت، تاریخ بشر را ببینید .

تاریخ زمین با بازه های زمانی قرون تا مقیاس

تاریخچه زمین مربوط به توسعه سیاره زمین از زمان شکل گیری آن تا به امروز است. تقریباً تمام شاخه‌های علوم طبیعی به درک رویدادهای اصلی گذشته زمین کمک کرده‌اند که با تغییرات زمین‌شناسی مداوم و تکامل بیولوژیکی مشخص می‌شود .

مقیاس زمانی زمین‌شناسی (GTS)، همانطور که توسط کنوانسیون بین‌المللی تعریف شده است، بازه‌های زمانی بزرگی را از آغاز زمین تا کنون به تصویر می‌کشد و تقسیم‌بندی‌های آن برخی از رویدادهای قطعی تاریخ زمین را نشان می‌دهد. (در تصویر، Ma به معنای «میلیون سال پیش» است.) زمین در حدود 4.54 میلیارد سال پیش، تقریباً یک سوم سن جهان ، بر اثر تجمع از سحابی خورشیدی شکل گرفت. خروج گازهای آتشفشانی احتمالاً جو اولیه و سپس اقیانوس را ایجاد کرده است، اما جو اولیه تقریباً فاقد اکسیژن بود.. بیشتر زمین به دلیل برخوردهای مکرر با اجسام دیگر که منجر به آتشفشان شدید شد، مذاب بود. در حالی که زمین در ابتدایی ترین مرحله خود (زمین اولیه) بود، تصور می شود که یک برخورد غول پیکر با جسمی به اندازه سیاره به نام Theia ماه را تشکیل داده است. با گذشت زمان،

زمین سرد شد و باعث تشکیل یک پوسته جامد شد و اجازه داد آب مایع روی سطح باشد.

دوران هادین نشان دهنده زمان قبل از یک رکورد قابل اعتماد (فسیلی) از زندگی است. با تشکیل سیاره آغاز شد و 4.0 میلیارد سال پیش به پایان رسید. دوران آرکئن و پروتروزویک زیر آغاز زندگی بر روی زمین و اولین تکامل آن را ایجاد کرد. دوره بعدی فانروزویک است که به سه دوره تقسیم می شود: پالئوزویک ، دوره بندپایان، ماهی ها، و اولین زندگی در خشکی. مزوزویک ، که ظهور، سلطنت، و انقراض دایناسورهای غیر پرندهگان را در بر گرفت. و سنوزویک، که شاهد ظهور پستانداران بود. انسان های قابل تشخیص حداکثر 2 میلیون سال پیش ظهور کردند، دوره ای بسیار کوچک در مقیاس زمین شناسی.

اولین شواهد مسلم از حیات بر روی زمین حداقل به 3.5 میلیارد سال پیش برمی گردد، در دوران Eoarchean ، پس از اینکه یک پوسته زمین شناسی شروع به انجماد پس از مذاب هادین ائون اولیه کرد. فسیل های حصیر میکروبی مانند استروماتولیت ها در ماسه سنگ 3.48 میلیارد ساله کشف شده در استرالیای غربی وجود دارد. دیگر شواهد فیزیکی اولیه یک ماده بیوژنیک گرافیت در سنگ های فرا رسوبی 3.7 میلیارد ساله است. کشف شده در جنوب غربی گرینلند و همچنین "بقایای حیات زنده " که در سنگ های 4.1 میلیارد ساله در غرب استرالیا یافت شده است. به گفته یکی از محققان، "اگر حیات نسبتاً سریع بر روی زمین پدید آمد ... پس می تواند در جهان رایج باشد ."

موجودات فتوسنتزی بین 3.2 تا 2.4 میلیارد سال پیش ظاهر شدند و شروع به غنی سازی جو با اکسیژن کردند. حیات تا حدود 580 میلیون سال پیش عمدتاً کوچک و میکروسکوپی باقی ماند، زمانی که حیات چند سلولی پیچیده به وجود آمد، در طول زمان توسعه یافت و در انفجار کامبرین در حدود 538.8 میلیون سال پیش به اوج خود رسید. این تنوع ناگهانی شکل‌های حیات، بیشتر شاخه‌های اصلی شناخته شده امروزی را ایجاد کرد و دوره پروتروزوئیک را از دوره کامبرین دوران پالئوزوئیک تقسیم کرد. تخمین زده می شود که 99 درصد از همه گونه های که تا به حال روی زمین زندگی می کردند، بیش از پنج میلیارد، منقرض شده اند. تخمین‌ها در مورد تعداد گونه‌های کنونی زمین از 10 میلیون تا 14 میلیون متغیر است، که حدود 1.2 میلیون از آنها مستند شده‌اند، اما بیش از 86 درصد آن شرح داده نشده است. با این حال، اخیراً ادعا شده است که در حال حاضر 1 تریلیون گونه روی زمین زندگی می کنند که تنها یک هزارم درصد آن شرح داده شده است. پوسته زمین از زمان شکل گیری آن به طور مداوم تغییر کرده است، همانطور که حیات از اولین ظهور آن تغییر کرده است. گونه‌ها به تکامل خود ادامه می‌دهند، شکل‌های جدیدی به خود می‌گیرند، به گونه‌های دختر تقسیم می‌شوند یا در مواجهه با محیط‌های فیزیکی در حال تغییر منقرض می‌شوند. روند تکتونیک صفحه‌ای به شکل‌دهی قاره‌ها و اقیانوس‌های زمین و زندگی در آنها ادامه می‌دهد.

دوران

در ژئوکرونولوژی ، زمان به طور کلی بر حسب میا (میلیون سال پیش) اندازه گیری می شود که هر واحد نشان دهنده دوره تقریباً 1000000 سال گذشته است. تاریخ زمین به چهار دوره بزرگ تقسیم می شود که با تشکیل سیاره 4540 میلیون میلیا شروع می شود . هر اعصار شاهد مهمترین تغییرات در ترکیب، آب و هوا و زندگی زمین بود. هر عصر متعاقباً به دوره هایی تقسیم می شود که به نوبه خود به دوره هایی تقسیم می شوند که بیشتر به دوره هایی تقسیم می شوند .

ایون زمان (mya) شرح

هادین 4000-4540 زمین از زباله های اطراف قرص پیش سیاره ای خورشیدی تشکیل شده است . زندگی وجود ندارد. دما بسیار گرم است، با فعالیت های مکرر آتشفشانی و محیط های جهنمی به نظر می رسد (از این رو نام eon، که از هادس گرفته شده است). جو سحابی است. اقیانوس های اولیه یا توده های آب مایع احتمالی. ماه احتمالاً در این زمان به دلیل برخورد یک پیش سیاره به زمین شکل گرفته است.

آرکئن 2500-4000 حیات پروکاریوتی ، اولین شکل حیات، در همان ابتدای این عصر، در فرآیندی که به نام ابیوژنز شناخته می شود، پدیدار می شود . قاره های Ur، Kenorland و Vaalbara ممکن است در این زمان وجود داشته باشند. جو از گازهای آتشفشانی و گلخانه ای تشکیل شده است.

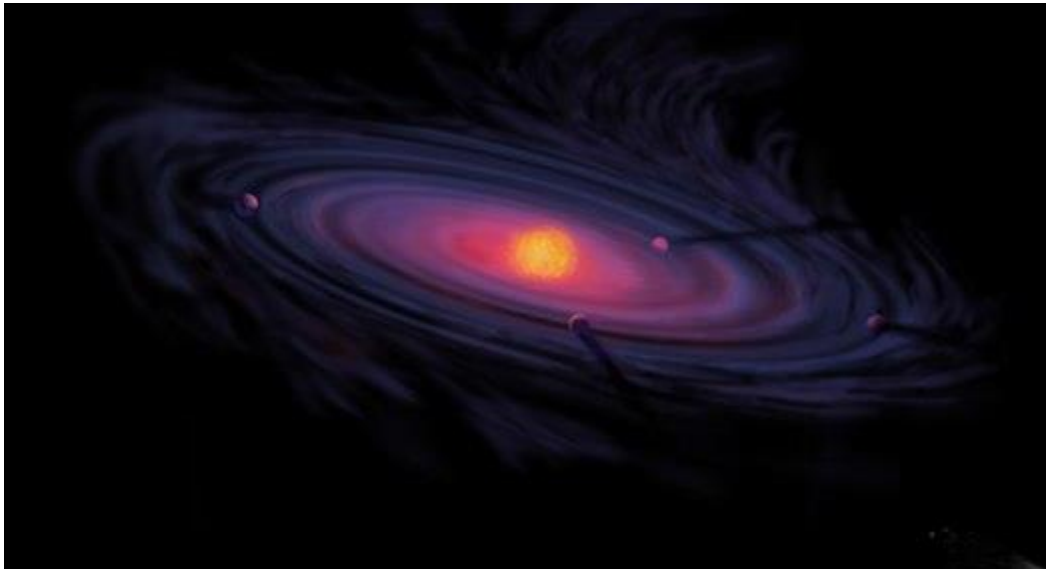
پروتروزویک 2500-538.8 نام این ایون به معنای "زندگی اولیه" است. یوکاریوت‌ها، شکل پیچیده‌تری از حیات، از جمله برخی از اشکال موجودات چند سلولی پدیدار می‌شوند. باکتری‌ها شروع به تولید اکسیژن می‌کنند و سومین و جریان جوی زمین را شکل می‌دهند. گیاهان، حیوانات بعدی و احتمالاً اشکال قبلی قارچ‌ها در همین زمان شکل می‌گیرند. فازهای اولیه و اواخر این عصر ممکن است تحت دوره‌های "زمین گلوله برفی" قرار داشته باشند که در آن تمام سیاره از دمای زیر صفر رنج می‌برد. قاره‌های اولیه کلمبیا، رودینیا و پانوتیا، به ترتیب، ممکن است در این عصر وجود داشته باشند.

فانوزوئیک 538.8-اکنون حیات پیچیده، از جمله مهره داران، در فرآیندی به نام انفجار کامبرین، شروع به تسلط بر اقیانوس زمین می‌کند. پانگه آ تشکیل می‌شود و بعداً در لوراسیا و گوندوانا حل می‌شود که به نوبه خود در قاره‌های فعلی حل می‌شوند. به تدریج، زندگی به خشکی گسترش می‌یابد و اشکال آشنای گیاهان، حیوانات و قارچ‌ها ظاهر می‌شوند، از جمله آنیل‌ها، حشرات و خزندگان، از این رو نام eon به معنای "زندگی قابل مشاهده" است. چندین انقراض دسته جمعی رخ می‌دهد که در میان آنها پرندگان، نواذگان دایناسورهای غیر پرنده و اخیراً پستانداران ظاهر می‌شوند. حیوانات مدرن - از جمله انسان - در آخرین مراحل این عصر تکامل می‌یابند.

مقیاس زمانی زمین شناسی

تاریخ زمین را می توان بر اساس مقیاس زمانی زمین شناسی ، که بر اساس تحلیل چینه شناسی به فواصل زمانی تقسیم می شود، سازماندهی کرد. پنج خط زمانی زیر مقیاس زمانی زمین شناسی به مقیاس را نشان می دهد. اولی کل زمان از شکل گیری زمین تا امروز را نشان می دهد، اما فضای کمی برای آخرین عصر می دهد. جدول زمانی دوم نمای گسترده ای از عصر اخیر را نشان می دهد. به همین ترتیب، جدیدترین دوره در جدول زمانی سوم، جدیدترین دوره در جدول زمانی چهارم و جدیدترین دوره در خط زمانی پنجم گسترش یافته است.

شکل گیری و تکامل منظومه شمسی



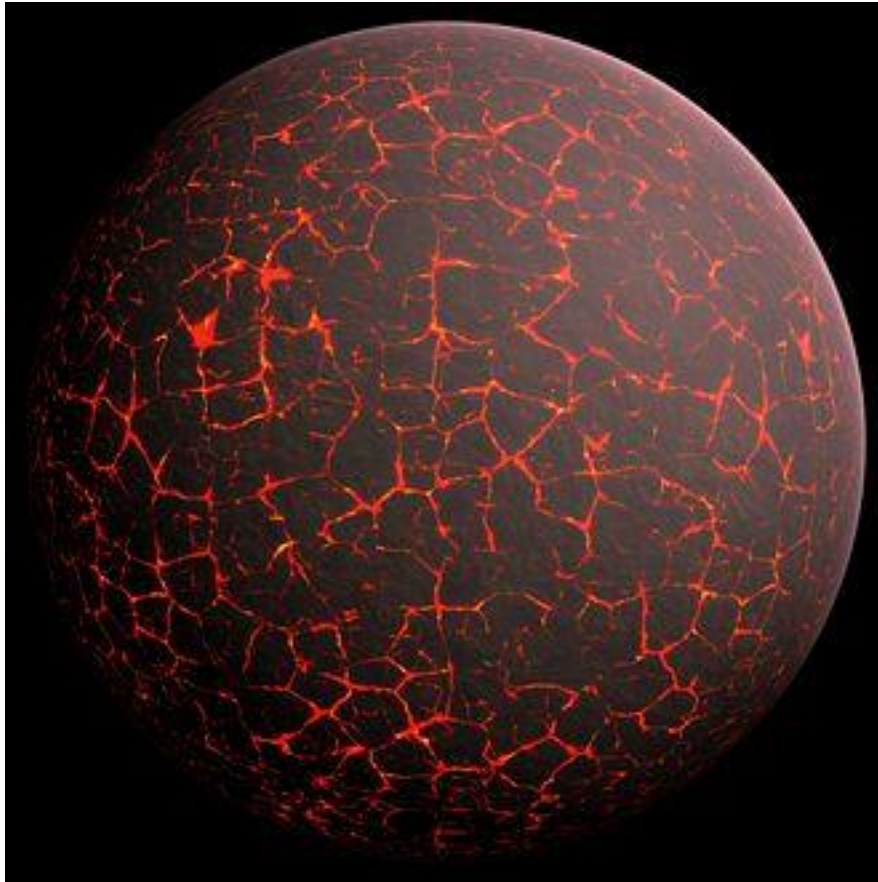
رندر یک هنرمند از یک دیسک پیش سیاره ای

مدل استاندارد برای تشکیل منظومه شمسی (از جمله زمین) فرضیه سحابی خورشیدی است. در این مدل، منظومه شمسی از یک ابر بزرگ و چرخان از غبار و گاز بین ستاره ای به نام سحابی خورشیدی تشکیل شده است. این ماده از هیدروژن و هلیوم که اندکی پس از انفجار بزرگ 13.8 گا (میلیارد سال پیش) ایجاد شد و عناصر سنگین‌تری که توسط ابرنواخترها به بیرون پرتاب شدند، تشکیل شده است. حدود 4.5 گا، سحابی شروع به انقباض کرد که ممکن است توسط موج ضربه ای ایجاد شده باشد. از یک ابرنواختر نزدیک. یک موج ضربه ای نیز سحابی را به چرخش در می آورد. وقتی ابر شروع به شتاب گرفتن کرد، تکانه زاویه ای، گرانش و اینرسی آن را به یک صفحه پیش سیاره ای عمود بر محور چرخشش مسطح کرد. آشفته‌گی‌های کوچک ناشی از برخوردها و حرکت زاویه ای دیگر زباله‌های بزرگ ابزاری را ایجاد کردند که به وسیله آن سیاره‌های اولیه ای به اندازه یک کیلومتر شروع به شکل‌گیری کردند و به دور مرکز سحابی چرخیدند.

مرکز سحابی، که تکانه زاویه ای زیادی نداشت، به سرعت فرو ریخت، فشرده سازی آن را گرم کرد تا اینکه همجوشی هسته ای هیدروژن به هلیوم آغاز شد. پس از انقباض بیشتر، یک ستاره T Tauri مشتعل شد و به خورشید تکامل یافت. در همین حال، در قسمت بیرونی گرانش سحابی باعث شد که ماده در اطراف آشفته‌گی‌های چگالی و ذرات غبار متراکم شود و بقیه قرص پیش سیاره ای شروع به جدا شدن به حلقه‌ها کرد. در فرآیندی به نام برافزایش فراری، قطعات بزرگ‌تری از گرد و غبار و زباله‌ها به صورت متوالی در کنار هم قرار گرفتند و سیاره‌ها را

تشکیل دادند. زمین در حدود 4.54 میلیارد سال پیش (با عدم قطعیت 1٪) به این روش شکل گرفت و تا حد زیادی طی 10 تا 20 میلیون سال تکمیل شد. باد خورشیدی ستاره تازه تشکیل شده T Tauri، بیشتر مواد موجود در دیسک را که قبلاً به اجسام بزرگتر متراکم نشده بودند، پاک کرد. انتظار می‌رود که همین فرآیند، قرص‌های برافزایشی را در اطراف تقریباً تمام ستارگان تازه‌تولید شده در کیهان تولید کند، که برخی از آنها سیاره‌ها را تولید می‌کنند.

زمین اولیه از طریق برافزایش رشد کرد تا زمانی که درون آن به اندازه کافی داغ شد تا فلزات سنگین و سیدروفیل را ذوب کند. این فلزات با داشتن چگالی بالاتر از سیلیکات‌ها غرق شدند. این به اصطلاح فاجعه آهن منجر به جدا شدن یک گوشته اولیه و یک هسته (فلزی) تنها 10 میلیون سال پس از شروع شکل‌گیری زمین شد و ساختار لایه ای زمین را تولید کرد و میدان مغناطیسی زمین را تشکیل داد. JA Jacobs اولین کسی بود که پیشنهاد کرد که هسته داخلی زمین - یک مرکز جامد متمایز از هسته خارجی مایع - در حال یخ زدن است. و به دلیل سرد شدن تدریجی درون زمین (حدود 100 درجه سانتیگراد در هر میلیارد سال) از هسته بیرونی مایع رشد می‌کند.



تصور هنرمند از Hadean Eon Earth، زمانی که برای همه اشکال زندگی بسیار گرمتر و غیر مهمان نواز بود.

اولین عصر در تاریخ زمین، هادین، با تشکیل زمین آغاز می شود و پس از آن دوران آرکئن با 3.8 گا. سنگ ها به حدود 4.4 Ga، کمی پس از تشکیل پوسته زمین و خود زمین می رسد. فرضیه برخورد گول پیکر برای تشکیل ماه بیان می کند که اندکی پس از تشکیل پوسته اولیه، پیش زمین توسط یک پیش سیاره کوچکتر

برخورد کرد که بخشی از گوشته را به بیرون پرتاب کرد. و پوسته در فضا فرود آمد و ماه را ایجاد کرد.

از شمارش دهانه‌ها روی اجرام آسمانی دیگر، استنباط می‌شود که دوره‌ای از برخورد شدید شهاب‌سنگ، به نام بمباران سنگین اواخر، حدود 4.1 گالن آغاز شد و در حدود 3.8 گالیم در انتهای هادین به پایان رسید. علاوه بر این، آتشفشان به دلیل جریان گرمای زیاد و گرادیان زمین گرمایی شدید بود. با این وجود، بلورهای زیرکون آواری با قدمت Ga 4.4 شواهدی از تماس با آب مایع را نشان می‌دهند که نشان می‌دهد زمین در آن زمان قبلاً اقیانوس یا دریا داشته است.

در آغاز آرکئن، زمین به میزان قابل توجهی سرد شده بود. اشکال حیات کنونی نمی‌توانستند در سطح زمین زنده بمانند، زیرا جو آرکئن فاقد اکسیژن بود، بنابراین لایه اوزونی برای جلوگیری از اشعه ماوراء بنفش نداشت. با این وجود، اعتقاد بر این است که حیات اولیه در دوران آرکئن اولیه شروع به تکامل کرد، با فسیل‌های نامزد مربوط به حدود 3.5 گا. دوره احتمالی بمباران سنگین اواخر در دریاچه‌های گرمابی زیر سطح زمین.

تشکیل ماه

ماه، منشأ ماه، و فرضیه برخورد گولپیکر



برداشت هنرمند از برخورد عظیمی که احتمالاً ماه را تشکیل داده است

تنها ماهواره طبیعی زمین ، ماه، نسبت به سیاره خود بزرگتر از هر ماهواره دیگری در منظومه شمسی است. [1 nb] در طول برنامه آپولو ، سنگ هایی از سطح ماه به زمین آورده شدند. سن سنجی رادیومتری این سنگ ها نشان می دهد که ماه $4/53 \pm 0/01$ میلیارد سال سن دارد که حداقل 30 میلیون سال پس از منظومه شمسی شکل گرفته است. شواهد جدید نشان می دهد که ماه حتی دیرتر، 4.48 ± 0.02 گا، یا 70 تا 110 میلیون سال پس از شروع منظومه شمسی تشکیل شده است.

نظریه های شکل گیری ماه باید شکل گیری دیر هنگام آن و همچنین حقایق زیر را توضیح دهند. اول، ماه چگالی کم (3.3 برابر آب، در مقایسه با 5.5 برای زمین) و یک هسته فلزی کوچک دارد. دوم، زمین و ماه دارای امضای ایزوتوپی اکسیژن یکسان

هستند (فراوانی نسبی ایزوتوپ های اکسیژن). از میان نظریه‌هایی که برای توضیح این پدیده‌ها پیشنهاد شده است، یکی به طور گسترده پذیرفته شده است: فرضیه ضربه گول‌پیکر نشان می‌دهد که ماه پس از آنکه جسمی به اندازه مریخ (گاهی اوقات به نام Theia نامیده می‌شود) به زمین اولیه برخورد کرد، به وجود آمد.

این برخورد حدود 100 میلیون برابر بیشتر از برخورد اخیر Chicxulub انرژی آزاد کرد که گمان می‌رود باعث انقراض دایناسورهای غیر پرنده شده است. برای تبخیر برخی از لایه های بیرونی زمین و ذوب هر دو جسم کافی بود. بخشی از مواد گوشته به مدار اطراف زمین پرتاب شد. فرضیه ضربه گول‌پیکر پیش بینی می‌کند که ماه از مواد فلزی تهی شده است، که ترکیب غیرعادی آن را توضیح می‌دهد. پرتاب در مدار زمین می‌تواند در عرض چند هفته به یک جسم منفرد متراکم شود. تحت تأثیر گرانش خود، ماده پرتاب شده به جسم کروی تری تبدیل شد: ماه.



برداشت هنرمند از منظره هادین با ماه نسبتاً تازه شکل گرفته هنوز از نزدیک بر روی زمین و هر دو بدن دارای آتشفشانی قوی هستند.

اولین قاره ها

نقشه با رنگ و بافت



نقشه زمین شناسی آمریکای شمالی، کد رنگی بر اساس سن. از جدیدترین تا قدیمی ترین، سن با رنگ های زرد، سبز، آبی و قرمز مشخص می شود. رنگ های قرمز و صورتی نشان دهنده صخره های آرکن است.

همرفت گوشته ، فرآیندی که تکتونیک صفحه را به حرکت در می آورد، نتیجه جریان گرما از داخل زمین به سطح زمین است. شامل ایجاد صفحات تکتونیکی صلب در پشته های میانی اقیانوسی است . این صفحات با فرورانش به گوشته در مناطق فرورانش تخریب می شوند . در طول آرکن اولیه (حدود 3.0 گا) گوشته بسیار داغتر از امروز بود، احتمالاً در حدود 1600 درجه سانتیگراد (2910 درجه فارنهایت)، 82 برابر این همرفت در گوشته سریعتر بود. اگرچه فرآیندی شبیه به تکتونیک صفحه ای امروزی رخ داد، اما این روند نیز سریعتر پیش می رفت. این احتمال وجود دارد که در طول هادین و آرکن، مناطق فرورانش بیشتر بوده و بنابراین صفحات تکتونیکی کوچکتر بوده اند.

پوسته اولیه، زمانی که سطح زمین برای اولین بار جامد شد، تشکیل شد، به طور کامل از ترکیبی از این تکتونیک صفحه هادین سریع و تاثیرات شدید بمباران سنگین اواخر ناپدید شد. با این حال، تصور می شود که ترکیب آن بازالتی بوده است، مانند پوسته اقیانوسی امروزی ، زیرا هنوز تمایز پوسته ای کمی رخ داده است. اولین قطعات بزرگتر از پوسته قاره ای ، که محصول تمایز عناصر سبکتر در طی ذوب نسبی در پوسته پایینی است، در انتهای هادئن ظاهر شد، حدود 4.0 Ga. آنچه از این اولین قاره های کوچک باقی مانده است. کراتون نامیده می شوند. این قطعات

از پوسته هادین پسین و پوسته آرکنن اولیه هسته‌هایی را تشکیل می‌دهند که قاره‌های امروزی در اطراف آن رشد کرده‌اند.

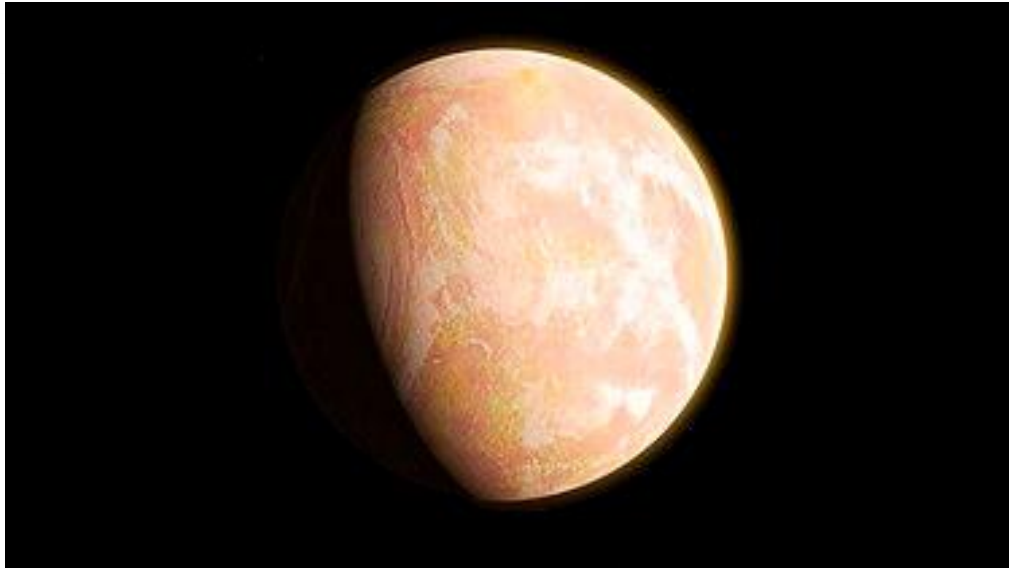
قدیمی‌ترین سنگ‌های روی زمین در کراتون آمریکای شمالی کانادا یافت می‌شود. آن‌ها تونالیت‌هایی از حدود Ga 4.0 هستند. آنها آثار دگرگونی را با دمای بالا نشان می‌دهند، اما همچنین دانه‌های رسوبی را نشان می‌دهند که در اثر فرسایش در حین انتقال توسط آب گرد شده‌اند و نشان می‌دهند که رودخانه‌ها و دریاها در آن زمان وجود داشته‌اند. کراتون‌ها عمدتاً از دو نوع زمین‌های متناوب تشکیل شده‌اند. اولین آنها کمربندهای به اصطلاح گرین استون هستند که از سنگ‌های رسوبی دگرگون شده با عیار پایین تشکیل شده‌اند. این "سنگ سبز" شبیه رسوبات امروزی در گودال‌های اقیانوسی است، بالای مناطق فرورانش. به همین دلیل، سنگ‌های سبز گاهی به عنوان شواهدی برای فرورانش در دوران آرکنن دیده می‌شوند. نوع دوم مجموعه‌ای از سنگ‌های ماگمایی فلسیک است. این سنگ‌ها عمدتاً تونالیت، تروندجمیت یا گرانودیوریت هستند، انواع سنگ‌هایی که از نظر ترکیب شبیه به گرانیت هستند (از این رو به این گونه سنگ‌ها -TTG terranes می‌گویند). مجتمع‌های TTG به‌عنوان بقایای اولین پوسته قاره‌ای دیده می‌شوند که از ذوب جزئی در بازالت تشکیل شده‌اند.

اقیانوس ها و جو

منشأ آب در زمین و جو پری بیوتیک

زمین اغلب به عنوان دارای سه اتمسفر توصیف می شود. اولین جو که از سحابی خورشیدی گرفته شد، از عناصر سبک (اتموفیل) سحابی خورشیدی، عمدتاً هیدروژن و هلیوم تشکیل شده بود. ترکیبی از باد خورشیدی و گرمای زمین این جو را از بین می برد، در نتیجه جو در مقایسه با فراوانی کیهانی اکنون از این عناصر تهی شده است. پس از برخوردی که ماه را ایجاد کرد، زمین مذاب گازهای فرار منتشر کرد. و بعداً گازهای بیشتری توسط آتشفشان ها آزاد شدند و اتمسفر دوم غنی از گازهای گلخانه ای اما از نظر اکسیژن ضعیف را تکمیل کردند. سرانجام، اتمسفر سوم، غنی از اکسیژن، زمانی پدید آمد که باکتری ها شروع به تولید

اکسیژن در حدود Ga 2.8



نقطه نارنجی کم رنگ ، برداشت یک هنرمند از زمین اولیه که ممکن است از طریق اتمسفر دوم پریوتیک غنی از متان ، نارنجی به نظر برسد . جو زمین در این مرحله تا حدودی با جو امروزی تیتان قابل مقایسه بود .

در مدل های اولیه برای تشکیل اتمسفر و اقیانوس، اتمسفر دوم با خروج گاز از مواد فرار از درون زمین تشکیل شد. اکنون این احتمال وجود دارد که بسیاری از مواد فرار در طول برافزایش توسط فرآیندی به نام گاز زدایی ضربه ای که در آن اجسام ورودی در اثر ضربه تبخیر می شوند، تحویل داده شده اند. بنابراین، اقیانوس و اتمسفر حتی با شکل گیری زمین شروع به شکل گیری می کردند. جو جدید احتمالاً حاوی بخار آب ، دی اکسید کربن، نیتروژن و مقادیر کمتری از گازهای دیگر بود.

سیاره‌های کوچک در فاصله 1 واحد نجومی (AU)، فاصله زمین از خورشید، احتمالاً هیچ آبی به زمین نمی‌رسانند زیرا سحابی خورشیدی برای تشکیل یخ بسیار داغ بود و هیدراته شدن سنگ‌ها توسط بخار آب باعث می‌شود خیلی طول کشیده است آب باید توسط شهاب‌سنگ‌ها از کمر بند سیارکی بیرونی و برخی جنین‌های سیاره‌ای بزرگ از 2.5 واحد نجومی تامین شده باشد. ستاره‌های دنباله‌دار نیز ممکن است نقش داشته باشند. اگرچه امروزه بیشتر دنباله دارها در مدارهای دورتر از خورشید نسبت به نپتون قرار دارند، شبیه سازی‌های کامپیوتری نشان می‌دهد که در ابتدا در بخش‌های داخلی منظومه شمسی بسیار رایج تر بودند. با سرد شدن زمین، ابرها شکل گرفتند. باران اقیانوس‌ها را به وجود آورد. شواهد اخیر نشان می‌دهد که اقیانوس‌ها ممکن است در اوایل 4.4 گالن شروع به شکل گیری کرده باشند. توضیح این شکل گیری اولیه به دلیل مشکلی به نام پارادوکس کم نور خورشید جوان دشوار بوده است. ستاره‌ها با افزایش سن درخشان‌تر می‌شوند و خورشید از زمان شکل‌گیری آن در 4.5 میلیارد سال پیش 30 درصد درخشان‌تر شده است. بسیاری از مدل‌ها نشان می‌دهند که زمین اولیه باید پوشیده از یخ باشد. راه حل محتمل این است که دی اکسید کربن و متان کافی برای تولید اثر گلخانه‌ای وجود داشته باشد. دی اکسید کربن توسط آتشفشان‌ها و متان توسط میکروب‌های اولیه تولید می‌شد. این فرضیه وجود دارد که یک مه آلی ایجاد شده از محصولات فوتولیز متان نیز وجود دارد که باعث اثر ضد گلخانه‌ای

نیز می شود. یکی دیگر از گازهای گلخانه ای، آمونیاک ، توسط آتشفشان ها به بیرون پرتاب می شد اما به سرعت توسط اشعه ماوراء بنفش نابود می شد.

خاستگاه زندگی

یکی از دلایل علاقه به جو و اقیانوس اولیه این است که آنها شرایطی را تشکیل می دهند که برای اولین بار زندگی در آن به وجود آمد. مدل‌های زیادی وجود دارد، اما اجماع کمی در مورد چگونگی پدید آمدن حیات از مواد شیمیایی غیر زنده وجود دارد. سیستم های شیمیایی ایجاد شده در آزمایشگاه از حداقل پیچیدگی موجود برای یک موجود زنده بسیار کوتاه است.

اولین گام در پیدایش حیات ممکن است واکنش‌های شیمیایی باشد که بسیاری از ترکیبات آلی ساده تر ، از جمله نوکلئوبازها و اسیدهای آمینه ، که بلوک‌های سازنده حیات هستند را تولید کرد. آزمایشی در سال 1953 توسط استنلی میلر و هارولد اوری نشان داد که چنین مولکول هایی می توانند در اتمسفر آب، متان، آمونیاک و هیدروژن با کمک جرقه ایجاد شوند تا اثر رعد و برق را تقلید کنند . اگرچه ترکیب اتمسفر احتمالاً با ترکیبی که میلر و اوری استفاده کردند متفاوت بود، آزمایش‌های بعدی با ترکیبات واقعی تر نیز توانست مولکول‌های آلی را سنتز کند. شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای نشان می‌دهد که مولکول‌های آلی فرازمینی می‌توانند قبل از شکل‌گیری زمین در دیسک پیش سیاره‌ای شکل گرفته باشند.

حداقل از سه نقطه شروع ممکن می‌توان به پیچیدگی‌های اضافی دست یافت: خود همانندسازی ، توانایی ارگانیسم برای تولید فرزندانی شبیه به خودش. متابولیسم ، توانایی آن برای تغذیه و ترمیم خود؛ و غشای سلولی خارجی ، که اجازه ورود غذا و خروج مواد زائد را می‌دهد، اما مواد ناخواسته را حذف می‌کند.

همانند سازی اول: جهان RNA

حتی ساده‌ترین اعضای سه حوزه مدرن زندگی از DNA برای ثبت «دستورالعمل‌ها» و از آرایه‌ای پیچیده از مولکول‌های RNA و پروتئین برای «خواندن» این دستورالعمل‌ها و استفاده از آنها برای رشد، نگهداری و خود-تکثیر استفاده می‌کنند.

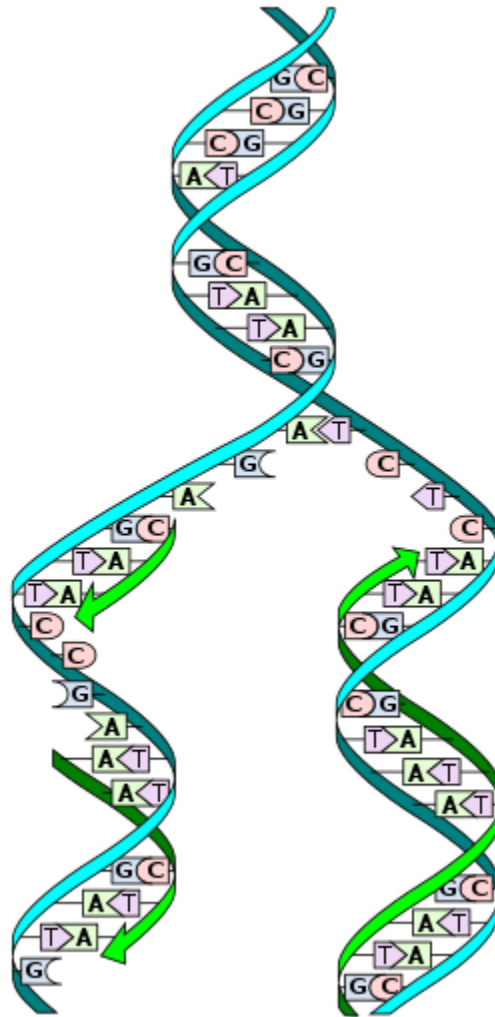
کشف این که نوعی مولکول RNA به نام ریبوزیم می‌تواند هم تکثیر خود و هم ساخت پروتئین‌ها را کاتالیز کند، منجر به این فرضیه شد که شکل‌های حیات اولیه کاملاً بر اساس RNA بودند. آنها می‌توانستند دنیای RNA ی را تشکیل دهند که در آن افراد وجود داشته باشند اما هیچ گونه‌ای وجود نداشته باشد ، زیرا جهش‌ها و انتقال افقی ژن به این معنی است که فرزندان در هر نسل احتمالاً دارای ژنوم‌های متفاوتی با ژنوم‌هایی هستند که والدینشان با آن شروع کرده‌اند. RNA بعداً با DNA جایگزین می‌شود که پایدارتر است و بنابراین می‌تواند ژنوم‌های طولانی‌تری بسازد و دامنه قابلیت‌هایی را که یک ارگانیسم می‌تواند داشته باشد

گسترش دهد. ریبوزیم ها به عنوان اجزای اصلی ریبوزوم ها، "کارخانه های پروتئین" سلول های مدرن باقی می مانند.

اگرچه مولکول های کوتاه و خودتکثیر شونده RNA به طور مصنوعی در آزمایشگاه ها تولید شده اند، تردیدهایی در مورد امکان سنتز طبیعی غیربیولوژیکی RNA مطرح شده است. اولین ریبوزیم ها ممکن است از اسیدهای نوکلئیک ساده تری مانند PNA، TNA یا GNA تشکیل شده باشند که بعداً با RNA جایگزین می شوند. دیگر همانندسازهای پیش از RNA، از جمله کریستال ها و حتی سیستم های کوانتومی نیز مطرح شده اند.

در سال 2003 پیشنهاد شد که رسوبات سولفید فلزی متخلخل به سنتز RNA در حدود 100 درجه سانتیگراد (212 درجه فارنهایت) و در فشارهای کف اقیانوس در نزدیکی دریچه های گرمابی کمک کند. در این فرضیه، سلول های اولیه تا زمان توسعه بعدی غشاهای لیپیدی در منافذ بستر فلزی محبوس می شوند.

متابولیسم اول: جهان آهن-گوگرد



تکثیر کننده تقریباً در تمام حیات های شناخته شده، اسید دئوکسی ریبونوکلئیک است . DNA بسیار پیچیده تر از همانند ساز اصلی است و سیستم های تکثیر آن بسیار پیچیده است.

فرضیه جهان آهن-گوگرد

یکی دیگر از فرضیه های قدیمی این است که اولین زندگی از مولکول های پروتئین تشکیل شده است. اسیدهای آمینه، بلوک های سازنده پروتئین ها ، به راحتی در شرایط پریبیوتیک قابل قبول سنتز می شوند، همانطور که پپتیدهای کوچک (پلیمرهای اسیدهای آمینه) که کاتالیزورهای خوبی می سازند. مجموعه ای از آزمایش ها که در سال 1997 شروع شد نشان داد که اسیدهای آمینه و پپتیدها می توانند در حضور مونوکسید کربن و سولفید هیدروژن با سولفید آهن و سولفید نیکل تشکیل شوند. به عنوان کاتالیزور اکثر مراحل در مونتاز آنها به دمای حدود 100 درجه سانتیگراد (212 درجه فارنهایت) و فشار متوسط نیاز داشتند، اگرچه یک مرحله به 250 درجه سانتیگراد (482 درجه فارنهایت) و فشاری معادل فشاری که در زیر 7 کیلومتر (4.3 مایل) یافت می شود نیاز داشت. سنگ. از این رو، سنتز خودپایه پروتئین ها می تواند در نزدیکی دریچه های گرمابی رخ داده باشد.

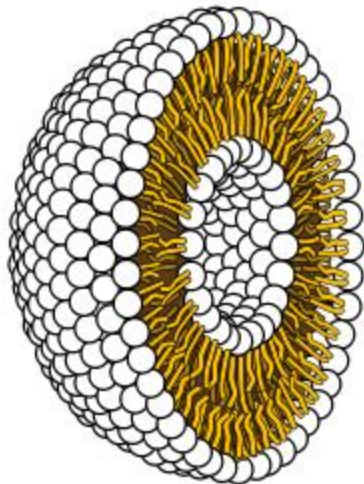
یک مشکل در سناریوی اول متابولیسم، یافتن راهی برای تکامل موجودات است. بدون توانایی تکثیر به صورت فردی، توده های مولکول ها «ژنوم های ترکیبی» (تعداد گونه های مولکولی در کل) را به عنوان هدف انتخاب طبیعی خواهند داشت. با این حال، یک مدل اخیر نشان می دهد که چنین سیستمی قادر به تکامل در پاسخ به انتخاب طبیعی نیست.

ابتدا غشاها: دنیای لیپید

پیشنهاد شده است که «حباب‌های» دوجداره لیپیدها مانند حباب‌هایی که غشای خارجی سلول‌ها را تشکیل می‌دهند، ممکن است اولین قدم ضروری باشد. آزمایش‌هایی که شرایط زمین اولیه را شبیه‌سازی کرده‌اند، تشکیل لیپیدها را گزارش کرده‌اند، و اینها می‌توانند خود به خود لیپوزوم‌ها، "حباب‌های دو جداره" را تشکیل دهند و سپس خود را بازتولید کنند. اگرچه آنها ذاتاً مانند اسیدهای نوکلئیک حامل اطلاعات نیستند، اما برای ماندگاری و تولید مثل در معرض انتخاب طبیعی هستند. ممکن است اسیدهای نوکلئیک مانند RNA در لیپوزوم‌ها راحت‌تر از بیرون تشکیل شوند.

نظریه خاک رس

برخی از خاک‌ها، به‌ویژه مونت موریلونیت، دارای خواصی هستند که آنها را شتاب‌دهنده‌های قابل قبولی برای ظهور دنیای RNA می‌سازد: آنها با خود همانندسازی الگوی کریستالی خود رشد می‌کنند، در معرض آنالوگ انتخاب طبیعی قرار دارند (به‌عنوان «گونه‌ای» رسی که سریع‌ترین رشد را دارد. در یک محیط خاص به سرعت غالب می‌شود)، و می‌تواند تشکیل مولکول‌های RNA را کاتالیز کند. اگرچه این ایده به اجماع علمی تبدیل نشده است، اما هنوز طرفداران فعالی دارد.



مقطع از طریق لیپوزوم

تحقیقات در سال 2003 گزارش کرد که مونتموریلونیت همچنین می تواند تبدیل اسیدهای چرب به "حباب" را تسریع کند و حباب ها می توانند RNA متصل به خاک رس را در خود محصور کنند. سپس حباب ها می توانند با جذب چربی های اضافی و تقسیم رشد کنند. تشکیل اولین سلول ها ممکن است توسط فرآیندهای مشابه کمک شده باشد.

یک فرضیه مشابه، رس های غنی از آهن خود-تکثیر شونده را به عنوان مولد نوکلئوتیدها ، لیپیدها و اسیدهای آمینه ارائه می دهد.

آخرین جد مشترک جهانی

اعتقاد بر این است که از این تعدد پروسسل‌ها، تنها یک خط باقی مانده است. شواهد فیلوژنتیک کنونی نشان می‌دهد که آخرین جد جهانی (LUA) در اوایل دوران آرکئن زندگی می‌کرده است، شاید Ga 3.5 یا قبل از آن. این سلول LUA جد تمام حیات روی زمین امروز است. احتمالاً یک پروکاریوت بود که دارای غشای سلولی و احتمالاً ریبوزوم بود، اما فاقد هسته یا اندامک‌های متصل به غشاء مانند میتوکندری یا کلروپلاست بود. مانند سلول‌های مدرن، از DNA به عنوان کد ژنتیکی، RNA برای انتقال اطلاعات و سنتز پروتئین استفاده کرد و آنزیم‌هایی برای کاتالیز واکنش‌ها، برخی از دانشمندان بر این باورند که به جای اینکه یک موجود زنده آخرین جد مشترک جهانی باشد، جمعیت‌هایی از موجودات وجود داشته‌اند که با انتقال ژن جانبی ژن‌ها را مبادله می‌کنند.



برداشت هنرمند از زمین در دوران آرکئن بعدی، پوسته سیاره‌ای تا حد زیادی سرد شده و سطح بایر غنی از آب، که توسط آتشفشان‌ها و قاره‌ها مشخص شده‌اند، دارای میکروبیالیت‌های گرد است. ماه، که هنوز هم بسیار نزدیکتر از امروز به دور زمین می‌چرخد و همچنان بر آسمان زمین تسلط دارد، جزر و مد قوی ایجاد کرد.

یون پروتروزویک

دوره پروتروزویک از Ga 2.5 تا Ma 538.8 (میلیون سال پیش) طول کشید. در این بازه زمانی، کراتون‌ها به قاره‌هایی با اندازه‌های مدرن تبدیل شدند. تغییر به اتمسفر غنی از اکسیژن یک تحول حیاتی بود. زندگی از پروکاریوت‌ها به یوکاریوت‌ها و اشکال چند سلولی تبدیل شد. پروتروزویک چند عصر یخبندان شدید به نام زمین‌های گلوله برفی را دید. پس از آخرین گلوله برفی زمین در حدود 600 میلیون سال، تکامل حیات روی زمین شتاب گرفت. در حدود سال 580، زیست‌های ادیاکران مقدمه انفجار کامبرین را تشکیل دادند.

انقلاب اکسیژن

رویداد بزرگ اکسیداسیون



استروماتولیت های سنگی شده در سواحل دریاچه تتیس ، استرالیای غربی . استروماتولیت های آرکئن
اولین آثار فسیلی مستقیم حیات روی زمین هستند.



سازند آهن نواری از گروه 3.15 Ga Moodies ، کمریند Barberton Greenstone ، آفریقای جنوبی . لایه های قرمز نشان دهنده زمان هایی است که اکسیژن در دسترس بود. لایه های خاکستری در شرایط بی اکسیژن تشکیل شد.

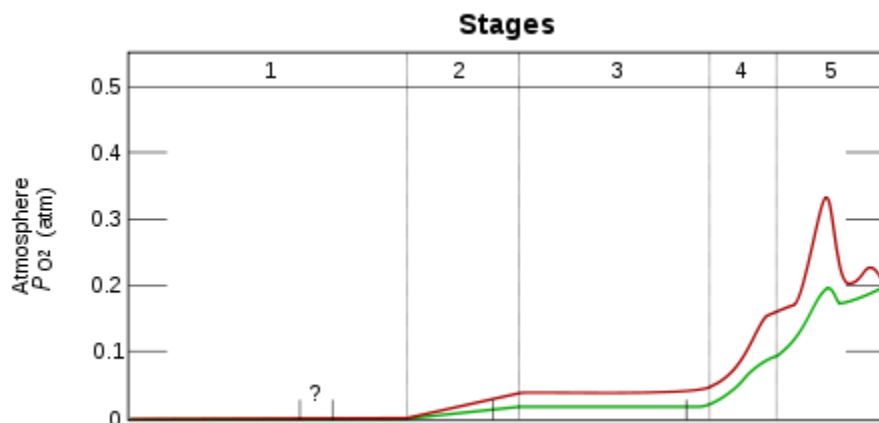
اولین سلول ها انرژی و غذا را از محیط اطراف جذب می کردند. آنها از تخمیر ، تجزیه ترکیبات پیچیده تر به ترکیبات پیچیده تر با انرژی کمتر استفاده کردند و از انرژی آزاد شده برای رشد و تولیدمثل استفاده کردند. تخمیر فقط می تواند در یک محیط بی هوازی (بدون اکسیژن) رخ دهد. تکامل فتوسنتز این امکان را برای سلول ها فراهم کرد که از خورشید انرژی بگیرند.

بیشتر حیاتی که سطح زمین را می پوشاند به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فتوسنتز بستگی دارد. رایج ترین شکل، فتوسنتز اکسیژنی، دی اکسید کربن، آب و نور خورشید را به غذا تبدیل می کند. انرژی نور خورشید را در مولکول‌های غنی از انرژی مانند ATP جذب می‌کند که سپس انرژی لازم برای تولید قندها را فراهم می‌کند. برای تامین الکترون های مدار، هیدروژن از آب جدا می شود و اکسیژن به عنوان یک محصول زائد باقی می ماند. برخی از ارگانیسرها، از جمله باکتری‌های بنفش و باکتری‌های گوگرد سبز، از یک شکل بدون اکسیژن از فتوسنتز استفاده می‌کنند که از جایگزین‌هایی برای هیدروژن حذف شده از آب به عنوان اهداکننده الکترون استفاده می‌کند. به عنوان مثال می توان به سولفید هیدروژن، گوگرد و آهن اشاره کرد. چنین افراطی موجودات زنده محدود به محیط‌های غیرقابل مهمان‌نوازی مانند چشمه‌های آب گرم و دریچه‌های گرمابی هستند.

شکل ساده‌تر بدون اکسیژن حدود 3.8 گالیم، اندکی پس از ظهور حیات پدید آمد. زمان فتوسنتز اکسیژنی بحث برانگیزتر است. مطمئناً حدود Ga 2.4 ظاهر شده بود، اما برخی از محققان آن را تا Ga 3.2 برمی‌گردانند. در میان قدیمی‌ترین بقایای شکل‌های حیات تولیدکننده اکسیژن، استروماتولیت‌های فسیلی هستند. در ابتدا، اکسیژن آزاد شده با سنگ آهک، آهن و سایر مواد معدنی پیوند خورد. آهن اکسید شده به صورت لایه های قرمز رنگ در لایه های زمین شناسی به نام سازندهای آهن نواری ظاهر می شود که به وفور در دوره سیدری (بین 2500 میلیون و 2300 مایل) تشکیل شده است. هنگامی که بیشتر مواد معدنی در

معرض واکنش سریع اکسید شدند، در نهایت اکسیژن شروع به تجمع در جو کرد. اگرچه هر سلول فقط مقدار کمی اکسیژن تولید می‌کند، متابولیسم ترکیبی بسیاری از سلول‌ها در مدت زمان زیادی جو زمین را به حالت فعلی تبدیل کرد. این سومین جو زمین بود.

مقداری اکسیژن توسط تابش فرابنفش خورشیدی تحریک شد تا ازن تشکیل شود که در لایه ای نزدیک به قسمت بالایی جو جمع می‌شود. لایه اوزون مقدار قابل توجهی از اشعه ماوراء بنفش را که زمانی از جو عبور کرده بود جذب کرد و هنوز هم جذب می‌کند. این به سلول‌ها اجازه داد تا سطح اقیانوس و در نهایت زمین را مستعمره کنند: بدون لایه اوزون، اشعه ماوراء بنفش که زمین و دریا را بمباران می‌کند سطوح ناپایدار جهش را در سلول‌های در معرض دید ایجاد می‌کرد.



نموداری که محدوده فشار جزئی تخمینی اکسیژن اتمسفر را در طول زمان زمین شناسی نشان می‌دهد

دهد

فتوسنتز تأثیر عمده دیگری داشت. اکسیژن سمی بود. بسیاری از حیات روی زمین احتمالاً با افزایش سطح آن در آنچه به عنوان فاجعه اکسیژن شناخته می شود، از بین رفت . اشکال مقاوم زنده ماندند و رشد کردند و برخی از آنها توانایی استفاده از اکسیژن را برای افزایش متابولیسم و دریافت انرژی بیشتر از همان غذا ایجاد کردند.

زمین گلوله برفی



اجرای هنرمند از یک زمین گلوله برفی کاملاً منجمد اکسین شده بدون آب سطحی مایع باقیمانده.

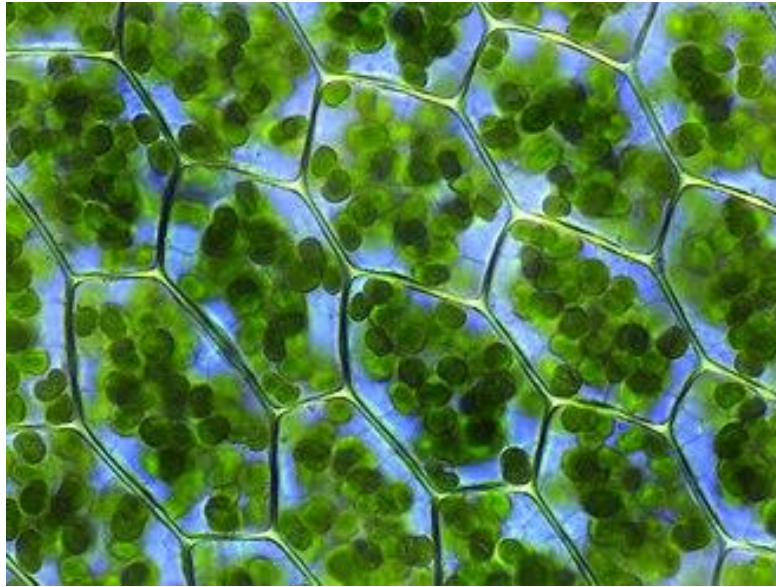
تکامل طبیعی خورشید باعث شد که در طی دوران آرکئن و پروتروزویک به تدریج درخشنده تر شود. درخشنده‌گی خورشید هر میلیارد سال 6 درصد افزایش می‌یابد. در نتیجه، زمین شروع به دریافت گرمای بیشتری از خورشید در دوران پروتروزویک کرد. با این حال، زمین گرمتر نشد. در عوض، سوابق زمین‌شناسی نشان می‌دهد که در اوایل پروتروزویک به طرز چشمگیری سرد شده است. نهشته‌های یخبندان یافت شده در آفریقای جنوبی به Ga 2.2 برمی‌گردد که در آن زمان، بر اساس شواهد دیرینه مغناطیسی، باید در نزدیکی خط استوا قرار داشته باشند. بنابراین، این یخبندان، به عنوان یخبندان Huronian شناخته می‌شود، ممکن است جهانی بوده باشد. برخی از دانشمندان معتقدند که این شدت به حدی بود که زمین از قطب‌ها به سمت استوا یخ زده بود، فرضیه‌ای به نام زمین گلوله برفی.

عصر یخبندان هورونین ممکن است ناشی از افزایش غلظت اکسیژن در اتمسفر باشد که باعث کاهش متان (CH_4) در جو می‌شود. متان یک گاز گلخانه‌ای قوی است، اما با اکسیژن واکنش نشان می‌دهد و CO_2 را تشکیل می‌دهد که یک گاز گلخانه‌ای کمتر موثر است. هنگامی که اکسیژن آزاد در اتمسفر در دسترس قرار گرفت، غلظت متان می‌توانست به طور چشمگیری کاهش یابد، به اندازه‌ای که برای مقابله با اثر افزایش جریان گرما از خورشید کافی باشد.

با این حال، اصطلاح زمین گلوله برفی بیشتر برای توصیف عصرهای یخبندان شدید بعدی در دوره برودت‌ی استفاده می‌شود. چهار دوره وجود داشت که هر دوره حدود 10 میلیون سال به طول انجامید، بین 750 تا 580 میلیون سال پیش، زمانی که

تصور می‌شود زمین جدا از بلندترین کوه‌ها با یخ پوشیده شده است و میانگین دما حدود 50- درجه سانتیگراد (58- درجه سانتیگراد) بود. (و ممکن است گلوله برفی تا حدودی به دلیل موقعیت ابرقاره رودینیا باشد که در خط استوا قرار دارد.. دی اکسید کربن با باران ترکیب می‌شود و سنگ‌های هوا را تشکیل می‌دهد و اسید کربنیک را تشکیل می‌دهد که سپس به دریا می‌رود و در نتیجه گاز گلخانه‌ای را از جو استخراج می‌کند. وقتی قاره‌ها نزدیک قطب‌ها هستند، پیشروی یخ سنگ‌ها را می‌پوشاند و کاهش دی‌اکسید کربن را کاهش می‌دهد، اما در Cryogenian هوازدگی رودینیا تا زمانی که یخ‌ها به سمت مناطق استوایی پیش رفت، بدون کنترل ادامه پیدا کرد. این فرآیند ممکن است در نهایت با انتشار دی‌اکسید کربن از آتشفشان‌ها یا بی‌ثبات شدن هیدرات‌های گاز متان معکوس شده باشد. با توجه به نظریه جایگزین زمین Slushball ، حتی در اوج عصر یخبندان، هنوز آب‌های آزاد در استوا وجود داشت.

ظهور یوکاریوت ها



کلروپلاست ها در سلول های خزّه

طبقه بندی مدرن زندگی را به سه حوزه طبقه بندی می کند. زمان پیدایش آنها نامشخص است. احتمالاً ابتدا دامنه باکتری ها از سایر اشکال حیات (که گاهی اوقات نئومورا نامیده می شود) جدا شده است، اما این فرض بحث برانگیز است. به زودی پس از این، در Ga 2، Neomura، Archaea و Eukarya تقسیم شد. سلول های یوکاریوتی (یوکاریا) بزرگ تر و پیچیده تر از سلول های پروکاریوتی (باکتری ها و آرکیاها) هستند، و منشأ این پیچیدگی اکنون مشخص شده است. اولین فسیل هایی که دارای ویژگی های معمول قارچ ها بودند به دوران پالئوپروتروزوئیک، حدود 2.4 گیگا قبل، برمی گردند. این چند سلولیموجودات اعماق دریا دارای ساختارهای رشته ای بودند که قادر به آناستوموز بودند.

در همین زمان، اولین پروتو-میتوکندری تشکیل شد. یک سلول باکتریایی مربوط به Rickettsia امروزی، که برای متابولیسم اکسیژن تکامل یافته بود، وارد یک سلول پروکاریوتی بزرگتر شد که فاقد این قابلیت بود. شاید سلول بزرگ تلاش کرد تا سلول کوچکتر را هضم کند اما شکست خورد (احتمالاً به دلیل تکامل دفاع از طعمه). سلول کوچکتر ممکن است سعی کرده باشد سلول بزرگتر را انگلی کند. در هر صورت، سلول کوچکتر در داخل سلول بزرگتر زنده ماند. با استفاده از اکسیژن، مواد زائد سلول بزرگتر را متابولیزه کرد و انرژی بیشتری دریافت کرد. بخشی از این انرژی اضافی به میزبان برگردانده شد. سلول کوچکتر در داخل سلول بزرگتر تکثیر می شود. به زودی، یک همزیستی پایدار بین سلول بزرگ و سلول های کوچکتر داخل آن ایجاد می شود. با گذشت زمان، سلول میزبان برخی از ژن ها را از سلول های کوچکتر به دست آورد و این دو نوع به یکدیگر وابسته شدند: سلول بزرگتر بدون انرژی تولید شده توسط سلول های کوچکتر نمی توانست زنده بماند، و اینها نیز به نوبه خود بدون مواد خام تهیه شده توسط سلول بزرگتر اکنون کل سلول یک ارگانیسم واحد در نظر گرفته می شود و سلول های کوچکتر به عنوان اندامک هایی به نام میتوکندری طبقه بندی می شوند.

یک رویداد مشابه با سیانوباکتری های فتوسنتزی که وارد سلول های هتروترفیک بزرگ شده و به کلروپلاست تبدیل شدند، رخ داد. احتمالاً در نتیجه این تغییرات، خطی از سلول ها که قادر به فتوسنتز هستند، بیش از 1 میلیارد سال پیش از سایر یوکاریوت ها جدا شدند. احتمالاً چندین رویداد از این قبیل وجود داشته است.

علاوه بر تئوری درونی همزیستی به خوبی تثبیت شده در مورد منشاء سلولی میتوکندری ها و کلروپلاست ها، نظریه هایی وجود دارد که سلول ها منجر به پراکسی زوم ها ، اسپیروکت ها به مژک ها و تاژک ها می شوند و شاید ویروس DNA به هسته سلول منتهی شد، اگرچه هیچ یک از آنها به طور گسترده پذیرفته نشده اند.

آرکئن ها، باکتری ها و یوکاریوت ها به تنوع و پیچیده تر شدن و سازگاری بهتر با محیط خود ادامه دادند. هر دامنه به طور مکرر به دودمان های متعدد تقسیم می شود، اگرچه اطلاعات کمی در مورد تاریخچه باستانی ها و باکتری ها وجود دارد. در حدود Ga 1.1، ابرقاره رودینیا در حال مونتاژ بود. خطوط گیاهی ، حیوانی و قارچی از هم جدا شده بودند، اگرچه هنوز به عنوان سلول های انفرادی وجود داشتند. برخی از این افراد در مستعمرات زندگی می کردند و به تدریج تقسیم کار شد شروع به انجام شد؛ برای مثال، سلول های پیرامونی ممکن است شروع به ایفای نقش های متفاوتی نسبت به سلول های داخلی کرده باشند. اگرچه تقسیم بین یک کلنی با سلول های تخصصی و یک ارگانیزم چند سلولی همیشه روشن نیست، حدود 1 میلیارد سال پیش ، اولین گیاهان چند سلولی ظاهر شدند، احتمالاً جلبک های سبز . احتمالاً در حدود 900 میلیون سال چند سلولی واقعی در حیوانات نیز تکامل یافته بود.

در ابتدا، احتمالاً شبیه اسفنج های امروزی بود که دارای سلول های کاملاً قدرتمندی هستند که به ارگانیزم مختل شده اجازه می دهند دوباره جمع شوند. با تکمیل

تقسیم کار در تمام خطوط ارگانیزم های چند سلولی، سلول ها تخصصی تر و بیشتر به یکدیگر وابسته شدند. سلول های جدا شده می میرند.

ابرقاره ها در پروتروزویک

چرخه ابرقاره



بازسازی (550Ma) Pannotia.

بازسازی حرکت صفحات تکتونیکی در 250 میلیون سال گذشته (دوران سنوزویک و مزوزویک) را می توان با استفاده از برآزش حاشیه های قاره، ناهنجاری های مغناطیسی کف اقیانوس و قطب های دیرینه مغناطیسی به طور قابل اعتمادی

انجام داد. هیچ پوسته اقیانوسی قدمتی بیشتر از آن ندارد، بنابراین بازسازی های اولیه دشوارتر است. قطب های دیرینه مغناطیسی با شواهد زمین شناسی مانند کمریندهای کوهزایی ، که لبه های صفحات باستانی را مشخص می کنند، و توزیع های گیاهی و جانوری گذشته تکمیل می شوند. هر چه در زمان بیشتر به عقب برگردیم، تفسیر داده ها کمیاب تر و سخت تر می شود و بازسازی ها نامطمئن تر می شوند.

در طول تاریخ زمین، زمان هایی وجود داشته است که قاره ها با هم برخورد کرده و ابرقاره ای را تشکیل داده اند که بعداً به قاره های جدید تقسیم شده است. در حدود 1000 تا 830 میلی آمپر، اکثر توده های قاره ای در ابرقاره رودینیا متحد شدند. ممکن است پیش از رودینیا قاره های پروتروزویک اولیه و میانی به نام نونا و کلمبیا وجود داشته باشد.

پس از تجزیه رودینیا در حدود 800 میلی متر، قاره ها ممکن است ابرقاره کوتاه مدت دیگری را در حدود 550 میلی متر تشکیل داده باشند. گاهی اوقات به ابرقاره فرضی پانوتیا یا وندیا نیز گفته می شود. شواهد برای آن مرحله ای از برخورد قاره ای است که به کوهزایی پان آفریقایی معروف است ، که به توده های قاره آفریقا، آمریکای جنوبی، قطب جنوب و استرالیا پیوست. وجود پانوتیا به زمان شکاف بین گندوانا (که شامل بیشتر خشکی های کنونی در نیمکره جنوبی و همچنین شبه جزیره عربستان و شبه قاره هند می شود) و لارنتیا بستگی دارد. (تقریباً معادل

آمریکای شمالی امروزی). حداقل مسلم است که در پایان دوران پروتروزوئیک، بیشتر توده قاره در موقعیتی در اطراف قطب جنوب متحد شده بود.

آب و هوا و زندگی پروتروزوئیک پسین



فسیل 580 میلیون ساله *Spriggina floundersi*، حیوانی متعلق به دوره Ediacaran. چنین اشکال حیاتی می‌توانستند اجداد بسیاری از اشکال جدید باشند که در انفجار کامبرین به وجود آمدند.

پایان دوره پروتروزوئیک حداقل دو زمین گلوله برفی را دید، چنان شدید که سطح اقیانوس‌ها ممکن است کاملاً یخ زده باشد. این اتفاق در سال‌های 716.5 و 635 مایل در دوره کرایوژنین رخ داد. شدت و مکانیسم هر دو یخبندان هنوز تحت بررسی

است و توضیح آن دشوارتر از زمین گلوله برفی اولیه پروتروزویک است. بیشتر دیرینه‌اقلیم‌شناسان فکر می‌کنند که دوره‌های سرما با تشکیل ابرقاره رودینیا مرتبط است. از آنجایی که رودینیا در استوا قرار داشت، نرخ هوازدگی شیمیایی افزایش یافت و دی‌اکسید کربن (CO_2) از جو گرفته شد. زیرا CO_2 یک گاز گلخانه‌ای مهم است، آب و هوا در سطح جهان خنک می‌شود.

به همین ترتیب، در طول زمین‌های گلوله برفی، بیشتر سطح قاره با یخبندان دائمی پوشیده شده بود، که دوباره هوازدگی شیمیایی را کاهش داد و منجر به پایان یخبندان شد. یک فرضیه جایگزین این است که دی‌اکسید کربن کافی از طریق گازهای آتشفشانی خارج شده است که اثر گلخانه‌ای منجر به افزایش دمای جهانی شده است. افزایش فعالیت آتشفشانی ناشی از تجزیه رودینیا در همان زمان بود.

دوره بروودی با دوره ادیاکاران دنبال شد که با توسعه سریع شکل‌های حیات چند سلولی جدید مشخص شد. اینکه آیا ارتباطی بین پایان دوره‌های شدید یخبندان و افزایش تنوع زندگی وجود دارد یا خیر، روشن نیست، اما تصادفی به نظر نمی‌رسد. اشکال جدید زندگی که *Ediacara biota* نامیده می‌شوند، بزرگتر و متنوع‌تر از همیشه بودند. اگرچه طبقه بندی اکثر اشکال زندگی ادیاکرا نامشخص است، برخی از آنها اجداد گروه‌هایی از زندگی مدرن بودند. تحولات مهم منشاء سلول‌های عضلانی و عصبی بود. هیچ یک از فسیل‌های ادیاکاران دارای قسمت‌های

سخت بدن مانند اسکلت نبودند. اینها ابتدا بعد از مرز بین پروتروزوئیک و فانروزوئیک ظاهر می شوند دوران یا دوره های ادیاکران و کامبرین.

عصر فانروزوئیک

Phanerozoic عصر کنونی روی زمین است که تقریباً 538.8 میلیون سال پیش آغاز شده است. این شامل سه دوره است: پالئوزوئیک ، مزوزوئیک ، و سنوزوئیک ، و زمانی است که حیات چند سلولی تقریباً به همه موجودات شناخته شده امروزی بسیار متنوع شده است.

عصر پالئوزوئیک («زندگی قدیم») اولین و طولانی‌ترین دوران عصر فانروزوئیک بود که از 538.8 تا 251.902 مایل به طول انجامید. در دوران پالئوزوئیک، بسیاری از گروه‌های زندگی مدرن به وجود آمدند. زندگی زمین را مستعمره کرد، ابتدا گیاهان، سپس حیوانات. دو انقراض بزرگ رخ داد. قاره های تشکیل شده در هنگام تجزیه پانوتیا و رودینیا در پایان پروتروزوئیک به آرامی دوباره با هم حرکت کردند و ابرقاره پانگه آ را در اواخر پالئوزوئیک تشکیل دادند.

دوران مزوزوئیک ("زندگی میانی") از 251.902 میکروالی تا 66 مایل به طول انجامید. این دوره به دوره های تریاس ، ژوراسیک و کرتاسه تقسیم می شود. دوران با رویداد انقراض پرمین-تریاس ، شدیدترین رویداد انقراض در پرونده فسیلی آغاز شد. 95 درصد از گونه های روی زمین از بین رفتند. با رویداد انقراض کرتاسه-پالئوژن که دایناسورها را نابود کرد به پایان رسید .

عصر سنوزوئیک ("حیات جدید") در 66 مایل آغاز شد و به دوره های پالئوژن ، نئوژن و کواترنر تقسیم می شود. این سه دوره بیشتر به هفت زیربخش تقسیم می شوند که پالئوژن از پالئوسن ، ائوسن و الیگوسن تشکیل شده است، نئوژن به میوسن ، پلیوسن ، و کواترنر متشکل از پلیستوسن و هولوسن تقسیم می شود. پستانداران، پرندگان، دوزیستان، کروکودیل ها، لاک پشت ها و لپیدوزارها از رویداد انقراض کرتاسه-پالئوژن جان سالم به در بردند که دایناسورهای غیر پرنده و بسیاری دیگر از اشکال حیات را از بین برد، و این دوره ای است که در طی آن آنها به اشکال مدرن خود تنوع پیدا کردند.

زمین ساخت، دیرینه جغرافیا و آب و هوا



پانگه آ ابرقاره ای بود که از حدود 300 تا 180 میلی متر وجود داشت. خطوط کلی قاره های مدرن و دیگر خشکی ها در این نقشه نشان داده شده است.

در پایان پروتروزوئیک، ابرقاره پانوتیا به قاره های کوچکتر لاورنتیا، بالتیکا، سبیری و گندوانا تقسیم شد. در طول دوره هایی که قاره ها از هم دور می شوند، پوسته اقیانوسی بیشتری در اثر فعالیت آتشفشانی تشکیل می شود. از آنجایی که پوسته آتشفشانی جوان نسبتاً داغتر و چگالی کمتری نسبت به پوسته قدیمی

اقیانوسی دارد، کف اقیانوس در چنین دوره هایی بالا می رود. این باعث بالا آمدن سطح دریا می شود. بنابراین، در نیمه اول پالئوزوئیک، مناطق وسیعی از قاره ها زیر سطح دریا قرار داشتند.

آب و هوای اولیه پالئوزوئیک گرمتر از امروز بود، اما پایان دوره اردوئین شاهد یک عصر یخبندان کوتاه بود که در طی آن یخچال های طبیعی قطب جنوب را پوشانده بودند، جایی که قاره عظیم گندوانا در آن قرار داشت. آثار یخبندان از این دوره فقط در گندوانای سابق یافت می شود. در طول عصر یخبندان اردوئین پسین، چند انقراض دسته جمعی رخ داد که در آن بسیاری از بازوپایان، تریلوبیت ها، بریزوآ و مرجان ها ناپدید شدند. این گونه های دریایی احتمالاً نمی توانند با کاهش دمای آب دریا مقابله کنند.

قاره های Laurentia و Baltica بین 450 و 400 Ma در طول کوهزایی کالدونین با یکدیگر برخورد کردند و Laurussia (همچنین به عنوان Euramerica شناخته می شود) را تشکیل دادند. آثار کمربند کوهی که این برخورد ایجاد کرد را می توان در اسکاندیناوی، اسکاتلند و آپالاش شمالی یافت. در دوره دونین (416-359 مایل) گوندوانا و سیبری شروع به حرکت به سمت لوروس کردند. برخورد سیبری با لوروس باعث کوهزایی اورالی شد، برخورد گندوانا با لوروسیا کوهزایی واریسکن یا هرسینی در اروپا یا کوهزایی آلگنین نامیده می شود. در آمریکای شمالی مرحله دوم در دوره کربونیفر رخ داد و منجر به تشکیل آخرین ابرقاره، پانگه آ شد.

در سال 180 میلادی پانگه آ به لوراسیا و گوندوانا تقسیم شد.

انفجار کامبرین



تریلوبیت ها اولین بار در دوره کامبرین ظاهر شدند و از گسترده ترین و متنوع ترین گروه های موجودات پالئوزوئیک بودند.

سرعت تکامل حیات همانطور که توسط فسیل ها ثبت شده است در دوره کامبرین (Ma488-542) شتاب گرفت. ظهور ناگهانی بسیاری از گونه ها، فیلاها و اشکال جدید در این دوره انفجار کامبرین نامیده می شود. تحریک بیولوژیکی در انفجار کامبرین قبل و بعد از آن زمان بی سابقه بود. در حالی که اشکال زندگی ادیاکرا بدوی به نظر می رسند و به راحتی نمی توان آنها را در هر گروه مدرن قرار داد، در پایان دوره کامبرین، مدرن ترین فیلاها قبلاً وجود داشتند. ایجاد قطعات سخت بدن مانند صدف، اسکلت بیرونی در حیواناتی مانند نرم تنان ، خارپوستان ،

کرینوئیدها و بندپایان (گروه شناخته شده ای از بندپایان پالئوزوئیک پایین تریلوبیت ها هستند) حفظ و فسیل کردن چنین اشکال حیاتی را آسان تر از اجداد پروتروزویک خود کردند. به همین دلیل، در مورد زندگی در دوره کامبرین و پس از آن بسیار بیشتر از زندگی دوره های قدیمی تر شناخته شده است. برخی از این گروه های کامبرین پیچیده به نظر می رسند، اما ظاهراً کاملاً متفاوت از زندگی مدرن هستند. به عنوان مثال می توان به *Anomalocaris* و *Haikouichthys* اشاره کرد. با این حال، اخیراً به نظر می رسد که اینها در طبقه بندی مدرن جایگاهی پیدا کرده اند.

در طول دوره کامبرین، اولین حیوانات مهره دار، از جمله اولین ماهی ها، ظاهر شدند. موجودی که می توانست نیای ماهی ها باشد یا احتمالاً با آن ارتباط نزدیک داشت، پیکایا بود. این یک نوتوکورد بدوی داشت، ساختاری که می توانست بعداً به ستون مهره تبدیل شود. اولین ماهیان آرواره دار (*Gnathostomata*) در دوره زمین شناسی بعدی یعنی اردویسین ظاهر شدند. استعمار سوله های جدید منجر به سایزهای بزرگ بدن شد. به این ترتیب، ماهی هایی با اندازه های فزاینده در اوایل پالئوزوئیک تکامل یافتند، مانند پلاکودرم تایتانیک *Dunkleosteus*، که می توانست ۷ متر (۲۳ فوت) طول داشته باشد.

تنوع اشکال حیات به دلیل یک سری از انقراض های دسته جمعی که واحدهای زیست چینه شناسی گسترده ای به نام بیومر را تعریف می کنند، افزایش زیادی پیدا نکرد. پس از هر پالس انقراض، نواحی فلات قاره با اشکال زندگی مشابهی که ممکن است در جاهای دیگر به آرامی در حال تکامل بوده باشند، دوباره پر

جمعیت شدند. در اواخر کامبرین، تریلوپیت ها به بیشترین تنوع خود رسیده بودند و تقریباً بر تمام مجموعه های فسیلی تسلط داشتند

استعمار زمین



تصور هنرمند از فلور دونین

تجمع اکسیژن حاصل از فتوسنتز منجر به تشکیل یک لایه ازن شد که بیشتر تابش فرابنفش خورشید را جذب کرد، به این معنی که موجودات تک سلولی که به خشکی می‌رسند احتمال مرگ کمتری داشتند و پروکاریوت‌ها شروع به تکثیر کردند

و برای بقای خارج از آب سازگاری بهتری پیدا کردند. دودمان پروکاریوت ها احتمالاً در اوایل Ga 2.6 حتی قبل از پیدایش یوکاریوت ها، زمین را مستعمره کرده بودند. برای مدت طولانی، زمین خالی از موجودات چند سلولی باقی ماند. ابرقاره پانوتیا در حدود 600 میلیون سال تشکیل شد و 50 میلیون سال بعد از هم جدا شد. ماهی ها، اولین مهره داران، در اقیانوس ها در حدود 530 میلی متر تکامل یافتند. یک رویداد بزرگ انقراض نزدیک به پایان دوره کامبرین رخ داد، که به 488 مارس پایان یافت.

چند صد میلیون سال پیش، گیاهان (احتمالاً شبیه جلبک ها) و قارچ ها در لبه های آب و سپس خارج از آن شروع به رشد کردند. قدیمی ترین فسیل های قارچ ها و گیاهان خشکی به 480 تا 460 میلیون سال قبل برمی گردند، اگرچه شواهد مولکولی نشان می دهد که قارچ ها ممکن است در اوایل سال 1000 و گیاهان 700 میلیون سال زمین را مستعمره کرده باشند. در ابتدا نزدیک به لبه آب، جهش ها و تغییرات منجر به استعمار بیشتر این محیط جدید شد. زمان اولین حیواناتی که اقیانوس ها را ترک کردند به طور دقیق مشخص نیست؛ قدیمی ترین شواهد واضح وجود بندپایان در خشکی در حدود 450 میلیون سال است، شاید به دلیل منبع غذایی وسیعی که گیاهان زمینی فراهم می کنند، شکوفا شده و سازگارتر شوند. همچنین شواهد تایید نشده ای وجود دارد که نشان می دهد بندپایان ممکن است در اوایل سال 530 در خشکی ظاهر شده باشند.

تکامل چهارپایان



تیکتالیک ، ماهی با باله های اندام مانند و پیشینی از چهارپایان. بازسازی از فسیل های حدود 375 میلیون سال.

در پایان دوره اردوویسین، سال 443 رویدادهای انقراض دیگری رخ داد، شاید به دلیل عصر یخبندان همزمان. در حدود 380 تا 375 میل، اولین چهارپایان از ماهی تکامل یافتند. باله ها تکامل یافتند و به اندامی تبدیل شدند که اولین چهارپایان از آن برای بلند کردن سر خود از آب برای تنفس هوا استفاده کردند. این به آنها اجازه می دهد در آب های فاقد اکسیژن زندگی کنند یا در آب های کم عمق به دنبال طعمه های کوچک بروند. آنها ممکن است بعداً برای دوره های کوتاهی در خشکی جسارت کرده باشند. در نهایت، برخی از آنها آنقدر با زندگی زمینی سازگار شدند که زندگی بزرگسالی خود را در خشکی گذراندند، اگرچه در آب از تخم بیرون آمدند و برای تخم گذاری بازگشتند. این خاستگاه دوزیستان بود. در حدود سال 365، دوره دیگری از انقراض رخ داد، شاید در نتیجه سرد شدن جهانی . گیاهان بذرهایی را

تکامل دادند که به طور چشمگیری گسترش آنها در خشکی را در همین زمان (تقریباً 360 میلیون سال) تسریع کردند.

حدود 20 میلیون سال بعد، تخم آمنیوتیک تکامل یافت، که می‌توانست روی خشکی گذاشته شود و به جنین‌های چهارپایان مزیت بقا بدهد. این منجر به واگرایی آمنیوت‌ها از دوزیستان شد. 30 میلیون سال دیگر شاهد واگرایی سیناپسیدها (از جمله پستانداران) از سائورپسیدها (از جمله پرندگان و خزندگان) بودیم. گروه‌های دیگر ارگانیسم‌ها به تکامل خود ادامه دادند و خطوط از هم جدا شدند - در ماهی‌ها، حشرات، باکتری‌ها و غیره - اما کمتر از جزئیات آن اطلاعی در دست نیست.



دایناسورها مهره داران زمینی غالب در بیشتر دوره مزوزوئیک بودند

پس از یک انقراض دیگر، شدیدترین انقراض دوره (251 تا 250 میلیون سال)، در حدود 230 میلیون سال، دایناسورها از اجداد خزنده خود جدا شدند. رویداد انقراض تریاس-ژوراسیک در 200 مایل از بسیاری از دایناسورها نجات یافت، و آنها به زودی در میان مهره داران غالب شدند. اگرچه برخی از خطوط پستانداران در طول این دوره شروع به جدا شدن کردند، پستانداران موجود احتمالاً حیوانات کوچکی بودند که شبیه خرطومی بودند.

مرز بین دایناسورهای پرنده و غیر پرنده مشخص نیست، اما Archeopteryx که به طور سنتی یکی از اولین پرنده محسوب می شود، در حدود 150 میلیون سال زندگی می کرد.

اولین شواهد دال بر تکامل گل‌های آنژیوسپرمها در دوره کرتاسه، حدود 20 میلیون سال بعد (132 میلیون سال) است.

انقراض ها

اولین مورد از پنج انقراض بزرگ بزرگ، انقراض اردویسین-سیلوریان بود. علت احتمالی آن یخبندان شدید گوندوانا بود که در نهایت به یک زمین گلوله برفی منجر شد. 60 درصد از بی مهرگان دریایی منقرض شدند و 25 درصد از تمام خانواده ها.

دومین انقراض دسته جمعی انقراض دونین پسین بود که احتمالاً ناشی از تکامل درختان بود که می‌توانست به تخلیه گازهای گلخانه‌ای (مانند CO₂) یا اتروفیکاسیون آب منجر شود. 70 درصد از همه گونه‌ها منقرض شدند.

سومین انقراض دسته جمعی پرمین-تریاس یا مرگ بزرگ بود، که احتمالاً به دلیل ترکیبی از رویداد آتشفشانی تله سیری، برخورد سیارک، گازی شدن هیدرات متان، نوسانات سطح دریا و یک رویداد مهم بی‌هوازی ایجاد شد. یا دهانه Wilkes Land پیشنهادی در قطب جنوب یا ساختار Bedout در سواحل شمال غربی استرالیا ممکن است ارتباط ضربه‌ای با انقراض پرمین-تریاس را نشان دهد. اما مشخص نیست که این یا سایر دهانه‌های مرزی پیشنهادی پرمین-تریاس یا دهانه‌های برخوردی واقعی هستند یا حتی همزمان با رویداد انقراض پرمین-تریاس. این مرگبارترین انقراض تاریخ بود که حدود 57 درصد از کل خانواده‌ها و 83 درصد از همه جنس‌ها کشته شدند.

چهارمین انقراض دسته جمعی رویداد انقراض تریاس-ژوراسیک بود که در آن تقریباً تمام سیناپسیدها و آرکوسورها منقرض شدند، احتمالاً به دلیل رقابت جدید دایناسورها.

پنجمین و جدیدترین انقراض دسته جمعی رویداد انقراض کرتاسه-پالئوژن بود. در سال 66 مایل، یک سیارک 10 کیلومتری (6.2 مایلی) درست در نزدیکی شبه جزیره یوکاتان - جایی در نوک جنوب غربی لوراسیای آن زمان - به زمین برخورد کرد،

جایی که امروز دهانه شیکسولوب قرار دارد. این مقدار زیادی ذرات و بخار را به هوا پرتاب می کند که نور خورشید را مسدود می کند و مانع فتوسنتز می شود. 75 درصد از کل زندگی، از جمله دایناسورهای غیر پرنده، منقرض شدند، که نشان دهنده پایان دوره کرتاسه و دوران مزوزوئیک است.

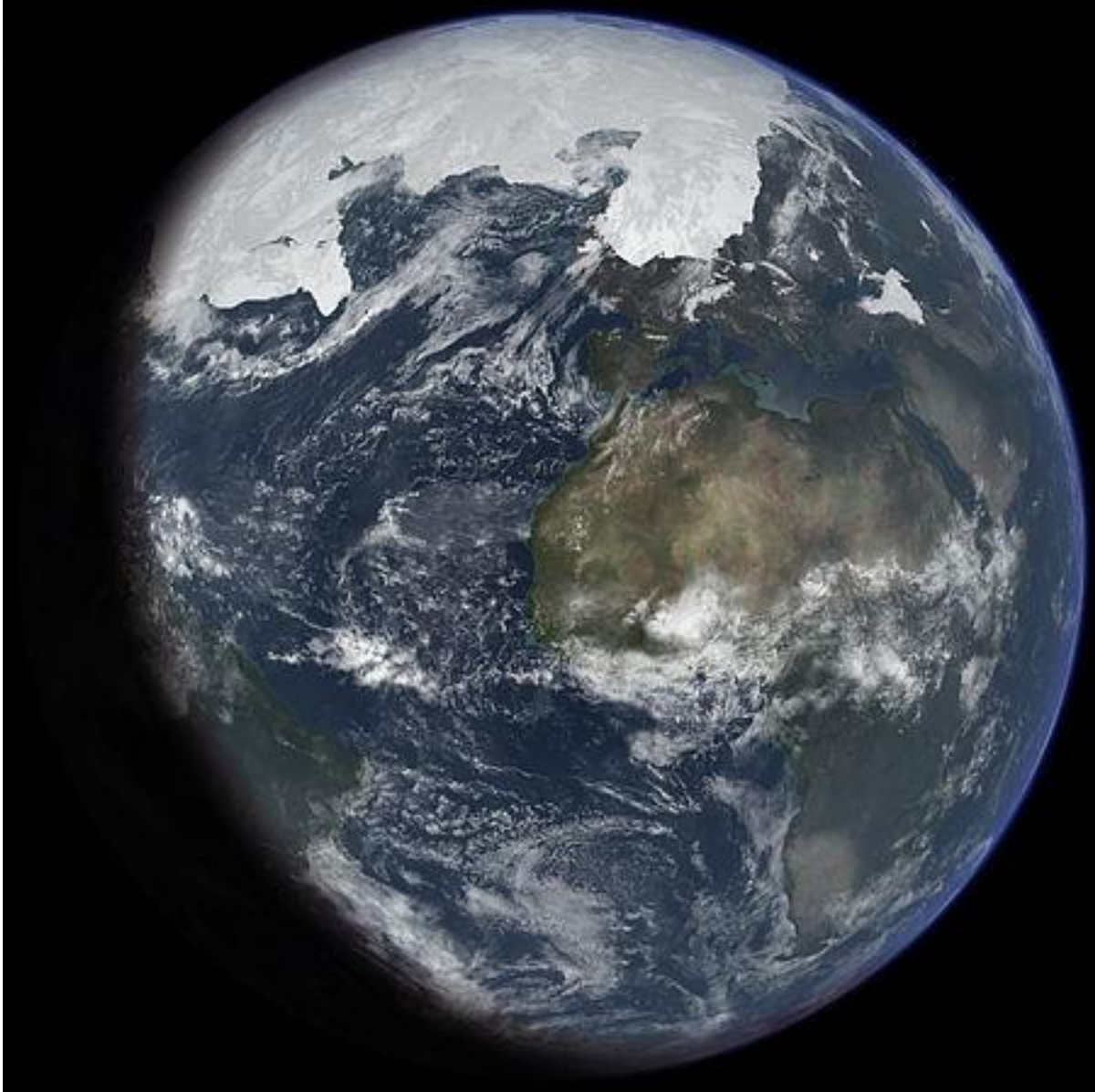
تنوع پستانداران

اولین پستانداران واقعی در سایه دایناسورها و دیگر آرکوسورهای بزرگ تکامل یافتند که در اواخر تریاس جهان را پر کردند. اولین پستانداران بسیار کوچک بودند و احتمالاً برای فرار از شکار شبگرد بودند. تنوع پستانداران واقعاً تنها پس از رویداد انقراض کرتاسه-پالئوژن آغاز شد. در اوایل پالئوسن زمین از انقراض بهبود یافت و تنوع پستانداران افزایش یافت. موجوداتی مانند *Ambulocetus* به اقیانوسها رفتند تا در نهایت به نهنگها تبدیل شوند، در حالی که برخی از موجودات مانند نخستیها به سمت درختان رفتند. این همه در اواسط تا اواخر ائوسن تغییر کرد، زمانی که جریان اطراف قطب جنوب بین قطب جنوب و استرالیا شکل گرفت که الگوهای آب و هوا را در مقیاس جهانی مختل کرد. بی علفساوانا شروع به تسلط بر بیشتر مناظر کرد، و پستاندارانی مانند *Andrewsarchus* به بزرگترین پستاندار درنده زمینی شناخته شده تبدیل شدند، و نهنگهای اولیه مانند *Basilosaurus* کنترل دریاها را به دست گرفتند.

تکامل علف‌ها تغییر قابل‌توجهی در چشم‌انداز زمین ایجاد کرد و فضاهاى باز جدید ایجاد شده، پستانداران را به بزرگ‌تر شدن و بزرگ‌تر شدن سوق داد. علف در میوسن شروع به گسترش کرد و میوسن جایی است که بسیاری از پستانداران امروزی برای اولین بار ظاهر شدند. صندوق‌های گول پیکر مانند Paraceratherium و Deinotherium تکامل یافته اند تا بر علفزارها حکومت کنند. تکامل علف‌ها نیز نخستی‌ها را از درختان پایین آورد و تکامل انسان را آغاز کرد. اولین گربه‌های بزرگ نیز در این زمان تکامل یافتند. دریای تتیس در اثر برخورد آفریقا و اروپا بسته شد. تشکیل پاناما شاید مهمترین رویداد زمین‌شناسی بود که در 60 میلیون سال گذشته رخ داده است. جریان‌های اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام از یکدیگر بسته شده بودند که باعث شکل‌گیری جریان خلیج فارس شد که اروپا را گرم‌تر کرد. پل زمینی به موجودات منزوی آمریکای جنوبی اجازه داد تا به آمریکای شمالی مهاجرت کنند و بالعکس. گونه‌های مختلف به جنوب مهاجرت کردند که منجر به حضور لاماها، خرس عینکی، کینکاجوس و جگوار در آمریکای جنوبی شد.

سه میلیون سال پیش، دوره پلیستوسن آغاز شد، که تغییرات آب و هوایی چشمگیر به دلیل عصر یخبندان را نشان داد. عصر یخبندان منجر به تکامل انسان مدرن در صحرای آفریقا و گسترش آن شد. جانوران بزرگی که غالب بودند، از علفزارهایی تغذیه می‌کردند که تا به حال، بخش عمده‌ای از جهان نیمه گرمسیری را در اختیار گرفته بودند. مقادیر زیادی آب که در یخ نگهداری می‌شوند باعث می‌شود تا آب‌های مختلف کوچک شوند و گاهی اوقات ناپدید شوند، مانند دریای

شمال و تنگه برینگ. بسیاری بر این باورند که مهاجرت عظیمی در امتداد برینگیا رخ داده است، به همین دلیل است که امروزه شتر (که در آمریکای شمالی تکامل یافته و منقرض شده است)، اسب وجود دارد. (که در آمریکای شمالی تکامل یافت و منقرض شد) و بومیان آمریکا. پایان آخرین عصر یخبندان مصادف با گسترش انسان، همراه با مرگ عظیمی از ابر جانوران عصر یخبندان بود. این انقراض با نام مستعار " انقراض ششم " شناخته می شود.



برداشت یک هنرمند از عصر یخبندان زمین در حداکثر یخبندان.

تکامل انسان

یک میمون کوچک آفریقایی که در حدود 6 سال زندگی می‌کرد، آخرین حیوانی بود که فرزندانش هم انسان‌های امروزی و هم نزدیک‌ترین خویشاوندان آنها، شامپانزه‌ها را شامل می‌شد. فقط دو شاخه از شجره نامه آن فرزندان دارند که بازمانده اند. خیلی زود پس از تقسیم، به دلایلی که هنوز مشخص نیست، میمون‌ها در یک شاخه توانایی راه رفتن را پیدا کردند. اندازه مغز به سرعت افزایش یافت و تا 2 مایل، اولین حیوانات طبقه بندی شده در جنس Homo ظاهر شدند. البته، مرز بین گونه‌ها یا حتی جنس‌های مختلف تا حدودی دلخواه است زیرا موجودات به طور مداوم در طول نسل‌ها تغییر می‌کنند. تقریباً در همان زمان، شاخه دیگر به اجداد شامپانزه‌های معمولی و اجداد بونوبو تقسیم شد، زیرا تکامل به طور همزمان در تمام اشکال زندگی ادامه یافت.

توانایی کنترل آتش احتمالاً در هومو ارکتوس (یا هومو ارگستر)، احتمالاً حداقل 790000 سال پیش اما شاید در اوایل 1.5 میلیون سال قبل آغاز شد. استفاده و کشف آتش کنترل شده ممکن است حتی قبل از هومو ارکتوس باشد. آتش احتمالاً توسط انسان‌های پارینه سنگی اولیه (اولدوان) هومو هابیلیس یا استرالوپیتکین‌های قوی مانند پارانتروپوس استفاده می‌شد.

بازسازی تاریخ بشر بر اساس داده های فسیلی.

تعیین منشأ زبان دشوارتر است . مشخص نیست که آیا هومو ارکتوس می توانست صحبت کند یا اینکه این توانایی تا زمان هومو ساپینس آغاز نشده بود . با افزایش اندازه مغز، نوزادان زودتر به دنیا می آمدند، قبل از اینکه سرهای آنها برای عبور از لگن بزرگ شود. در نتیجه، انعطاف پذیری بیشتری از خود نشان دادند و بنابراین ظرفیت یادگیری بیشتری داشتند و به دوره طولانی تری از وابستگی نیاز داشتند. مهارت‌های اجتماعی پیچیده‌تر شدند، زبان پیچیده‌تر شدند و ابزارها پیچیده‌تر شدند. این به همکاری بیشتر و توسعه فکری کمک کرد. انسان مدرن (اعتقاد بر این است که انسان خردمند حدود 200000 سال پیش یا قبل از آن در آفریقا منشأ گرفته است . قدمت قدیمی ترین فسیل ها به حدود 160000 سال پیش باز می گردد.

اولین انسان هایی که نشانه هایی از معنویت را نشان دادند ، نئاندرتال ها هستند (معمولاً به عنوان گونه ای جداگانه طبقه بندی می شوند که هیچ نسلی باقی نمانده است). مردگان خود را اغلب بدون هیچ اثری از غذا یا ابزار دفن می کردند. با این حال، شواهدی از باورهای پیچیده‌تر، مانند نقاشی‌های اولیه غار کرومانیون (احتمالاً با اهمیت جادویی یا مذهبی) تا 32000 سال پیش ظاهر نشد. کرومانیون همچنین مجسمه های سنگی مانند زهره ویلندورف را از خود به جای گذاشته است که احتمالاً نشان دهنده اعتقاد مذهبی است. در 11000 سال پیش، انسان خردمند به نوک جنوبی آمریکای جنوبی ، آخرین قاره‌های خالی از سکنه رسیده بود

(به جز قطب جنوب، که تا سال 1820 پس از میلاد کشف نشده باقی ماند).
استفاده از ابزار و ارتباطات به بهبود ادامه داد و روابط بین فردی پیچیده تر شد.

جدول زمانی تکامل انسان

جدول زمانی تکامل انسان وقایع عمده در تبار تکاملی گونه انسان مدرن ، هومو ساپینس ، را در طول تاریخ زندگی ، که از حدود 4 میلیارد سال پیش تا تکامل اخیر در *H. sapiens* در طول و پس از آخرین دوره یخبندان آغاز شده است ، نشان می دهد.

این شامل توضیحات مختصری از رتبه‌بندی‌های مختلف طبقه‌بندی در دودمان انسانی است. جدول زمانی منعکس کننده دیدگاه های جریان اصلی در طبقه بندی مدرن ، بر اساس اصل نامگذاری فیلوژنتیک است . در موارد سؤالات باز بدون اجماع واضح، احتمالات اصلی رقابت به طور خلاصه بیان می شود.

زندگی تک سلولی

تاریخ رویداد 4.1 الی 4.3 میلیارد سال پیش

اولین زندگی ، احتمالاً به صورت پروتوسل ظاهر می شود . ماده ژنتیکی آنها احتمالاً از RNA تشکیل شده بود که قادر به تکثیر خود و فعالیت آنزیمی بود. غشاهای آنها از لیپیدها تشکیل شده بود . ژن‌ها رشته‌های جداگانه‌ای بودند که به پروتئین ترجمه شده و اغلب بین پروتوسل‌ها مبادله می‌شدند.

تاریخ رویداد 3.8 الی 4 میلیارد سال پیش

سلول‌های پروکاریوتی ظاهر می‌شوند. مواد ژنتیکی آنها از DNA پایدارتر تشکیل شده است و آنها به دلایل مختلف از پروتئین‌ها استفاده می‌کنند، در درجه اول برای کمک به DNA برای تکثیر خود توسط آنزیم‌های پروتئینی (RNA اکنون به عنوان یک واسطه در این جزم اصلی جریان اطلاعات ژنتیکی حیات سلولی عمل می‌کند). اکنون ژن‌ها به صورت توالی به هم مرتبط هستند، بنابراین تمام اطلاعات به فرزندان منتقل می‌شود. آنها دیواره‌های سلولی و غشای بیرونی داشتند و احتمالاً در ابتدا ترموفیل بودند.

تاریخ رویداد 3.5 میلیارد سال پیش

این نشان دهنده اولین ظهور سیانوباکتری ها و روش فتوسنتز اکسیژنی آنها و بنابراین اولین وقوع اکسیژن اتمسفر در زمین است. تا یک میلیارد سال دیگر، پروکاریوتها بدون مزاحمت به تنوع خود ادامه می‌دهند.

تاریخ رویداد 2.2 الی 2.5 میلیارد سال پیش

اولین موجوداتی که از اکسیژن استفاده کردند. تا سال 2400، در رویدادی که به آن رویداد بزرگ اکسیژن رسانی (GOE) گفته می‌شود، بیشتر اشکال بی‌هوازی حیات پیش از اکسیژن توسط تولیدکنندگان اکسیژن از بین رفتند.

تاریخ رویداد 1.8 الی 2.2 میلیارد سال پیش

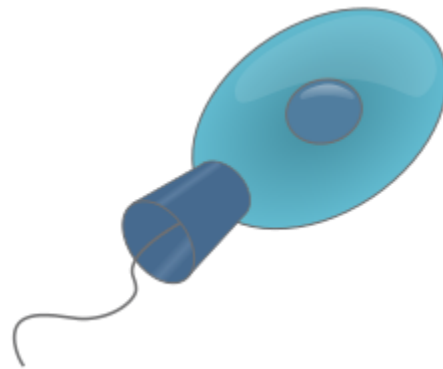
منشا یوکاریوت ها : موجودات با هسته ، سیستم های غشایی (از جمله میتوکندری) و اسکلت های سلولی پیچیده . آنها mRNA را بین رونویسی و ترجمه به هم متصل کردند (پیچیدن در پروکاریوت ها نیز اتفاق می افتد، اما فقط مربوط به RNA های غیر کد کننده است). تصور می‌شود که تکامل یوکاریوتها، و احتمالاً جنسیت، به GOE مربوط می‌شود، زیرا احتمالاً دو یا سه دودمان از پروکاریوتها (از جمله یک هوازی ، که بعداً تبدیل به میتوکندری شد) را تحت فشار قرار داد تا به

یکدیگر وابسته شوند که منجر به اندوسیمبیوز شد.. یوکاریوت های اولیه دیواره سلولی و غشای بیرونی خود را از دست دادند.

تاریخ رویداد 1.2 میلیارد سال پیش

تولید مثل جنسی حداقل تا این زمان تکامل می یابد (میتوز و میوز) که منجر به تکامل سریع تر می شود که در آن ژن ها در هر نسل مخلوط می شوند و تنوع بیشتری را برای انتخاب بعدی ممکن می سازد.

تاریخ رویداد 1.2 الی 0.8 میلیارد سال پیش



Choanoflagellate

دودمان هولوزوآ از یوکاریوت ها ویژگی های بسیاری را برای ساختن کلونی های سلولی تکامل می دهد و در نهایت به اجداد حیوانات (متازوئن ها) و choanoflagelates منتهی می شود.

Proterospongia (اعضای Choanoflagellata) بهترین نمونه های زنده از ظاهر اجداد همه حیوانات هستند. آنها در مستعمرات زندگی می کنند و سطح اولیه ای از تخصص سلولی را برای وظایف مختلف نشان می دهند.

Animalia

تاریخ رویداد

650الی 800 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد



. Dickinsonia costata از بیوتای Ediacaran، Ma542-635، یکی از اعضای اولیه احتمالی Animalia.

Urmctazoan : اولین فسیل هایی که ممکن است نشان دهنده حیوانات باشند در

سنگ های 665 میلیون ساله سازند Trezona در استرالیا جنوبی ظاهر می

شوند. این فسیل ها به عنوان اسفنج های اولیه تعبیر می شوند. حیوانات چند

سلولی ممکن است از 800 میلیون سال وجود داشته باشند. جدایی از دودمان

Porifera (اسفنج)، Eumetazoa / Diploblast : جدایی از دودمان Ctenophora

("ژله های شانه ای")، Planulozoa / ParaHoxozoa : جدایی از دودمان Placozoa و Cnidaria . همه دیپلوبلاست ها دارند اپیتلیوم ها، اعصاب ، ماهیچه ها و بافت همبند و دهان ، و به جز پلاکوزوئن ها، نوعی تقارن دارند، به طوری که اجداد آنها احتمالاً دارای تقارن شعاعی مانند کریبری ها هستند. دیپلوبلاست ها سلول های جنینی اولیه خود را به دو لایه زایا (اکتو و اندودرم) جدا کردند. لکه های چشمی گیرنده نور تکامل می یابند.

تاریخ رویداد 600 الی 650 میلیون سال پیش



. Proporus sp., یک xenacoelomorph .

Urbilarian : آخرین جد مشترک زناکلومورف ها، پروتوستوم ها (شامل بندپایان [حشره، سخت پوستان، عنکبوت]، نرم تن [ماهی مرکب، حلزون، صدف] و آنلید

[کرم خاکی] [دودمان] و دوتروستوم ها (شامل خط مهره ها) دو مورد آخر بیشتر به یکدیگر مرتبط هستند و نفروزوا نامیده می شوند . Xenacoelomorph ها همگی دارای یک گونوپور برای بیرون راندن گامت ها هستند اما نفروزوئن ها آن را با مقعد خود ادغام کردند . اولین ایجاد تقارن دو طرفه ، مزودرم ، سر (سفالیزاسیون قدامی) و ماهیچه های مختلف روده (و بنابراین پریستالسیس) و در نفروزوا، نفریدیا (پیش سازهای کلیه)، کوئلوم (یا شاید شبه کوئلوم)، دهان و مقعد مشخص (تکامل از طریق روده)، و احتمالاً حتی تارهای عصبی و عروق خونی . بافت تولید مثل احتمالاً در یک جفت غدد جنسی متمرکز می شود که درست قبل از روزنه خلفی به هم متصل می شوند. "چشم های فنجانی" و اندام های تعادل تکامل می یابند (عملکرد شنوایی بعداً با تکامل پیچیده تر گوش داخلی در مهره داران اضافه می شود). نفروزوئن از طریق روده دارای بخش وسیع تری در قسمت جلویی بود که به نام the حلق . پوست یا پوست از یک لایه اپیتلیال (اپیدرم) و یک لایه همبند تشکیل شده است.

تاریخ رویداد 540 الی 600 میلیون سال پیش



یک خیار دریایی (*Actinopyga echinites*) که شاخک های تغذیه کننده و پای لوله ای خود را نشان می دهد .

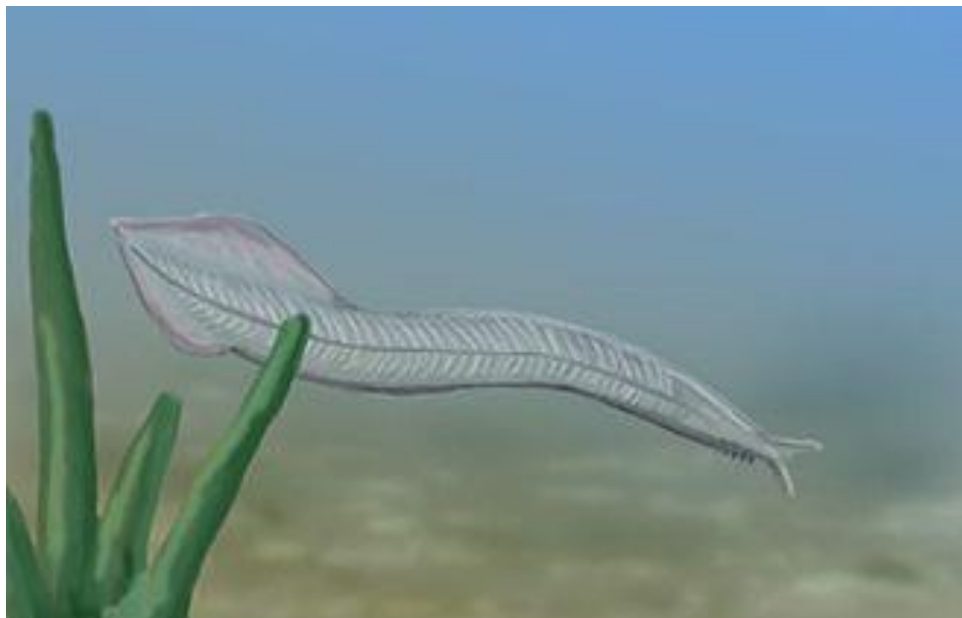
شناخته شده ترین فیلاهای جانوری در فسیل ها به عنوان گونه های دریایی در طول انفجار ادیاکران - کامبرین ظاهر شدند که احتمالاً ناشی از اکسیژن رسانی در مقیاس طولانی از حدود سال 585 مایل بود (که گاهی اوقات "رویداد اکسیژن رسانی نئوپروتروزویک" یا NOE نامیده می شود) و همچنین هجوم مواد معدنی اقیانوسی. Deuterostomes ، آخرین جد مشترک دودمان Chordata [انسان]، Hemichordata (کرم های بلوط و گراپتولیت ها) و Echinodermata (ستاره دریایی ، خارپشت دریایی ، خیار دریایی و غیره)، احتمالاً دارای طناب های عصبی شکمی و پشتی مانند کرم های بلوط مدرن بودند.

یک بازمانده باستانی از این مرحله کرم بلوط است که دارای یک سیستم گردش خون باز (با عروق خونی منشعب کمتر) با قلبی است که به عنوان کلیه نیز عمل می کند. کرم‌های بلوط دارای شبکه‌ای هستند که در طناب‌های عصبی پشتی و شکمی متمرکز شده‌اند. طناب پشتی به پروبوسیس می رسد و تا حدی از اپیدرم در آن ناحیه جدا می شود. این قسمت از طناب عصبی پشتی اغلب توخالی است و ممکن است با مغز مهره داران همسان باشد. دوتروستوم‌ها همچنین شکاف‌های حلقی را تکامل دادند که احتمالاً برای تغذیه فیلتر مانند در همی و پروتو کوردات‌ها استفاده می‌شدند.

Chordata

تاریخ رویداد

تاریخ رویداد 520 الی 540 میلیون سال پیش



پیکایا

افزایش مقدار اکسیژن باعث می شود که بسیاری از یوکاریوت ها، از جمله بیشتر حیوانات، به هوازی اجباری تبدیل شوند .

جد Chordata باعث پیدایش lancelets (Amphioxii) و Olfactores شد. آکوردهای اجدادی یک دم پس از مقعد ، نوتوکورد و اندوسایل (پیش ساز تیروئید) را تکامل دادند. شکاف‌های حلقی (یا آبشش‌ها) اکنون توسط بافت همبند پشتیبانی می‌شوند و برای تغذیه فیلتر و احتمالاً تنفس استفاده می‌شوند . دیگر پیشینیان آکوردی قبلی عبارتند از *Mylokunmingia fengjiao* ، *Haikoella lanceolata* ، و *Haikouichthys ercaicunensis* . آنها احتمالاً طناب عصبی شکمی خود را از دست دادند و ناحیه خاصی از پشتی به نام مغز را تکامل دادند و گلیا به طور دائم با نرون ها مرتبط شد. آنها احتمالاً اولین سلول‌های خونی (احتمالاً لکوسیت‌های اولیه ، نشان‌دهنده ایمنی پیشرفته ذاتی) را که در اطراف حلق و روده ساخته‌اند، تکامل دادند. همه آکوردها به جز تونیکاتورها دارای یک سیستم گردش خون پیچیده و بسته با عروق خونی بسیار منشعب هستند.

بویایی ، آخرین جد مشترک تونیک و مهره داران که در آن بویایی (بویایی) تکامل یافته است. از آنجایی که نیزه‌ها فاقد قلب هستند، احتمالاً در این جد پدید آمده است (قبلاً خود رگ‌های خونی منقبض می‌شدند) اگرچه ممکن بود پس از تکامل

در دوتروستوم‌های اولیه (همی‌کوردات‌ها و خارپوستان قلب دارند) در نیزه‌ها گم شود.

تاریخ رویداد 480 الی 520 میلیون سال پیش توسط کازشناسی ارشد



آگناتا

اولین مهره داران (" ماهی ") ظاهر می شوند: استراکودرم ها . Haikouichthys و Myllokunmingia نمونه هایی از این ماهی های بی آرواره یا Agnatha هستند . Cyclostomata بدون آرواره در این مرحله واگرا می شود. آنها بدون آرواره بودند، هفت جفت قوس حلقی مانند نوادگانشان امروزی داشتند، و اسکلت درونی آنها غضروفی بود (در آن زمان فقط شامل غضروف جمجمه / مغز و مهره بود). بافت همبند زیر اپیدرم به درم و هیپودرم تمایز می یابد . آنها برای تنفس به آبشش‌ها وابسته بودند و حس منحصر به فرد چشایی (حس باقیمانده پوست که اکنون " لمس " نامیده می‌شود)، اندوتلیا ، چشم‌های دوربین و گوش‌های داخلی (قابل

شنیدن و متعادل‌سازی هستند؛ هر کدام از یک لاژنا ، یک اندام گوش سنگی تشکیل شده‌اند) تکامل دادند. و دو کانال نیم دایره ای و همچنین کبد ، تیروئید ، کلیه ها و قلب های دو حفره ای (یک دهلیز و یک بطن). باله دم داشتند اما فاقد باله های جفتی (سینه ای و لگنی) ماهی های پیشرفته تر بود. مغز به سه قسمت تقسیم شد (تقسیم بیشتر مناطق مجزا بر اساس عملکرد ایجاد کرد). غده صنوبری مغز تا سطح پوست سر نفوذ می کند و آن را شبیه چشم سوم می کند. آنها اولین گلوبول های قرمز و ترومبوسیت ها را تکامل دادند .

تاریخ رویداد 430 الی 460 میلیون سال پیش توسط کارشناسی رارشد



یک پلاکودرم

Placodermi اولین ماهی فک دار (Gnathostomata) بود . آرواره های آنها از اولین قوس آبشش / حلقی تکامل یافته و آنها تا حد زیادی غضروف اسکلتی خود را با

استخوان جایگزین کرده و باله های سینه ای و لگنی تکامل یافته اند. استخوانهای قوس آبششی اول به فک بالا و پایین تبدیل شدند ، در حالی که استخوانهای قوس دوم به استخوانهای هیوماندیولا ، سراتوهیال و بازیهیال تبدیل شدند. این دو تا از هفت جفت آبشش را بسته است. شکاف بین قوس اول و دوم درست در زیر قاب مغزی (در هم آمیخته با فک بالا) یک جفت ماریچ ایجاد کرد، که در پوست باز می شد و به حلق منتهی می شد (آب از آنها عبور می کرد و از آبشش ها خارج می شد). پلاکودرم ها با جانوران غالب قبلی، سرپایان و عقرب های دریایی رقابت داشتند و به تسلط خود رسیدند. دودمان آنها احتمالاً پس از تکامل فلس ها ، دندانها (که امکان انتقال به گوشتخواری کامل)، معده ، طحال ، تیموس ، غلاف میلین ، هموگلوبین و ایمنی پیشرفته تطبیقی را فراهم کرد، به ماهیهای استخوانی و غضروفی تبدیل شدند.(دو مورد آخر به طور مستقل در لامپری ها و ماهی هاگ فیش رخ داد). ماهی فک دار سومین کانال نیم دایره ای جانبی نیز دارد و اتولیت آن ها بین ساکول و اوتریکل تقسیم شده است.

تاریخ رویداد 410 الی 430 میلیون سال پیش کارشناسی ارشد



Coelacanth در سال 1974 صید شد

ماهی‌های استخوانی آرواره‌های خود را به چندین استخوان تقسیم می‌کنند و ریه‌ها، استخوان‌های باله، دو جفت استخوان دنده‌ای و استخوان‌های اپیکولار را تکامل می‌دهند و به اکتینوپتریژی (با باله‌های پرتویی) و سارکوپتریژی (با باله‌های گوشتی و پایین‌تر) واگرا می‌شوند. دومی از زیستگاه‌های دریایی به آب شیرین تبدیل شد. ماهی فک دارای باله پشتی و مقعدی نیز می‌باشد.

تتراپودا

اطلاعات بیشتر: تکامل چهارپایان

تاریخ رویداد 390 میلیون میلیون سال پیش



پاندریشتیس

برخی از ماهی‌های باله‌دار آب شیرین (sarcopterygii) اندام ایجاد می‌کنند و Tetrapodomorpha را ایجاد می‌کنند. این ماهی‌ها در زیستگاه‌های آب شیرین

کم عمق و باتلاقی تکامل یافتند، جایی که چشم های بزرگ و ماریچ ها را تکامل دادند.

چهارپایان اولیه ("پای ماهی") از چهارپایان با مغزی دو لوب در جمجمه صاف، دهان گشاد و پوزه متوسط به وجود آمدند که چشمان رو به بالا نشان می دهد که ساکن پایین بوده و قبلا سازگاری هایی با باله هایی با پایه و استخوان های گوشتی . (فسیل "زنده" کولاکانت یک ماهی باله دار مرتبط بدون این سازگاری با آب کم عمق است.) ماهی های چهارپایان از باله های خود به عنوان پارو در زیستگاه های آب های کم عمق و خفه شده با گیاهان و ریزه ها استفاده می کردند . ویژگی های جهانی چهارپایان اندام های جلویی که در آرنج به سمت عقب خم می شوند و اندام های عقبی که در زانو به جلو خم می شوند را می توان به طور منطقی در چهارپایان اولیه که در آب های کم عمق زندگی می کنند ردیابی کرد. پاندریکتیس یک ماهی به طول 90 تا 130 سانتی متر (35 تا 50 اینچ) متعلق به دوره دونین پسین (380 میا) است. سر بزرگی شبیه چهارپایان دارد. Panderichthys ویژگی های انتقالی بین ماهی های باله دار و چهارپایان اولیه را نشان می دهد.

برداشت های مسیری که توسط چیزی شبیه اندام Ichthyostega ایجاد می شود ، در رسوبات جزر و مدی دریایی لهستان با عمق 390 میلیون میلیون تومان تشکیل

شد. این نشان می‌دهد که تکامل چهارپایان قدیمی‌تر از فسیل‌های قدمت پاندریکتیس تا Ichthyostega است.

تاریخ رویداد 350 الی 375 میلیون سال پیش کارشناسی ارشد



Tiktaalik

تیکتالیک (Tiktaalik) یک سرده از ماهیان سارکوپتریژی (لوب باله ای) از اواخر دونین با ویژگی‌های چهارپای مانند بسیاری است. این نشان می‌دهد که ارتباط واضحی بین پاندریکتیس و آکانتوستگا وجود دارد.



آکانتوستگا



ایکتیوستگا

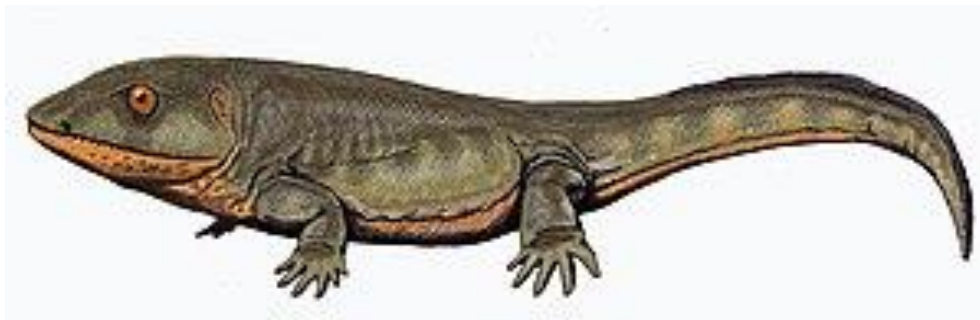
Acanthostega یک چهارپایان منقرض شده است که در میان اولین حیواناتی است که دارای اندام های قابل تشخیص است. این یکی از اولین مهره دارانی است که می تواند به خشکی بیاید. فاقد مچ دست بود و به طور کلی برای زندگی در خشکی مناسب نبود. اندام ها نمی توانستند وزن حیوان را تحمل کنند.

Acanthostega دارای هر دو ریه و آبشش بود، همچنین نشان می دهد که ارتباطی بین ماهی های لوب باله و مهره داران زمینی است. جفت دنده پشتی یک قفسه سینه برای حمایت از ریه ها تشکیل می دهد، در حالی که جفت شکمی ناپدید می شود.

Ichthyostega یکی دیگر از چهارپایان منقرض شده است. Ichthyostega که یکی از اولین حیواناتی است که تنها دو جفت دست و پا دارد (همچنین منحصر به فرد است زیرا آنها به رقم ختم می شوند و استخوان دارند)، به عنوان یک واسطه بین

ماهی و دوزیستان دیده می شود. Ichthyostega اندام داشت اما احتمالاً از آنها برای راه رفتن استفاده نمی شد. آنها ممکن است دوره های بسیار کوتاهی را خارج از آب سپری کرده باشند و از اندام خود برای عبور از گل و لای استفاده می کردند. هر دوی آنها بیش از پنج رقم (هشت یا هفت) در انتهای هر یک از اندامهایشان داشتند، و بدنشان بدون فلس بود (به جز شکمهایشان، جایی که به عنوان گاسترالیا باقی ماندند) . بسیاری از تغییرات تکاملی در این مرحله رخ داد: پلک ها و غدد اشکی تکامل یافتند تا چشم ها را از آب خیس نگه دارند و چشم ها برای تخلیه مایع به حلق متصل شدند. هیوماندیولا (که اکنون کلوملا نامیده می شود) به داخل اسپیراکول منقبض شد که اکنون از یک طرف به گوش داخلی و از طرف دیگر به حلق متصل می شود و تبدیل به شیپور استاش می شود (کلوملا به کمک شنوایی). یک پرده گوش اولیه (لکه ای از بافت همبند) در انتهای هر لوله تکامل یافته است (به نام شکاف گوش) . و سرانتهیال و بازیهیال در هیوئید ادغام شدند . این "پای ماهی" استخوانهای استخوانی تر و قویتری داشتند تا بتوانند خود را در خشکی نگه دارند (به ویژه استخوانهای جمجمه و اندام). استخوانهای فک به هم می آیند در حالی که استخوانهای آبشش و دهان ناپدید می شوند.

تاریخ رویداد 330 الی 350 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد



پدرپس

Pederpes از حدود Ma350 نشان می دهد که تعداد استاندارد 5 رقمی در کربونیفر اولیه ، زمانی که چهارپایان مدرن (یا "دوزیستان") به دو جهت تقسیم می شوند (یکی به دوزیستان موجود و دیگری به آمنیوت ها منتهی می شود) تکامل یافته است. در این مرحله، اجداد ما اندام های وومرونزال ، غدد بزاقی ، زبان ، غدد پاراتیروئید ، قلب های سه حفره ای (با دو دهلیز و یک بطن) و مثانه را تکامل دادند و تا بزرگسالی آبشش های خود را به طور کامل از بین بردند. گлот برای جلوگیری از ورود غذا به دستگاه تنفسی تکامل می یابد. ریه ها و پوست نازک و مرطوب به آنها اجازه نفس کشیدن می داد. آب همچنین برای تولد تخم های بدون پوسته و رشد اولیه مورد نیاز بود. باله های پشتی، مقعدی و دمی همگی ناپدید شدند.

Lissamphibia (دوزیستان موجود) بسیاری از ویژگی های دوزیستان اولیه را حفظ می کنند، اما آنها فقط چهار رقمی دارند (caecilians هیچ رقمی ندارند).

تاریخ رویداد 300 الی 330 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد



هیلونوموس

اولین خزندگان از دوزیستان به وجود آمدند: هیلونوموس اولین خزنده شناخته شده است. طول آن 20 سانتی متر (8 اینچ) بود (از جمله دم) و احتمالاً شبیه مارمولک های امروزی بود. دندانهای تیز کوچکی داشت و احتمالاً هزارپاهای کوچک و حشرات می خورد. این پیش ساز آمنیوت های بعدی (عمده ترین معنای "خزنده") است. آلفا کراتین برای اولین بار در اینجا تکامل می یابد. از آن در پنجه آمنیوت های مدرن و مو در پستانداران استفاده می شود که نشان دهنده پنجه ها و نوع دیگری از فلس های تکامل یافته در آمنیوت ها است (از بین رفتن کامل آبشش ها نیز). تکامل تخم آمنیوتیک باعث پیدایش آمنیوت ها می شود، چهارپایانی که می توانند در خشکی تکثیر شوند و تخم های پوسته شده را در خشکی بگذارند. آنها نیازی

به بازگشت به آب برای تولید مثل یا تنفس نداشتند. این سازگاری و فلس‌های مقاوم در برابر خشکی به آن‌ها این توانایی را داد که برای اولین بار در ارتفاعات ساکن شوند، البته باعث می‌شد از دهان آب بنوشند. در این مرحله، بافت آدرنال ممکن است در غدد مجزا متمرکز شده باشد .

آمنیوت‌ها بر خلاف مهره داران تحتانی ، سیستم عصبی پیشرفته‌ای دارند، با دوازده جفت اعصاب جمجمه‌ای . آنها همچنین جناغ واقعی را تکامل دادند اما پرده گوش و شکاف گوش خود را از دست دادند (شنوایی فقط از طریق هدایت استخوان کلوملا).

پستانداران

تکامل پستانداران

تاریخ رویداد 260 الی 300 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد

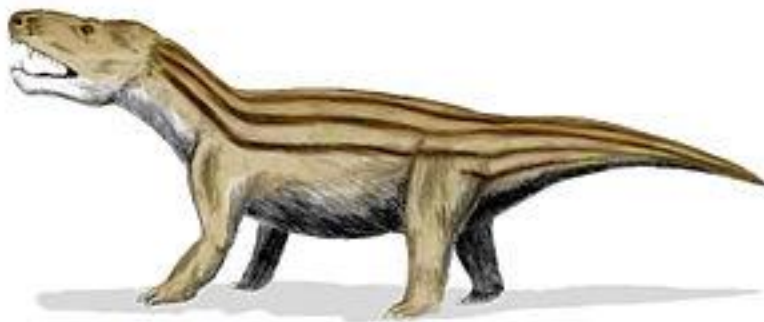


Phthinosuchus ، یک درمانگر اولیه

مدت کوتاهی پس از ظهور اولین خزندگان، دو شاخه از هم جدا شدند. یکی از شاخه ها Sauropsida است که خزندگان و پرندگان امروزی از آن می آیند. شاخه دیگر Synapsida است که پستانداران امروزی از آن می آیند. هر دو دارای حفره های گیجگاهی بودند ، یک جفت سوراخ در جمجمه خود در پشت چشم، که برای افزایش فضای عضلات فک استفاده می شد. سیناپسیدها در هر طرف یک دهانه داشتند، در حالی که دیاپسیدها (شاخه ای از Sauropsida) دارای دو دهانه بودند. نسخه اولیه و ناکارآمد دیافراگم ممکن است در سیناپسیدها تکامل یافته باشد. اولین خزندگان پستاندار مانند پلیکوسورها هستند . پلیکوسورها اولین جانورانی بودند که دارای فنسترهای گیجگاهی بودند. Pelycosaur در مانگر نبودند بلکه اجداد آنها بودند. Therapsids به نوبه خود اجداد پستانداران بودند.

تراپسیدها دارای فنسترهای گیجگاهی بزرگتر و شبیه پستانداران نسبت به پلیکوسورها بودند، دندانهای آنها تمایز زنجیره ای بیشتری را نشان می داد، راه رفتن آنها نیمه ایستاده بود و اشکال بعدی یک کام ثانویه را ایجاد کردند. کام ثانویه حیوان را قادر می سازد همزمان غذا بخورد و نفس بکشد و نشانه ای از شیوه زندگی فعال تر و شاید خون گرم تر است. آنها گاسترالیا و احتمالاً فلس را از دست داده بودند.

تاریخ رویداد 230 الی 260 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد



سینوگناتوس

یکی از زیرگروه‌های درمان‌کننده، سینودونت‌ها، چشم‌های پینه‌آل و دنده‌های کمری را از دست می‌دهند و به احتمال زیاد خونگرم می‌شوند. دستگاه تنفسی تحتانی شاخه‌های پیچیده‌ای را در پارانشیم ریه تشکیل می‌دهد که به آلئول‌های بسیار عروقی ختم می‌شود. اریتروسیت‌ها و ترومبوسیت‌ها هسته‌های خود را از دست می‌دهند در حالی که سیستم‌های لنفاوی و ایمنی پیشرفته ظاهر می‌شوند. آنها همچنین ممکن است درم ضخیم‌تری مانند پستانداران امروزی داشته باشند.

آرواره‌های سینودونت‌ها شبیه آرواره‌های پستانداران مدرن بود. قسمت قدامی، دندان، دندان‌های متمایز را نگه می‌داشت. این گروه از حیوانات احتمالاً دارای گونه‌ای است که جد همه پستانداران امروزی است. فنسترهای زمانی آنها با مدارهایشان ادغام شد. اندام‌های عقبی آن‌ها به حالت ایستاده درآمده و استخوان‌های خلفی فک آنها به تدریج تا ناحیه کلوملا کوچک می‌شود.

تاریخ رویداد 170 الی 230 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد



رینوماموس

اولین پستانداران از اوسینودنتیا به وجود آمدند . اکثر پستانداران اولیه حیواناتی شبیه به حشرات کوچک بودند که از حشرات تغذیه می کردند و برای اجتناب از رقابت با آرکوسورهای غالب به شب زنده داری روی آورده بودند - این منجر به از بین رفتن دید نور قرمز و فرابنفش شد (تتراکرومی اجدادی مهره داران به دو رنگی کاهش یافت). اگرچه هیچ مدرکی در آثار فسیلی وجود ندارد، اما احتمالاً این حیوانات دمای بدن ، مو و غدد شیر ثابتی برای بچه‌های خود داشتند (این غدد از خط شیر سرچشمه می‌گرفتند). ناحیه نئوکورتکس (بخشی از مخ) مغز در

پستانداران با کاهش تکتوم تکامل می‌یابد (حواس غیر بویایی که در اینجا پردازش می‌شوند در نئوکورتکس ادغام می‌شوند اما بویایی به حس اولیه تبدیل می‌شود). منشاء غده پروستات و یک جفت سوراخ که به کلوملا باز می‌شود و استخوان های فک نزدیک آن کوچک می‌شوند. پرده های گوش جدید در مقابل کلوملا و شیپور استاش قرار دارند. پوست مودار، غده ای (غدد ترشح کننده سبوم و عرق) و تنظیم کننده حرارت می‌شود. دندان ها به طور کامل به دندان های ثنایا، نیش، پرمولر و مولر تمایز می‌یابند؛ پستانداران دیفیودنت می‌شوند و دیافراگم توسعه یافته دارند و نرها آلت تناسلی داخلی دارند. همه پستانداران دارای قلب چهار حفره ای (با دو دهلیز و دو بطن) و فاقد دنده های گردنی هستند (در حال حاضر پستانداران فقط دنده های سینه ای دارند).

مونوترم ها گروهی از پستانداران تخمگذار هستند که امروزه با پلاتیپوس و اکیدنا نشان داده می‌شوند. توالی‌یابی ژنوم اخیر پلاتیپوس نشان می‌دهد که ژنهای جنسی آن به ژنهای پرندگان نزدیک‌تر از پستانداران تریان (زنده‌زا) است. در مقایسه با سایر پستانداران، می‌توان چنین استنباط کرد که اولین پستاندارانی که از طریق وجود یا عدم وجود ژن SRY (که در کروموزوم Y یافت می‌شود) تمایز جنسی را به دست آوردند، فقط در تریان ها تکامل یافتند. پستانداران اولیه و احتمالاً اجداد اوسینودنتیایی آنها دارای استخوان های اپی پوبی بودند که برای نگه داشتن کیسه در کیسه داران مدرن (در هر دو جنس) استفاده می‌شود.

تاریخ رویداد 120 الی 170 میلیون سال پیش



Juramaia sinensis

تکامل تولد زنده (Viviparity)، با تریان های اولیه احتمالاً کیسه هایی برای نگهداری جوان رشد نیافته خود مانند کیسه داران مدرن . نوک سینه ها از خطوط شیر تریان سرچشمه می گیرند. دهانه خلفی به دهانه مقعد و مجرای تناسلی جدا می شود. مردان دارای آلت تناسلی خارجی هستند.

مونوترم ها و تریان ها به طور مستقل مالتوس و اینکوس را از دندان (فک پایین) جدا می کنند و آنها را به کلوملا منقبض شده (که اکنون رکابی نامیده می شود) در حفره تمپان در پشت پرده گوش (که به مالتوس متصل است و توسط استخوان دیگری جدا شده از آن نگه داشته می شود) ترکیب می کنند. دندان‌ی، تمپانیک به علاوه اکتوتیمپانیک)، و لاژن (حلزون) خود را برای پیشرفت شنوایی خود می پیچانند . پستانداران جفت ماده کیسه و استخوان های اپی پوبیس ندارند، اما

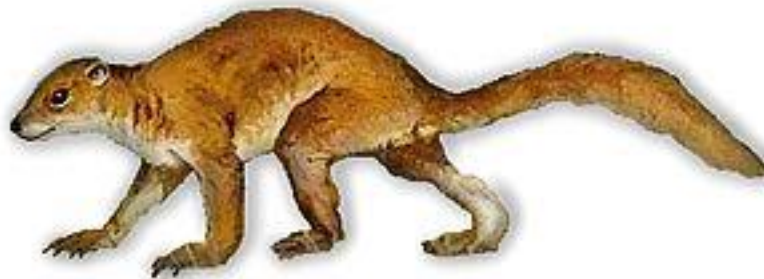
جفت توسعه یافته دارند. که به دیواره‌های رحم نفوذ می‌کند (بر خلاف کیسه‌داران)، امکان بارداری طولانی‌تر را فراهم می‌کند. آنها همچنین دارای منافذ مجزای ادرار و تناسلی هستند.

تاریخ رویداد 90 الی 100 میلیون سال پیش

آخرین اجداد مشترک جونندگان، خرگوش‌ها، ونگل‌ها، گوشتخواران، خفاش‌ها، سوهان و انسان‌ها (پایه کلاد Boreoeutheria؛ نرها اکنون بیضه‌های خارجی دارند).

نخستی‌ها

تاریخ رویداد 66 الی 90 میلیون سال پیش



پلسیاداپیس



Carpolestes Simpsoni

گروهی از پستانداران کوچک، شبزی، درختزی و حشره‌خوار به نام Euarchonta ، گونه‌زایی را آغاز می‌کنند که به راسته‌های نخستی‌سانان ، حشرات درختی و لمورهای پرنده منجر می‌شود . آنها تعداد پستان ها را تنها به دو جفت (روی سینه) کاهش دادند. Primatomorpha زیرشاخه ای از Euarchonta است که شامل پستانداران و اجدادی آنها Plesiadapiformes است. نخستی‌های ساقه‌ای اولیه، پلسیاداپیس ، هنوز پنجه‌ها و چشم‌ها در کنار سر داشت که سرعت آن را روی زمین بیشتر از درختان می‌کرد، اما شروع به صرف زمان طولانی روی شاخه‌های پایین‌تر، تغذیه از میوه‌ها و برگ‌ها کرد.

Plesiadapiformes به احتمال زیاد دارای گونه‌های اجدادی همه پستانداران است. آنها برای اولین بار در حدود 66 میلیون سال پیش، بلافاصله پس از رویداد انقراض

کرتاسه-پالئوژن که حدود سه چهارم گونه های گیاهی و جانوری روی زمین، از جمله بیشتر دایناسورها را از بین برد، در فسیل ها ظاهر شدند.

یکی از آخرین *Plesiadapiformes Carpolestes simpsoni* است که دارای اعدادی دراز است اما چشمانی رو به جلو ندارد.

تاریخ رویداد 56 الی 66 میلیون سال پیش

پستانداران به زیر راسته های *Strepsirrhini* (پریمات های دماغ خیس) و هاپلورینی (پریمات های بینی خشک) واگرا می شوند . مغز منبسط می شود و مغز به 4 جفت لوب تقسیم می شود . میله پس مدار تکامل می یابد تا مدار را از حفره های زمانی جدا کند ، زیرا بینایی موقعیت خود را به عنوان حس اولیه باز می یابد. چشم ها رو به جلو شدند *Strepsirrhini* حاوی بیشتر پروسیمیان ها است . نمونه های مدرن شامل لمورها و لمورها هستند . هاپلورین ها شامل دو گروه زنده هستند: تارسیرهای پروسیمین و میمون های میمون از جمله میمون ها. متابولیسم هاپلورینی توانایی تولید ویتامین C را از دست داد و همه فرزندان را مجبور کرد که میوه های حاوی ویتامین C را در رژیم غذایی خود بگنجانند. نخستی های اولیه فقط پنجه هایی در انگشتان دوم خود داشتند. بقیه تبدیل به میخ شدند .

تاریخ رویداد 35 الی 50 میلیون سال پیش



اژیپتوپیتکوس

سیمیان‌ها به زیر‌نظم‌های Catarrhini و Platyrrhini تقسیم شدند. آنها به‌طور کامل به دیورنالیته تغییر کردند و فاقد هر گونه پنجه و تاپتوم لوسیدوم بودند (که بارها در مهره‌داران مختلف تکامل یافت). آنها احتمالاً حداقل برخی از سینوس‌های پارانازال را تکامل داده‌اند و از چرخه فحلی به چرخه قاعدگی منتقل شده‌اند. تعداد پستان‌ها اکنون به تنها یک جفت قفسه سینه کاهش یافته است. پلاتیرین‌ها، میمون‌های دنیای جدید، دم‌های پیش‌گیر دارند و نرها کوررنگ هستند. گمان می‌رود افرادی که فرزندان‌شان پلاتیرینی می‌شوند به آمریکای جنوبی مهاجرت کرده‌اند یا بر روی یک قایق از پوشش گیاهی یا از طریق یکپل زمینی (فرضیه اکنون مورد علاقه است). کاتارین‌ها بیشتر در آفریقا ماندند زیرا دو قاره از هم دور شدند. نیاکان اولیه احتمالی کاتارین‌ها عبارتند از Aegyptopithecus و Saadanius.

تاریخ رویداد 20 الی 35 میلیون سال پیش



پروکنسول

Catarrhini به 2 ابرخانواده تقسیم می شود، میمون های دنیای قدیم (Cercopithecoidea) و میمون ها (Hominoidea). بینایی رنگی سه رنگ انسان منشأ ژنتیکی خود را در این دوره داشت. کاتارین اندام vomeronasal را از دست داد (یا احتمالاً آن را به وضعیت وستیژال کاهش داد).

پروکنسول یک جنس اولیه از پستانداران کاتارین بود. آنها ترکیبی از خصوصیات میمون و میمون دنیای قدیم داشتند. ویژگی های میمون مانند پروکنسول شامل مینای دندان نازک ، بدنی سبک با سینه ای باریک و اندام های جلویی کوتاه و سبک

زندگی چهارپایی درختی است. ویژگی های میمون مانند آن عدم وجود دم، آرنج های میمون مانند و مغز کمی بزرگتر نسبت به اندازه بدن آن است. Proconsul africanus جد احتمالی میمون های بزرگ و کوچکتر، از جمله انسان است.

Hominidae

تاریخ رویداد 15 الی 20 میلیون سال پیش

Hominidae (اجداد میمون های بزرگ) از اجداد گیون (میمون های کوچکتر) بین سال های قبل از میمون گونه زایی دارند. 20 تا 16 میلیون آنها تا حد زیادی پوزه اجدادی خود را کاهش دادند و آنزیم اوریکاز (که در بیشتر موجودات موجود است) را از دست دادند.

تاریخ رویداد 12 الی 16 میلیون سال پیش

اجداد Homininae از اجداد اورانگوتان بین ج. 18 تا 14 میلیون سال پیش تصور می شود که *Pierolapithecus catalaunicus* جد مشترک انسان ها و میمون های بزرگ دیگر یا حداقل گونه ای است که بیش از هر کشف فسیلی قبلی ما را به یک اجداد مشترک نزدیک می کند. مانند انسان های امروزی و دیگر میمون های بزرگ، سازگاری های ویژه ای برای بالا رفتن از درخت داشت: قفس

دنده‌ای پهن و صاف، ستون فقرات پایینی سفت، مچ‌های انعطاف‌پذیر و تیغه‌های شانهای که در امتداد پشتش قرار دارند.

تاریخ رویداد 12 میلیون سال پیش

Danuvius guggenmosi اولین میمون بزرگ میوسن پسین است که با استخوان‌های بلند حفظ شده کشف شد و ساختار تشریحی و حرکت میمون‌های معاصر را تا حد زیادی روشن می‌کند. هم برای آویزان شدن در درخت (رفتار تعلیقی) و هم برای راه رفتن روی دو پا (دوپا) سازگاری داشت - در حالی که، در میان انسان‌های امروزی، انسان‌ها برای دومی و دیگران برای اولی سازگارتر هستند. بنابراین دانوویوس روشی برای حرکت داشت که بر خلاف هر میمونی که قبلاً شناخته شده بود، به نام «بالا رفتن اندام گسترده»، راه رفتن مستقیم روی شاخه های درخت و همچنین استفاده از بازوها برای آویزان کردن خود داشت. آخرین جد مشترک بین انسان ها و سایر میمون ها احتمالاً روش حرکتی مشابهی داشته است.

تاریخ رویداد 12 الی 8 میلیون سال پیش

کلاد که در حال حاضر توسط انسان و جنس پان (شمپانزه‌ها و بونوبوها) نشان داده می‌شود، از اجداد گوریل‌ها بین سال‌های قبل جدا می‌شود. 12 تا 8 میلیون

تاریخ رویداد 8 الی 6 میلیون سال پیش



Sahelanthropus tchadensis

Hominini : آخرین جد مشترک انسان و شامپانزه تخمین زده می شود که بین 10 تا 5 میلیون سال پیش زندگی می کرده است. هم شامپانزه‌ها و هم انسان‌ها حنجره‌ای دارند که در دو سال اول زندگی به نقطه‌ای بین حلق و ریه‌ها تغییر مکان می‌دهد، که نشان می‌دهد اجداد مشترک این ویژگی را دارند که پیش‌شرطی برای گفتار آوازی در انسان است. زایی ممکن است اندکی پس از Ma10 شروع شده باشد، اما اختلاط دیرهنگام بین دودمان ممکن است تا بعد از Ma5 انجام شده باشد. نامزدهای گونه های هومینینا یا هومینینا که در این دوره زمانی می زیسته اند عبارتند از اورانوپیتکوس (حدود 8 مایل)، Graecopithecus (حدود Ma7)، Sahelanthropus tchadensis (حدود Ma7)، و Orrorin tugenensis (حدود Ma6).



آردیپیتکوس

Ardipithecus یک سرده انسان بسیار اولیه است یا ممکن است باشد (قبیله Hominini و زیر قبیله Hominina). دو گونه در ادبیات شرح داده شده است: A. ramidus ، که حدود 4.4 میلیون سال پیش در اوایل پلیوسن می زیست، و A. kadabba ، مربوط به حدود 5.6 میلیون سال پیش (میوسن اواخر). A. ramidus مغز کوچکی به اندازه 300 تا 350 سانتی متر مکعب داشت . این تقریباً به اندازه بونوبوهای مدرن و شامپانزه معمولی ماده مغز؛ این مغز تا حدودی کوچکتر از مغز استرالیایی‌هایی مانند لوسی است (400 تا 550 سانتی‌متر مکعب) و کمی بیشتر از یک پنجم مغز انسان‌های مدرن هومو ساپینس است.

Ardipithecus درختی بود، به این معنی که تا حد زیادی در جنگل زندگی می کرد که در آن با سایر حیوانات جنگلی برای غذا رقابت می کرد، بدون شک اجداد معاصر شامپانزه ها نیز شامل می شد. همانطور که لگن کاسه‌ای شکل، زاویه فورامن مگنوم و استخوان‌های مچ نازک‌تر آن نشان می‌دهد، آردی‌پیتکوس احتمالاً دوپا بوده است، اگرچه پاهایش هنوز برای گرفتن به جای راه رفتن برای مسافت‌های طولانی سازگار بود.

تاریخ رویداد 5 الی 3 میلیون سال پیش

یکی از اعضای *Australopithecus afarensis* ردپایی شبیه انسان بر روی خاکستر آتشفشانی در Laetoli در شمال تانزانیا بر جای گذاشت که شواهد قوی از دوپا بودن تمام وقت را ارائه می دهد. *Australopithecus afarensis* بین 3.9 تا 2.9 میلیون سال پیش زندگی می‌کرده و یکی از اولین انسان‌ها محسوب می‌شود - گونه‌هایی که بعد از جدا شدن از نسل شامپانزه‌ها رشد کردند و دودمان نزدیک‌ترین همو و همو را تشکیل دادند.

تصور می‌شود که *A. afarensis* اجدادی هم از جنس *Australopithecus* و هم از جنس *Homo* بوده است. در مقایسه با میمون‌های بزرگ مدرن و منقرض شده، *A. afarensis* دندان‌های نیش و دندان‌های آسیاب کوچک‌تری داشت، اگرچه هنوز نسبتاً بزرگ‌تر از انسان‌های امروزی بودند. *A. afarensis* همچنین دارای اندازه مغز

نسبتاً کوچک (380-430 سانتی‌متر مربع) و صورت پروگناتیک (برآمدگی قدامی) است.

Australopithecines در محیط‌های ساوانا یافت شده است. آنها احتمالاً رژیم غذایی خود را طوری توسعه دادند که شامل گوشت پاک شده باشد. تجزیه و تحلیل مهره‌های تحتانی *Australopithecus africanus* نشان می‌دهد که این استخوان‌ها در زنان برای حمایت از دوپا بودن حتی در دوران بارداری تغییر می‌کند.

تاریخ رویداد 3.5 الی 3 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد *Kenyanthropus platyops* , جد احتمالی هومو , از *Australopithecus* بیرون می‌آید . ابزارهای سنگی عمدا ساخته می‌شوند.

3 میلیون سال پیش استرالوپیتکین‌های دوپا (جنسی از زیر قبیله هومینینا) در ساوانای آفریقا که توسط مگانترون شکار می‌شوند، تکامل می‌یابند . ریزش موی بدن از 3 تا 2 میلی‌آمپر، به موازات ایجاد دوپا کامل و بزرگ شدن جزئی مغز اتفاق می‌افتد.

هومو

تاریخ رویداد 2.5 الی 2 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد

هومو اولیه در شرق آفریقا ظاهر می شود و از اجداد استرالوپیتکین گونه زایی می شود. ابزارهای سنگی پیچیده آغاز دوره پارینه سنگی پایین را نشان می دهد. Australopithecus garhi از ابزار سنگی در حدود 2.5 میلی متر استفاده می کرد. هومو هابیلیس قدیمی ترین گونه ای است که توسط لیکی و همکارانش در سال 1964 به نام هومو داده شده است. H. habilis حد واسط بین Australopithecus afarensis و H. erectus است، و پیشنهاداتی برای طبقه بندی مجدد آن در جنس Australopithecus، به عنوان Australopithecus.

ابزارهای سنگی یافت شده در سایت شانگچن در چین و مربوط به 2.12 میلیون سال پیش به عنوان اولین شواهد شناخته شده انسانها در خارج از آفریقا در نظر گرفته می شوند و 300000 سال پیش از دامنیسی در گرجستان پیشی گرفته اند.

تاریخ رویداد 1.9 الی 0.8 میلیون سال پیش توسط کارشناسی ارشد

هومو ارکتوس از هومو اولیها اواخر استرالوپیتکوس مشتق شده است.

هومو هابیلیس، اگرچه تفاوت قابل توجهی از نظر آناتومی و فیزیولوژی دارد، تصور می شود که جد هومو ارگاستر یا هومو ارکتوس آفریقایی باشد. اما همچنین شناخته

شده است که تقریباً نیم میلیون سال (تا حدود 1.5 میلی امپر) با H. erectus

همزیستی داشته است. H. erectus از اولین ظهور خود در حدود 1.9 در شرق

آفریقا و آسیای جنوب غربی (Homo georgicus) پراکنده شده است. H. erectus

اولین گونه شناخته شده ای است که کنترل آتش را با حدود 1.5 میلی متر توسعه داد.

H. erectus بعداً به سرتاسر اوراسیا مهاجرت می کند و 0.7 میلی متر به آسیای جنوب شرقی می رسد. در تعدادی از زیرگونه ها توصیف شده است. انسان های اولیه اجتماعی بودند و در ابتدا، قبل از تبدیل شدن به شکارچیان فعال، پاکسازی شدند. نیاز به برقراری ارتباط و شکار کارآمد طعمه در یک محیط جدید و در نوسان (جایی که مکان منابع باید به خاطر بسپارند و گفته شود) ممکن است باعث گسترش مغز از 2 به 0.8 میلی آمپر شده باشد.

تاریخ رویداد تکامل پوست تیره در حدود 1.2 میلیون سال پیش

Homo Antecessor ممکن است جد مشترک انسان و نئاندرتال باشد. در حال حاضر تخمین زده می شود که انسان ها تقریباً 20000 تا 25000 ژن دارند و 99 درصد از DNA خود را با نئاندرتال های منقرض شده و 95 تا 99 درصد از DNA خود را با نزدیک ترین خویشاوند تکاملی زنده خود، شامپانزه ها، به اشتراک می گذارند. نوع انسانی ژن FOXP2 (مرتبط با کنترل گفتار) در نئاندرتال ها یکسان است.

تاریخ رویداد 0.8 الی 0.3 میلیون سال پیش

واگرایی دودمان نئاندرتال و دنیسووا از یک اجداد مشترک. *Homo Heidelbergensis* (در آفریقا همچنین به عنوان *Homo rhodesiensis* شناخته می‌شود) مدت‌ها تصور می‌شد که نامزد احتمالی آخرین جد مشترک دودمان نئاندرتال و انسان مدرن باشد. با این حال، شواهد ژنتیکی از فسیل‌های *Sima de los Huesos* منتشر شده در سال 2016 نشان می‌دهد که *H. heidelbergensis* به طور کامل باید در دودمان نئاندرتال‌ها، به‌عنوان «پیش نئاندرتال» یا «نئاندرتال اولیه» گنجانده شود، در حالی که زمان واگرایی بین دودمان نئاندرتال و مدرن به قبل از ظهور *H. heidelbergensis* عقب رانده شده است.، به حدود 600000 تا 800000 سال پیش، سن تقریبی انسان قدیم. انبساط مغزی (بزرگ شدن) بین 0.8 و 0.2 Ma میلیون سال پیش ممکن است به دلیل انقراض بیشتر مگافون‌های آفریقایی رخ داده باشد (که باعث شد انسان‌ها از طعمه‌ها و گیاهان کوچکتر تغذیه کنند، که به دلیل سرعت بیشتر اولی به هوش بیشتری نیاز دارد عدم اطمینان در مورد سمی بودن یا نبودن دومی‌ها)، تغییرپذیری شدید آب و هوا پس از گذار اواسط پلیستوسن (که وضعیت را تشدید کرد و منجر به مهاجرت‌های مکرر شد)، و به طور کلی انتخاب برای زندگی اجتماعی بیشتر (و هوش) برای شانس بیشتر بقا، باروری و مراقبت از مادران ردپای جامد شده مربوط به حدود 350 ka و مرتبط با *H. heidelbergensis* در جنوب ایتالیا در سال 2003 یافت شد.

H. sapiens برجستگی‌های ابرو را از اجداد انسان‌نما و همچنین پوزه را به طور کامل از دست داد، اگرچه بینی‌های آنها به صورت بیرون‌آمده تکامل می‌یابد (احتمالاً از زمان H. erectus). تا سال 200 سال، انسان‌ها انقباض مغز خود را متوقف کردند.

انسان خردمند

تاریخ رویداد 130 الی 300 هزار سال پیش

نئاندرتال‌ها و دنیسوواها از دودمان شمالی هومو هایدلبرگنسیس در حدود 500-450 هزار سال در حالی که Sapiens ها از تبار جنوبی در حدود 300-350 هزار سال بیرون می‌آیند.

فسیل‌های منسوب به H. sapiens، همراه با ابزارهای سنگی، مربوط به حدود 300000 سال پیش، یافت شده در Jebel Irhoud، مراکش اولین شواهد فسیلی را برای هومو ساپینس از نظر آناتومی مدرن ارائه می‌دهند. حضور انسان مدرن در شرق آفریقا (گادموتا)، در 276 هزار سال پیش. در جولای 2019، مردم شناسان از کشف بقایای 210000 ساله H. sapiens در غار آپیدیم، پلپونز، یونان خبر دادند.

آخرین اجداد مشترک پدر و مادری (MRCA) انسان‌های زنده تقریباً بین 200 تا 100 هزار سال با برخی تخمین‌ها در مورد MRCA پاتریلینال تا حدودی بالاتر و بین 250 تا 500 هزار سال متغیر است.

160000 سال پیش، انسان‌های خردمند در دره رودخانه آواش (نزدیک روستای هرئوی امروزی، اتیوپی) به تجسم‌جویی پرداختند

تاریخ رویداد 130 الی 80 هزار سال پیش
ایزوتوپ دریایی مرحله 5 (Eemian).

حضور انسان مدرن در جنوب آفریقا و غرب آفریقا. ظاهر هاپلوگروپ میتوکندری (mt- haplogroup) L2.

تاریخ رویداد 80 الی 50 هزار سال پیش
MIS 4، آغاز پارینه سنگی فوقانی.

شواهد اولیه برای مدرنیته رفتاری ظاهر M haplogroups mt- و N. مهاجرت پراکنده جنوبی به خارج از آفریقا، مردمان پروتو-استرالایی اقیانوسیه. ترکیب باستانی از نئاندرتال‌ها در اوراسیا، از دنیسواها در اقیانوسیه با مقادیر کمی در اوراسیا

شرقی، و از دودمان نامشخص آفریقایی از انسان‌های باستانی در جنوب صحرای
آفریقا و همچنین یک گونه آمیخته نئاندرتال‌ها و دنیسوواها در آسیا و اقیانوسیه.

تاریخ رویداد 50 الی 25 هزار سال پیش



بازسازی Oase 2 (حدود 40 ka)

مطابق با نظریه «جهش بزرگ به جلو» ، مدرنیته رفتاری در این زمان یا قبل از آن توسعه می یابد . انقراض *Homo floresiensis* . جهش M168 (که توسط همه مردان غیر آفریقایی منتقل می شود). ظاهر U mt- haplogroups و K. مردم اروپا ، مردم استپ ماموت شمال آسیا . هنر پارینه سنگی . انقراض نئاندرتال ها و دیگر گونه های باستانی انسان (با احتمال بقای جمعیت های هیبریدی در آسیا و آفریقا).
ظاهر J mt-haplogroups . R2 Y-Haplogroup و X _

تاریخ رویداد 25 هزار سال پیش

آخرین حداکثر یخبندان ؛ اپی پالئولیتیک / میان سنگی / هولوسن . مردم قاره آمریکا . شکل ظاهری: V mt - haplogroups ; R1a Y-Haplogroup و T. واگرایی های اخیر مرتبط با فشارهای محیطی، به عنوان مثال پوست روشن در اروپایی ها و آسیای شرقی (KITLG ، ASIP)، پس از 30 هزار سال پیش سازگاری اینویت با رژیم غذایی پرچرب و آب و هوای سرد، 20 هزار سال پیش.

انقراض انسانهای باستانی بازمانده اواخر در آغاز هولوسن (12 هزار سال پیش). واگرایی تسریع شده به دلیل فشار انتخاب در جمعیت های شرکت کننده در انقلاب نوسنگی پس از 12 هزار سال پیش، به عنوان مثال انواع آسیای شرقی ADH1B مرتبط با اهلی کردن برنج ، یا ماندگاری لاکتاز . کاهش جزئی در اندازه مغز چند هزار سال پیش رخ داد.

فصل دوم : نظریه ادیان و قرآن

خداوند عالم را آفرید

خداوند متعال فرمود: {خداوند خالق هر چیزی است و او بر هر چیزی نگهبان است [الزمر: 62] .

و خدای سبحان فرمود: «هُوَ الَّذِي خَلَقْتُمْ مِنَ الْأَرْضِ ثُمَّ يَجْعَلُوا السَّمَاوَةَ وَاجْعَلَهُمُ السَّمَاءِ وَهُوَ بِالْهَيْسِ دَانَا» [بقره : 29]

و خداوند متعال فرمود: {و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و هر جنبه‌ای است که در آنها پراکنده می‌کند.}

خداوند تبارک و تعالی پروردگار جهانیان است و اوست آفریدگار دانا که این عالم عظیم را آفرید و موجودات موجود در آن را که احدی شمارش نمی کند و فقط خدا می داند.

خداوند عرش و کرسی را آفرید، آسمان‌ها و زمین را آفرید، خورشید و ماه را آفرید، فرشتگان و روح را آفرید، گیاهان و حیوانات را آفرید، انسان‌ها و جن‌ها را آفرید، کوه‌ها را آفرید. دریاها، آب و آتش را آفرید، هر چیزی را آفرید، آفرینش هر چیزی را مقدر کرد، و هر چیزی را بهترین آفرید:

{این خلقت است، خدایا به من نشان ده که غیر او چه آفریدند، بلکه ستمکاران در گمراهی آشکاری هستند.... [لقمان: 11].

و اگر انسان با بصیرت در این دنیا بیندیشد، آن را مانند خانهای می بیند که همه ابزار و لوازم و مصالح و هرچه نیاز دارد در آن مهیا شده است.

آسمان سقف برافراشته آن است و زمین گهواره و فرش و مسکن و بستر و ذلت است و خورشید و ماه دو چراغی هستند که در آن می شکفند و ستارگان چراغ و زینت و راهنمای آن هستند. برای مسافر در جاده های این سرا.

و انواع گیاهان تهیه شده برای خواسته های آنان از ترش و ترش و گرم و سرد و غلات و میوه و گل.

و انواع حیواناتی که برای مصالح او انفاق می کند که بعضی از آنها خورده می شود، از جمله سواره از جمله دوشیدن و از آن جمله لباس و توشه و نگهبانی. و جواهرات و معادن را خدا آفرید و آنها را مانند مهمات آماده در خود ذخیره کرد، هر کدام به نحوی که مناسب آن باشد، مانند طلا، نقره، مس و آهن.

در این خانه منزه است آتش را برای گرم کردن و رسیدن، آب را برای نوشیدن و خنک کردن، هوا را برای تنفس و خشک کردن، و جو را برای روان کردن خورشید و ماه و ابرها و پرندگان برای شنا کردن. آی تی.

سبحان اوست که انسان را در همه این کارها مانند فرشته ای سرگردان قرار داده و با اعمال و دستورات خود از آن خلاص می کند و هر چه در آن است رام او می

شود: { أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ [لقمان: 20] .

منزه است آن کس که این خلقت را آفرید.. و به بهترین ترتیب سامان داد.. و یگانگی در آفرینش و فرمان.. و با عظمت و جمال متحد شد.. و به فخر و عظمت متمایز شد.

و همان گونه که محال است حاکم بدن دو روح باشد، حاکم عالم بالا و سفلی نیز محال است که دو خدا باشد: { اگر در آنها معبودانی جز الله بود، آنها بودند. فاسد شده . و خداوند سبحان و تعالی جهان را یکی بر دیگری آفرید و نه بالا را نیازمند به پایین قرار داد و نه پایین را به بالا نیازمند. آسمان و ابر و هوا بر فراز زمین است و نیازی به حمل آنها از زمین ندارند، بلکه خداوند است که آسمان را بر زمین نگه می دارد و ابرها را به هر کجا که بخواهد می راند و بادها را هر طور که بخواهد می فرستد.

عرش و کرسی بر فراز آسمان است و نیازی به حمل آن به آسمان ندارد و حق تعالی و پروردگار همه چیز و فرمانروای او بر همه مخلوقاتش نیازی به عرش و عرش او ندارد. صندلی برای حمل آن

بلکه عرش و کرسی و آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فرشتگان و روح و انس و جن و آفرینش همه محتاج خدای سبحان در آفرینش و بقای خود هستند. زیرا او

تنها ثروتمند است و هر چیز دیگری که به او نیاز دارد متعلق به اوست. و آنچه که آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه و آنچه در آنها در دست خداست، تنها به عنوان استعاره در دست یکی از ماست: {و قدر خدا و حق تقدیر او را ندانستند. زمین همه است. و خداوند عزّ و جلّ به ذات و عظمت و غرور خود بر عرش و بر فراز آسمانها و بر همه مخلوقات نشسته است و احوال آنها را می داند و صداهایشان را می شنود و هر ذره ای را در آنها می بیند.

او اعلی است، بلند مرتبه است، بلندای ذات، بلندای صفات، بلندای ظلم و فرمانروایی، و اوست بلند مرتبه و بزرگ.

و او جلالی است که آسمان را از سقوط بر زمین باز می دارد مگر به اذن او و آسمان ها و زمین را از زوال نگاه می دارد و اوست که باقی می ماند و همه چیز به فرمان او باقی می ماند. همه چیز هلاک می شود جز صورت او.

آیا این یکی از پادشاهی خود سرپیچی می کند، این شخصیت اوست و این توانایی اوست؟

و خدای سبحان همان است که آسمان را آفرید و آن را به ستارگان و سیارات زینت داد و زمین را آفرید و آن را با آب و گیاهان در پشت آن زینت داد و زمین را از هر سو با آب احاطه کرد و آن را به انواع و اقسام تجهیز کرد. از گیاهان به خاطر انسان، و بر آن جلال خدا سفره ای از لطف خود قرار داد، پس همه حیوانات و پرندگان و حیوانات و حشرات و همه انسان ها همه از ویشربون منها هو می خورند.

لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى (53) كُلُوا
وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى (54) { [طه: 53 - 54] .

و خداوند هر نفسی را آفرید و به او روزی داد و مدتش را معین کرد، پس نمی میرد
تا روزی اش را بخورد و هیچ کس نمی تواند او را از روزی باز دارد.

و خداوند تبارک و تعالی آفریدگار همه چیز است.. انسان را به بهترین شکل آفرید..
و انسان نسبت به زمینش ذره ای است.. و زمینش ذره ای نسبت به موجودات
است.. انسان نیز همینطور یک اتم نسبت به نوع خود است.. و نوع او اتمی است
نسبت به شرکای خود در این عالم بزرگ.

منزه است خالق دانا، منزه است روزی دهنده سخاوتمند، بخشنده همه مخلوقات،
انجام دهنده هر چه بخواهد، و او بر هر چیزی تواناست، خواست و چقدر خواست؟
و همه این حیوانات از روزی او می خورند و آنچه در خزانه اوست کم نمی شود مگر
آن که اگر دریا در آن فرو شود سوزنی کم می شود.

و تمام این جهان ... بهشت و زمینش ... پیدا و پنهانش ... فرشتگان و حیواناتش ...
انسان و بهشتش ... حیوانات و پرندگان ... این است. همه آفریده شده... و
مخلوق مالک است... در وجودش به پروردگارش نیاز دارد... و در بقای خود به
پروردگارش نیاز دارد... و به سودش و ضررش برای پروردگارش نیازمند است. اتم به
کوه.. و از قطره به دریا.. و از جان به آفاق.. و از خوشه به جنگل ها.. و از مورچه به
جبرئیل.. و از اتم به عرش.

همه اینها آفریده شده است و مخلوق برای خود غیر از دیگران، سود و ضرری ندارد، نه مرگ و نه حیات و نه قیامت.:: منزه است او:

{قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (188)} ... [الأعراف: 188] .

و خداوند سبحان و جل جلاله مخلوقات را آفرید که فقط او می تواند آنها را بشمارد و برخی را از نظر مکان و زمان و افراد و شرایط بر برخی دیگر برتری داد و برخی از مخلوقات خود را بر برخی دیگر مسلط ساخت. آنها را با آن پس خورشید را آفرید و نور آن را بر تاریکیها قرار داد و شیرها را آفرید و بر حیوانات اختیار داد و کوهها را برای مهار بادها آفرید و بر کوهها آهن ساخت تا آنها را قطع کند. و بر آهن آتش قرار داد تا آن را ذوب کند. و آب را بر آتش قرار داد تا آن را خاموش کند.

منزه است او رامنده ای که همه مخلوقات را به آنچه می خواست مسخر کرد، مسخر بر بندگانش: {سبحان الله یگانه و فرمانبردار} [الزمر: 4] .

و حق تعالی بعضی جاها را بر بعضی دیگر ترجیح داد.. پس آخرت را بر دنیا ترجیح داد.. و بیت الحرامش را بر همه جا ترجیح داد.. و خانه های خدا را بر همه جای زمین ترجیح داد.

و روز جمعه بر همه روزهای هفته برتری داشت.. و شب قدر بر همه شب ها برتری داشت.. و ماه رمضان بر همه ماه ها برتری داشت.. و روز قربانی بر همه ایام ترجیح داشت. از سال.

و برتری مؤمنان بر کفار.. و صالحان بر غیر خدا.. و برتری برخی از رسولان بر برخی دیگر.. و برتری انسان بر سایر موجودات.

پس صحیح ترین خلق را بنی آدم قرار داد و درست ترین خلق و خوی بنی آدم را مؤمنان و صحیح ترین مومنان را پیامبران و رسولان دانست و بهترین آنها مردمند. قاطعیت: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم. و بهترین اهل عزم، دو دوست صمیمی، ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

و بهترین آن دو دوست محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که در اخلاق و اخلاق بهترین مردم بود و سیرتش قرآن بود.

و خداوند سبحان دنیا را دهکده قرار داده و انسان را رئیس آن، و همه به او مشغولند و به دنبال منافع او هستند، و هرکس در خدمت و نیاز او استقرار یافته است: ملائکه امانت

او را حفظ می کنند، و ملائکه امانت دارند. با باران و گیاهان برای رزق و روزی او تلاش کند و در آن کار کند.

و فرشتگان وحی مانند جبرئیل وحی از جانب پروردگارشان بر آن نازل می کنند.

و مدارها مهار و دایره مطیع، از جمله منافع او.

و خورشید و ماه و ستارگان مشمول محاسبه زمان و زمان آن می شوند.

و عالم بالا با بادها و ابرهایش مسخر اوست، از این دم می زند و از این می نوشد.

عالم اموات با دشت ها و کوه ها، دریاها و رودخانه هایش، گیاهان و درختانش،

غلات و میوه هایش، همه آن چیزهایی که به انقیادش در آمده و برای منافعش

آفریده شده است.: {أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ

فُرُوجٍ (6) وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (7)

بصیرت و تذکر برای هر بنده توبه کننده (8) } [قاف: 6-8] .

منزه است آفریدگار دانا که دریاها را آفرید و آنچه را در آنهاست از ماهی و

موجوداتی که جز در آن زندگی نمی کنند آفرید و اگر از آن جدا می شد می میرد.

و زمین را آفرید و در آن موجوداتی آفرید که جز در آن زندگی نمی کنند و اگر وارد

دریا می شد می میرد.

و زمین را آفرید و بر پشت آن موجوداتی را آفرید که جز سوار بر آن زندگی نمی کنند

و اگر داخل آن می شد می مرد.

و در زیر زمین موجوداتی آفرید که جز در باطن آن زندگی نمی کنند و اگر بر پشت آن

بیرون می آمد، می میرد.

و درختان و گیاهان را آفرید و از غلات و میوه هایی که هیچ کس نمی تواند آنها را بشمارد و فقط خدا می داند، با رنگ های مختلف، اندازه های مختلف، طعم های مختلف، میوه های مختلف حمل کرد.

و انسان را آفرید و به سخن گفتن او را توانا ساخت و کلمات و جملاتی را حمل کرد که هیچ کس نمی تواند آنها را بشمارد و فقط خدا می داند: { این خداوند پروردگار شماست . و او زنده است منزّه است او که مرگ و حیات را آفرید و حیات را آفرید و به هر نژادی از خلقت خود نوعی حیات بخشید: برای فرشتگان حیات است و برای انسانها حیات است. برای گیاهان حیات است و برای آنها که در دریا هستند حیات و برای آنها که در زمین هستند حیات است و برای اهل قبر حیات است و برای اهل بهشت حیات است. و اهل جهنم حیات دارند. منزّه است او:

{اوست که زنده می کند و می میراند و چون امری را حکم می کند فقط به آن می گوید: «باش» و آن می شود (68)} [غافر: 68] .

و خداوند مخلوقات را آفرید و از آنها بلند و پست و میان آنها را قرار داد، پس برای بلندای نور قرار داد و آن جایگاه اهل نور خلقت اوست.

و ظلمت را برای پایین آن قرار داد و از خلقت او جایگاه اهل تاریکی است.

این زمین و آنچه را که در بالای آن است به بلندی آفرید و میان آنها واسطه شد.

هر چه به عرش و کرسی نزدیکتر باشد از نظر نور بیشتر است و به همین دلیل برتری نور عرش و کرسی بر آنچه در زیر آن است مانند برتری نور خورشید و ماه بر اکثر است. خاص از ستاره ها

و هر چیزی که به کمترین مطلق نزدیکتر بود شدیدترین ظلمت بود و به همین دلیل هنگامی که اهل ظلمت در بند بودند سیاه و تاریک بود و نوری در آن نبود. هر چیزی که به پروردگار نزدیکتر است در نور ظاهری و باطنی بزرگتر است. و چه بزرگ است نور آتش.. پس چگونه در نور رعد و برق که تقریباً چشم ها را کور می کند.. پس چگونه در مورد نور خورشید و ماه.. پس چگونه در مورد نور پرده.. چگونه در نور عرش و کرسی.. پس چگونه از نور خالق اعلیحضرت.

و امر بزرگتر از آن است که وصف کننده آن را وصف کند و یا عقل عاقل آن را تصور نکند. و قارچها بر محال بودن تشبیه او شهادت دادند: {اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ } (35) ... [النور: 35].

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حجاب او نور است، اگر آن را آشکار می کرد، تسبیح های صورتش به اندازه چشمش از مخلوقاتش می سوخت. مسلم. کسی که دارای خلق و فرمان است .. تبارک و تعالی خداوند بهترین آفریدگاران .

آسمان بلند و مخلوقات بزرگ را در آن آفرید و زمین را آفرید و شگفتی های موجودات را در آن آفرید و دو چراغ جهان را که خورشید و ماه هستند آفرید و آنها را از خود پر کرد. سبک.

او دو نوع گیاه را آفرید، آنچه از آن بر روی ساقه برخاست و آنچه از آن بر روی زمین منتشر شد.

او آنچه را که از زمین بیرون می آید از غلات و میوه ها، آب، مواد معدنی و گاز آفرید. منزه است و دو نوع منصوب یعنی انس و جن و نر و ماده را آفرید. او دو نوع غذای گیاهی و حیوانی را خلق کرد.

و ایجاد انواع نوشیدنی از آب شیرین، شیر خوش طعم و عسل خوشمزه. و دو نوع دریا را آفرید، این شیرین و شور و این شور و شور.

و برای اولیای خود جایگاه کرامت خود را آفرید که همان بهشت است و جایگاه آرامش است.

و برای دشمنان خود جایگاه انتقام و ذلت خود را آفرید که جهنم است و جایگاه عذاب است.

و برای این آفریدگاری آفرید و هر کس به اندازه ذره ای بدی کند آن را می بیند (8) ... [الزلزله: 7، 8] .

این عالم بزرگ، نمایشگاه عظیمی از نشانه‌های خداوند و شگفتی‌های خلقت اوست:

آسمانی که ما می‌بینیم، سیاراتی که می‌بینیم، ستارگان متحرک و ثابت، موجودات در آسمان‌ها و انواع فرشتگان. نشانه‌ای از نشانه‌های خدا و در این سرزمینی که ما در آن زندگی می‌کنیم، محله‌هایی هستند که در سطح آن ساکن هستند، محله‌هایی که در فضای آن شنا می‌کنند، محله‌هایی که در آب‌های آن زندگی می‌کنند، و محله‌هایی که در شکاف‌ها و غارهای آن پنهان شده‌اند.

آنها شکل‌ها و رنگ‌ها، ملت‌ها و قبیله‌هایی هستند که فقط خدا می‌تواند آنها را بشمارد، بدون شریک.

و خداوند برای این محله‌ها غذاهای آماده و آسان در همه زمان‌ها و مکان‌ها آفریده است تا نیازهای این محله‌ها را برآورده کند که فقط خدای آفریده آنها را اندازه‌گیری می‌کند و هر لحظه در حال افزایش هستند، روزی آنها زیاد می‌شود، مزایای آنها بیشتر می‌شود. افزایش می‌یابد و خانه‌های آنها در حال افزایش است.

و این سرزمین گسترده و دره و هموار و دشت و کوه و رودخانه و دره و دریا و دریاچه و باغ و چشمه و خیانتکار و خاک و سنگ و معادن و شرایطی دارد که برخی از آن

جاری است و برخی دیگر تحمل می کند. میوه، و برخی از آنها کسانی هستند که فقط خدا می تواند فواید آنها را بشمارد.

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٣﴾ وَالَّذِي
أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾ [الْعَلَى]

و موجودات زنده ای که در این زمین زندگی می کنند، گیاهان و حیوانات، انسان و جن، پرندگان و ماهیان، خزندگان و حشرات و غیره.

این موجودات به حساب نمی آیند و فقط خدا آنها را می شناسد.

و هر موجودی، اعم از قوم، قوم و قبایل، عمری برای خوردن و خانه هایی برای زندگی دارد و سپس هلاک می شود.

هر یک از آنها یک شگفتی است:

هر انسان، هر حیوان، هر پرنده، هر خزنده، هر حشره، هر کرم، هر گیاه، هر درخت، نه، اما هر بال در کاترپیلار. و هر برگگی در گل، هر یک از اینها نشانه ای در خصوصیت خود و نشانه ای در صورت خود و نشانه ای در فواید آن است.

و همه اینها را هر روز در نمایشگاه شگفت انگیز الهی می بینیم. آیا کسی هست که به یاد بیاورد...؟.

و در زمین نشانه ها و شگفتی ها، شکل ها و رنگ ها، امت ها و نعمت هایی است که فقط خداوند دانا و آگاه می تواند آنها را بشمارد: {بگو: بنگر آنچه در آسمانها و

زمین است. آیات و انذارها به سود گروهی است که ایمان نمی آورند (101){
[یونس: 101] .

اما او به این شگفتی ها پی نمی برد و تنها دل پر از ایمان و یقین از گردش در این
نمایشگاه عظیم لذت می برد: { وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ } ... [الذاریات:
20] .

یقین همان چیزی است که دل را زنده می کند و می بیند و درک می کند و متأثر
می شود و بسیاری از مردم با چشمان بسته از نمایشگاه الهی که با آیات و
مخلوقات او به نمایش گذاشته می گذرند و زندگی را در آن احساس نمی کنند و
نمی فهمند زبان، زیرا فیض یقین در دلهایشان نمانده بود، پس می بینی که می
نگرند ولی نمی بینند، زیرا چشم ها صورت ها را می بینند و دل ها حقایق را می
بینند و چشم ها تصاویر را می بینند و دل ها تصویر شده را می بینند : زیرا
چشمها کور نمی شوند، بلکه دلهایی که در سینهها هستند کور می شوند (46){
[الحج: 46] .

و چنین نمایشگاه بزرگ، گسترده و باز دیگری نهفته در درون ما انسان هاست که
اسرار همه هستی در آن محصور شده است: {و در خودتان آیا نمی بینید؟(21)} ...
[الذاریات: 21] .

و این دو نمایشگاه همیشه دایر است.. برای کسانی که می خواهند بینند و
بینش پیدا کنند.. برای کسانی که می خواهند مطمئن باشند.. و برای کسانی که

می خواهند زندگی خود را پر از شادی و شادی کنند.. و قلب خود را با ایمان آرام کنند. و یقین.. و آفرینش حکیم دانا را در آفرینش و تصویرسازی و شکل دهی و تدبیر ببین: {همانا در این عبرت است برای پرهیزگاران (26)} [النازیات: 26].

و این موجودات بزرگی را که خداوند آفریده است، انسان به تعداد آنها احاطه ندارد، چه رسد به توصیف آنها و ذکر فواید آنها.

و موجودات زنده ای که خداوند آفرید بر دو قسم اند:

بعضی از آنها آغازی دارند و پایانی ندارند: آنها فرزندان آدم هستند که آغازشان معلوم است و پایانشان ابدیت در بهشت یا جهنم و مانند آنهاست. جن است و از آنچه خدا بخواهد ما نمی دانیم.

از جمله آن چیزی است که آغاز و پایانی دارد و به بقیه موجودات است که در قیامت به آنها گفته می شود: خاک باش.

پس این خالق بزرگ است.. و این مخلوق اوست.. و این توانایی اوست.. و اینها نشانه های اوست: {پس به چه حدیثی بعد از خدا و آیات او ایمان می آورند (6)} [الجاثیه: 6].

بالاترین از همه مخلوقات.. وسیع ترین مخلوقات.. و بزرگترین مخلوقات.. خداوند متعال منزّه است.. و عرش او منزّه است.

و خداوند سبحان خود را چنین ستوده است: { ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵) } [البروج: 15].

و اوست: {پروردگار عرش شریف (116)} [مؤمنون: 116].

و آن: {وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱۲۹)} [توبه: 129].

سبحان او عرش را با شکوه، سخاوتمند و بزرگ توصیف کرد.

او بزرگ است زیرا او بزرگترین، بزرگترین، عالی ترین و میانه ترین موجودات است.

و سخاوتمند به دلیل جایگاهی که از سایر موجودات متمایز است.

و جلال بالاتر از همه مخلوقات و موجودات است.

پس با این صفات، شایسته عظمت و عظمت و سربلندی خداوند شد.

و خداوند سبحان او را در میان همه مخلوقات برای همتای او قرار داد.

عرش الرحمن اعظم و بزرگتر از همه مخلوقات است و خداوند رحمان خود را بر

وسیعترین صفات که رحمت است قرار داده است. و عرش خدای متعال بلندترین و

بلندترین سقف و نزدیکترین به خداوند متعال است، زیرا از آسمانها و زمین بالاتر

است و سقف بهشت است.

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود -: «إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَسَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ، فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ، وَأَعْلَى الْجَنَّةِ، وَفَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ، وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ»

بخاری شامل آن شد و عرش الرحمن الرحیم اعظم و بزرگ ترین مخلوقات وسیع ترین و سنگین ترین و ثقل آن سنگین ترین ثقلین است و نه سرنوشت و نه رغد خدا. نام زند را حدس می زند: «سبحان الله و الحمد لله و شمردن خلقت و خود خشنودی و وزن عرش و مرکب کلامش.» به روایت مسلم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به من اجازه داد که از جانب یکی از فرشتگان خدا که حامل عرش است روایت کنم.

عرش خدای مهربان برترین مخلوقات است، پس بین آسمانها و زمین پانصد سال است و بین آسمانهای پایین و پس از آن پانصد سال و بین هر آسمان و آسمان پانصد سال است. سال و ضخامت هر آسمان پانصد سال است و بین آسمان هفتم و کرسی پانصد سال و بین کرسی و آب پانصد سال است و عرش بالای آب است و خدای متعال. عرش، یک ذره از اعمال بندگان از آن پوشیده نیست.

خداوند متعال عرش را قبل از خلقت آسمانها و زمین و قبل از قلم و در واقع قبل از همه موجودات آفرید.

خداوند متعال فرمود: {و اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارترید} [هود: 7].

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند پنجاه هزار سال پیش از آنکه آسمان‌ها و زمین را بیافریند، مقدرات مخلوقات را نوشته، فرمود: عرش او بر آب است.» به روایت مسلم.

و عرش بزرگ‌ترین و بزرگ‌ترین مخلوقات است، چنان‌که سبحان می‌فرماید: { وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (129) } [توبه: 129].

عرش الرحمن الرحیم تبارک و تعالی بالاتر از همه مخلوقات و سنگین‌ترین وزن است.

سبحان آن عزّ و جلیّ که او را آفرید و او را مساوی کرد و با عظمتش محتاج او کرد: «سبحان الله و حمد و سبحان عده خلقت و رضای نفسه. ثقل عرش و عرضه کلامش.» مسلم او را بیرون آورد

و عرش در عرش به وسعت آسمانها و زمین است و عرش به وسعت آسمانها و زمین است. تخت در رابطه با تخت است شعله روی حلقه است.

و آسمانهای هفت گانه و زمینهای هفت گانه و آنچه میان آنهاست و آنچه در آنهاست در کرسی مانند حلقه ای است که در بیابان افکنده شده است.

و صاحبان عرش فرشتگان بزرگی هستند که عظمت خلقتشان را فقط خدا می‌داند و قوتشان را فقط خدا می‌داند و تعدادشان را فقط خدا می‌داند و به قدرت خدا عرش را حمل می‌کنند.

حاملان عرش از بزرگ ترین و بزرگ ترین و نیرومندترین فرشتگان هستند و آنان و اطرافیان عرش از فرشتگان مقرب هستند که خدای عز و جل را عبادت می کنند و افتخار حمد و تقدیس و ستایش دارند. او چنانکه سبحان الله فرمود: { الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾ } [غافر: 7] .

و در روز قیامت، عرش خدای مهربان را هشت مال بزرگ می برند، چنانکه سبحان الله می فرماید: { وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ﴿١٧﴾ } [الحاقه: 17] .

و کرسی بدن بزرگی است که در مقابل عرش آفریده شده است و جای پای خالق تعالی است و عرش بزرگتر از آن است و کرسی بزرگترین مخلوقات بعد از عرش است. خداوند سبحان فرمود: «عرش او بر آسمانها و زمین گسترده است و از حفظ آنها خسته نمی شود و او بلندمرتبه و بزرگ است (255)» { (بقره 25:25) } .

و خداوند بر آسمانهایش تبارک و تعالی است و بر عرش خود استوار است و بالاتر از خلقش، هیچ چیز از کار آنها بر او پوشیده نیست: {خداوندی که معبودی جز او نیست، پروردگار عرش عظیم (26) } { نمل: 26 } .

و اگر عظمت کرسی او این است، تاج و تختی که آن را بزرگ توصیف کرده، چقدر بزرگ است؟ و چه بزرگ است پروردگاری که اعلیحضرت بر او آرام گرفت..؟.

آیا سزاوار است کسی که صفاتش اینها اعمال اوست و این عظمت اوست که بنده در مال او ساکن شود و از روزی او بخورد و به آن کافر شود و در عبادت و اطاعت از او تکبر کند؟

خلقت آسمان

خلقت آسمانها را خداوند متعال فرمود: {آیا تو در خلقت تواناتر هستی یا آسمان را بنا کرد؟ (27) ضخامت آن را بلند کرد و صاف کرد . و خداوند متعال فرمود: {آیا به آسمان بالای سر خود ننگریستند که چگونه آن را بنا و زینت داده‌ایم و هیچ شکافی در آن نیست (6)} [ص:6] . یکی از نشانه های بزرگ خداوند آفرینش آسمان هاست، زیرا در بلندی و قدرت و قدرتش از بزرگترین نشانه هاست، به طوری که نه به بلندی آتش بالا می رود و نه مانند آن پایین می آید. اجسام سنگین و هیچ ستونی در زیر آن نیست و هیچ رابطه ای در بالای آن نیست.

{اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (2)}

[الرعد: 2] .

و اوست رحیم و مهربان که آسمان را از سقوط بر زمین باز می‌دارد و اگر چنگ زدن به آن نبود آسمان بر زمین فرو می‌ریزد اوست که آسمان‌ها را آفرید. : {و آسمانها را از سقوط بر زمین باز می‌دارد مگر به اذن او . : 65 [.

و اوست توانا و زنده و همیشه زنده و توانا که آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا از دنیا بروند تا خلقت تصمیم و منفعت و ملاحظه کند و بدانند. از عظمت حجّت و کمال قدرت او، آنچه دل‌هایشان از حرمت و تسبیح او و محبت و ذلت آکنده است و اگر از بین می‌رفتند هیچ یک از خلق آنها را نگه نمی‌داشت : آسمانها و زمین را نگه می‌دارد تا زمانی که از دنیا بروند و اگر از دنیا بروند، اگر بعد از او کسی آنها را باز دارد، او بردبار و آمرزنده است (41) { [فاطر: 41] .

اوست که آسمانهای هفت گانه را هر یک بر فراز دیگری آفرید و آنها را با کمال نیکی و کمال و بدون نقص آفرید.

منزه است خدایی که سلطنت به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست و آسمان‌های هفت گانه را با قدرت و نیکی و بزرگی آفرید. : { الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَٰوُتٍ ۗ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾ ... [الملک: 3، 4] .

معنی: آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت، باز بارها به دیده عقل بنگر تا هیچ نقص و خلل هرگز در آن توانی یافت؟ (3)

باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده خرد زبون و خسته (نقصی نیافته) به
سوی تو باز گردد

و خداوند پایین ترین بهشت را با چراغ هایی که ستارگان هستند به نور و درخشش
متفاوتشان آراسته است، چنان که سبحان الله می فرماید :

خداوند این ستارگان را زینت و زیبایی برای آسمان و نور و هدایت در تاریکی های
خشکی و دریا و سنگسار برای شیاطینی قرار داده است که گوش فرا می دهند و
بندگان را گمراه می کنند و اگر چنین نبود، این ستارگان، آسمان سقفی تاریک بود
که در آن خیر و زیبایی وجود نداشت.

منزه است کسی که آسمان را آفرید و آن را بنا کرد و آن را شکل داد و توجیه کرد،
نه شکافی در آن است، نه قارچی، نه شکافی و نه کجی.

منزه است آن کس که آن را به این رنگ آبی که از همه رنگ ها بهترین و برای
بینایی و تقویت آن مناسب تر است، آراسته است. منزه است آن کس که آن را
چنگ می زند و کج نمی شود و نمی کشد و حرکت نمی کند و سقوط نمی کند:
{خالق آسمان ها و زمین . و هر که می خواهد به عظمت آفریدگار بنگرد، به
مخلوقات و مصنوعات او و عظمت اسماء و صفات و فضل و برکت او و فراوانی خزانه
هایش بنگرد.

چه بزرگ است کار خدا در ملکوت آسمان، بلندی، ظرفیت، گرد بودن، عظمت
خلقت، بنای نیکو و زیبایی آن : پس در آفرینش آسمان و شگفتی های موجودات در

آن و شگفتی های خورشید و ماه و سیارات و اندازه ها و شکل های آن و اختلاف مشرق ها و مغرب هایش بیندیش. ذره ای در آن نیست که از حکمت خارج شود. بلکه داناترین در خلقت است.. و در کار کاملتر است.. و شگفتی ها را از بدن انسان جمع می کند، چنانکه سبحان الله فرمود: { البته خلقت آسمانها و زمین بسیار بزرگتر و مهمتر از خلقت بشر است و لیکن اکثر مردم این معنا را درک نمی کنند. } (غافر (57)).

بلکه آنچه در زمین است به شگفتی آسمانها و وسعت و عظمت و بلندی آنها و آنچه در آنهاست از فرشتگان و سیارات و خورشید و ماه سبحان او نیست. به او گفت: « و کاخ رفیع آسمان را ما به قدرت خود برافراشتیم و ماییم که مقتدریم. (47 الذاریات: 47).

زمین و موجودات در آن نسبت به آسمانها و موجودات موجود در آن مانند قطره ای در دریا و اتمی در کوه است.

و همان گونه که خداوند زمین را آفرید و انس و جن را در آن قرار داد، آسمان های هفت گانه را نیز آفرید و آنها را از فرشتگانی پر کرد که: « همه به شب و روز بی آن که هیچ سستی کنند به تسبیح و ستایش او مشغولند ». [انبیاء: 20].

و پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود -: « من چیزی را می بینم که شما نمی بینید و آنچه را که شما نمی شنوید می شنوم. انگشتان به جز فرشته ای که پیشانی خود را برای خدا سجده می کند و خدایا اگر بدانی چه می دانم کم می

خندی و زیاد گریه می کنی آیا از خشنودی زنان بر بسترها لذت می بردی و با دعای خدا به بلندی ها بیرون می رفتی؟» ترمذی آن را بیرون آورد و برای عظمت خلقت آسمان ها. یا خبر از عظمت و وسعت آن.. یا سوگند به آن.. یا دعای نگاه به خلقت و عظمت آن.. یا راهنمایی برای بندگان که عظمت سازنده و برافراشته آن را از آن استنباط کنند. یا استنباط. از طرف او ربوبیتش بر آن با یگانگی اش.. یا استنباط از خلقت آن بر اساس آنچه از آن گفته است. قیامت.. یا به عنوان دلیلی بر خوبی و متانت و حفظ آن به قدرت و حکمت کامل آن.

خداوند متعال. و آفرینش زمین بر آفرینش آسمانها مسبوق است چنانکه سبحانه الله فرمود: {قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (9) وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيٍّ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ (10) ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (11) فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (12) } [فصلت: 9 - 12] .

معنی: بگو که آیا شما به خدا که زمین (جهان) را در دو روز بیافرید کافر می شوید و بر او مثل و مانند قرار می دهید؟! او خدای جهانیان است (نه تنها و معبودان شما. در این آیه شریفه شاید یک معنا عالم اجسام باشد و دو روز، دو نوع بسیط و مرکب یا جواهر و اعراض اجسام مقصود باشد). (9)

و او روی زمین کوهها برافراشت و انواع برکات (و منابع از معادن و چشمه‌ها و درختان) بسیار در آن قرار داد و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز (برای هر شهر و دیاری) مقدر و معین فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید (تا همه روزی خورند). (10)

و آن گاه به خلقت آسمانها توجه کامل فرمود که آسمانها دودی بود، پس (به امر نافذ تکوینی) به آسمان و زمین فرمود که همه (به سوی خدا و اطاعت فرمان حق) به شوق و رغبت یا به جبر و کراهت بشتابید. آنها عرضه داشتند: ما با کمال شوق و میل می‌شتابیم. (11)

آن گاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود و در هر آسمانی (نظم) امرش را وحی فرمود، و آسمان (محسوس) دنیا را به چراغهای رخشنده (مهر و ماه و انجم) زیب و زیور دادیم و آن را (از ورود شیاطین) حفظ کردیم. این (نظام آسمان و زمین) تقدیر خدای مقتدر داناست. (12)

منزه است کسی که این سقف بزرگ را با سختی و استحکام و استحکام از دود که بخار آب است آفرید.

منزه است کسی که هفت آسمان محکم را بنا کرد، چنانکه منزه است فرمود: « پس هنگامی که آن ستمکاران عذاب ما را به چشم مشاهده کردند از آن دیار رو به فرار نهادند. [النباء: 12] .

پس به این بنای بزرگ و محکم و وسیع بنگر که خداوند ضخامتش را به بالاترین ارتفاع رساند و آن را به بهترین زینت آراسته و عجایب و نشانه هایی به آن سپرده است. سپس نگاهت را به آسمان برگردان و به آن و سیارات و چرخش آنها و طلوع و غروب آن بنگر و تا زمانی که خالق و خالقش بر آن بسته شود می ماند.

و به خورشید و ماهش و مشرقها و غروبهای مختلفش و حرکت همیشگی به فرمان خالقش بدون مکث در حرکتش و تغییر مسیرش تا پایانش و زمانش بیاید بنگر. از مرگ آن و به سیارات متعدد در آسمان و رنگ ها، اندازه ها و نورهای مختلف آنها نگاه کنید.

سپس به خورشید و قدرت تابش و دمای آن و سیر آن در مدارش در مدت یک سال بنگر، سپس به فرمان پروردگارش هر روز طلوع و غروب می کند، در مسیری که خالقش آن را در معرض قرار داده است. به آن که از آن تجاوز نمی کند و کوتاه نمی آید. و اگر طلوع و غروب خورشید نبود، نه شب و روز و نه زمان را می شناخت و تاریکی جهان و نور را نمی پوشاند.

و به ماه و عجایب نشانه هایش بنگر که چگونه خداوند آن را مانند نخی ظریف نشان می دهد، سپس هر شب نور آن کم کم زیاد می شود تا در نیمه ماه کامل شود، سپس کاهش می یابد تا به حالت خود بازگردد. حالت اول، نشان دادن اوقات بندگان در معیشت، عبادت و مناسکشان.

هیچ سیاره ای نیست جز این که پروردگار تبارک و تعالی در آفرینش آن احکام زیادی دارد:

به اندازه و در شکل و رنگ، موقعیت در آسمان، نزدیکی به وسط آن و در فاصله آن، در مجاورت با سیاره بعدی، و در فاصله آن از آن، مانند ناهمگونی اعضای بدن و تفاوت آنها... و نابرابری فواید آنها.

و خداوند متعال به سبب آیات و درس‌هایی که ایمان به آن را زیاد می کند به ما امر فرمود که به ملکوت آسمانها و زمین بنگریم، چنانکه سبحان الله می فرماید: {بگو: بنگرید آنچه در آسمانها و زمین است . .

دو نوع نگاه به آسمان وجود دارد:

اول: با چشم مرئی به آن می نگرد و مثلاً کبودی آسمان و ستارگان و بلندی و وسعت آن را می بیند.

دوم: این که از نگاه باطنی فراتر می رود، پس درهای بهشت به روی او گشوده می شود تا در نواحی و ملکوت هایش و در میان فرشتگانش که شب و روز را تسبیح می گویند نه باطل و نه سرگردانی کند. نافرمانی خدا از آنچه به آنها دستور داده و عمل به آنچه دستور داده شده اند، و پیامبران و فرستادگان خدا را می بیند که دین او را به بندگانش می رسانند، حضرت آدم را در آسمان پایین، ابراهیم را در آسمان هفتم و دیگران را در آسمان های دیگر.

سپس دری پس از دری به روی او گشوده می شود تا سفر دل با آن به عرش الرحمن پایان می یابد تا به وسعت و عظمت و جلال و بلندی او بنگرد و آسمان های هفت گانه را ببیند و هفت زمین نسبت به او چون حلقه ای در بیابان پرتاب شده است.

و فرشتگانی که او را حمل می کنند و فرشتگانی را که در اطراف او هستند می بیند که در اطراف عرش می گردند و او را با تسبیح و تقدیس می گویند.

و شاه بزرگ و توانا، سخاوتمند و رحیم را بر تخت او می بیند و در اداره ممالک و سربازان و مخلوقاتی که جز پروردگار و پادشاه آن هیچ کس نمی شناسد و به حساب نمی آورد، دستوراتی از او نازل می شود.

پس دستورات نازل می شود که قومی را زنده کنیم.. دیگران را به قتل برسانیم.. مردمی را گرامی بداریم.. دیگران را تحقیر کنیم.. پادشاهی را تأسیس کنیم.. پادشاهی را خلع کنیم.. شکسته ها را ترمیم کنیم.. فقرا را غنی کنیم.. شفای مریض .. کمک به مضطر .. یاری مظلوم .. و راهنمایی سرگشتگان .. و رفع ناراحتی .. و بخشش گناه .. و آشکار ساختن ضرر .. و انتقال نعمت از جایی به دیگری.. و غیره.

احکام مدور بین عدل و فضل و حکمت و رحمت است که در کشورهای جهان اجرا می شود و هیچ یک او را از چیزی منصرف نمی کند و در بسیاری از مسائل و نیازها

اشتباه نمی کند و اتفاق ذره ای از خزانه اش کم نمی کند. ، معبودی جز او نیست که توانا و حکیم است.

او به فرمان او می نگرد که در میان آسمان ها و زمین فرود می آید و در هر یک از آسمان های هفت گانه اش، مخلوقی از خلقت اوست.. دستوری از فرمان او.. و حکمی از قضای او.

منزه است او هفت آسمان را آفرید، بین هر آسمان و آسمان پانصد سال است و فرمان او میان هر آسمان و آسمان و میان زمین و آسمان نازل می شود. {اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِيَتَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (12)} [طلاق: 12] .

پس اگر دل این را ببیند و صاحبان عرش و اطرافیانش را ببیند که تسبیح پروردگارشان را می گویند و به او ایمان می آورند و فرشتگان را می بیند که خانه های مسکونی را طواف می کنند و می بیند که هر آسمانی پر شده است. ملائکه سجده کننده زانو زده.. و قدرت خدا را می بیند که آسمان را نگه داشته تا بگذرد یا بر زمین بیفتد.. و این ملکوت بزرگ را دید.

آن گاه دل در برابر خداوند رحمان می ایستد و در برابر حیثیت او سر تعظیم فرود می آورد و در برابر عظمت او تسلیم می شود و عزت او را خوار می کند و برای خدای رحمان ملک آشکار حقیقی سجده می کند، سجده ای که تا روز قیامت از آن سر بلند نمی کند. بیشتر.

این سفر دل است در حالی که در وطن و وطن و مکان خود است و این از بزرگ ترین نشانه های خداوند و شگفتی های کار اوست.

چه برکت و روحی برای او در سفر.. و چه ثمره و سود اوست.. و چه چیزی همنشینش را خوشحال می کند.

و این آسمانهای بزرگ به وسعت و عظمت و عظمتشان در روز قیامت به وسیله توانا و توانا چین خورده است و در دست او از خردل کوچکتر است به سبحان : { .
 مرکبی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! ای ابوالقاسم! خداوند سبحان آسمانها را در روز قیامت به خاطر خدا نگه می دارد و راضی کنندگان به قربانی و کوهها و درختان را به خاطر خدا نگه می دارد و کوهها و درختان بر انگشت و آب و خاک بر انگشت و بقیه خلقت بر انگشت، سپس آنها را تکان می دهد و می گوید: من پادشاهم، من پادشاه هستم، رسول خدا صلی الله علیه و آله خندید. -
 متحیر از سخنی که خاخام گفت و او را تأیید کرد، سپس چنین خواند: {وَمَا قَدَرُوا
 اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ
 وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (67)} ... [الزمر: 67] « اما خدا چقدر بزرگ است.. و چقدر
 بزرگ است خلقت او.. و بزرگترین قوت او چیست.

منزه است صاحب قدرت و سلطنت و سربلندی و بزرگی.

و خلقت آسمانها و زمین از خلقت مردم بزرگتر است، زیرا مردم نسبت به خلقت آسمانها و زمین از کوچکترین چیزها هستند.

کسی که بدنهای بزرگ را آفرید و بر آنها مسلط شد، می‌تواند مردم را پس از مرگ به شیوه‌ای اول و مناسب‌تر بازگرداند، پس چه می‌شود اکثر مردمی که به این امر توجه ندارند و آن را در میان خود قرار نمی‌دهند. عقل: {خلقت آسمان‌ها و زمین از خلقت مردم بزرگ‌تر است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (57)} .. [57] غافر:

مگر چه بزرگ است آیات خداوند در آفرینش هفت آسمان بزرگ:

بلندی، وسعت، عظمت، عظمت، رنگ زیبا، تسلط شگفت‌انگیزشان، و ستارگان و سیارات در آنها، ثابت‌ها و سیارات. خورشید و ماه، نورها، خداوند آنها را سقفی برای زمین قرار داد و آن را از سقوط نجات ده.

آیا انسان درباره آفرینش این هفت لایه بهشت و آیات و درس‌هایی که در آن وجود دارد، می‌آموزد و تأمل می‌کند؟

{و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و از آیات آن روی گردانند (32)} [انبیاء: 32] .

خلقت زمین

و خداوند زمین را آفرید

، خداوند متعال می فرماید: {خداوندی که آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش روز آفرید، پس او برابر عرش بود .

وقال الله تعالى: {أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (6) وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (7) تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (8)} [ق: 6 - 8] .

خداوند زمین را از نژادها و صفات و فواید مختلف آفرید:

این سرزمین آسان است.. و این غم انگیز است. و این جامد است.. و این نرم است.. و این سیاه است.. و در کنارش سفید است.. و اینها همه سنگریزه است.. و در کنار آن سنگی نیست.. و این باتلاق شوری است.. و در کنار آن زمین حاصلخیز خوبی است.. و این خاک رس یا شن است که در آن کوهی نیست.. و این مسجدی است در کوه.. این برای چنین گیاهانی مناسب است.. این نیست. مناسب آن .. این آب را نگه می دارد و چراگاه جوانه نمی زند .. و این میکروب مرتع و آب را نگه نمی دارد: {و در زمین ناهموار است و باغات گناهان. تزکیه، جدا کردن یکدیگر در خوردن، همانا در آن نشانه هایی است برای مردمی که می فهمند (4)} ... [الرعد: 4] .

منزه است او در نوع خود، این تنوع و تفاوت در اجزای آن، و او که هر قطعه را برای فواید و گیاهان و مواد معدنی آن جدا کرد.

منزه است آن کس که لنگرهای آن را بر آن نهاد... و راه ها را در آن گشود... و از آن آب و چراگاه بیرون آورد... و آن را که برکت داد... و روزی آن را در آن تخمین زد.

و هنگامی که انسان به زمین و چگونگی خلقت آن می نگرد، آن را یکی از بزرگترین نشانه های خالق و خالق آن می بیند.

خداوند متعال آن را بستر و استراحتگاه آفرید و مسخر بندگانش کرد و رزق و روزی و روزی آنان را در آن قرار داد و در آن مسیرهایی قرار داد تا در نیازها و رفتارهای خود در آن حرکت کنند و استقرار دهند. آن را در کوهستان قرار داد و آن را میخ هایی برای محافظت از آن قرار داد تا آنها را واژگون نکند.

سبحان الله چین هایش را گشاد کرد و صاف کرد و دراز کرد و گستراند و برای زنده ها بند هایی قرار داد که تا زنده اند آنها را بر پشت خود نگه دارد و برای مردگان شانه هایی قرار داد تا آنها را در خود نگه دارد. شکم آن هنگامی که مردند . (26) { [مرسلات: 25، 26] .

و زمین موجود زنده ای است که زنده و در حال مرگ است، پس وقتی آب به زمین می خورد به فرمان خداوند به سوی آن فرستاده می شود، پس محصولات زنده و رو به رشد جوانه می زنند و صفحات آن از رنگ و شکل گیاهان زنده موج می زند. و آب فرستاده حیات از جانب خداست، پس در جایی که حیات بود: {و از نشانه های او

صاعقه را برای بیم و امید به شما نشان می دهد، و از آسمان آبی فرو می فرستد و زمین را پس از مرگش زنده می کند. که نشانه هایی است برای مردمی که می فهمند (24) { [الروم: 24] .

پس به زمین بنگر که مرده و بی جان و متواضع است و چون خداوند آب را بر آن نازل کرد تکان خورد و حرکت کرد و سبز شد و از هر جفت شادی آفرین جوانه زد و در منظره و چشم انداز عجایب گیاهی پدید آورد. خبرچین

انواع غذاها، گل ها و میوه ها، مقادیر، شکل ها، رنگ ها و فواید مختلف، انواع میوه ها و سبزیجات، مراتع برای حیوانات و پرندگان: {و زمین را بی جان می بینی، ولی چون آب را بر آن نازل کنیم، می لرزد و می روید و از هر جفت خوشایند می روید (5) { [الحج: 5] .

سپس به زمین های مجاور نگاه کنید، و چگونه یک آب بر روی آن فرود می آید، بنابراین جفت های مختلف با رنگ ها، شکل ها، بوها، طعم ها، فواید و اندازه های مختلف رشد می کنند، گرده ها یکسان است، مادر یکسان است و محصول متفاوت است.

پاک و منزه است آن کس که این جنین های مختلف را در شکم این مادر نهاد و آنها را به وسیله یک گرده از امت ها و قبیله های گیاهی بارآورد: {و ما از آب هر موجود زنده ای را آفریدیم، آیا ایمان نمی آورند (30) { [انبیاء: 30] .

منزه است کسی که بر کناره های زمین با کوه های استوار و بلند و استوار حکومت می کند و آن ها را برافراشته است، پس آن ها را به خوبی برافراشته و برافراشته و استوارترین اجزای زمین قرار داده است، تا زوال نشوند. طولانی شدن سال ها و باران های پیاپی و بادهای پیاپی، مردم را به بهره مندی از آن هدایت می کرد، و اگر هدایت او به آنان نبود، او را نمی شناختند و نمی توانستند انجام دهند: آیا زمین را گهواره (6) و کوهها را میخ (7) قرار ندادیم { [النباء: 6، 7] .

و خداوند تبارک و تعالی همان است که از آسمان آب مبارکی نازل کرد و آن را در زمین قرار داد و در تمام سال از آن برای انسان و حیوانات و گیاهان بهره مند شد، چنانکه سبحان الله می فرماید: و از آسمان آبی به اندازه نازل کردیم، سپس آن را در زمین قرار دادیم .

منزه است آن کس که آب را در زمین نهاد، سپس با آن انواع غذاها، داروها، نوشیدنی ها و مواد غذایی را در طول سال بیرون آورد.

این برای غذای انسان است و این برای غذای حیوانات است و این یک سم مهلک است. و این شفای زهر است.. و این گرم است.. و این سرد است.. و این شیرین است.. و این تلخ است.. و این ترش است.. و این شور است.. و این میوه است. و این برگ است.. و این عشق است.. و این مجرد است.. و این میوه ای است پنهان.. و این آشکار است.. و این میوه ای سفید است.. و این زرد است.. و این قرمز است.. و این سیاه است.

و این میوه اش در باطن زمین است.. و این روی سطح زمین است.. و این میوه اش بالاست.. و این در پایین آن است.. به دیگر شگفتی های گیاهی که هیچکس نمی تواند آن ها را بشمارد. یا بشناسید جز خدای یگانه که تقریباً از برگ و گل و یا میوه و میوه بی بهره است چوبی از آن، از فوایدی که عقلها از درک آن عاجز است: {این آفریده خداست، پس به من نشان دهید که غیر از آنها چه آفریده است. اوست، ولی ستمکاران در گمراهی آشکار (11)} [لقمان: 11].

و به توانایی خداوند در عبور آب از آن رگبرگهای نازک و ضعیف بنگرید، و چگونه گیاه آن را دریافت می کند، و چگونه آن را از محل و مرکز خود به سمت بالا می کشد، سپس در آن شاخه ها، برگ ها و میوه ها می رود.

منزه است آن کس که آب را به قدرت خود نازل کرد و با قدرت خود آن را بالا برد و با قدرت خود حرکت داد و با علم و اراده خود تقسیم کرد و مردگان را به وسیله آن زنده کرد و از آن همه میوه ها را پدید آورد: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (10) يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (10) يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَ از همه میوه ها، در آن نشانه ای است برای مردمی که می اندیشند (11) } [النحل: 10، 11].

منزه است آفریدگار دانا که زمین را آفرید و آن را گستراند و نهرهایش را شکافت و درختانش را رویاند و میوه هایش را بیرون آورد و آن را از گیاهان جدا کرد و همه

روزی را در آن نهاد. {همانا در آن نشانه‌ای است و بیشترشان مؤمن نبودند (174)}
 [شعراء: 174] .

پاک و منزّه است کسی که زمین را از حرکت و لرزش باز می‌دارد تا آنچه از بناها و مکان‌های دیدنی روی آن است سقوط کند، یا هر که بر آن است فرو برد، پس اگر از آن عبور کند، و آنچه را در پشتش است فرو ببرد.

و اگر خدا در زمین گم شده است پس هر که آن را جمع کند و اگر تکان دهد هر که خلاف آن را ثابت کند: {خداوند آسمانها و زمین را نگه می‌دارد که فرود می‌آیند و اگر از آنها دور شده‌اید. .}

اوست که زمین را انباری قرار داد که از آب و رزق و معادن و نباتات و جانوران در آن نهفته است و در آن باغ‌ها و باغ‌ها و چشمه‌ها قرار داد، همانا

این عبرت است برای کسانی که بینایی دارند

و خداوند متعال زنده‌ای است که زمین را پس از مرگش زنده می‌کند، سپس از آسمان آبی بر آن فرو می‌فرستد، سپس بادها را بر آن می‌فرستد و خورشید بر آن طلوع می‌کند، پس ریسمان را می‌گیرد و چون زمان زایمان است، به اذن پروردگار و خالق خود، از هر جفت شادمانه‌ای می‌لرزد و رشد می‌کند.

تبارک و تعالی بر خدای بهترین آفریدگار که آسمان را مانند پدر و زمین را مانند مادر و باران را مانند آبی که از آن گره می‌زند فرزند قرار داد، پس اگر در زمین محبت شود و آب بر آن ریخته شود. و در فصل است، دانه متورم می‌شود و از دو ساقه

جدا می شود، یک ساقه بالای آن که درخت است و یک ساقه زیر آن او رگ است، سپس آن کودک را بزرگ کرد، سپس هزاران کودک را بعد از آن قرار داد. پدرش را که خداوند همه را در یک دانه قرار داد و آن از نعمتی است که خداوند متعال در این مادر قرار داد و آن دلیل را برای خروج اهل قبور برای روز قیامت و قیامت قرار داد: {و زمین را بی جان می بینی، پس چون آب بر آن فرود آوریم، می لرزد و می روید و از هر جفت خوشایند می روید.} (5) این است که خدا حق است و مردگان را زنده می کند و برای هر چیزی است که توانا باشد (6) و قیامت فرا می رسد و پروردگاری در آن نیست .

پس زمین مانند مادری است که در شکم خود انواع فرزندان را حمل می کند، سپس به فرمان خدا از آن انسان و حیوان آنچه را که پروردگارش به او اجازه داده است با کارشان یا بدون او بیرون بیاورد. سپس آنچه از آن بیرون آمده به او باز می گردد، پس خداوند دوباره آن را جوانه می زند.. و غیره.

منزه است آن را برای زندگان مادامی که بر پشت بودند کافی قرار داد و چون از دنیا رفتند آنها را در شکم خود قرار داد پس برای آنها کافی بود که آنها را بر پشت خود زنده نگه دارند. مرده در شکمش

هنگامی که روز وقت فرا رسد، و حاملگی او را سنگین کند، و زمان زایمان فرا رسد و نزدیک زایمان فرا رسد، پروردگار و خالقش به او وحی کردند که بار خود را برهاند و بار او را بردارند. مردم را به اذن پروردگارش از شکم تا پشتش بیرون می آورد.

{ روزی که از وقایع جدید بیرون می آیند، انگار به چاقو افتاده اند .

سپس اخبار او سخن گفت و او به فرزندان خود با نیکی یا بدی که بر پشت او انجام داده اند شهادت می دهد: { سپس خبر خود را می گوید (4) که پروردگارت در زمان قوم بر او نازل شده است (5) قوم خدا و قوم خدا وزن [الزلزله: 4-8] .

پاک و منزه است آن کس که شب و روز را به وسیله بالا تنه ها بیرون آورد و نرها و ماده ها را به وسیله بدن های پایین بیرون آورد، پس نر و ماده حیوانات و نرها را از زمین بیرون آورد. و گیاهان ماده از هر نوع، چنان که شب و روز را به وسیله خورشید از آسمان بیرون آورد.

منزه است کسی که زمین را برای انسان مانند مادر قرار داد، در حقیقت از مادر حیف تر است، زیرا خداوند به مادر دستور داد که یک فنجان شیر به تو بنوشاند و به زمین دستور داد که تو را سیر کند و بنوشد. انواع غذاها و نوشیدنی ها و نه ماه در شکم کوچکترین مادر بودی و نه گرسنگی و نه تشنگی تو را گرفت و مطیع خدا بودی.

و تو اکنون در رحم مادر بزرگ هستی و خداوند همه چیز را مسخر تو کرده است و امروز تو را بارها و بارها دعوت می کند که با ایمان و عمل نیک به آخرت بروی، اما جواب او را نمی دهی؟

پس چه انسان نسبت به پروردگارش جاهل باشد و چه از آنچه به او سود می‌رساند و چه زیانش می‌رساند و آنچه او را به خود و دیگران ستم می‌کند: { همانا او ظالم و جاهل بود (72) } [احزاب: 72] .

و در آفرینش زمین نشانه‌ها و عجایب و عبرت‌هایی است که هیچ کس نمی‌تواند آنها را بشمارد و فقط خدا می‌داند که سبحان الله می‌فرماید: { و در زمین نشانه‌هایی است برای اهل یقین (20) } ... [الذاریات: 20] .

و از نشانه‌های آن، خلقت آن به این بزرگی، وسعت و عظمت خلقت، و مسطح بودن آن است تا حیوانات بر آن تکیه کنند، چنانکه کروی با سطح است.

از نشانه‌های آن این است که حق تعالی آن را تصمیم و بستری قرار داد تا جایگاه حیوان و خانه‌های او باشد.

منزه است آن را فرشی قرار داد که حیوانات و انسانها بر آن آسان و آسان راه می‌روند و پلها و راهها را در آن قرار داد: { و خداوند زمین را فرشی برای شما قرار داد (19) تا در آن راه بروید. با راه‌های وسیع (20) } [نوح: 19-20] .

و خداوند سبحان آن را گهواره مطیع و پایمال شده و با کلنگ و تبر زده و بر پشتش بناهای سنگین قرار داد، چنانکه خوار و ذلیل شده و مورد آنچه بنده در نیل به مصلحت خود از آن می‌خواهد، از ساختمان و زراعت و صنعت.

از رحمت او سبحان است که زمین را رام کرد، آن را مانند آهن بسیار سخت و محکم نساخت تا کندن و شکافتن آن و کاشت و کاشت در آن حرام باشد.

بلکه حق تعالی بین صلابت و نرمی تصمیم گرفت تا برای راه رفتن و راه رفتن مناسب باشد و کاشت و کاشت را بپذیرد و بناها و بدنهای سنگین را تحمل کند: }او کسی است که زمین را برای شما مسخر کرد، پس راه بروید. دامنه های آن و از روزی او بخورید [(1:5) .

ارجمندترین جواهرات برای انسان طلا و نقره است و اگر زمین از این جواهرات بود، منافع مردم و حیوانات از آن ضایع می شد و منافع مورد نظر از بین می رفت. از این رو می دانیم که جواهرات خاک و فواید آن از این جواهرات ارجمندتر و سودمندتر و صالح ترند و اگر عزیزتر و عزیزتر باشند گرانی و آبروی آن ها به دلیل کمیاب بودن آنهاست.

از رحمت او سبحان است که زمین را غبارآلود و غبارآلود آفرید، پس برای آن مناسب بود که برای نباتات و حیوانات و انسان باشد.

سبحان او را شفاف نساخت تا نور بر آن ننشیند، پس گرما را نپذیرد، پس سرد است و نه حیوانی است و نه گیاهی.

او آن را براق نکرد تا مبادا آنچه روی آن است به دلیل انعکاس پرتوهای خورشید بسوزد، همانطور که از سوختن پنبه هنگام انعکاس پرتوهای بدنه ساتن نیمه شفاف بر آن می توان دید.

در میان آیات روی زمین، آنچه را خداوند به وسیله امت هایی که به پیامبرانش دروغ گفتند و از فرمان او سرپیچی کردند، پدید آورده است، پس آثار آنها را چنانکه

سبحان اوست نشانگر آن ها نکه داشته است: {آیا او مانند ما به سوی آنها هدایت نشد. مردمان پیش از آنان از قرون و اعصار در آنها سیر می کنند .

منزه است او: {و عاد و ثمود، و از خانه هایشان برای شما روشن شد} (العنکبوت: 38)..

و کدام علامت بزرگتر از مردی است که به تنهایی و بدون پول و عدد و شماره بیرون می رود.

پس امت بزرگ را به توحید خدا و ایمان به او و اطاعتش فرا می خواند و آنان را از عذاب و خشم او بر حذر می دارد، اما آنان او را تکذیب می کنند و با او مخالفت می کنند، پس انواع عذاب هایی را که فراتر از قدرت انسان است به آنها یادآوری می کند. خداوند کسانی را که به او کفر ورزیدند عذاب کرد و پیامبرانش دروغ گفتند. سپس همه تکذیب کنندگان در یک زمان غرق می شوند، چنانکه با قوم نوح و فرعون و قومش چنین کرد.

و غیر از آنها، زمین گاهی فرو می رود، چنانکه قارون و دیگران را فرو برد.

و دیگران با باد هلاک خواهند شد، چنانکه با قوم عاد کرد.

دیگران با فریاد هلاک می شوند، چنانکه او با قوم ثمود کرد.

و برخی دیگر با دگرگونی هلاک می شوند و برخی دیگر با صاعقه و برخی دیگر با سنگ و برخی دیگر با انواع عذاب.. و دعا کنندگان آنها و کسانی که با او هستند از

میان مؤمنان نجات می یابند.. و محکومین از نظر تعداد و قوت و قدرت و مال چند برابر خواهد بود: {در آن نشانه‌ای است و بیشترشان مؤمن نبودند. (67) و همانا پروردگار تو مقتدر و مهربان است (68) [الشعراء: 67، 68] .

و هر خدایی او را به کیفر گناهش گرفت: {فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (40)} [العنكبوت: 40] .

به خدا سوگند اعلیحضرت اهل هر قرن آیاتی را می بیند که به آنها نشان می دهد که آن خدای حقیقی است و فرستادگانش راستگو هستند و دین او بر حق است: {ما آیات خود را در آفاق به آنها نشان می دهیم. ارواح آنها را تا زمانی که آنها را به آنها نشان دهد .

و آفرینش آسمانها و زمین نشانه بزرگی است که گواهی می دهد که آفریننده و آفریننده آنها تنها خداست و نشانه آسمانها و زمین آیه دیگری را در چینه های خود دارد: {و از نشانه های او است آفرینش آسمانها و زمین و هر موجودی را در آنها پراکنده کرد، در حالی که در آستانه گردآوری آنها بود (29) [سوره: 29] .

و زندگی تنها در این زمین و نیز آنچه در آسمان موجودات زنده و موجودات است که با هیچ نشانه دیگری درك نمی کنیم و این رازی است که هیچ کس در طبیعت آن نفوذ نکرده است و علم آن از آن خداست. تنها بدون هیچ کس دیگری

منزه است آفریدگار دانا که این موجودات زنده را به صورت پراکنده در همه جا، در بالای سطح زمین، در چین و چروکهای آن، در اعماق دریاها و در جو آسمان آفرید. این یکی دیگر از نشانه های خداوند در زمین است.

گله های پرندگانی که تعدادشان را فقط خداوند می داند که آنها را آفرید و روزی آنها را تقسیم کرد و در ملکوت وسیع و عظیم خود سیر کردند. و انبوه زنبورها و خواهران آنها به حساب نمی آیند و فقط خدا آنها را می شناسد. و انبوهی از حشرات و جانوران موزی و ذرات که زیستگاه آنها را فقط خدا می داند و چیزی از او پنهان نیست.

و انبوهی از چهارپایان و درندگانی که در همه جا پرسه می زنند و سرگردانند، جز به وسیله خدا قابل شمارش و شناخت نیست.

و گله های حیوانات و ماهیان در دریا که فقط خدا از آنها خبر دارد.

و امتهای بشری که در روی زمین در همه جا پراکنده اند، از نژادها و رنگها و زبانها و صورتهای مختلف، فقط خداوند می تواند آنها را بشمارد که: {و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می داند و خداوند دارد. قدرت بر همه چیز (29)} [آل عمران: 29].

و سایر موجوداتی که تعدادشان بیشتر است و در آسمانها و زمین مخفی است، جز خدا که از او نه در زمین و نه در آسمانها پوشیده نیست، آنها را نمی شناسد.

و این موجوداتی که در آسمانها و زمین حرکت می کنند، خداوند هر گاه بخواهد جمع می کند، یک نفر از آنها گمراه نمی شود و غایب نمی شود.

میان رستاخیز و اجتماع این موجودات و مرگ و زندگی آنها چیزی نیست جز یک کلمه از آفریدگار دانا: {فرمان او این است که هر گاه چیزی را بخواهد بگوید: باش و آن (82)} [یاسین: 82] است.

و این زمین پهناور اعم از خاک و کوهها و دریاهايش در هوا شناور است و در فضا شنا می کند و بر چیزی تکیه نمی کند جز قدرت کسی که آن را آفرید و آن را چنگ زد و آنطور که می خواست اداره کرد. عقب نمی ماند و با این وسعت که اجازه می دهد موجودات زنده و موجودات روی سطح این سیاره باقی بمانند شناگر چرخان در فضا. منزّه است آن کس که: {و آسمانها را از سقوط بر زمین باز می دارد مگر به اذن او} (حج: 65) .

منزه است کسی که زمین را آفرید و آن را گستراند و پر از خیر و رزق کرد و آن را برای پذیرایی از زندگان آماده کرد و آنها را به شکل و رنگ و روش زندگی آنها از گیاهان و حیوانات و پرندگان و پرندگان پرورش داد. حشرات و انس و جن و دیگران از آنچه جز خداوند دانا و آگاه است.

و همه اینها گروهها و قبایل و مردمی هستند که فقط خدا می تواند آنها را بشمارد که آنها را آفریده و معیشت آنها را آفریده و مهلت آنها را تعیین کرده است.

و خداوند تبارک و تعالی بخشنده و مهربان است که این رزق ها را در زمین آفرید، برای موجودات زنده ای که بر پشت آن زندگی می کنند، در آسمان آن شنا می کنند، از آب های آن می گذرند، در آن پنهان می شوند. غارها، یا در مسیرها و حفره های آن پنهان شوند.

چه کسی این نیروهای آماده را تهیه کرده و در اشکال و رنگ های مختلف آماده کرده است؟

خداست که آنها را برای رفع نیازهای بی شمار این موجودات آفریده است و انواع غذای آنها قابل شمارش نیست و مقدار معیشت آنها را فقط آفریده او می شمارد.

این رزق هایی که خداوند در شکمش گذاشته و در جویبارهایش می ریزد و در هوای آن شنا می کند و در سطح آن جوانه می زند و از خورشید و از جهان های دیگر به آن می آید و همه به تدبیر خداوند جاری می شود. که این دستگاه جوجه کشی را برای این نوع زندگی ایجاد کرد و آن را به هر آنچه مناسب و با هر آنچه لازم است مجهز کرد.

منزه است عکاسی که صحنه های زمین را تایپ می کند، هر کجا که اندام دراز است، و هر جا که پا حرکت کند، دشت و کوه، دریا و رودخانه، گیاه و حیوان، گل، میوه و درخت.

شگفتی های این صحنه ها از دره و دره و کوه و دریا و رودخانه تمام نمی شود.

و هر یک از این مناظر در حال تغییر و دگرگونی دائمی است که انسان در حال سبز بودن از آن می گذرد و در هنگام خرمن از آن می گذرد که به هم ریخته و خش خش می شود و آن صحنه دیگر است: {که در آن گفتار پس از خدا و او آیات ایمان می آورند (6)} [جائیه: 6] .

بزرگترین نشانه ها و شگفتی ها در این جهان بزرگ چیست؟ هنگامی که قلب انسان برای

مراقبه، تأمل و تفکر در مورد این نمایشگاه عظیم الهی بیدار می شود؟ بسیاری از مردم با چشمان بسته از این نمایشگاه شگفت‌انگیز موجودات عبور می‌کنند.. دل بسته.. زندگی را در آن حس نمی‌کنند و زبانی را نمی‌فهمند.. زیرا لمس یقین قلبشان را زنده نکرده است. و ممکن است در میان آنها عالمانی باشند که جنبه ای از زندگی دنیا را بدانند. حقیقت حیات و زندگان از دل‌هایشان پوشیده می ماند، زیرا دلها وجود را درک نمی کنند و اسرار آن را جز با کلید ایمان نمی گشایند و آن را جز به نور یقین نمی بینند . و چه بسیار نشانه هایی در آسمان ها و زمین که از آن می گذرند و از آن روی گردانند (105) [یوسف: 105] .

و خداوند متعال این زمین را برای خواب قرار داده است، چنانکه سبحان می فرماید: {و الارض آن را برای خواب آفرید (10)} [الرحمن: 10] .

و انسان به دلیل استقرار طولانی در این کره خاکی و آشنایی با شرایط و پدیده های آن دست قدرت الهی را که این زمین را برای خواب قرار داده و پایداری ما را بر

آن ممکن و آسان ساخته است، احساس نمی کند. ما آن را به سختی احساس می کنیم و عظمت رحمت خدا را بر خود نمی دانیم مگر زمانی که آتشفشان فوران کند یا زلزله ای بگذرد، سپس این زمین آرامبخش را از زیر ما تاب می دهد و متلاطم و متلاطم می شود: { آیا ایمان دارید به او را در آسمانها که زمین شما را فرو می برد؟

اگر انسان به این نکته توجه کند که در این فضای بزرگ بر روی این غبار شناور حمل می شود و شنا در این فضا معلق است، هیچ چیز نمی تواند آن را نگه دارد مگر قدرت خداوند که آسمان را از سقوط بر زمین باز می دارد. مگر به اذن او، کسانی که به ارواح و پیوندها امیدوارند، تنها بر یگانه توانا توکل می کنند: { انا الله ربکم، پس او را بپرستید، آیا متذکر نمی شوید (3) } ... [یونس : 3] .

و چه بزرگ است نعمت های خداوند بر بندگانش در آفرینش این زمین که خالقش برکات بی شماری را بر آن نهاده است.

ذلیل و شیری است.. راه رفتن روی آن با پا.. و بر وحش.. و روی ماشین.. و بر کشتی هایی که در دریاها حرکت می کنند.. و ذلیل به کاشت و درو و درو.. و خوار کننده به حیات در آن، به دلیل وجود هوا و آب و خاک مناسب برای کاشت و جوانه زدن.

این زمینی که می بینیم ثابت، استوار و ساکن است و حیوانی متحرک است، بلکه یک نیزه در حال تاختن است.

آنگاه شیرین است چنانکه ذلیل می شود، پس خداوند چه مقدار از آن را از آب خارج می کند، چه مقدار از آن را از میوه ها و غلات خارج می کند، چه مقدار از آن را از نفت و گاز و... خارج می کند. مواد معدنی؟

این نعمت ها و روزی ها را خداوند از همه جا برای ما آورده است.

آیا حق عبادت و اطاعت خداوند را ادا کرده ایم؟

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (21) الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (22) } ... [البقرة: 21، 22].

این حیوانی که ما سوارش میکنیم به دستور خدا دور خودش میچرخه... دور خورشید میچرخه... و با منظومه شمسی میچرخه... اینها سه دور زمین هستند. منزه است آن که آن را آفرید، منزه است آن که آن را نگه داشت و منزه است آن که آن را به حرکت درآورد و به حرکت در آورد.

با این همه دویدن انسان بر پشت می ماند، امن، راحت، آسوده و خانه هایش پاره نمی شود و خانه هایش خراب نمی شود و این ذلت بر پشتش نمی افتد: {او است که تو را ساخته است. زمین، پس گم می شوند و گم می شوند.} [الملک: 15].

این سه حرکت حکمت و اسرار دارند:

گردش زمین به دور خود هر روز شب و روز را به وجود می آورد.

و اگر شب جاودانه بود، حیات و موجودات از سرما یخ می زدند و اگر روز جاودانه بود، حیات و موجودات از گرما می سوختند.

و چرخش زمین به دور خورشید همان چیزی است که چهار فصل تابستان و بهار و پاییز و زمستان را پدید می آورد.

و اما حرکت سوم، حجاب غیب حکمت خود را آشکار نکرد، بلکه حکایت از کمال قدرت خالق و موتور آن دارد.

و این حیوان مطیع به فرمان قدرتمند، توانا، این سه حرکت عظیم در یک زمان، ثابت در یک حالت در طول حرکت حرکت می کند.

و کسانی که بر پشت این وحش زندگی می کنند در امان و امان هستند و آن را می دوشند، پس سهم معلوم خود را از روزی خدا در آن می گیرند.. می دانند چگونه به حیوانی تبدیل می شود که نه تسلیم است و نه در حال دوشیدن. .. وقتی خداوند اجازه می دهد که کمی آشفته شود.. هر چیزی که پشتش است می لرزد یا خرد می شود.. و همه چیز روی آن می گذرد و آشفته می شود.. پس هیچ نیروی و منبعی نمی تواند آن را نگه دارد.

و آن وقت است که زمین لرزه ها و آتشفشان ها جانور لجام گسیخته ای را که در کمین حیوان مطیع است آشکار می کند که خداوند افسار آن را در دست دارد و جز به اندازه ای فوران نمی کند و جز چند ثانیه بی اختیار فوران نمی کند، پس هر

چیزی که انسان بر آن ساخته است. پشتش شکسته می شود یا وقتی یکی از دهانش باز می شود در گودی فرو می رود و قسمتی از آن فرو می رود، پس به فرمان پروردگارش او را بلعید، برای انتقام و مجازات کسانی که در اختیار او نافرمانی کردند. سرزمین او

و از میان انسانها می گذرد و آنها از این امر چیزی ندارند و نمی توانند و همچنین شاهد طوفان های وحشی هستند که ویران می کند و ویران می کند و می سوزاند و بیهوش می کند: {آیا به آن که در آسمان است به زمین ایمان دارید. تو را خواهد بلعید؟

انسانها در وحشت زلزله و آتشفشانها و کسوف و طوفانها و موجودات ضعیف و نحیف که چیزی ندارند ظاهر می شوند و انسان کوچک و ضعیف و نحیف و وحشت زده در برابر آنها می ایستد تا اینکه خداوند بر آنها مسلط می شود و آنها می شوند. نرم و آرام به فرمان او.

و قرآن به مردمی که فریب سکون وحش را خورده و فریب امنیت را می خورد با فراموش کردن خالق و نگهدارنده و رام کننده اش یادآوری می کند.

و باد اطرافشان به طوفانی تبدیل می شود که هیچ قدرتی در زمین ندارد که انسان ها ساخته اند و مانع از نابودی آن نمی شود و هشدار می دهد و به آنها هشدار می دهد که: {یا در آسمان ایمان آورده اید که طوفان می فرستد. بر ضد شما، آنگاه خواهید دانست که چگونه بیم دهنده است (17) [الملک: 17]}

چه کسی این فضای وسیع بین آسمان و زمین را ایجاد کرد؟

و چه کسی آن را با نور فراگیر، گاهی با تاریکی کامل پر کرد؟

و چه کسی آن را از گرما، گاهی با سرما پر کرد؟

و چه کسی آن را گاهی با هوای ملایم پر می کند ... و گاهی با طوفان های

ویرانگر؟

و چه کسی در آن راه می رود خورشید دوان.. ماه متحرک.. و سیارات نورانی؟.

چه کسی با ابرهای انباشته شده، اتمهای در حال پرواز و پرندگان شناگر در آن راه

می رود؟

منزه است کسی که دارای خلق و فرمان و تصرف و مدیریت و دین و شریعت است.

منزه است آفریدگار دانا... که آسمان ها و زمین را آفرید... و بزرگ و کوچک را

آفرید... و خشکی و دریا را آفرید... و خشک و خشک را آفرید. خیس... و همه چیز

را آفرید.

{هَذَا خَدَاوَنَد پَروردگار شماسْت، خَالِقُ هَر چيزی، مَعْبُودِي جَز او نِيست، چگونهُ

فَرِيْب مِي خُورِيْد (62)} [غافر: 62] .

خلقت خورشید و ماه

و خداوند خورشید و ماه را آفرید،

خداوند متعال فرمود: «وَالَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّوْمَ وَالْأَمْرَ الْأَمْرَةَ جَمَّةً مِنْ يَشْنَأُ (33)»
... [انبیاء: 33] .

و خداوند متعال فرمود: {آیا ندیدی چگونه خداوند آسمانهای هفت گانه را به صورت لایه آفرید (15) و ماه را در آنها نور قرار داد و خورشید را چراغ (16) غروب کرد {
[نوح: 15، 16] .

خداوند تبارک و تعالی اوست که خورشید و ماه را آفرید و در آن ها نور و روشنایی قرار داد و برای آنها برج ها و خانه هایی قرار داد که مرحله به مرحله از آن فرود می آیند تا حالت سنت را برقرار کنند. و مصلحت حساب دنیا را کامل کند.

پس مردم محاسبه سنین را می دانند و شرایط قرض و اجاره و معاملات را می دانند و روزها را از شبها و شبها بعضی از آنها را از بعضی دیگر می دانند و اگر غروب خورشید نبود و نبود. ماه در آن خانه ها، هیچ یک از آن ها به نام او شناخته نمی شود، سبحان الله گفت: {او کسی است که خورشید را روشن تر و ماه را نور قرار داد و خانه ها به آن قدردانی کردند تا تعداد سالها و محاسبه ی آنچه را که خداوند آفریده است بیاموزید .

خداوند متعال، طلوع و غروب خورشید و ماه را مقدر کرده که حالات شب و روز را برقرار کند و اگر طلوع آنها نبود، امر دنیا باطل می شد، زیرا در طلوع آنها منافع بزرگی برای بندگان است و در موقعیت آنها منافع بزرگی است، چنان که سبحان الله می فرماید: { وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۖ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۗ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (12) } [الاسراء: 12] .

مردم و حیوانات در روز به دنبال منافع خود هستند و امرار معاش می کنند و امور خود را اداره می کنند.

شب ها افراد آرام می شوند و می خوابند، بنابراین اعضا و بدن فعال می شوند و با بدنی فعال برای کار جدید آماده می شوند.

و اگر غروب آفتاب نبود، زمین در هنگام طلوع و طلوع آن محفوظ بود تا آنچه از گیاهان و جانوران روی آن است بسوزد.

پس شد به امر خدای حکیم، مدتی در مقام چراغ ظاهر شد، برای اهل خانه برافراشته شد تا حاجتشان برآورده شود، سپس از آنان غایب شد تا می توانستند بخوانند و استراحت کنند.

و روشنایی روز شد با تاریکی شب و این آزاد شد با سردی این و با تضادشان همدستان و تظاهرکنندگان پیاپی با تمام مصالح دنیا سبحان: { (71) } ... [القصص: 71] .

منزه است او: } بگو : دیدم خداوند روز را برای شما به روز قیامت خدای خدا قرار داده است، غیر از خدا که شبی را برای شما می آورد .

و در حرکت خورشید، خداوند شب و روز را نشان می دهد و در طلوع و نزول آن، زمان و چهار فصل (تابستان، زمستان، بهار و پاییز) را به قدرت خود نشان می دهد اگر همه زمان ها یک فصل بود، علایق بقیه فصل ها از بین می رفت.

اگر تمام تابستان بود، فواید زمستان از بین می رفت و اگر تمام زمستان بود، فواید تابستان از بین می رفت و نظایر آن فواید بهار و پاییز است.

در زمستان گرما به امر خدا در گودالها و شکمهای زمین و کوهها فرو می رود.. بنابراین مواد میوه ها و چیزهای دیگر تولید می شود.. و پدیده ها سرد می شوند.. و هوا متراکم می شود.. پس ابر و باران رخ می دهد.. برف و تگرگ.. که حیات زمین و اهل آن است.. و تقویت بدن حیوان و قوت آنها.

سپس بهار می آید و در بهار مواد تولید شده در زمستان ظاهر می شوند، بنابراین گیاهان ظاهر می شوند، درختان با گل و میوه روشن می شوند و حیوانات برای تولید مثل حرکت می کنند.

پس از آن تابستان فرا می رسد و در تابستان هوا گرم می شود و بسیار گرم می شود، بنابراین میوه ها به فرمان خداوند متعال می رسند و فضولات بدن ها و شوخی هایی که در زمستان ایجاد می شد، حل می شود و سرما فرو می رود. و به گودال ها می گریزد و به همین دلیل چشمه ها و چاه ها سرد می شود و معده

غذایی را که در زمستان هضم می کرد هضم نمی کند زیرا با حرارتی که در شکم ها می نشیند آن را هضم می کرد.

وقتی پاییز می آید، زمان معتدل می شود، هوا صاف و سرد می شود، سپس آن سموم شکسته می شود، و خداوند پاییز را سدی بین سموم تابستان و سرمای زمستان قرار می دهد تا حیوان از حرکت نیفتد. برای یک لحظه از گرمای شدید تا سرمای شدید باعث آسیب و آسیب به آن می شود.

همین طور خداوند متعال بهار را حائلی بین زمستان و تابستان قرار داد که در آن حیوانات از سرمای آن به گرمای آن به تدریج و به ترتیب حرکت می کنند.

تبارک و تعالی خداوند بهترین آفریدگاران و حکیم ترین داوران: {وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالْيَوْمَ لِلَّيْلَةِ وَالْيَوْمَ لِلَّهِ مَنْ يَذْكُرًا يَا بِالشَّكْرِ (62)} [الفرقان: 62].

و زیباترین جاهایی که گیاهان و جانوران در آن زندگی می کنند آن است که چهار فصل متوالی داشته باشد و هر جایی که خورشید در آن نبارد و هیچ حیوان و گیاهی در آن زندگی نکند زیرا بسیار سرد و خشک است و هر مکانی آن را ترک نمی کند. به همین ترتیب، زیرا بیش از حد گرم و خشک است.

منزه است کسی که شب و روز را به سود بندگان و حیوانات و گیاهان تغییر می دهد. {خداوند شب و روز را می گرداند، همانا در آن عبرت است برای اهل بین (44)} ... [نور: 44].

منزه است آن عالم و حکیم که همه جهان را با این ستاره بزرگ منور ساخت و آن را چراغی فروزان قرار داد که به امر خداوند متعال سیر می کند، پس مصالح بندگان با آن تنظیم می شود. و اگر خورشید در جایی از آسمان طلوع می کرد و در آنجا می ایستد و از آن عبور نمی کرد، پرتوهایش به بسیاری از جهات نمی رسید و شب می شد. روزی جاودانه است برای کسانی که ندیدی، پس آنها و آنها فاسد می شوند.

اما خداوند متعال در حکمت و علم و تدبیر خود مقرر فرموده است که در آغاز روز در مشرق طلوع کند تا از افق مغربی به هر چه برخورد کند بدرخشد.

سپس به دویدن ادامه می دهد و در کنار هم می پوشاند تا به غروب ختم می شود، سپس در آغاز روز بر آنچه از آن پنهان بود می تابد، پس شب و روز برایشان فرق می کند، پس علایقشان سامان می یابد: } و خورشید برای آن جایی ثابتی می دود .

و خداوند حکیم و داناست، در روشنایی ماه و ستارگان در تاریکی شب داوری بزرگ کرد، خداوند تاریکی شب را برای آرامش حیوان و خنکی جانوران آفرید. هوا روی گیاهان و بدن است، بنابراین گرمای خورشید را یکسان می کند و در نتیجه گیاهان و حیوانات را اصلاح می کند.

منزه است که شب را با برخی از نورها تازه کرده است و آن را تاریکی عمیق قرار نداده است که در ابتدا نوری در آن نباشد تا انسان و حیوان در آن حرکت نکنند. مانند راه رفتن و درخواست غذا و مانند آن.

و خداوند رضی الله عنه خورشید را در یک حالت قرار داد که جمع و تفریق را نمی پذیرد، مبدا حکم مورد نظر مختل شود.

ماه را بپذیرد که کم و زیاد شود و به صورت هلال ظاهر شود، آن گاه زیاد شود تا کامل شود، سپس کاهش یابد تا آن گونه که ظهور کرده است، برگردد، و بدین وسیله منافع بسیاری برای بندگان حاصل می شود، از دانستن ایام و اجل. و بارها پس خداوند خورشید را برای وقت روزانه و ماه را برای وقت ماهانه آفرید و آنها به فرمان خدا به مصلحت دنیا اداره می شوند. {وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (38) وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (39) لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۚ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (40)... [یاسین: 38-40] .

سرد شدن و سخت شدن را در نور ماه انجام داد که مطابق آن چیزی است که در نور خورشید گرم و حل می شود، پس حکمت تمام می شود و از تسلسل آن بعد از این سود حاصل می شود.

منزه است آفریدگار دانا که این نجوم بزرگ را با خورشید و ماه و ستارگان و سیارات و علائم زودیاک و فصولش آفرید تا به دور این جهان بچرخد، این چرخش سریع

و پیوسته، با اندازه دقیقی که انجام می دهد. کم و زیاد نشود و نظم آن به هم نخورد.

و همه اینها از کمال جلال و قدرت و علم خداوند سرچشمه می گیرد: {پس صبح را غروب کن و شب را آرام و خورشید و ماه را در حساب .

و اگر انسان در امر این دو نور بزرگ بیندیشد، آنها را از بزرگترین نشانه ها در خلقت و بدن و نور و حرکتشان می یابد. رفت و برگشت... بالا و پایین.

یکی از آنها نه در مدار صاحبش می دود و نه در اختیار او قرار می گیرد و نه خورشید بر ماه می نشیند و نه شب قبل از پایان روز می آید، بلکه هر حرکتی مقدر است معینی دارد. رویکرد، اثر و منفعتی که دیگری در آن سهیم نیست.

منزه است آن که آنها را آفرید.. منزه است از نور و راه آنها.

پاك و منزه است کسی که آنان را تحت تسلط خود درآورد و در این ترتیب شگفت انگیز به نفع خلقت خویش و نشان دادن قدرت و دانش کامل و تدبیر نرمش و حکمت نیکو خود قرار داد. {و از نشانه های او در شب و روز و خورشید و ماه، نه برای خورشید و نه برای ماه سجده نکنید و برای خدایی که آن را آفریده است، سجده نکنید .

و اگر همه مخلوقات برای پروردگارشان سجده کنند، تسلیم عظمت او، تسلیم قدرت او، تسلیم حجت او، آسمان ها و زمین و خورشید و ماه و بقیه مخلوقات، پس

چه می شود. مردی که در عبادت پروردگارش شرکت نمی کند و گوش می دهد و اطاعت می کند؟

هر کس از عبادت خدا به پرستش غیر او منحرف شود، گمراه شده و زیان آشکاری به او رسیده است.: { أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ ۗ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (18) } [الحج: 18] .

منزه است خدایی که خورشید و ماه را آفرید و نور و روشنایی را به آنها سپرد و برای آنها نشانه های زودیاک و خانه هایی قرار داد که سال ها و ماه ها و روزها و شب ها به وسیله آنها معلوم شود و مصالح دنیا به وسیله آنها محقق شود. آنها را چنانکه سبحان الله فرمود.: { وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ ۗ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَبَتَّغُوا فِضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۗ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (12) } [الاسراء: 12] .

و آفرینش خورشید و ماه... و طلوع و غروب آنها... یکی از بزرگترین گواهان بر وقوع قیامت است... چنانکه در ظهور و بازگشت شبانه روز گواه است... و در ظهور ماه، سپس کمال و سپس کاهش آن... و در ظهور و بازگشت نور در ماه... و در طلوع و غروب خورشید... در ظهور و بازگشت زمان.. حیوان و گیاه و بازگشت آنها.. و فصول

سال و بازگشت آنها.. و در تجلی و بازگشت گرما و سرما.. همه اینها گواه روشنی بر اصل و بازگشتی است که کتب نازل شدند و فرستادگان از آن خبر دادند.

و خداوند خورشید را آفرید و آن را شش حرکت کرد:

از مشرق به مغرب.. و از پایین به بالا.. و از بالا به پایین.

و برای آن دو مشرق در تابستان و زمستان و مشرق و مغرب به تعداد روزهای سال قرار داد، چنانکه سبحان الله می فرماید: [المعارج: 40، 41].

و این نور عظیم و عظیم در خورشید... و این نور عظیم در ماه.. و این نوری که از سیارات و ستارگان و بینایی ساطع می شود، همه اینها نوری است که خداوند خلق کرده و با این اجسام سپرده شده است.

و اگر این نور خورشید و ماه و ستارگان است... پس نور عرشی که رحمان بر آن آرمیده است چقدر است؟ و اگر این نور مخلوقات اوست

.. پس چگونه است نور او سبحان؟

... و

هر نوری در جهان از نور اوست.

{و هر که خدا را نوری برای او قرار ندهد، نوری ندارد (40)} ... [النور: 40].

آفرینش ستارگان

خداوند متعال فرمود: ﴿و اوست که ستارگان را برای شما آفرید تا در تاریکی های خشکی و دریا به وسیله آنها هدایت شوید .

و خدای سبحان فرمود: ﴿و به یقین پایین ترین آسمان را به چراغها آراستیم و آن را سنگسار شیاطین قرار دادیم و برای آنها عذاب آتش را آماده کردیم﴾ [الملک: 5] .
خداوند تبارک و تعالی ستارگان را برای سه منظور آفرید:

زینت آسمانها، سنگسار برای شیاطین و نشانه هایی برای هدایت.

چه بزرگ است حکمت پروردگار تبارک و تعالی در آفرینش ستارگان و سیارات و کثرت و شگفتی آفرینش آنها و آنچه خداوند در آنها از نور و نور قرار داده است تا با آن دیده شوند. دوری بیش از حد آنها، زیرا آنها به فرمان پروردگارشان هدایت می شوند و بر روی یک سنت می دوند که از او منحرف نمی شود.

منزه است کسی که سیارات و ستارگان را آفرید و برج ها و عمارت ها را برای آنها ساخت.

بین رنگ و اندازه و حرکات و حرکت آنها به قدرت خود فرق گذاشت:

برخی ثابت و برخی متحرک و برخی تنها راه می روند و برخی با اصحاب خود راه می روند.

منزه است کسی که آنها را از هم جدا کرد و آنها را حفظ کرد و آنها را حفظ کرد، پس جز به فرمان او پیشروی نکنید و جز به فرمان او عقب نمانید و جز به فرمان او آرام نگیرید و حرکت نکنید، همانگونه که او منزه است. ، گفت: {وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (12)} [النحل : 12] .

سبحان الله میان سیارات در طلوع و سفر و جایگاهها فرق داشت:

برخی طلوع می کنند و برخی غروب می کنند و در میان آنها راه رفتن و حرکت است و در میان آنها کسانی هستند که با هم مانند لشکر واحد راه می روند. و در میان آنها کسانی هستند که به تنهایی مانند یک رهبر راه می روند. و در میان آنها ظاهری است که هرگز غایب نیست، خداوند آن را در مقام پرچمهای برافراشته قرار داد که به وسیله آن مردم به راههای نامعلومی در خشکی و دریا هدایت می شوند، پس هر وقت بخواهند به آن می نگرند و هر جا که بخواهند با آن هدایت می شوند. آرزو می کنند که سبحان می فرماید: {و به نشانه‌ها و ستارگان هدایت می شوند (16)} [نحل: 16] .

چقدر این ستاره های پراکنده در آسمان، چه خوب و چه زیبا هستند.

زیبایی در آفرینش این جهان به عنوان کمال در نظر گرفته شده است.

و قرآن بعد از توجّه به کمال آن، به جمال آسمانها توجه می کند، چنانکه سبحان فرمود: « آیا به آسمان بالای سرشان نمی نگرند ؟ خداوند پایین ترین بهشت را با

چراغ هایی زینت داده است که ستارگان و سیارات مرئی هستند که وقتی به آسمان نگاه می کنیم آنها را می بینیم.

منظره ستارگان آسمان زیباست و زیبایی است که دلها را تسخیر می کند تا یک ساعت و این همه زیبایی است که در را می گیرد.

درود بر آن زیبا که زیبایی را در این عالم بزرگ آفرید.

این خورشید درخشان.. و این ماه متحرک.. و این نجوم وسیع.. و این ستاره های پراکنده.. در این فضای وسیع.. که چشم از وسعتش خسته نمی شود.. و بینایی به طولش نمی رسد.. این پیکرهای عظیم که آسمان را زینت می دهند.. و به فرمان پروردگارشان روشن و غبارآلود اداره می شوند.

منزه است آن که آن را آفرید، پاک و منزه است آن که آن را شتافت، پاک و منزه است آن که آن را راه می رفت و منزه است آن که آن را نگاه داشت.

قرآن انسان را به جمال آسمان و جمال هستی هدایت می کند، زیرا شناخت جمال هستی نزدیکترین راه برای پی بردن به جمال و عظمت خالق هستی است. {آیا آسمان را بالای سرشان ندیدند که چگونه آن را بنا کردیم و آراستیم و هیچ شکافی در آن نیست (6)} [قاف: 6] .

چند ستاره در فضا شنا می کنند؟ .. و ساری چند سیاره؟ .. و چند شهاب نافذ؟.

و هر سیاره ای و هر ستاره ای در آفرینش خود دستوری از جانب خداوند و در بقای خود دستوری و در حرکت و سکون خود فرمانی دارد.

منزه است آن کس که آن را آفرید و نور داد و در ملک بزرگ خود هدایت کرد، در حالی که مطیع و مطیع فرمان پروردگارش است که نه ستاره ای از آن به دیگری برخورد می کند و نه با سیاره ای دیگر روبرو می شود.

منزه است نوع آیاتی که دلالت بر عظمت و قدرت او و راستگویی رسولانش دارد و آنها را برای افطار و گاهی برای شنیدن و گاهی برای بینایی قرار داده و آنها را افقی و افقی قرار داده است. روانی، متحرک و قابل فهم، و با چشم قابل مشاهده و با دلها دیده می شود، اما دلها سینه ها کور می شود (46) { [الحج: 46] .

و اگر انسان در آفرینش این عالم به نشانه‌ها و شگفتی‌ها بیندیشد... و در آنچه در آن است از خیر و ترتیب و ترتیب بیندیشد... و آنچه را در آن است از برکت و نیکی ببیند... و رویگردان بماند. از جانب پروردگارش... و دلش خاشع نمی شود... پس بداند که ذهن و قلب او را گرفتار کرده است... و دشمنش او را سوار کرد.. و او را به سوی آتش برد.

از پروردگارش که توانا و مهربان است، امان و رهایی از دشمنش بخواهد.

{چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین که از آن روی گردانند (105)} [یوسف: 105] .

شب و روز را آفرید،

خداوند متعال می فرماید: « وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (33) » [انبیاء: 33] .

و خدای سبحان فرمود: { خداست که شب را برای شما آفرید تا در آن آرام بگیرید و روز را ببینید . خداوند تبارک و تعالی آفریدگار همه چیز است، آسمان ها و زمین و خورشید و ماه و شب و روز. به همین دلیل است که خداوند ذکر آن را در قرآن تکرار می کند، زیرا آیات و درس هایی که بر الوهیت و قدرت و حکمت خداوند دارد. ببینید چگونه خداوند متعال شب را منزلگاه و جامه ای قرار داده است که دنیا را می پوشاند، تا حرکات در آن آرام شود، حیوانات به خانه های خود پناه ببرند، پرندگان به آشیانه خود پناه ببرند، و جان ها در آن آرام گیرند و از آن آرام گیرند. زحمت تلاش و زحمت.

حتی اگر ارواح از آن استراحت و خواب خود را بردارند و به رزق و روزی خود پردازند، سحرگاه سبحان با روز پیش روی خورشید آمد و آن تاریکی را شکست داد و هر اشک آور آن را پاره کرد. از هم جدا کردند و آن را برداشتند و از دنیا آشکار کردند و اینک می بینند.

پس حیوان و انسان در حال گسترش روزی و منافع خود بودند و پرندگان از لانه های خود بیرون آمدند تا روزی خود را که خداوند برایشان مقدر کرده بود بگیرند: {و

اوست که شب را لباس شما قرار داد. و خواب را استراحت، و روز را قیامت قرار داد
{(47)} [فرقان: 47].

چه رستاخیز و تربیتی برای او که نشان دهنده قدرت خداوند سبحان است بر
قیامت اکبر و با تکرار آن و تماشای همیشگی ارواح برای او مثل همیشه آشنا شد،
کمتر کسی که در نظر بگیر: {و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین که از آن
روی گردانند (105)} [یوسف: 105].

و خداوند خورشید را آفرید و آن را نشانه روز قرار داد و ماه را آفرید و آن را نشانه
شب قرار داد، پس منزه است خورشید و آن را با نور و آتشی که در آن درخشندگی
و سوزان است بسط دهد. از مصلحت بندگان و موجودات منزه است: {و شب و روز
را دو وقت قرار داد، پس ما را قرار می دهیم، پروردگار تو، تا شمار سالها و حساب
را بدانی و همه چیز را به تفصیل بیان کردیم (12)} [الاسراء: 12].

و چون خداوند عز و جل در هر یک از دو سر آمدن شب و روز و عقب نشینی آنها
آنچه را که آفرید می آفریند و از مخلوق خود آنچه را که می خواست منتشر می
کند، ارواح شیطانی را در نزدیکی منتشر می کند. شب را و در نزدیکی روز، نشر
روحیات انسانی برای اینکه این گسترش در دنیا تأثیر خود را بگذارد، در این دو وقت
تشریح فرمود، دو نماز بزرگ مغرب و فجر را تشریح فرمود تا بنده از خود یاد کند.
پروردگارا، او را تجلیل می کند و او را ستایش می کند وقتی این تغییر بزرگ کیهانی
رخ می دهد.

خداوند متعال یکی است: {خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (5)} [الزمر: 5] .

او پاک و منزه است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد تا هرگز ملاقات نکنند و قیام نکنند و عظمت خالق و فضل و فضل او را به آنها یادآوری کند. {و او کسی که شب و روز را پشت سر هم قرار داد برای کسی که بخواهد یاد شود یا بخواهد شکر کند (62)} [فرقان: 62] .

او سبحان است که شب را بعد از روز و روز بعد از شب را می آورد و در یکی از آن ها آنچه را که در دیگری کم دارد و برعکس می افزاید و مستلزم برپایی فصول است. مصلحت شب و روز که به وسیله آن مصالح بندگان برآورده می شود : شنوا، بصیر (61)} [الحج: 61] .

سکون در شب برای هر موجود زنده ای ضروری است و باید یک دوره تاریکی وجود داشته باشد که سلول های زنده در آن ساکن شوند و خواب صرف برای ایجاد این سکون کافی نیست، بلکه باید شب باشد و باید تاریکی وجود داشته باشد. دوره سکون و تاریکی

و خواب انسان منقطع فعالیت و ادراک است و از اسرار آفرینش زنده است و تنها اوست که این زنده را آفرید و آن راز را به او سپرد و حیاتش را به آن وابسته ساخت.

هیچ موجود زنده‌ای بدون خواب نمی‌ماند، زیرا خواب برای هر انسانی لازمه و از اسرار توانا و حکیم و برکتی است از سوی خداوند بر بندگانش : 23 .

و خداوند حکیم داناست، حرکت عالم را متناسب با حرکت موجودات زنده قرار داد، همان گونه که انسان راز خواب و خواب زمستانی را پس از کار و فعالیت به امانت سپرد، پدیده ی شب تا جامه پوششی باشد که خواب زمستانی و خلوت در آن کامل شود و پدیده روز باشد تا روزی باشد که در آن حرکت و فعالیت صورت گیرد، سبحان الله. فرمود: « در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌هایی برای خردمندان است (190) » [آل عمران: 190] .

و خداوند سبحان آسمانها و زمین را به حق آفرید تا برای حیات این نوع بشر مناسب و مجهز باشد، چنانکه منزه است فرمود: {خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید، همانا در آن نشانه ای است برای مؤمنان (44)} [العنکبوت: 44] .

و همانطور که آفریدگار این آسمانها و زمین را با آنچه برای زندگی این شخص مناسب است تجهیز کرده است، او را نیز مقدمات و نیروها قرار داده و غریزه خود را بر علم او بنا نهاده و وجهی اختیاری برای او گذاشته است. زندگی که به وسیله آن قدرت روی آوردن به هدایت را دارد، پس خداوند او را یاری می کند و او را هدایت می کند یا به گمراهی روی می آورد، پس خداوند آن را به او تعمیم می دهد و مردم را پس از فرستادن پیامبران به سوی آنان، به کار واگذاشت تا آنها را بیازمایید که کدام یک از آنها بهترین عمل است.

آنها را برای علم نمی آزمایند، زیرا او به همه چیز داناست، بلکه آنها را می آزمایند تا پنهانی های اعمالشان نمایان شود و به خواست و عدل خدا پاداششان را می گیرند.

منزه است کسی که همه چیز را آفرید و آن را مقدر کرد:

زمین و آنچه را در آن است آفرید.. و آسمان را آفرید و بدون ستون برافراشت.. و آن را بر زمین نیفتد مگر به اذن خود.. و کشتی عظیمی را آفرید که ظاهراً معلوم نیست. مرزها.. که در آن میلیون ها میلیارد سیاره، ستاره و اجرام که فقط خدا می تواند آنها را جلال دهد.

این موجودات بسیار عظیم که در آنها دو نفر به هم نمی رسند و گروهی با گروه دیگر برخورد نمی کنند.

و همه این ستاره ها و همه این سیارات با سرعتی وحشتناک در این فضای عظیم حرکت می کنند، اما در این فضای عظیم آنها اتم هایی را از هم شنا می کنند که به هم نمی رسند یا برخورد نمی کنند، زیرا آنها در چنگال خداوند هستند، او آنها را آفریده است. به فرمان او به فرمان او می مانند و به فرمان او راه می روند و بر فرمان او می ایستند.

منزه است کسی که آن را آفرید، منزه است کسی که آن را ترتیب داد، منزه است آن که آن را راه می دهد، و منزه است از نور آن: {ان الله پروردگار شماست .

خلقت فرشتگان

سوره بقره در قرآن کریم به مسئله خلقت و رابطه مولای ما آدم علیه السلام و فرشتگان بزرگوار فضای زیادی داده است، همچنان که شیطان به صورت «فرشته سابق» ظاهر شده است. برای خراب کردن تصویر زیبا و ایجاد نوعی مبارزه ابدی در زندگی.

آغاز زمانی بود که خداوند می خواست آدم علیه السلام را از خاک بیافریند، فرشته ای را فرستاد تا مثنی خاکی بردارد، سپس سرور ما آدم را آفرید و مدتی بین آب و گل ماند. ابدیت، سپس خداوند متعال به فرشتگان وحی کرد: جان من، به سجده بر او بیفتد، حق تعالی و رسولانش صلی الله علیه و آله و سلم در سیرت و اخلاق گرامی، نزد خداوند متعال، صالح، پاک سیرت و عمل هستند. اطاعت از خداوند متعال، و از مخلوقات خدا هستند، آنها را از نور آفرید تا او را بپرستند، نه دخترند و نه پسر خدا، نه شریک او و نه همتای او.» آن گفتار مهم و برانگیخته است یه چیزی حرف اونایی که میگن ملائکه دختر خدا هستن رو رد میکنه.. کسی هست که اینو گفته؟

ابن کثیر در «تفسیر قرآن اعظم» میگوید مشرکان را تکذیب کرد، ملائکه را نام زن نامیدند و آنان را دختران خدا دانستند، چنانکه فرمود: «و از ماده او فرشتگانی

ساختند. آنها بندگان خدای رحمان هستند و علم درستی ندارند که گفته هایشان را تصدیق کند، بلکه دروغ و باطل و تهمت و کفر وحشیانه است.

و در تفسیر بغاوی که «جحینه و بنی سلمه و بنی عبدالدر» ادعا کردند که ملائکه دختران خدا هستند، خدای متعال از آنچه ستمکاران می گویند، می فرماید: برای خدا دختران قرار دادند. و برای خود پسرانی در حالی که عراقی در «طرح التثرب» می گوید و کسانی که می گویند خدا سبحان فرزند می گیرند، آنها یهودیانی هستند که می گویند عزیر پسر خداست، نصارا. که فرمودند مسیح پسر خداست و اعراب که گفتند فرشتگان دختران خدا هستند از آن منزله باد.

خداوند فرشتگان را چگونه آفرید؟.. در حدیث صحیح از خانم عایشه فرمودند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ملائکه. از نور آفریده شده اند و جن ها از شعله های آتش و آدم نیز از آنچه برای شما توصیف شده آفریده شده است.

رابطه فرشتگان با آدم.. دوباره برمی گردیم تا به رابطه فرشتگان با پدر انسان آدم بسنده کنیم. خداوند به فرشتگان گفت که «در زمین جانشینی خواهد ساخت.» پاسخ آنها عجیب بود. و حکایت از علم قبلی یا چشم اندازی از آینده او دارد، طبق آنچه ابن کثیر در اول کتابش ذکر کرده است، مهم «ابتدا و انتها» است، زیرا خداوند فرشتگان را مخاطب قرار داده و به آنها می گوید: «من می سازم. جانشینی در زمین.» این را به آنها بیان کرد تا به آفرینش آدم و نسل او اشاره کند، همچنان که از امر بزرگ قبل از وجود آن خبر می دهد، و کم کردن فرزندان آدم، و حسد بر آنها،

چنانکه برخی از مفسران، ممکن است تصور کند: گفتند: آیا کسی را در آن قرار می دهی که در آن فساد کند و خون بریزد؟

پس شرافت آدم را بر آنان در علم به آنان توضیح داد و گفت: «وَأَعْلَمُ الْأَسْمَاءَ» (و من اسامی را می دانم) ابن عباس گفت: اینها نام هایی است که مردم می شناسند، انسان، حیوان، خشکی، دشت، دریا، کوه و شتر و الاغ و مانند آن از امتهای و غیر آن و مجاهد گفت: اسم هر حیوان و هر پرنده و هر چیزی را به او آموخت این را سعید بن جبیر و قتاده و بیش از یک نفر گفته است. . سپس آنها را به فرشتگان نشان داد و فرمود: اگر راست می گوئید از نام اینها به من خبر دهید.

گفتند: منزهی تو، ما جز آنچه به ما آموختی علم نداریم، همانا تو دانا و حکیمی. گفت ای آدم نامشان را به آنها می گوئیم، پس چون نامشان را دارم، گفت: «آیا به شما نگفتم که می دانم آن که همان است که یکی است چیست؟ کیست که یکی است که یکی است که همان است»

و گفته شد: مراد از گفتار او: «وَأَعْلَمُ أَحْسَمُونَ» این است که گفتند: آیا تباه کنندگان آن را می سازی؟

و به قول او: «وَلَمْ تَخْفَأُوا» مراد از این گفتار چیست: ابلیس هنگامی که پیری و تأخیر را بر آدم علیه السلام اسیر کرد چنانکه سعید بن جبیر و دیگران گفتند روح او چنانکه گفت. «اگر او را شکل دادم و از روح خود در او دمیدم، برای او سجده کنید.»

این چهار کرامت است: او را با دست کریم خود آفرید و از روحش در او دمید و فرشتگان را به سجده فرمان داد. ، و نام چیزها را به او یاد داد. فرشتگان برای اطاعت پروردگارشان برای آدم سجده کردند، اما ابلیس امتناع ورزید و تکبر کرد، اما این داستان دیگری است. که در فصلهای بعدی مفصلاً توضیح داده خواهد شد.

+++++

خداوند فرشتگان را چگونه آفریده و چه صفاتی دارد. میراث اسلامی بیانگر تاریخ گسترده ای از اندیشه های کسانی است که روی آن کار کرده اند و آن را به علمی تبدیل کرده اند که به وسیله آن همه پدیده های زندگی خود را تفسیر کرده اند، این همان چیزی است که ایشان در باب ذکر خلقت و صفات ملائکه فرمودند.

خداوند فرمود: "وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ * يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ * وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ [انبیاء: 26-29]."

خداوند متعال می فرماید: «نزدیک است آسمان ها از آسمان خود بشکنند و فرشتگان حمد و ثنای پروردگارشان را می ستایند و از او طلب آمرزش می کنند. کسی است که همان است که همان است.

و حق تعالی فرمود "الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ" [غافر : 7-8].

و خداوند متعال فرمود: «اگر تکبر کردند، کسانی که نزد پروردگارت هستند شب و روز او را تسبیح می گویند و خسته نمی شوند» [فصلت: 38].

و فرمود: «وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» [انبیاء: 19-20].

و خدای تعالی فرمود:

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

[الصافات: ۱۶۶-۱۶۴].

و حق تعالی فرمود: «وَلَا أَنْزَلُونَ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ وَإِلَيْهِ مِنَ الْمَنِّ وَ مِنَّا مِنَّا وَ مِنْهُمْ وَ رَبِّكَ لَا يَغْرَأُ» [مریم: 64]. .

و حق تعالی فرمود: «وَلَكُمْ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ الْمُحْسِنُونَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ» [انفطار: 10-12].

و خدای تعالی فرمود: «وَلَعَلَّمْ لِلْعَلَيْكَ إِلَّا أَوْه» (مدثر: 31).

و حق تعالی فرمود: «و ملائکه از هر دری بر آنان وارد می شوند.

خداوند متعال فرمود: حمد و ستایش مخصوص خداست و آسمانها و زمین فرشتگان را رسول و اولین بال و ثلث مردم قرار داد.

و حق تعالی فرمود: "وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةَ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا * يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا" [الفرقان: 21-22].

و خداوند متعال فرمود:

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ

«هر کس دشمن خدا و فرشتگان او و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد، خداوند با کافران دشمن است» (بقره: 98).

و آیات در ذکر ملائکه بسیار زیاد است، خداوند متعال آنها را نیرو در عبادت و خلقت و حسن نظر و عظمت اشکال و قوت صورت در تصاویر متعدد وصف می کند چنانکه خداوند متعال فرمود: «

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾

و چون فرستادگان ما (فرشتگان) نزد لوط آمدند به [آمدن] آنان ناراحت و دستش از

حمایت ایشان کوتاه شد و گفت امروز روزی سخت است.» [هود: 77]

پس در تفسیر آنچه را بیش از یکی از علما ذکر کردند اشاره کردیم که فرشتگان به صورت جوانی حسن بر آنان ظاهر شدند تا اینکه حجت بر قوم لوط مستقر گردید و خداوند بر آن حضرت قرار گرفت. آنها با فرمانروای مقتدر و قدرتمند.

همین طور جبرئیل در مقام های مختلف نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد. گاهی به صورت دیحیه بن خلیفه الکلبی می آید و گاهی به صورت بادیه نشین و گاهی به شکلی که آفریده شده است.

او ششصد بال دارد، فاصله هر یک از دو بال به اندازه مشرق و مغرب است که او را دو بار در این مقام دید.

زمانی که از آسمان به زمین فرود می آید و گاهی در سدرۃ المنتهی، بهشت پناهگاه است.

و این فرموده حق تعالی است:

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ﴿٦﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ﴿٧﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى

﴿٨﴾

«علم او توانا است * روزگاری راست شد * در حالی که در افق بالا بود * سپس نزدیک شد و به زمین افتاد» [نجم: 5-8].

یعنی جبرئیل: چنانکه به نقل بیش از یکی از صحابه از جمله ابن مسعود و ابوهریره و ابوذر و عایشه ذکر کردیم { فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾ فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِي مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾ }

پس در دو کمان یا نزدیکتر بود * سپس آنچه را به بنده خود وحی کرد. نازل شد» [انجم: 9-10] یعنی: به عبدالله محمد صلی الله علیه و آله.

سپس حق تعالی فرمود: «وَيَهُوَ أَنْزَلَتْ أَنْ أَجَلِي عَلَيْهِ الْأَرْضِيَّةُ عَلَيْهِ الْمُؤْتِ» وقتی که فریب خورده است.

و در احادیث سفر شب در سوره سبحان ذکر کردیم که سدرۃ المنتهی در آسمان هفتم است.

و در روایتی در ششم، یعنی اصل و فرع آن در هفتم، پس چون به فرمان خدا پوشیده شد، چه چیزی بر آن پوشانده شد.

گفته شد: به نور پروردگار جل جلاله پوشیده است.

و گفته شد: او را با تختی از طلا پوشانده بود.

و گفته شد: از رنگهای بسیار بسیار نامحدود پوشیده شده است.

گفته شد: فرشتگان مانند کلاغ فریب می‌دادند.

و گفته شد: حجاب او از نور خداوند متعال است، پس کسی او را توصیف نمی کند. هر خوبی و شکوه او.

هیچ تناقضی بین این گفته ها وجود ندارد، زیرا همه آنها می توانند در یک مورد اتفاق بیفتند.

و ذکر کردیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سپس سدره المنتهی برای من تربیت شد.

و در روایتی: «همانند گونی برگهای صحرا و هنگامی که برگهایش مانند گوش فیل باشد.» و چون دو نهر از ریشه آن خارج شود، دو نهر باطنی و دو تا بیرونی است. و اما باطن ها در بهشت خواهند بود. در مورد دو پدیده نیل و فرات. و بحث مقدم بر این بود در ذکر خلقت زمین و دریاها و نهرها در آن.

و در آن: «ثم البيت المعمور بر من مبعوث شد و هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و آن را به آن باز نمی گردانند، آخرین کاری است که باید انجام دهند».

و ذکر کرد که ابراهیم خلیل علیه السلام را یافت که پشتش را به خانه مسکونی تکیه داده است و وجه مورد را در این ذکر کردیم که خانه مسکن در آسمان هفتم با مقام کعبه است. زمین.

از علی بن ابی طالب درباره آل بیت المعمور سؤال کرد. ، و گفت: مسجدی است در آسمان به نام: الذره و بالای آن اطراف کعبه است. حرمت آن در بهشت مانند

حرمت خانه ای در زمین است که هر روز هفتاد هزار فرشته در آن نماز می خوانند و هرگز به آن باز نمی گردند.

همچنین از علی ابن ابی طالب چنین روایت کرده اند.

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

خانه مسکون در آسمان را می گویند: الدهره و مانند بیت الحرام در اطراف آن است که اگر می افتاد بر آن می افتاد هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و هرگز نمی بینند. زیرا در آسمان حرمتی به اندازه حرمت مکه دارد» یعنی در زمین بدین ترتیب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. و درود خدا بر او روزی به یارانش فرمود:

«آیا می دانید بیت المعمور چیست، گفتند: خدا و رسولش داناترند، فرمود:

مسجدی در آسمان نزدیک کعبه، اگر می افتاد بر آن می افتاد. هر روز هفتاد هزار فرشته در آن دعا می کنند.

ضحاک مدعی بود که در او جمعی از فرشتگان ساکن بودند، به آنها می گویند: جن از قبیله ابلیس لعنت الله علیه، می گفت: اولیاء و بندگان از آنها هستند و خدا داناتر است.

برخی دیگر گفتند: در هر بهشت خانه ای است که ملائکه آن را با عبادت در آن زنده می کنند و با جابه جایی و جابجایی به آن می آیند، همچنان که اهل زمین هر سال با

انجام حج و عمره در خانه قدیم زندگی می‌کنند. در همه حال، و طواف و دعا در هر زمان.

سعید بن یحیی بن سعید العماوی در ابتدای کتاب خود المغازی می‌گوید: ابوعبید در حدیث مجاهد به ما گفت که حرم بر او حرام است یعنی سرنوشت او از آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه. و اینکه چهارمین خانه از چهارده خانه است در هر آسمان خانه ای و در هر سرزمینی خانه ای اگر بیفتد بر یکدیگر افتادند. سپس مجاهد روایت کرد، گفت: منه به معنای مصاحبه است و آن حرف اختصاری است.

سپس گفت: از عبدالله بن عمرو شنیدم که گفت: حرم در هفت آسمان حرام است، میزان آن است. از زمین، و بیت المقدس در آسمانهای هفتگانه حرام است، میزان آن از زمین است. چنان که برخی از شاعران گفته اند:

آن که به ضخامت آسمان است برایش خانه ای ساخته است که ستون هایش محکم تر و بلندتر است.

و اسم خانه در آسمان: بیت العزه و نام فرشته ای که پیشوای ملائکه در آن است: اسماعیل. بر این اساس، هفتاد هزار فرشته ای که هر روز وارد خانه مسکونی می‌شوند و سپس به آن باز نمی‌گردند، آخرین آنها خواهند بود، یعنی تا پایان سال جابجایی در آن نخواهند داشت. زمان. آنها تنها ساکنان آسمان هفتم هستند.

از ابن روست که حق تعالی می فرماید: «وَيَعْلَمُ عَلَيْكَ الْجُسُودَ الرَّبِّكَ إِلَّا أَوْه»
[مدثر: 31].

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من چیزی را می بینم که شما نمی بینید و می شنوم آنچه را که شما نمی شنوید، آسمان لگدمال کرده است و حق دارد پایمال کند، چهار انگشت در آن جایی نیست جز اینکه فرشته بر آن سجده می کند، اگر می دانستید. چه می دانم کمی می خندیدی و بسیار گریه می کردی و از زنان روی تشک لذت نمی بردی و با التماس به خداوند متعال به سوی پله ها می رفتی.

ابوذر گفت: به خدا سوگند کاش درختی بودم که پشتیان من بود. ترمذی و ابن ماجه آن را از حدیث بنی اسرائیل روایت کرده اند ترمذی گفت: حسن غریب. از ابوذر روایت شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «هیچ جایی در هفت آسمان نیست که پا و دهانه و دستی نباشد، مگر اینکه فرشته ای در آن ایستاده باشد. یا فرشته ای در حال سجده، یا فرشته ای که زانو زده است، پس اگر در قیامت همه بگویند: ما تو را آن گونه که باید نپرستیم جز این که چیزی را شریک تو قرار نمی دهیم.

این دو حدیث دلالت بر این دارد که در آسمانهای هفتگانه جایی نیست که فرشتگان آن را اشغال نکنند و در عبادات مختلف هستند.

از جمله: که همیشه ایستاده است.

از جمله: که همیشه زانو زده است.

از جمله: که همیشه در حال سجده است.

از جمله: کسانی که در دسته های دیگر هستند و خداوند به آنها داناتر است.

و در عبادت و تسبیح و ذکر و اعمالی که خداوند به آنها امر فرموده ماندگارند و نزد پروردگارشان خانه دارند چنانکه حق تعالی فرمود: «وَلَا أَمَّا مَا أَمْرُونَ إِلَّا أَمْرُونَ وَ نَا أَنَّا الْمَطْهَرُونَ». * و ما تسبیحانیم» [الصفات 4-6] 1-6.

منبع: کتاب البدایه و النهایه

، خداوند متعال فرمود: {الحمد لله و السموات و الارض .

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از نور و جن ها از ابرهای آتش و آدم از آنچه برای شما توصیف شد آفریده شد.

خداوند دنیا و آخرت را آفرید، انس و جن را آفرید، فرشتگان و روح را آفرید و جسم و روان را آفرید.

و فرشتگان مخلوق بزرگ خدا هستند، خداوند آنها را از نور آفرید و آنها را برای اطاعت آفرید.

فرشتگان مخلوق بزرگی هستند که فقط خداوند می تواند آنها را بشمارد و مانند دیگران هستند و در خلقت و صفات و افعال متفاوتند.

و عالم شهادت را خداوند با دلایل ظاهری تسهیل می کند و عالم غیب را خداوند با ملائکه تسهیل می کند.

و ملائکه از نظر مرتبه، عباد محترم، پرستندگان خدا هستند و از خصوصیات الوهیت و الوهیت چیزی ندارند. از نظر کار، خدا را عبادت می کنند و

او را تسبیح می گویند :

و از همه جهت اطاعت هستند، خداوند متعال تسلیم کامل امر خود را به آنان عطا فرمود و توانایی اجرای آن را به آنان عطا فرمود . فرشتگان انبوهی از موجودات هستند که فقط خدا می تواند آنها را بشمارد.

در میان آنها حاملان عرش... خزانه داران بهشت... خزانه داران جهنم... نگهبانان و کاتبان... و فرشتگان در آسمان... و فرشتگان در زمین هستند.

از آن جمله کسانی هستند که خداوند آنها را به علمشان اختصاص داده است و از آنها کسانی هستند که خداوند ما را از اسماء و اعمالشان آگاه کرده است و از جمله:

1 - جبرئیل - رضی الله عنه - و بر او امانت گذاشته شده است. وحی بر انبیا و

رسولان

2 - میکائیل - رضی الله عنه - که موکل باران و گیاه است.

3 - اسرافیل - رضی الله عنه - که دمیدن تصاویر به او سپرده شده است.

4 - مالک حافظ آتش و به او سپرده شده است.

5 - رضوان حافظ بهشت و بهشت به او سپرده شده است.

در میان آنها فرشته مرگ است که در هنگام مرگ، گرفتن روح به او سپرده شده است.

از جمله فرشتگانی هستند که وظیفه حفاظت از فرزندان آدم و نوشتن گفتار و کردار آنان را بر عهده دارند.

از آن جمله کسانی هستند که جنین در رحم به آنها سپرده شده است و به امر خدا رزق و روزی و کار و عمر و بدبختی و خوشبختی او را می نویسند.

در میان آنها فرشتگانی هستند که از مرده در قبر او درباره پروردگارش و دینش و رسولش سؤال می کنند.

و بسیاری دیگر که فقط خدا می تواند آنها را بشمارد که همه چیز را به تعداد شمرده است.

و خداوند فرشتگان ارجمند نویسندگان را به امانت سپرد و آنان را سرپرست ما قرار داد و گفتار و کردار ما را می نویسد، چنانکه سبحان الله می فرماید :

و نزد هر انسانی دو فرشته دیگر هستند که او را نگرهبانی می‌دهند، یکی در مقابل او و دیگری پشت سر او، چنان که خداوند متعال فرمود: {او در مقابل او موانعی دارد و پشت سر او که او را از فرمان خدا حفظ می‌کنند} [الرعد: 11].

و خداوند کوه‌ها را به فرشتگان سپرد و رحم‌ها را به فرشته‌ای سپرد که می‌گوید: پروردگارا نطفه‌ای؟ .. لرد زالو؟ .. لرد جوییدن؟ .. پروردگارا، مرد یا زن؟ .. پس معیشت چیست؟ .. پس مهلتش چقدره؟ .. و بدبخت یا خوشحال؟

و خدای تعالی مرگ را به فرشتگان سپرده است.. درخواست مردگان را به فرشتگان سپرده است.. و فرشتگان را به رحمت سپرده است.. و فرشتگان را بر عذاب سپرده است.

ملائکه بر مؤمن امانت دارند، ثابت قدم و وزن او را به طاعت.. ملائکه به او سپرده شده است که آن را بسازند و آن را بسازند. و تخت‌ها و تخت‌هایش را بسازند.. ملحفه‌ها و حصیرهایش را.. و فرشتگان را با آتش به ساختن سپردند. آن را روشن کن و غل و زنجیرش را بساز و فرمانش را اجرا کن.

فرشتگانی را مأمور کنترل دریاها و جلوگیری از طغیان آنها بر روی زمین کرد، فرشتگان فرمان‌دهنده‌اند و فرستادگان خداوند در اجرای فرمان او در ملکوت او هستند.

و فرشتگان همان گونه که در کار با هم تفاوت دارند، در خلقت نیز تفاوت دارند.

پس اسرافیل اولین ضربه را که همان دمیدن صاعقه است می‌زند و هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است جز هر که خدا بخواهد با یک ضربه می‌زند مگر هر که خدا بخواهد سپس دوباره در آن دمیده می‌شود. و بنگرند (68) { [الزمر: 68] .

و جبرئیل در باطن و ظاهر نیرومند است و در انجام آنچه خداوند او را امر فرموده است قوی است، چنانکه سبحان الله فرمود: «همانا جز وحی نازل شده است (4) علم او شدید است. (5) روزی روزگاری برابر بود (6) { [النجم: 4-6] .

از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل را برای او ششصد بال دید

إِنَّ مَا بَيْنَ شَحْمَةِ أُذُنِهِ إِلَى عَاتِقِهِ مَسِيرَةٌ سَبْعَ مِائَةِ عَامٍ»

از لبه گوش تا شانه او هفتصد سال فاصله است. (روایت ابوداود)

و صاحبان عرش در میان فرشتگان به خدا ایمان آورده و تسبیح و ستایش پروردگارشان را می‌گویند و برای مؤمنان در زمین استغفار می‌کنند، چنانکه او سبحان می‌فرماید: { الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾ [غافر: 7] .

و فرشتگان از حیث آغاز از صالحان انسان بهترند، زیرا ملائکه اکنون در همنشین برتر هستند، فارغ از آنچه بنی آدم می‌پوشند، غرق در عبادت پروردگار، شب و روز

را تسبیح می گویند. بدون جعل، و آن گونه که خدا به آنها دستور می دهد، نافرمانی نمی کنند و آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند، و شکی نیست که این شرایط اکنون کاملتر از شرایط انسانی است. و صالحان از نظر کمال عاقبت بهترند، در قیامت پس از ورود به بهشت، حال صالحان از ملائکه کاملتر است.

مؤمنان در بهشت در سعادت و سعادت دائمی هستند: }

جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾

و ملائکه از هر دری بر آنان وارد می شوند (23) سلام بر شما بر آنچه بر آن شکیبایی کردید، پس خانه چه آخرت است (24)، {3} [الرعد: 2، 24].

و خداوند سبحان عالم بالا را به فرشتگان سپرده است و عالم سفلی را به فرمان او اداره می کنند پس باران و گیاه و درخت و آب و باد و دریا و جنین و حیوان و بهشت و ... را اداره می کنند. جهنم و چیزهای دیگر که قابل شمارش نیست و فقط خدا از آن خبر دارد.

و خداوند به فرشتگان بزرگوار و با اعمالشان که نشان از تسلیم کامل آنها در برابر فرمان خدا و شتابزدگی آنها در اجرای اوامر اوست سوگند یاد کرد: 1-5. فرشتگان قوی هستند، ارواح را با قدرت از بین می برند و با قدرت جذب می کنند. بالا و پایین

در هوا شناور است، برای اجرای فرمان خدا سبحان الله از دیگران سبحان پیشی می گیرد. و اهل عالم بالا و پایین به امر خدا مدیریت می کنند.

و ملائکه خدا را عبادت و اطاعت می کنند و اوامر او را بی وقفه اجرا می کنند:

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ {شب و روز را ستایش می کنند نه سستی (20)} [انبیاء: 20].

و فرشتگان نه می خورند و نه می نوشند و در هنگام دمیدن عکس ها می میرند همانطور که انس و جن می میرند.

و فرشتگان توانایی شکل گرفتن دارند، چنانکه جبرئیل به صورت انسان نزد حضرت مریم آمد، چنانکه سبحان الله فرمود: }

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ پس روح خود را به سوی او فرستادیم، پس او را به عنوان انسان مساوی جلوه داد. بودن (17)} [مریم: 17].

ملائکه به صورت انسان نزد حضرت ابراهیم - رضی الله عنه - آمدند و به صورت جوانانی با چهره های زیبا نزد لوط - رضی الله عنه - آمدند درباره اسلام، ایمان، صدقه و ساعت.

و فرشتگان در عبادت راست می کنند، صفها را کامل می کنند، و در صف می بندند، و در قیامت در صفهای منظم می آیند، چنانکه سبحان الله می فرماید: { وَجَاءَ رَبُّكَ

وَالْمَلَكُ صَفًا صَفًا ﴿٢٢﴾ و پروردگارت و ملائکه. آمد، مرتبه به مرتبه (22) { [الفجر: 22]

و در آنجا به صف در مقابل خدا می ایستند: { يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٢٨﴾ } روزی که روح و ملائکه پشت سر هم می ایستند، سخن نمی گویند مگر با کسی که خدای رحمان اجازه داده باشد و او راست می گوید (38) { [النبأ: 38] } .

و آنان از گمراهی معصومند، پس به فرمان خدا عمل می کنند: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾ } آنچنان که خدا به آنان فرمان می دهد نافرمانی نمی کنند و آنچه را که امر شده اند انجام می دهند (6) { [التحریم: 6] } .

آنها فقط آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند، زیرا فرمان آنها را به حرکت در می آورد و فرمان آنها را متوقف می کند.

منزه است آن کس که این خلقت عظیم فرشتگان را آفرید و هفت آسمان را از آنها پر کرد و آنها هفت آسمان را از حمد و تقدیس و تکبیر و تهلیل و مغفرت پر کردند به احترام پروردگارشان.

خلقت آب و دریا

خداوند متعال فرمود: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (10) يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (11) } [النحل: 10، 11] .

و خدای سبحان فرمود: { آیا ندید کافران که آسمانها و زمین مراسمی است، پس ما آنها را از دست دادیم و ما را از آب قرار دادیم . خداوند متعال فرمود: } و آن کس است که دریا را مسخره کرد که از آن گوشتی نیکو بخورد و از شیرینی که آن را بپوشید پرورش می یابند .

خداوند تبارک و تعالی آفریدگار همه چیز است، آب را آفرید و مقداری از آن را در ابرها گذاشت و بادها را به فرمان خدا فرستاد تا آن را حمل کنند و به هر کشور و بندگان خدا بخواهد می برد؛ سرزمین مرده و ما آن را از آنچه خلق کردیم به عنوان بسیاری از مردم و بسیاری از مردم هماهنگ می کنیم (49) و آن را بین آنها و مردمان به یاد آوریم (50) .

خلقت آب به خودی خود نشانه است، به امر خدا جمع می شود و پراکنده می شود، اگر بخواهی آن را قطرات می بینی و اگر بخواهی دریای اطراف این زمین را می بینی و با این آب خداوند هر موجود زنده ای را آفریده است.

سپس با نشانه ای دیگر آن را در ابرها جمع کرد، آنگاه این دریای بزرگ در جوی آسمان نشانه دیگری حرکت کرد: {وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِيَلْدَ مَيْتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (57)} [الاعراف: 57].

سپس آب به صورت قطرات از ابرها به زمین فرود می آید که نشانه دیگری است. سپس آن را جمع کرد و در زمین مستقر کرد و برای آیه ای دیگر حفظ کرد.

سپس پس از آن چشمه ها و چشمه های نشانه ای دیگر از زمین فوران می کند. و دست خدا او را می گیرد تا به دره های دوری که هرگز از آن ظاهر نمی شود نمی رود: {أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُمْصِرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ (21)} [الزمر: 21].

و حیات گیاهی که به دنبال نزول آب است و از نشانه های پروردگارت نشانه ای شگفت از آن پدید می آید.

و پذیرفتن زمین از این آب و شادی در آن و نمایش زینت آن به سبب آن نشانه دیگری است.

و دیدن گیاه کوچک که حجاب زمین را از آن آشکار می کند و بارهای آوار را از بالای آن بر می دارد و چشم به فضا و نور و آزادی می دوزد، نشانه دیگری است.

دیدن گیاه و درخت که به آرامی به فضا صعود می کنند نشانه دیگری است.

همه اینها کافی است تا دل گشاده را پر از ذکر کند و در آن حس خدای خالق و خالق را برانگیزد: { الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲) وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳) } [العلاء: 2، 3] .
و این دانه رنگهای مختلف در یک نقطه.. نه در یک گیاه.. نه در یک گل.. با یک آب سیراب می شود.. و از یک مادر بیرون می آید.. در معرض آفرینش قدرت پروردگار است. ، تبارک و تعالی اوست.

و این محصول در حال رشد، مدت و عمری دارد که به کمال می رسد و روزهایش را به پایان می رساند، سپس به هم می زند و می بینی که زرد می شود، به مقصود خود رسیده است، آنگاه برای خرمن می رسد، آن گاه آشغال می شود، مدت خود را به انجام رساند، نقش خود را به انجام رساند و چرخه آن را به گونه ای که بخشنده حیات سبحان مقدر آن بود، طاعت و سودمند به پایان رساند، و در آن خاطره ای است برای نخستین عقل ها و عقل ها.

و همان گونه که خداوند از آسمان آبی نازل می کند و با آن زمین را پس از مرگش زنده می کند و به وسیله آن برای بندگان محصولاتی به رنگ های مختلف می رویاند، خداوند متعال نیز از آسمان وحی و ذکری نازل می کند که دل های زنده به آن می رسند. ، پس می گشایند و توضیح می دهند و با آن انشاءالله چهره زندگی انسان با بهترین اخلاق و آداب و عبادات و برخوردها تغییر می کند و زندگی مشترک.

و دل‌های خشن آن را می‌پذیرند و از آن بهره‌ای نمی‌برند، همان‌گونه که سنگ قساوت آب می‌گیرد و بر آن اثر نمی‌گذارد: { هر که خدا را برای اسلام بیان کند، پس بر نور پروردگارش وفادار است. سخت دلشان . و خداوند متعال دانا و حکیم است، دل‌هایی را که از آنها نیکی می‌داند برای اسلام بیان می‌کند، پس آنها را به نور خود پیوند می‌دهد، تا با آن می‌درخشند و نورانی می‌کنند. و اما دل‌های سخت، تیره و خشک و تیره هستند و هدایت را نمی‌پذیرند، هر چند ببینند و بشنوند، همچنان که سنگ وقتی باران می‌بارد، جوانه زدن را نمی‌پذیرد. منزّه است آن کس که از آسمان آب و هدایت نازل کرد و از دل‌ها آنچه هدایت را می‌پذیرد و از آن چیزی را که نمی‌پذیرد و از زمین چیزی را که آب را می‌پذیرد و از آن را نمی‌پذیرد قرار داد و خداوند همه چیز است. دانا و بندگانش آگاه و بینا هستند.

مگر نه این است که انسان نسبت به پروردگار خود و آنچه از مخلوقات خود و آنچه از نعمت‌های او غافل است غافل است؟

چه کسی این آب فراوان را که در جهان موجود است ایجاد کرده است؟

و این آبی را که ابرها می‌برند، چه کسی آن را از آسمان نازل کرده است؟

و این آب در شکم ابرها از پراکندگی آن در کوه‌ها و دشت‌ها و دره‌ها و چمنزارها جمع شده است؟

و چه کسی آن را در رودخانه‌ها قدم زد؟ .. و چه کسی آن را از چشم منفجر کرد؟.

و چه کسی آن را نوشیدنی شیرین برای حیوانات و احشام، مردم و گیاهان ساخته است؟

{ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ آیا آبی را که می نوشید دیدید (68) آیا از ترازو نزول می کنید یا ما نازل می شویم (69) هر چند ما آن را ساخته باشیم. [الواقعه: 68-70] .

و آبی که در هر لحظه از دنیا از آسمان نازل می شود برای هر انسانی شناخته شده است و هر انسانی آن را می بیند ولی بیشتر مردم از کنار آن می گذرند و از کنار آنها می گذرد در حالی که در غافل هستند و به یاد نمی آورند که کیست. آن را آفرید و نازل کرد و تقسیم کرد، و این به سبب طولانی بودن آشنایی و تکرار است: { وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ و چه بسیار نشانه‌هایی در آسمانها و زمین می‌گذرند و از آن روی می‌گردانند (105) { یوسف: 105} . و خداوند

سبحان آب را به اندازه بر زمین فرو می‌فرستد . خداوند آب را به مقدار معلوم نازل کرد تا زمین را پس از مرگ زنده کند و مردم و حیوانات را با آن سیراب کند و بر قیامت و قیامت دلالت کند.

کسی که نخستین بار حیات را آفرید، آن را باز می‌گرداند، و آن کس که زنده را برای اولین بار از زمین مرده بیرون آورد، در روز قیامت نیز زنده را از آن بیرون می‌آورد . از

آسمان به اندازه، سپس آن را به زمین مرده گسترانیم، این گونه بیرون آورده می شوید

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَقْدَرُ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾ (11)

[زخرف: 11]

منزه است خدایی که این آب عظیم را آفرید و آن را در بلاد و بندگان نهاد و از آن آنچه در جوی آسمان جاری است و آنچه را که در زمین مانند نهرها جاری است و از آن آرام می گیرد قرار داد. در باطن زمین و آنچه در دریاها می نشیند و آنچه از زمین سرچشمه می گیرد.

منزه است کسی که آب را یک نوع آفرید و از آن گرم و سرد و شیرین و تلخ و شیرین و شور و ساکن و روان و مایع و جامد ساخت.

برخی از آنها در این گیاه، این حیوان زندگی می کنند و برخی از آنها فقط در این گیاه و این حیوان زندگی می کنند، مانند دریاها و رودخانه ها.

منزه است آن کس که این آب را دو دریا قرار داد و در آنها منافع و رزق و برکاتی قرار داد که جز خداوند هیچ کس نمی تواند آنها را بشمارد و برای هر دریا طبیعت و حیواناتی که جز در آن زندگی نمی کنند و موجودات و فوایدی را آفرید. آنها با هم : گوشتی خواهید بود.

از نشانه‌های خداوند متعال و شگفتی‌های مخلوقات او این دریاها بزرگ است که نواحی زمین را احاطه و احاطه کرده‌اند، تا آنجا که آنچه نسبت به آب آشکار است

مانند جزیره‌ای کوچک در دریای بزرگ است. بقیه زمین در آب غوطه ور است، پس زمین در دریا مانند خانه ای در تمام زمین است.

و اگر خداوند متعال آب را به قدرت خود نگه نمی داشت، زمین را فرا می گرفت و همه آن را می پوشاند.

و خداوند متعال در دریاها انواع حیوانات را با شکل و مقدار و رنگ آفرید و فوائد و مضراتی دارند تا جایی که حیوانی است مانند کوه که هیچ چیز در برابر آن بایستد و هیچ گونه خشکی نیست. حیوانی با این تفاوت که اغلب مانند آن در دریا وجود دارد و گونه های زیادی وجود دارد که برای آنها ناشناخته است، در اصل در طبیعت. و خداوند این دریاها را بزرگ را آفرید و آنها را خانه و مسکن و تئاتری قرار داد که فقط خدا می تواند آن را از ماهیان به اشکال و اندازه های مختلف بشمارد: در میان آنها بزرگ و کوچک و بلند و کوتاه و آرام هستند. و شکارچی، آنچه که تخم می گذارد و می زاید، آنچه در بالا زندگی می کند، و آنچه در زیر آن زندگی می کند.. و آنچه در دریاها زندگی می کند.. و آنچه در رودخانه ها زندگی می کند.

و ماهی ها اقوام و اقوامی هستند که فقط خداوند آنها را می شناسد و فقط او که آنها را آفریده است آنها را می شمارد و روزی آنها را تضمین می کند و به امور آنها رسیدگی می کند و بقای آنها را اجازه می دهد.

منزه است او که خدای مهربان ترین اوست و پروردگاری که بزرگ ترین اوست و در آنچه من او را گرامی می دارم توانگر است .

و خداوند حکیم دانا ماهی را بدون پا آفرید، زیرا نیازی به راه رفتن ندارد، زیرا جایگاهش آبی است که در آن شنا می کند.

و برای او پاک و سبحان به جای بالهای قوی آفرید که با آنها از پهلوهایش پرتاب کرد و پوستش را با پولکهای روی هم پوشاند تا او را از آفات حفظ کند و چشمها را با قوه بویایی بپوشاند، زیرا بینایی او است. ضعیف و آب او را پنهان می کند، پس غذا را از دور به مشام می رساند، پس آن را می جوید و می خورد.

منزه است او و کسانی را که در آن هستند به خروجی های گوشتش قرار داد، پس با دهانش آب در آن می ریزد و از گوشتش می فرستد و در آن حرکت می کند، همان گونه که حیوان وحشی نسیم سرد را با خود می گیرد. بینی آن را می فرستد تا با آن گردش کند.

آب برای جانوران دریایی است چنانکه هوا برای حیوان خشکی دو دریا هستند که یکی از دیگری لطیفتر است و در هر دریای اقوامی در آن زندگی می کنند.

دریای هوایی که حیوان خشکی در آن شنا می کند.

و دریای آب در حیوان دریایی شنا می کند.

و اگر یکی از دو گونه از دریای خود به دریای دیگر جدا شود، می میرد، همانطور که حیوان خشکی در آب خفه می شود، حیوان دریایی نیز در هوا خفه می شود.

منزه است آن کس که این و این را آفرید و برای آن عالمی از حیوانات و گیاهان مناسب او و برای این جهان دیگر مناسب او قرار داد . - وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾ رعد: 3] .

و ماهی بیشترین نسل حیوانات را دارد و به همین دلیل است که در یک ماهی تعداد زیادی تخم وجود دارد و حکمت آن این است که از انواع حیوانات تغذیه می کند زیرا بیشتر آنها ماهی می خورند.

مردم ماهی می خورند. پرندگان آن را می خورند. حیوانات و شیرها آن را می خورند. جانوران زمین آن را می خورند و ماهی های بزرگ آن را می خورند.. پس خدای متعال آن را چند برابر کرد تا غذا و غذای این گونه ها باشد که فقط خدا می شمارد.

دریا به دو قسمت بالا و پایین تقسیم می شود.

و اما بحر سفلی در خشکی است و بر دو قسم است: شیرین و شور.

و بزرگترین و بزرگترین و وسیعترین آنها همین دریای بزرگ است که همه زمین را احاطه کرده است و آن دریای شور است.

در مورد دریای تازه، شامل دره ها و رودخانه ها است.

و خداوند دو دریا را آفرید و آنها را ملاقات کرد، اما آنها تجاوز نمی کنند و هر یک از آنها از حد خود و کارکرد تقسیم خود تجاوز نمی کند، و بین آنها تنگه ای از آفریدگی خدا و آیات شگفت اوست:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَيَأْتِي آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾

چمنزارهای دو دریا به هم می رسند (19) بین آنها تنگه ای است که از آن تجاوز نمی کنند (20) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید (21) [الرحمن: 19-21].

و تقسیم آب به این صورت در زمین اتفاقی و تصادفی نبوده است، بلکه تخمین شگفت انگیزی است از جانب خداوند متعال.

و این مقدار زیاد آب شور دقیقاً همان چیزی است که برای تصفیه جو زمین و حفظ آن برای زندگی و سلامتی همیشه لازم است.

و از این دریای پهناور بخارات به فرمان خدا در اثر حرارت خورشید ساطع می شود در آسمان چگونه می خواهد و آن را می شکافد و می بینی دقتی که از خلاء او بیرون می آید پس اگر او از او رنج می برد هر که او را از بندگان بندگانش بخواهد (48)

بر این آب شیرینی که خداوند از آسمان نازل می کند و در کشور پراکنده می کند، حیات گیاهان و حیوانات و انسان ها استوار است.

و همه نهرها در دریاها می ریزند و آنها هستند که املاح زمین به آنها منتقل می شود و سطح سطح رودخانه ها معمولاً از سطح دریا بالاتر است و بنابراین دریا از رودخانه ای که در آن می گذرد تجاوز نمی کند. و راه خود را با آب شور خود طغیان نمی کند و آن را از کارکرد خود منحرف می کند : فرات و این نمک شور است و در میان آنها حایل و سنگ تراشیده قرار داد (53) { وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ [فرقان: 53] .

و این دریای بزرگ، اگر خداوند آن را نگه نمی داشت، بر زمین طغیان می کرد و آنچه را در آن است غرق می کرد.

و در دریا گیاهان و درختانی وجود دارد که تنها خداوند آنها را می شناسد.

و از نشانه های خداوند در بحرین این است که: {از آنها مروارید و مرجان بیرون می آید (22)} {يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾ [رحمن: 22] .

مروارید منشأ حیوانی دارد، بنابراین در دریا شگفتی‌هایی وجود دارد و شاید مروارید یکی از شگفت‌انگیزترین چیزهای دریاها باشد، زیرا به اعماق فرو می‌رود و درون صدفی است و توری دارد که اجازه می‌دهد، ورود آب و هوا و غذا به گودی آن و مانع از ورود شن و ماسه می شود و زیر توری دهان حیوان است پس اگر دانه ای شن وارد شود یا ریگ به صدف آن وارد شود حیوان برای ترشح عجله می کند. ماده چسبنده ای که روی آن را پوشانده، سپس جامد شده و مرواریدی شکل می گیرد و با توجه به اندازه بدنی که وارد شده، اندازه مروارید متفاوت است.

و مرجان از عجایب مخلوقات خداوند است که در دریاها زندگی می کند و خود را بر صخره یا علف ثابت می کند و دهانه آن را زائده ها احاطه می کند و اگر به طعمه برخورد کند فوراً فلج می شود پس بعد از آن می خورد. وارد دهان می شود مردم از مروارید و مرجان جواهرات گران قیمت و زیبا می سازند.

این با آنچه از کهربا در آن است و انواع اشیای قیمتی که دریا بیرون می اندازد یا مردم به وسیله ماهیگیری استخراج می کنند.

سپس به عجایب کشتی ها و حرکت آنها در دریا بنگر و به کمک بادهایی که خداوند مهار کرده از آن می گذرند و می گذرند و اگر خداوند ناخدا و راننده را زندانی می کرد بر پشت او راکد می ماندند.: {وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (32) إِنَّ يَسَاءَ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَالِي ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ كَاكْتُوسٍ شَاكِرٍ (33) } [الشوری: 32-33] .

چه کسی این دریاها بزرگ و اقیانوس های وسیع را خلق کرد؟

و چه کسی این دریاها را با ویژگی های تراکم، عمق و وسعت آنها به خاک سپرده تا آنچه را که فقط خدا می تواند از ماهی ها، موجودات و گیاهان بشمارد در آغوش بگیرد؟

و چه کسی آن را مهار کرد تا کشتی های بزرگ و کشتی های برده را حمل کند و از امواج دریاها و طوفان ها و طوفان ها محافظت کند؟

و این کشتی‌هایی که مانند کوه‌ها هستند، که ماده خود را آفریدند و خصوصیات خود را نزد آن‌ها نهادند و با اجسام سنگین بر روی آب شناور ساختند؟

و این باد که آن نوع کشتی‌ها را هل می‌دهد، و غیر از باد نیروهایی که خداوند به انسان نشان داده و از بخار، ذرت یا سوخت به او تحمیل می‌کند، آن کشتی‌های عظیم را هل می‌دهد که آن‌ها را به نیرویی در این جهان تبدیل می‌کند که به حرکت در می‌آورد. زنان برده در دریا مانند پرچم؟.

خداوند تبارک و تعالی است که موجودات را در خشکی و دریا هدایت می‌کند، اگر می‌خواست باد را آرام می‌کرد، یا موتور کشتی‌ها را متوقف می‌کرد، پس این کنیزان روی سطح دریا راکد می‌ماندند.

و گاه راکد می‌شوند، پس این کنیزان چنان می‌لنگند و راکد می‌شوند که گویی از زندگی مرده‌اند، همانا در دویدن و رکودشان برای هر بیمار سپاسگزار نشانه‌هایی است

منزه است کسی که آب‌ها را آفرید و کشور و بندگان را با آن سیراب کرد.

منزه است کسی که آن را در باطن زمین ساکن کرد و آن را در نهرها روان کرد و در دریاها جمع کرد و در ابرها برد و بین گیاهان و حیوانات و انسان تقسیم کرد.

منزه است آن سخاوتمند که دریا را از انواع حیوانات و گیاهان و مروارید و مرجان و جواهرات و اشیای گرانبها پر کرد.

و چه وسعت ملکوت اوست.. و چه بسیار از مخلوقات او و سپاهیانش که تنها او می داند: {این مخلوق خداست، پس به من نشان دهید که غیر خود را چه آفرید و ستمکاران در گمراهی آشکاری هستند (11) } هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١١﴾ لقمان: 11 .

نقش انسان در این آب شیرینی که هر روز می خوریم چیست؟

نقش آن نوشیدن و بهره مندی از آن است، و اما آن که آن را از عناصرش آفرید و آن را که از ابرهایش نازل کرد، خداوند متعال است.

او سبحان الله است که آب را شیرین کرد و چنین شد.

پس چه وقت انسان به خاطر فضل خدا در ایجاد روزی و رساندن آن به سوی او هر کجا که باشد شکر می کند: {آیا به آبی که می نوشید توجه کرده اید؟(68) آیا تو آن را از انبار نازل کردی یا ما نازل کننده هستیم؟(69) اگر می خواستیم آن را شور می کردیم .

منزه است کسی که آبهای عظیم را در ابرها جمع کرد و به قدرت خود گرفت و آنها را در این عالم بزرگ به حرکت درآورد و سپس آنها را به صورت قطراتی که فقط خدا می تواند آنها را بشمارد فرود آورد و آنها را در کوهها و دشتها پراکنده کرد. ، دره ها و دریاها، سپس آنها را در چشمه ها، رودخانه ها و دریاها جمع آوری کرد.

منزه است از حکیم دانا که اگر بخواهد آن را برای هر که بخواهد جمع می کند و اگر بخواهد برای هر که بخواهد جدا می کند

و اما دریای بالا، آن دریایی است که بر فراز آسمان هفتم است که عرش الرحمن بر آن است و آن دریای بزرگی است که فقط دانای غیب از عظمت و وسعت آن آگاه است. {و او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارترید} وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ [هود: 7]

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را بیافریند، سرنوشت مخلوقات را نوشته است.» فرمود: «عرش او بر آب است.»

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: مردی در میان ما با زمین زمین، پس صدایی در ابر شنید: سیراب شدن

دست فلانی. ما را ببخش. همانا تو آمرزنده مهربانی.

آفرینش گیاهان

خداوند متعال فرمود: «آیا زمین را ندیده‌اند که ما در آن

از هر جنسی نمو کرده‌ایم؟» و خداوند متعال فرمود: «و از نشانه‌های او که زمین را فروتن می‌بینی، پس چون آب را بر آن نازل کردیم، تقسیم می‌شود و برفراشته می‌شود و سلام‌دهنده آن است که نیکو است». خداوند تبارک و تعالی زمین را آفرید و روی آن را با آب و گیاه و درخت آراسته و به انواع گیاهان آراسته و با گل آراسته و به خاطر انسان از میوه‌ها به بار آورده است. خداوند بر همه موجودات دیگر عزت داد.

و مولای بزرگوار فضل خود را از ترش و خشک و میوه و غلات و کاشتن و نخل و انگور و زیتون و انواع میوه‌ها و گیاهان مختلف بر آن نهاد: { مرد به غذای خود بنگرد (24) } که ما برکتیم (25) دانه و جریمه (28) و زینت و پراکنده (29) و عواقب تسلط (30) و ناامیدی او و پدری بافتیم. (31) (32) .

همه حیوانات، پرندگان، حشرات و همه انسان‌ها از این سفره ای که خداوند برایشان در این زمین آفریده و قرار داده است می‌خورند.

و خداوند سبحان هر حیوانی را آفرید و به آن روزی داد پس نمی‌میرد تا آن را دریافت کند. { وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ } و هیچ حیوانی در زمین نیست مگر این که

خداوند روزی آن را بر عهده دارد و جایگاه و امانت آن را می‌داند، همه در کتابی مبین است (6) {هود: 6} .

و خداوند سبحان از آسمان آبی نازل کرد که زمین را در هم آمیخت و خداوند به سبب این آمیختگی بین انواع میوه‌ها و میوه‌ها و غلات و زراعت و درختان و سایر غذاها و مواد غذایی به رنگ‌های مختلف را آفرید. {وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (5) ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّمُ الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (6) وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ (7)} [الحج: 5 - 7].

منزه است زمین خاک آلود را با آب تغییر داد تا سبز شد.

منزه است آن کس که آن را به گیاه و گل آراسته است، چنان که انسان را به لباس و آداب آراسته است.

منزه است کسی که او را به دنیا آورد و میلیون‌ها تولد را از گیاهان نشان داد.

این همان خدای حقیقی است که جز او را نبایستی پرستش کرد، زیرا او خالق هر چیزی است، همانگونه که آفرینش را آغاز کرد، و همانطور که زمین را پس از مرگش زنده کرد، مردگان را زنده می‌کند، سپس به آنها پاداش می‌دهد و اوست. قادر به همه چیز

و این گیاهانی که می‌رویند و درختانی که میوه می‌دهند نشانه آیات پرشکوه خداوند است که آنها را آفرید و رویاند و از آنها میوه و غلات پدید آورد برای هر گیاه و

هر درخت و هر برگ و هر میوه از جانب خداوند فرمان به خلق است و امر به بقا و امر به سود و زیان می کند.

و اما نقش انسانها شخم می زنند و غله ای را که خدا آفریده در زمینی که خدا آفریده می ریزند و با آبی که خدا آفریده سیراب می کنند، سپس نقششان تمام می شود: { أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُعْرِمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ آیا دیده ای که چه می زنی؟ اگر می خواستیم آن را خراب می کردیم، پس بهانه می آوری (65) ما بدهکار نیستیم (66) بلکه محرومیم (67) (الواقعه : 63-67).] .

دانه یا بذر به امر خداوند متعال مسیر حیات را طی می کند.. و شرح حال عاقل که مراحل راه را می شناسد آن را دنبال می کند.. که یک بار هم اشتباه نمی کند که انسان در کار خود خطا می کند.. و از مسیر خود منحرف نمی شود.. و از هدف مورد نظر منحرف نمی شود.

منزه است آن که آن را آفرید، منزه است آن که آن را ترتیب داد، منزه است آن که آن را بزرگ کرد و منزه است آن که آن را پدید آورد.

دست قدرت الهی است که گام های او را در این سفر شگفت انگیزی که اگر دیده و دیده نمی شد باور نمی کرد.

چه ذهنی باور دارد و چه خیالی تصور می کند که مثلاً یک دانه گندم حاوی این چوب، این برگ، این خوشه و این دانه فراوان است.

یا اینکه این هسته دارای یک درخت خرما بلند کامل با تمام ریشه ها، برگ ها، میوه ها و فرزندان است.

ذهن این را باور نمی‌کند، اگر صبح و عصر آن را در دستانش نمی‌دید، و اگر این داستان در چشم همه مردم تکرار نمی‌شد.

هر دانه و هر گیاه و هر دانه ای به فرمان خالق خود جوانه می‌زند و می‌روید و برمی‌خیزد.

به خواست خدا سفر خود را از ابتدا تا انتها قطع می‌کند و خود را به عنوان غذای انسان فراهم می‌کند، در حالی که او از پروردگارش سرپیچی می‌کند و از فرمان او سرپیچی می‌کند و حتی ممکن است در نافرمانی خود از آن استفاده کند. اما خداوند

آمرزنده و بردبار است، به آنها میوه می‌دهد و به گیاه اجازه می‌دهد که چرخه خود را کامل کند و سفر خود را کامل کند. گیاهان و جانوران اقوام و قبیله‌ها، شکل‌ها و رنگ‌هایی هستند که فقط خدا می‌تواند آنها را بشمارد:

برخی از گیاهان چند ساله و برخی چند ساله و برخی فصلی و برخی سفید و سیاه و برخی قرمز و زرد و برخی سبز و آبی و برخی دیگر گل‌های رنگی هستند. گل‌های دو رنگ.. و گل‌های رنگی.

بعضی ها شیرینند.. بعضی ها تلخند.. بعضی ها گرمند.. بعضی ها سردند.. بعضی ها شورند.. بعضی ها ترش.. بعضی ها میوه های هسته دار.. و بعضی میوه های بدون هسته.

برخی از آنها میوه هایی هستند که روی زمین نمایان می شوند.. و برخی از آنها میوه های بالای درختان هستند.. و برخی از آنها میوه هایی در زمین هستند. برخی از آن توسط هسته تولید مثل می کنند.. و برخی از آن توسط رگبرگ ها تولید مثل می کنند. مرطوب است .. و مقداری خشک است .. و مقداری از آن مانند انار جمع می شود برخی راست مانند خرما ، برخی درشت ، برخی کوچک ، برخی کروی ، برخی مستطیل ، برخی دیگر ایستاده، برخی در خواب هستند و برخی معلق هستند.

منزه است خالق دانا که این فرزندان متفاوت را از یک مادر آفرید: {سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ} (۳۶) منزه است خدایی که جفتها را از آنچه روی زمین می روید و از خودشان و از آنچه نمی دانند آفرید (36) { [یاسین: 36] .

آنچه انسانها نسبت به آفریدگار خود غافلند و بیشترشان جرأت کردند که نافرمانی کنند

و خداوند سبحان، انسان را از خاک آفرید و او را از زمین رویانید، سپس پس از اتمام مدت او را برگرداند، سپس برای قیامت بیرون آورد، چنانکه سبحان الله می فرماید :

منزه است آن عزیز و عزیز و کریم و رحیم که هر چه در آسمان ها و آنچه در زمین است تسبیح و سجده و دعای او می کند.

پاک و منزه است کسی که کوهها به سوی او تسبیح می شوند و سنگها از ترس او فرو می ریزند و از ترس کر و سخت آب فوران می کند.

آبستن درختان و فرار آن از حالتی به حالت دیگر مانند انتقال حال جنین در شکم مادر است، پس در حالی که درخت را برهنه می بینی، هنگامی که پروردگارش شکوفه ها و برگ ها را به بهترین لباس پوشانده است. ، سپس حاملگی ضعیف و کوچک خود را در آن به وجود آورد.

سپس در آن رگها به او غذا داد، پس او را همان گونه که کودک از شیر مادرش می خورد، تربیت کرد و رشد داد تا سیر و کامل شد.

سبحان حق تعالی که آن جن نرم لذیذ را از آن کر نمناک در آن خاک خاکی بیرون آورد که به مردگان مرده زنده کرد، بر هر چیزی تواناست: { وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَرَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ } و از نشانه های او که می بینی زمین از نظر زمان، پس اگر زمانی باشد بر هر چیزی تواناست (39) { [فصلت: 39] .

آفرینش حیوانات

خدای تعالی فرموده است: « و چنین چیزی روی زمین وجود ندارد، نه پرنده ای با بال پرواز کند مگر امتهای مانند شما، چنانکه ما در کتاب خدا دخیل بوده ایم . "38

خداوند متعال فرمود: {وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (45)} [النور: 45] .

خداوند متعال آفریدگار داناست، آسمان ها را آفرید و آن ها را پر از فرشتگان کرد که او را ستایش و تقدیس می کنند.

و زمین را آفرید و انسان را از آن آفرید و او را در آن خلیفه قرار داد.

و در اطراف انسان موجودات عظیمی از حیوانات آفرید که بر روی زمین می خزند... یا در جو آسمان پرواز می کنند... یا در قعر دریا شنا می کنند.

این حیوانات ملت ها و قبایل، گونه ها و نژادها، شکل ها و رنگ ها، نر و ماده هستند.

آنها اعداد عظیمی هستند که فقط خدا می تواند آنها را بشمارد که آنها را آفریده و مرتب کرده است و آنها را تغذیه می کند و آنها را سیراب می کند و آنها را رشد می دهد و آنها را شفا می دهد و ثبات و انبار آنها را می داند.

به فرمان او در اختیار او پهن شده اند، از سفره نعمت بزرگ او در این زمین می خورند و می نوشند،

برخی روی شکم راه می روند و برخی روی دو پا راه می روند. برخی از آنها روی چهار راه می روند.. برخی از آنها با بال های خود پرواز می کنند.. و برخی در دریاها و رودخانه ها شنا می کنند.

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾ و همگی تسبیح و تسبیح

پروردگارشان را می گویند، و به اطاعت خالق خود، عبادت و سجده می کنند تا اجلشان تمام شود و روزیشان تمام شود.(49) از پروردگارشان که بالاتر از آنهاست می ترسند و آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند (50) { [نحل: 49، 50] .

این حیوانات از نژادها، گونه ها، اندازه ها و رنگ های مختلف هستند.

هر کدام در خلقت خود معجزه می کنند ... در رفتار خود معجزه می کنند ... در نحوه زندگی خود معجزه می کنند ... در رشد و تولید مثل و تولد خود معجزه می کنند ... به طوری که هیچ جنسیتی از حدود خاصی فراتر نمی رود که وجود خود را حفظ کند. و گسترش... و از ظلم آن بر سایر نژادها، ظلم نابودی و نابودی جلوگیری کند.

منزه است دانای حکیمی که افسار گونه ها و نژادها را در دست دارد و با خرد و قدردانی در آنها کم و زیاد می شود و در هر یک از آنها قوا و ویژگی ها و کارکردهایی قرار می دهد که تعادل را بین همه حفظ می کند. .

فَالإِبِلَ وَالْبَقَرَ، وَالْغَنَمَ وَالْمَعْزَ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ: {أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (71) وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (72) وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (73)} [یاسین: 71-73].

منزه است آن سخاوتمندی که آن را در اختیار انسان قرار داد و از گوشتش خورد و از شیرش نوشیدند و از پشمش لباس پوشید و از خاکش خوابید. و این گاوها نسل اندکی دارند، زیرا در یک سال به ندرت می زایند مگر یک سال، ولی خدای متعال برکت را در آنها قرار داده است، زیرا آنها کم هستند و مردم و شیرها از آنها می خورند، اما توسعه یافته ترین و فراوان ترین و برکت ترین و برکت ترین آنها هستند. به نفع حیوانات است

عقاب ها پرندگان شکاری خشن هستند و طول عمر آنها طولانی است، اما در ازای آن در مقایسه با گنجشک ها تعداد کمی تخم و جوجه دارند.

اگر عقاب ها فرزندی از پرندگان داشته باشند چگونه می شود؟

همه پرندگان را نابود می کند و بقیه نژادها و انسان ها را محروم می کند.

منزه است آن کس که بیشتر از این، و کمتر از این برای مصالح بندگانش است.

و شیرها نیز در دنیای حیوانات به عنوان یک شکارچی خشن و همچنین پلنگ و ببر نیز حضور دارند.

اگر نسل گوسفندان و بز کوهی بچه باشند وضعیت چگونه خواهد بود؟
او گوشتی را که از حیوان یا انسان پیدا می کرد نگه نمی داشت.

منزه است آن دانای توانا که افسار مخلوقاتش را در دست دارد. پس نسل این حیوانات را به مقدار لازم محدود کرد. و نسل بز و بز و سایر حیوانات زمینی را برکت داد. مصالح و منافع بندگانش: { وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ } (۵) و چارپایانی که در آنها برای شما آفرید گرما و منفعت است و از آنها می خورید [(5)] [النحل: 5] .

یک مگس در یک چرخه صدها هزار تخم می گذارد و در ازای آن فقط دو هفته زنده می ماند. پس اگر افسار آزاد می شد و یک مگس ماه ها یا سال ها زنده می ماند چطور؟

بنابراین، مگس ها بدن ها، روستاها و خانه ها را می پوشاندند و چشم و غذا می خوردند.

ولی زنده، زنده، دانا، حکیم ترین چیزها بر اساس برآورد دقیقی است که همه نیازها و شرایط و احوال در آن محاسبه شده است.

منزه است آن کس که همه چیز را آفرید و به برآورد آن مقدر کرد، همان گونه که آفرینش خود را به کمال رساند.

منزه است از خزانه های پر از همه چیز، ولی او حکیم است و جز به اندازه ای که مناسب حال کشور و بندگان است از آن نازل نمی کند .

آنها نشانه ها و شگفتی هایی هستند در آفرینش و مدیریت، حرکت و آرامش، زنده شدن و مرگ در عالم انسان، در عالم حیوانات، در زمین، در دریا، در عالم بالا و در عالم سفلی. خداوند متعال فرمود: « إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ » در آسمانها و زمین نشانه‌هایی برای مؤمنان است (3) و در خلقت و هر حیوانی که پراکنده می‌کند نشانه‌هایی است برای اهل یقین (4) « [جاثیه : 3، 4] .

آنها برای هر مؤمنی که آنها را ببیند و در آن بیندیشد آیات می گویند. و یقین شرطی است که دلها را برای احساس و متأثر شدن و توبه آماده می کند. یقین به خدایی که به دلها اجازه می دهد تا استوار و مطمئن شوند و هر چه در عالم هستی می بینند و می شنوند در آرامش و آسودگی و رهایی از اضطراب و آشفتگی دریافت کنند.

میکروب ها موجودات بزرگی با تعداد بسیار زیاد هستند، زیرا آنها پرتعدادترین موجودات زنده، سریع ترین تکثیر و کشنده ترین هستند، اما ضعیف ترین موجودات زنده در مقاومت و کوتاه ترین موجودات زنده هستند.

و هر لحظه میلیون ها نفر به دلیل سرما، گرما، نور یا عوامل دیگر می میرند.

اگر در مقاومت قوی بود یا عمر طولانی داشت، زندگی و موجودات زنده را نابود می کرد.

منزه است کسی که عقلش دلها و دلها را خیره می کند و کسی که خلقش را بر اساس اراده خود هدایت می کند، شریکی ندارد.

و منزه است کسی که این مخلوقات را آفرید و در ملکش ساکن ساخت و از روزی خود به آنها اطعام کرد: { وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ } (۸۴) و اوست در آسمانها و معبودی در زمین و او حکیم و داناست. (۸۴) [الزخرف: ۸۴].

هر موجود زنده و هر موجودی از این حیوانات و پرندگان و حشرات مجهز به سلاحی است که او را از حملات دشمنان محافظت می کند و خطر نابودی را در خشکی یا دریا غلبه می کند و این سلاح ها متفاوت و متفاوت هستند.

فراوانی اعداد اسلحه است.. و قدرت ظلم اسلحه است.. و میان آنها رنگ و انواع است:

مارهای کوچک برای فرار از دشمنان خود به زهر یا سرعت مجهزند.

مارهای بزرگ مجهز به ماهیچه های قوی هستند و بنابراین سم نادر است.

و آهو و گوزن مجهز به دویدن سریع و پرش.

شیرها و پلنگها مجهز به باس و شکار قوی هستند.

و پرندگان شکاری مجهز به پنجه و منقار هستند که گوشت را پاره می کنند. برخی از ماهی ها مجهز به اره هایی هستند که هر کسی را که به آنها نزدیک شود سلاخی می کند.

و هر محله ای، چه بزرگ و چه کوچک، هم همینطور است.

منزه است آن کس که آن را آفرید و روزی اش را سامان داد و قدرتی را که با آن از خود دفاع می کند برایش آسان کرد.

و هر موجود زنده ای نیز دارای ویژگی ها و وسایلی است که به وسیله آنها غذای خود را به دست می آورد و از این نوع غذاها انسان و حیوان و پرندگان و حشرات بهره مند می شود. ، نوشیدنی و مسکن.

حیوانات روزی خود را که خداوند برای آنها تقسیم کرده به طرق مختلف به دست می آورند: بعضی از آنها از گیاهان و غلات زندگی می کنند مانند شتر و گاو و گوسفند و آهو و مانند آن.

از جمله آنهایی که با گوشت زندگی می کنند، مانند حیوانات درنده، و شیرهای درنده ای که در بیابان زندگی می کنند، و هیچ غذایی ندارند، مگر آنچه از موجوداتی که باید مورد حمله قرار گیرند و بر آنها غلبه کنند، مانند شیر، ببر، کفتار. یوزپلنگ، گرگ و روباه.

خداوند به او دندان های نیش تیز، دندان های تیز و دندان های آسیاب سخت عنایت کرده است.

و چون لازم بود از ماهیچه هایش در حمله استفاده شود، خداوند به او ماهیچه های قوی عطا کرد و با ناخن ها و چنگال های تیز مسلحش کرد تا شکار خود را بگیرد و خداوند متعال در معده اش اسیدهایی قرار داد که به هضم گوشت کمک می کند. استخوان ها.

منزه است او: { قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى } (۵۰) پروردگار ما که هر چیزی را خلق کرد و سپس هدایت کرد فرمود (50) { [طه: 50] .

در مورد نشخوارکنندگان اهلی که در مراتع زندگی می کنند، آنها از نظر ماشین آلات با هم تفاوت دارند و خداوند دستگاه گوارش آنها را متناسب با محیط آفریده است.

دهان آنها نسبتاً گشاد است و دندانهای نیش محکم و دندانهای آسیاب سفت از آنها جدا شده است و به جای آنها خداوند برای آنها دندانهای تیز و برنده آفریده است و به سرعت علف و گیاه را می خورند و به یکباره می بلعند تا بتوانند خدماتی را که برای آنها ایجاد شده اند انجام دهند.

از آنجایی که این جانوران هدف شیرها هستند، غذای خود را به سرعت می خورند و پنهان می شوند، سپس در مدت زمان طولانی آن را هضم می کنند و اگر نشخوارکننده نبودند و معده آنها ذخیره خاصی داشت، مدت طولانی در چرا گم می شد.

پاک و منزه است آن کس که آن را آفرید و سرعت غذا خوردن را به آن عطا کرد و به ذخیره آن رهنمون کرد و توانست پس از رطوبت آن را برگرداند و شروع به ساییدن و جویدن و بلعیدن کند.

و پرندگان شکاری مانند جغد و بادبادک و شاهین با منقار خمیده تیز به صورت قلاب برای دریدن گوشت.

در حالی که غازها و اردک ها منقارهای پهن و مسطحی دارند که مانند قاشق پهن شده اند، برای جستجوی غذا در گل و آب مناسب هستند و در کنار منقار زائده های کوچکی مانند دندان وجود دارد که به بریدن علف کمک می کند.

در مورد جوجه ها، کبوترها و بقیه پرندگانی که عشق را از زمین می گیرند، منقار آنها کوتاه و نوک تیز است تا این کار را انجام دهد.

در مورد منقار قو باید گفت که به طور قابل ملاحظه ای بلند است و کیسه ای کیسه مانند از پایین آن امتداد دارد تا مانند تور ماهیگیر باشد، زیرا ماهی غذای اصلی قو است.

منزه است حکیم دانا که هر چه بخواند به هر چه بخواند می آفریند و آن را برای به دست آوردن آن چنان که می خواهد راهنمایی می کند.

منقار هوپو دراز و نوک تیز است و به خوبی برای جستجوی حشرات و کرم هایی که اغلب در زیر سطح زمین هستند آماده است.

و انسان از نگاه زودگذر به دهان و منقار او نمی تواند غذای هیچ پرنده ای را بداند.

در مورد بقیه دستگاه گوارش پرنده عجیب و شگفت انگیز است و چون دندان نداد خداوند برای او سنگدان و سنگدانی آفرید که غذا را هضم می کند و پرنده برای کمک، مواد جامد و سنگریزه را برمی دارد. سنگدان غذا را هضم می کند. منزه است پروردگار جهانیان که جهان ها را از حیواناتی آفرید که جز او هیچ کس نمی تواند آنها را بشمارد و بداند و روزی دهد.

دنیای جانوران و گاوها.. دنیای شیرها.. دنیای پرندگان.. دنیای ذرت.. دنیای زنبورها.. دنیای مورچه ها.. دنیای ملخ ها.. دنیای حشرات.. دنیای اسبها.. دنیای شترها.. دنیای گاوها.. دنیای گوسفندها.. دنیای مرغها.. دنیای کبوترها.. دنیای ماهی ها. و عوالم دیگری که فقط خدا آنها را به حساب می آورد.

تبارک و تعالی خداوند بهترین آفریدگاران که همه این مخلوقات را آفرید و امورشان را سامان داد و روزیشان را تقسیم کرد و اجلشان را تعیین کرد: { ان الله پروردگار شماست . و خداوند تبارک و تعالی آفریدگار هر چیزی است همه این حیوانات و پرندگان و حشرات را از آب آفرید چنانکه سبحان می فرماید:

{و خداوند هر خرس را از آب آفرید، برای بعضی از آنها که بر شکم راه می روند و بعضی از آنها که بر دو مرد راه می روند و بعضی از آنها که بر حجت خدا راه می روند .

حیواناتی که تولید مثل می کنند، وقتی نر ماده را بارور می کند، ماده آنها آب منی است و مانند حشرات از زمین به وجود می آیند، به حول و قوه الهی از رطوبت آب به دنیا می آیند.

و خداوند سبحان روزی همه موجودات را از انسانها و حیوانات و پرندگان و حشرات و ضعف شدید و توانا و عجز آنها را کفالت کرده است و آنها را به معیشتشان می راند و یا معیشتشان را به آنها می فروشد: { وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾. و هیچ جنبنده در زمین نیست جز آن که روزیش بر خداست و خدا قرارگاه (منزل دائمی) و آرامشگاه (جای موقت) او را می داند، و همه احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت است. (٦) } [هود: 6] و خداوند هم چنان روزی آن را در همه زمان خود به این موجودات مسخ می کند و ممکن نیست حیوانی از کمبود روزی تلف شود، زیرا از او پوشیده است، زیرا او شنوا و داناست. ، که چیزی از او پوشیده نیست: { الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَأَيُّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ و چه بسیار حیوانی که روزی خود را حمل نمی کند؟ (60) } [العنکبوت: 60] .

منزه است خالق این عالم بزرگ و موجودات گوناگون در آن.

آنها مخلوقاتی هستند علاوه بر منافعشان، حامل آیات و عبرتند، و مخلوقات مقدر و فرمانروا، کوچک و بزرگ، زن و مردشان، قوی و ضعیف، همه در چنگ خدا و پیشانیان است. در دست او هستند و در ملک او ساکنند: {توکل بر خدا،

پروردگرم و پروردگار شما دارم، هیچ حیوانی جز او نیست، همانا پروردگار من بر صراط مستقیم است (56) *إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾* { [هود: 56] .

و هر یک از این مخلوقات، خداوند زمان خود را معین کرده است، تا جز در آن نباشد. .. و او را مانند سایر موجودات و حوادث بزرگ شمرده اند: *{ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾* و از نشانه های او آفرینش آسمان ها است و زمین و هر حیوانی را در آن پراکنده می کند و او قادر است هر گاه بخواهد آنها را گرد آورد (29) *{ [الشوری: 29] .*

و این عصای سبز وحشی که در آنجا در بیابان تنها می روید، به اندازه هم در آنجا ایستاده است و غذایی است که خداوند برای موجودات آنجا آماده کرده است.

خداوند او را مؤاخذه کرد و او غذا و نوشیدنی خود را می راند و بنده ای است که کاری را انجام می دهد که خداوند او را به آن امر کرده است و پروردگارش را همیشه ستایش می کند.

و این مورچه در حال ازدحام، این آئروسل پرنده، این جانور پرسیه زن، و این سلول شناگر در آب، مانند کره ها و اجسام عظیم:

تخمینی در زمان، و برآوردی در مکان، و تخمینی در اندازه و تخمینی دارند. به صورت: *{ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾* همانا

هر چه آفریدیم به اندازه است (49) و فرمان ما فقط یک چشم به هم زدن است (50) { [القمر: 49، 50] .

و در آفرینش چهارپایان عبرتی است که خداوند بندگان را از شکمش که شامل ارث و خون است سیراب می کند، شیری پاک برای شرابخواران: ﴿ و برای شما در جزوات عبرتی است که شما را از آنچه هست حفظ کنیم. در شکم او، از آن که از آن که از آن است که از حجت است

دنیای زنبورها دنیایی بزرگ و شگفت‌انگیز است، خداوند این زنبور کوچک را آفرید، با این هدایت شگفت‌انگیز او را هدایت کرد، چراگاه‌ها را برایش آسان کرد، سپس به خانه‌هایش برگرداند و با تعلیم و راهنمایی خداوند آن را تعمیر کرد.

سپس این عسل لذیذ از معده‌شان بیرون می‌آید، به رنگ‌های مختلف بر حسب تفاوت زمین و مراتع، شفای بسیاری از بیماری‌ها است: ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْحَبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (68) ثُمَّ كُلی مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾ [نحل: 68، 69] .

منزه است آفریدگار دانا که هر چیزی را در آسمانها و زمین و در خشکی و دریا از جمادات و گیاهان و انسان و حیوان آفرید.

و هر گفتار و خاموشی.. هر حرکت و ساکن.. هر زن و مرد.. هر گذشته حال.. هر معلوم و ناشناخته.. هر کوچک و بزرگ.. همه اینها را تقدیر آفریده و با نیت خرج کرده است. و عاقلانه تنظیم شده است. هیچ چیز تصادفی

و بیهوده نیست و هیچ اتفاقی نیست و هیچ چیز بداهه نیست : و سایر موجودات بازی و سرگرمی نیستند، بلکه آنها را به حق آفریده است و خلقت آنها شامل حق است تا خدای یکتا پرستش شود. و خداوند به بندگان امر و نهی می کند و پاداش و کیفر می دهد. ولی اکثر مردم نمی دانند، زیرا در آفرینش آسمانها و زمین و موجودات در آنها فکر نکردند: { وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ (۲۸) مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹) } و ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست به شوخی نیافریدیم. (38) ما آنها را جز به حق نیافریدیم، ولی بیشترشان نمی دانند (39) { [دخان: 38، 39] .

و پرندگانی که در فضایی با رنگ ها و اندازه ها و پروازهای مختلف شنا می کنند، انسان از آنها چه می داند؟

امت بزرگی است از امتهای که خداوند متعال آنها را آفرید و مانند دیگران مظهر توانایی او سبحان و اثر از آثار مدیریت لطیف الهی است: { آیا خیر ندیدند. و آنها بر امر به معروف و نهی از منکر هستند] .

این آیه بزرگ که هر لحظه می آید ما را با تکرار مکرر خود فراموش می کند که نشان از قدرت و عظمت خداوند دارد.

حالا چند پرنده در آسمان پرواز می کنند چند پرنده عشق را از زمین جمع می کنند؟

و چند پرنده برای لانه خود چوب غذا جمع می کنند؟ چند پرنده تخم می گذارند؟ چند پرنده از تخم های خود بیرون می آیند؟ چند پرنده به جوجه های خود آموزش می دهند و به آنها غذا می دهند؟

و همه موجودات از جمادات و نباتات و حیوانات به تسبیح پروردگار خود تسبیح می گویند و هر کس به اقتضای حال خود نماز و عبادت دارد و در آسمانها و زمین و پرندگان سکوت می کنند هر کدام خود را می شناسند. خود نماز و تسبیح دارند و خداوند به آنچه انجام می دهند داناست (41) *أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ* { (۴۱) [نور: 41] .

اندیشیدن به این پرندگان که در فضا شنا می کنند و بال هایشان را توصیف می کنند و به راحتی و آسانی آنها را در دست می گیرند و پیروی از هر نوع پرنده ای در حرکات خاص خود نه چشم را خسته می کند و نه دل را خسته می کند و لذتی بالاتر از آنچه هست. موضوع تفکر و تعمق در آفریده شگفت‌انگیز خداوند که ترکیبی از خیر و زیبایی و کمال است.

دست خدای مهربان آسمان‌ها و زمین را گرفته و به هر پرنده ای و به هر بالی می چسبد و پرنده بال‌هایش را باز می‌کند و چون گرفتار می‌شود در فضا معلق دیده و دیده می‌شود.

خلقت همه خدا خلایقیت و معجزه است و هر دلی و هر نسلی که از او بفهمد آنچه را که می‌تواند تحمل کند و به آنچه از او می‌بیند توجه کند: { آیا ندیدند به پرنده و بالاتر از آنها پاکی. و آنچه را به چنگ می‌آورند با خود نگه می‌دارند. منزّه است آن توانا و توانا و دانا و آگاه که از هیچ چیز در زمین و آسمان ناتوان است. صید پرندگان در هوا مانند گرفتن حیوانات بر روی زمین، مانند گرفتن خورشید و ماه، مانند گرفتن ستارگان معلق در فضا، مانند گرفتن آسمان و زمین، و مانند گرفتن آسمان از سقوط بر زمین است، مگر به اذن خدا. زیرا خداوند تنها خالق آن است و او تنها به قدرت خود آن را نگه می‌دارد. منزّه است توانا، توانا، توانا، توانا، کسی که همه این مخلوقات را با قدرت خود نگه می‌دارد:

{در حقیقت خداوند آسمانها و زمین را نگه می‌دارد تا زمانی که از دنیا بروند، و اگر از دنیا بروند، اگر کسی بعد از او آنها را باز دارد، قطعاً بردبار است} { آمرزنده . پس این مال او کیست، این شخصیت او است، این توانایی اوست، و این رحمت اوست، باید او را اطاعت کرد و نافرمانی نکرد، و شکر کرد و کافر نشد، و یاد کرد و

فراموش نکرد: { فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ }
 پس چرا ایمان نیاورند. (20) و چون قرآن بر آنان خوانده شود سجده نمی کنند (21)
 { [انشقاق: 20، 20] 21] .

گفتند: پروردگارا، ما به خود ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و به ما رحم نکنی،
 قطعاً از زیانکاران خواهیم بود. « قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا
 لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ (اعراف: 23) .

و خداوند کوهها را آفرید

خداوند متعال فرمود: «آیا زمین را گهواره (6) و کوهها را میخ (7) قرار ندادیم { أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ [النباء: 6، 7] .

وقال الله تعالى: { أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (27) وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (28) } [فاطر: 27، 28] .

خداوند تبارک و تعالی کوه ها را آفرید و در آن ها امتیازاتی قرار داد که جز آفریدگان و برافراشتگان آنها قابل شمارش نیستند.

منزه است او و برف را بر آن فرود آورد و در کاسه هایش می ماند و نوشیدنی حیوانات و مردم را در جوی می گذارد تا تمام شود.

و برف از کوهها به تدریج ذوب می شود، پس سیلاب های سنگین از آن می آید و رودخانه ها و دره ها از آن جاری می شوند و گیاهان و درختان گوناگون در چمنزارها و دره ها و تپه ها می رویند.

و خداوند حکیم و داناست و اگر کوهها نبود برف بر روی زمین می بارید، سپس به کلي حل می شد و يك دفعه ناپدید می شد، پس وقتی برای آن نبود. مورد نیاز باشد.

اگر به طور کلی حل می شد، آن سیلاب ها همه گیاهان، حیوانات، خانه ها و افرادی را که از آن عبور می کردند نابود می کردند.

خداوند کوه هایی را به شکل ها و رنگ ها و اندازه های مختلف آفریده که فواید و ویژگی های فراوانی دارند: از جمله کوه های

سفید، کوه های سرخ، کوه های سبز، کوه های زرد، کلاغ های سیاه و رنگ های مختلف دیگر.

از جمله کوه های بزرگ، کوچک، کوه های بلند، کوتاه، کوه های متصل و کوه های جداگانه.

دارای فواید و مصالح و جواهرات و معادنی است که هیچ کس نمی تواند آنها را بشمارد مگر آن که آنها را آفریده و آنها را حفظ کرده و استوار کرده و از منافی پر کرده است که مردم برخی از آنها را می دانستند و بیشتر آنها را نمی دانستند.

از فواید آن این است که خداوند آنها را پرچم هایی قرار داد که مردم به وسیله آن مردم را در جاده ها و در خشکی و دریا و هوا راهنمایی می کنند.

از فواید آن این است که خداوند آن را برای زمین به عنوان میخ هایی قرار داد تا آن را ثابت کند و برای آن لنگرهایی برای آن قرار داد تا مزاحمتی ایجاد نکند.

و از فواید آن چیزی است که در دژهایش است و کمتر از غارها و غارها و دژهایی است که در مقام دژها و قلعه ها هستند و نیز پناهگاه مردم و حیوانات هستند:

{وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾}

خداوند از آنچه سایه آفرید برای شما قرار داد. و برای شما از کوهها پناهگاهی قرار داد { [نحل: 81] .

از فواید آن این است که بادهای طوفانی را دفع می کند و شدت آن را می شکند، پس نگذارید به آنچه در زیر آن است ضربه بزنند، و آن را دلیل بر دفع سیل های نازل شده از بالا قرار داد تا به کل نازل نشوند، بلکه آنها را بگیرند. راست و چپ و خداوند سبحان آن را به کاملترین و مفیدترین شکل آفرید و اگر مانند دیوار بلند و مخروطی بود بالا رفتن از آن و استفاده از آن غیر ممکن بود و خورشید و هوا را از آن می پوشاند. مردم.

اگر بر روی زمین گسترده می شد مزارع و خانه ها را بر آنان تنگ می کرد و دشت را پر می کرد و از آن بهره ای نمی بردند و بادها بر آنان پوشیده نمی ماند و سیلاب ها نمی رفت. پنهان شده است.

و اگر مانند توپ گرد ساخته می شد، نمی توانستند از آن بالا بروند. شکل آن، که بر اساس آن ایجاد شد، اولین، مناسب ترین، بهترین و مناسب ترین شکل، مطابق با علاقه بود.

و خداوند در آن گیاهان و داروها و داروهایی را آفرید که در دشت ها و شن ها نمی رویند.

از فواید آن می توان به آنچه از سنگ های آن برای خانه ها و ساختمان ها تراشیده می شود و رنگ هایی در انواع و رنگ های مختلف اشاره کرد.

خداوند سبحان گوهرها و معادنی از انواع و اقسام آن را در کوهستانها قرار داد، مانند طلا، نقره، مس، آهن، سرب، الماس، زمرد و پریدوت و سایر معادن گرانبها که انسان هنوز از اکثر آنها بی اطلاع است.

و در آن چیزی است که سهل از آن است، سود و ارزش آن چند برابر از طلا بیشتر است، مانند اورانیوم و الماس و غیره.

در کوهها فواید بسیار است که هیچ کس نمی داند و احاطه ندارد مگر خداوند که آنها را آفریده و آنها را آفریده است، انسان از آنها بیش از صد نوع ماده معدنی شناخته است و آنچه انسان از آن غافل است بیشتر است.

و این موجودات و فواید، از بزرگترین گواهان قدرت خالق و خالق آنهاست.

وهذه الجبال تسبح بحمد ربها، وتخضع له، وتسجد له، وتنشق وتهبط من خشيته

كما قال سبحانه: { أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ

الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٨﴾ [الحج: 18].

منزه است او: {بر آنچه می گویند شکبیا باش و بندگان ما را با دستان خود یاد کن، زیرا او مرطوب است (17) ولی ما با او کوه ها را مسخره می کنیم . و آنچه در عالم هستی موجودات زنده ای هستند که تسبیح و تسبیح پروردگارشان را می گویند و تسلیم او می شوند و از آن جمله این کوه های عظیم است که از ترس پروردگارشان فرود می آیند، چنانکه خداوند سبحان فرمود: { وَإِنَّ مِنَ الْجِبَارَةِ لِمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ ۗ وَإِنَّ مِنْهَا لِمَا يَشْتَقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ۗ وَإِنَّ مِنْهَا لِمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ } [بقره: 74] . و این کوههای عظیم همانهایی هستند که مانند آسمانها و زمین از پروردگارشان ترسیدند و آنها را از حمل امانت آفرید، پس از حمل آن امتناع کردند و ترسیدند که سبحان الله فرمود: {ما امانت‌های آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها را آورده‌ایم، پس می‌خواهم آن را حمل کنم و از آنها پاک است.} «

و خداوند کوهها را در زمین تقسیم کرده و بعضی را بر بعضی ترجیح داده است: از جمله

آنها کوه تور است که خداوند به موسی - رضی الله عنه - درباره آن سخن گفته است.

از جمله کوهی است که پروردگارش بر آن تجلی کرده است.

از جمله کوه احد است که خداوند رسول و یارانش را به خاطر آن دوست می داشت.

از جمله دو کوهی که خداوند بر خانه او دیواری قرار داد و در انتهای یکی از آنها صفا و در انتهای دیگری مروه قرار داد.

از جمله آنها کوه عرفات است که خداوند در روز عرفات برای گناهان کبیره رحمت و مغفرت دارد.

از جمله کوه حیرا است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در آن با پروردگارش خلوت می کرد تا اینکه خداوند در آن غار او را به رسالت شرفیاب کرد.

پاک و منزّه است آن سخاوتمندی که هر چه را بخواهد و بخواهد می آفریند و برای هر که بخواهد از کوه ها و انسان ها و روزها و شب ها و نقطه ها، رحمت و عزتش را اختصاص می دهد.

و این کوههای بزرگ و بلند که بدانند خرمی دارند که در آن دمیده می شوند و از وحشت و عظمت آن مانند لعنت می شوند و از وحشت آن قرار می ترسند در انتظار آن و آن در قیامت است: {يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾} روزی که آسمان بارها و بارها می گذرد (9) و کوه ها به سرعت حرکت می کنند (10) { [التور: 9 - 10] .

و حق تعالی فرمود: {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (105) فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (106) لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (107) يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (108) } [طه: 105 - 108] .

و این کوههای عظیم با استحکام و استحکامشان به خالقشان گفته شد که اگر کلام او بر آنها نازل می شد، از ترس خدا خوار می شدند و می ترکیدند، چنان که خداوند سبحان می فرماید: «اگر ما این قرآن را بر کوهی داشتیم، آن را از ترس خدا تکان دهنده می دیدم و امثال آنها نیز همین گونه اند.» (21)

چه شگفت انگیز است که یک تکه گوشت از این کوه ها سخت تر است.. او می شنود که آیات خدا و نصایح او بر او تلاوت می شود. متواضع نمی شود، توبه نمی کند.. و از مواعظ می گریزد، چنان که سرخ ها از شیرها می گریزند: { فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ پس چه است که از تذکر روی می گردانند (49) گویا سرخ هستند در بیدار (50) از قصوره گریخت (51) } [المدثر: 49-51].

برای خدای عز و جل غریب نیست و با حکمت او منافات ندارد که برای او آتشی بیافریند که او را ذوب کند، اگر در سخن و ذکرش نرم نباشد و از حرامش نترسد و نترسد. تحت تأثیر موعظه های او نیست.

هر کس در این خانه دلش را به سوی خدا نگرداند و به سوی او روی نگرداند و از ترس او گریه نکند، اندکی بهره مند شود، زیرا او پیشاپیش توبه بزرگ است و به سوی دانا باز می گردد. از غیب و شاهد، پس او را ببیند و بشناسد منزله است، گفت : (26) إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾ { [الغاشية: 25، 26].

حیف بندگان.. کی از عقلشان سود می برند؟ .. و چه زمانی به چشم می بینند؟
 .. و کی در دل ایمان می آورند؟ .. و منکران در انتظار پروردگارشان چه هستند.

{پس به آنچه ایمان نمی آورند (20) و هنگامی که قرآن برایشان خوانده می شود
 سجده نمی کنند (21) ولی کافران دروغ می گویند (22) .

و اگر بدانیم قدرت آسمانها و زمین.. و قدرت فرشتگان بزرگ.. و نیروی آب و بادها.. و
 قدرت دریاها و کوهها.

قدرتمندی که این موجودات را آفریده چقدر قدرتمند است؟

گنجایش خزانه های او که این موجودات بزرگ را در خود جای داده است چقدر
 است؟

ربنا لا تؤاخذنا بما فعل السفهاء منا: {أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ
 تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ
 (155)} [الأعراف: 155] .

و خداوند بادها را آفرید

خداوند متعال می فرماید: «وَاللَّهُ الَّذِيْنَ عَلَيْنَهُمْ وَ أَبْرَ الْأَبْرُ أَبْرَعُونَهُمْ أَنَّهُمْ الْمُؤْتَه وَهُوَ الْأَرْضِينَ أَحْيَاؤَه بَعْدَ وَفَاتَه ». به خدا سوگند کسانی که بالاتر از آنها هستند و پرهیزگارترین نیکوکاران به آنها سزاوارترند.

و خداوند متعال فرمود :

یکی از بزرگ ترین نشانه های خداوند همین هوای لطیف است که بین زمین و آسمان گیر کرده است، بدن او را حس می کنیم اما شخص او را نمی بینیم. خداوند متعال آن را در هر مکان گرم و سرد و گرم آفریده است، انسان و حیوان، مؤمن و کافر، مطیع و نافرمان از آن دمیده می شود، مانند آبی که خداوند به انسان و حیوان ارزانی داشته و مانند خورشیدی که خداوند برای آن مهار کرده است. روشنایی و گرما برای همه موجودات.

و این هوای عظیمی را که خداوند آفرید، اگر سبحان اوست، آن را با حرکت رحمت به حرکت درآورد، سپس او را سعادت و رحمت و موعظه در دست رحمت خود قرار داد، و به پاسداری از ابرها و میوه ها به سبحان. حضرت فرمود: {و ما بادها را به نمودارها فرستادیم، پس از آسمان فرود آمدیم .

و اگر بخواهد منزه است او را با حرکت عذاب به حرکت در می آورد، سپس عقیم می کند و عذاب را به او واگذار می کند، سپس با قدرتش او را فلج کننده و بدکار و

خشمگین قرار می دهد. و خراب کننده از آنچه می گذرد، چنانکه سبحان الله درباره قوم عاد فرمود: { فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تَدَمَّرَ كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ } [احقاف: 24 و 25].

بادهای ذکر شده در قرآن هشت باد است:

چهار باده رحمت و چهار باد عذاب.

بادهای رحمت: ناشران، مبلغان، پیام آوران، و سعادت.

و بادهای عذاب: طوفانی و طوفانی در حالی که در دریا هستند و عقیم و فلج کننده در حالی که در خشکی هستند.

خداوند سبحان در قرآن از بادهای رحمت و بادهای صالح با لفظ جمع یاد کرده است، زیرا اینها چند منفعت و با صفات مختلف هستند.

و اما بادهای عذاب را در عبارت افراد ذکر کرده است، زیرا لازمه آن یک باد ویرانگر است و همچنین بادهای دریا را در عبارت افراد ذکر کرده است، زیرا کشتی جز به مقصد نمی رسد. با یک باد، با یک جهت.

در زمستان هوا از سرما غلیظ می شود و برای ابرها مادی می شود، پس خدای حکیم باد مهیج را می فرستد و آن را به هم می زند و سپس بین آسمان ها و زمین می گستراند، سپس خداوند. باد حاملی را که آن را بر پشت خود می برد، برای او مسخر می کند.

سپس خداوند بادی را می فرستد که بین پوسته او ترکیب می شود و آن را می برید تا یک لایه شود، سپس خداوند باد بارور کننده ای را می فرستد که حاوی ماده آب است، پس آن را بارور می کند همانطور که نر ماده را بارور می کند و آب را حمل می کند.

سپس خداوند بادی مختلط را بر او می فرستد که او را می وزاند و او را به جایی می برد که به او دستور داده شده است که آب خود را خالی کند، پس اگر خدا بخواهد که بر زمین فرود آید، پس از طوفان آن باد طوفانی را بر آن می فرستد، پس آن را پراکنده می کنند. و آن را در هوا پراکنده کن تا یک بار نریزد و آنچه در زمین است از بین برود و سود آن کم شود.

این هشت باد است که خداوند آنها را در معرض باران قرار داد.

هنگامی که آنچه را که از دیار و مردم امر شده سیراب می کند، باد محرک برمی خیزد و می راند و به سوی مردم می راند و سرزمینی دیگر برای آبیاری گیاهان و حیوانات و مردم به آن نیازمند است. {اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ بَنَدِغَانِهِمْ جُنُودًا يُسِيلُونَ} [الروم: 48] .

و حق تعالی فرمود: {وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ} [الأعراف: 57] .

ابرها از بزرگ‌ترین نشانه‌های خداوند در جو هستند، زیرا بسیار سبک هستند، سپس آب و تگرگ را حمل می‌کنند و سنگین‌ترین چیز می‌شوند.

پس از ابرها پیرس چه کسی آن را آفریده و برپا کرده است؟ .. و چه کسی او را با آب و برف و تگرگ حمل کرد؟ .. و چه کسی او را بر پشت بادها حمل کرد؟ .. و چه کسی او را بین زمین و آسمان گرفتار کرد؟ .. و چه کسی کشور را احیا کرد؟ .. و چه کسی آن را در میان خلق آنچنان که می‌خواست خرج کرد؟.

چه بسیار نعمت‌هایی که خداوند در این هوا نهاده است که هیچ کس نمی‌تواند آن را به حساب آورد، مگر آن که آن را آفریده است، زیرا حیات این اجساد است که از آن استشمام می‌کند و با آن تغذیه می‌کند، صداها را به دور و نزدیک می‌رساند و رایحه‌های آنها را منتقل می‌کند. اختلاف از جا به جا و حمل گرما و سرما که خیر حیوان و گیاه و انسان است و درختان و گیاهان را بارور می‌کند و اگر نبود عقیم می‌شدند و میوه‌ها فاسد می‌شدند.

باد یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های خدا در هواست.. قوی‌ترین مخلوق خداست.. خدا اگر بخواهد آن را حبس می‌کند.. و اگر بخواهد می‌فرستد.. صداها را به گوش می‌رساند.. بو به بینی.. ابرها به زمین و جزر.. و گاهی رحمت می‌آورد.. و گاهی عذاب..

همینطور بادها کشتی‌ها را به حرکت در می‌آورند و اگر آنها نبودند روی سطح دریا می‌ایستادند.

و همچنین از فواید آن سرد شدن آب و افروختن آتش و خشک کردن اشیا است. منزّه است کسی که بادهای را به روح و رحمت و مهربانی و فضل خود می‌وزد. (و از نشانه‌های او که بادهای مبلغی می‌فرستند و از رحمتش به شما عطا می‌کنند و کشتی به فرمان او می‌چرخد و برای گمشده‌ای « .

و چه بسیار دریا‌هایی که خداوند در این دنیا آفرید و چه بسیار منفعت و منفعت برای بندگانش:

دریای عظیمی از آب که فقط خداوند می‌تواند از نعمت‌ها و منفعت‌ها و موجودات در آن بشمارد.

و دریای عظیمی از هوا که در آن چیزی است که هیچ کس نمی‌تواند آن را بشمارد و فقط خداوند از نعمت‌ها و منفعت‌ها و موجودات آگاه است.

و دریای عظیمی از نور که در آن برکات و فواید بیشماری وجود دارد که فقط خداوند از آن آگاه است.

منزّه است خدایی که این دریا‌های بزرگ را آفرید و حفظ کرد و در طول اعصار برای کشور و مردم منافع در آن به ارمغان آورد.

و خداوند تبارک و تعالی این جسم لطیف را از هوایی که ضعیف‌ترین موجودات را به حرکت در می‌آورد و سوراخ می‌کند آفرید و به آن نیرو و نیرو داد که اجسام جامد نیرومند را می‌شکافد و از جایشان تکان می‌دهد و به داخل می‌برد. جو آسمان

پس بنگر که اگر در پوست یا پوستی قرار گیرد و از آن پر شود و روی آب قرار گیرد در آن ته نشین نمی شود در حالی که آهن جامد در آن فرو رفته است.

پس این مرد جوانمرد به فرمان خدا از این که آب را برای او فرو نبرد، خودداری کرد و خداوند با این حکمت، کشتی ها را با وزنشان روی سطح آب نگه داشت، زیرا از فرو رفتن هوا در آب جلوگیری می کند.

در قدرت حکیم بیندیش که چگونه این کشتی عظیم و سنگین را به این هوای لطیف و سبک پناه برد تا از غرق شدن در امان باشد.

منزه است کسی که این قایق بزرگ و سنگین را در این هوای لطیف و بدون هیچ گره و گرهی آویزان کرد. (32) .

و هوا به امر خداوند متعال صداهای بلند و دور را به گوش مردم می رساند و از آن بهره می برند مانند تلفن و موبایل و رادیو.

و اگر این صداها در هوا می ماند، همانطور که کلمات در کاغذ باقی می ماند، جهان پر از صداها می شد و آسیب بسیار بود و مردم باید آن را از هوا پاک می کردند.

آنچه به هوای صداها و کلمات پرتاب می شود، چند برابر آنچه در لوازم التحریر رسوب می کند. رحمت خدای حکیم

است که این هوا را کاغذی سبک قرار دهد که به قدر حاجت، کلمات را حمل کند، سپس به اذن پروردگارش محو شود و نو و پاک باز گردد. بدون هیچ چیز در آن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
 ﴿٦٨﴾: [شعراء: 67، 68]

بزرگترین نشانه های خداوند در خلقت بادها چیست؟

باران هشت باد دارد.. گیاهان بادی دارند که آنها را گرده افشانی می کند.. کشتی ها بادی دارند که آنها را به حرکت درمی آورد.. رحمت باد بدون باد دارد. .

و اختلاف بادها و اختلاف در وزش آنها نشانگر آفریدگار حکیم داناست

... و گاهی او را در آن غرق می کند... و گاهی بدنها را مرطوب می کند... گاهی آن را آب می کند... و گاهی گرم است... و گاهی سرد... و گاهی عقیم است... و گاهی بارور.

منزه است کسی که در این هوای واحد این فواید شگفت انگیز را به وجود آورد.

آفریدگار آن کسی است که ترس آن را به خشکی و دریا می اندازد.

گاهی از شمال می وزد، گاهی از جنوب، گاهی می وزد و گاهی می وزد.

خداوند دهانه شمالی را بالاتر از دهانه جنوبی قرار داده است و اگر این گونه نبود آب پابرجا می ماند.

و این بادها با شدت شدیدشان ملایم ترین چیزها، پذیراترین موجودات از هر جهت، زود تأثیر و تأثیرپذیری و راه خوش بین آسمان و زمین است.

و به سبب نیاز شدید هر گیاه و حیوان و انسانی به آن، خداوند آن را در همه جا تسهیل کرد و آن را در میان بندگان خود صرف کرد و کنترل انسان را بر آن برداشت، پس هر جا که انسان یا حیوانی راه می رفت آن را می یافت. و هر جا گیاهی می یافت با او همراه می شد.

و اگر از نباتات و جانوران منقطع می شد، هلاک می شد، مانند دریای آب که اگر ماهی از آن جدا می شد، هلاک می شد.

خداوند اگر بخواهد آن را محصور می کند و اگر بخواهد می فرستد و صداها را به فرمان خدا به گوش می رساند و بوی را به بینی می برد و ابرها را به زمین می برد.

آفریده ای بزرگ از قوی ترین مخلوقات خداوند است و از بزرگ ترین نشانه های خداوند حکایت از قدرت او دارد.

منزه است کسی که بادها را به قدرت خود آفرید و جهان را از آنها پر کرد و آنها را با حکمت خود هدایت کرد و آنها را به اراده خود هدایت کرد و آنها را تابع اراده خود قرار داد و آنها را در میان دستهای رحمت خود بشارت داد و آنها را دلیلی برای تکمیل فضل خود و فرمانروایی بر هر که بخواهد به عذاب خود قرار داد.

پس آیا خداوند قدرت و عظمت خود را شناخت و شناخت که گناه را به او نشان داد و نعمتش را با کفر مبادله کرد؟

جز اینکه چقدر جهل به خدا و اسماء و صفات او و غفلت از نعمتها و احسان او چقدر است ؟

در آفرینش بادهای نشانه ای است.. در وزش بادهای نشانه ای.. و در تخلیه بادهای نشانه ای. بادهای گرم بخار را برمی انگیزاند و بادهای سرد آن را متراکم می کند تا ابر شود، سپس خداوند این ابر را به وسیله بادهای می راند و هر طور که بخواهد با علم و حکمت خود در بین کشورها و بندگان پراکنده می کند . شب را هر طور که بخواهد گرم و سرد و منحرف و راست و طوفانی و آرام و عذاب و رحمت می کند.

و همه این بادهای از جانب پروردگارشان دستور دارند که تجاوز نکنند و با موجودات دیگر رابطه دارند و با آنها در دستیابی به اراده خداوند در خلقت این عالم همکاری می کنند و آن را به گونه ای که او می خواهد در اختیار دارد.

پس چون عقل انسان در این نمایشگاه الهی پر از آیات و عجایب سرگردان باشد، در اینجا اثر دارد و در این زمینه جا دارد: {و در خلقت و آنچه از حیوانی پراکنده می کند نشانه‌هایی است برای قومی که یقین دارند. (4) و شب و روز و آنچه خداوند از آسمان نازل کرده از روزی گم شده است، پس زمین را پس از مرگش و به خاطر آیین زنده کردند .

و چون بادهای در وزش و ماهیتشان متفاوت است، خداوند برای هر بادی بادی متناظر قرار داد که فصل و وحدت آن را در هم می شکند و نرمی و رحمتش را حفظ می کند، پس بادهای رحمت به دلیل فواید متفاوتی که دارند، متعدد است.

و اما باد عذاب، باد واحدی است که از یک جهت فرستاده می شود تا آنچه را که برای ویران کردن فرستاده شده است از بین ببرد، پس هیچ بادی به دیدار آن برنمی خیزد. بلکه مانند لشکر نیرومندی خواهد بود که هیچ چیز در برابر آن مقاومت نمی کند و همه چیز را نابود می کند، چنانکه سبحانه الله می فرماید: { وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾ } [الحاقه: 6-8].

خلقت آتش

خدای سبحان فرمود: {آیا آتشی را که افروختی دیدی (71) که درخت آن را آفریدی یا ما مردم هستیم (72) .

و خدای سبحان فرمود: {الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ} (80) آن خدایی که از درخت سبز و تر برای انتفاع شما آتش قرار داده که (برای حاجتی که خواهید) بر می‌افروزید. (۸۰) { [یاسین: 80] .

خداوند تبارک و تعالی یگانه و رام است، مخلوقاتی را آفرید و برخی را با برخی دیگر مسخر کرد و بر برخی از آنها اختیار داد.

منزه است او که کوه‌ها را آفرید و آهن را بر آنها قرار داد، پس آنها را می‌برد و می‌شکند.

آتش را آفرید و آن را بر آهن نهاد که به فرمان خدا آن را ذوب می‌کند.

و آب را آفرید و آن را بر آتش توانا ساخت، پس به فرمان خدا آن را خاموش می‌کند، و بادهای را آفرید و آنها را بر آب قدرت بخشید، زیرا به فرمان خدا آب را مسخ می‌کنند و پراکنده می‌کنند.

و تاریکی‌ها را آفرید و بر آن نور افکند، پس آن را از بین می‌برد.

و خداوند حکیم و داناست آتش را چنان که هست از جهت تأخر و تجلی آفرید که اگر مانند آب و هوا نمایان می شد دنیا را می سوزاند و می گسترده و زیان و فساد را بزرگ می کرد. ناشی از آن

اگر نهفته بود و هرگز ظاهر نمی شد، منافع ناشی از وجود آن از بین می رفت. پس حکمت خداوند متعال اقتضا کرد که آنها را در بدنها ذخیره کند تا انسان در هنگام نیاز آنها را بیرون آورد.

خداوند سبحان انسان را به آتش بدون احدی برگزید، زیرا اگر آن را از دست می داد، بسیاری از مصلحت ها برای او مختل می شد، مانند حرارت دادن، روشنایی، رسیدن غذاها، صیقل دادن داروها و سایر فوایدی که انسان از آن بهره می برد. و آتش را خدای سبحان آفرید و به بلندی بالا می رود و اگر قدرت خداوندی که آن را نگه می دارد نبود، مانند بدن سنگین بالا می رفت، اگر نگهدارنده آن نبود. به سمت پایین سقوط می کرد

منزه است توانا و توانا که به بدن سنگین قدرتی داد که به وسیله آن به پایین فرود می آید و به آتش این قدرت را داد که به وسیله آن به بالا می رود.

و این آتش بزرگی که خداوند آفرید که زمین سبز و خشک را می بلعد و جنگل ها را می بلعد و آهن و فلزات را آب می کند، هفتاد جزء آتش جهنم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آتش شما یکی از هفتاد جزء آتش جهنم است. گفته شد: یا رسول الله اگر کافی بود فرمود: آنها را بر آنها با شصت و نه جزء ترجیح دادم که همه آنها مانند حرارت اوست

، آفرید، ولی خدای متعال از آن به اندازه بیرون می آورد تا مردم. آتش بزرگ را در روز قیامت یاد می کند و از فواید آن بهره مند می شود، چنان که خداوند سبحان می فرماید: { نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ } (۷۳) ما آن را مایه تذکر و لذتی برای تقویت شدگان قرار دادیم (73) { [واقعه : 73] .

و آتشی که خداوند متعال آفرید چهار قسم است:

اولی: آتشی که مانند خورشید درخشنده و سوزان باشد و مانند آتش معروف.

دوم: آتشی که می سوزد بدون اینکه بدرخشد و آن آتش تاریک جهنم است.

سوم: آتشی که درخشندهی داشته باشد بدون آن که بسوزد و آن آتشی است که خداوند در درخت آفرید و با موسی - رضی الله عنه - بر آن سخن گفت.

چهارم: آتشی که درخشندهی و سوزاندن ندارد و آن آتشی است که در هیزم و هیزم حبس می شود پس ذخیره می شود و اگر شعله ور شود درخشان و سوزان می شود.

پاک و منزّه است آفریدگار دانا که درخت سبز را آتشی خشک و فروزان قرار داد:

و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است و اوست یگانه قادر مطلق که این آتشی‌هایی را که در اعماق زمین ذخیره شده و در اعماق هیزرها و هیزرها رسوب کرده و شعله‌های سوزان که در آفتاب می‌سوزند را مسخر می‌سازد.

اگر این آتش‌ها بر سر مردم فرو برود، چه کسی پشتیبان آنها خواهد بود؟

و اگر خداوند آن را برای مردم بفرستد چه کسی از آن نجات می‌یابد؟

و اگر در جهان آتش بگیرد چه کسی آن را خاموش می‌کند؟

خداوند آتش را آفرید تا هر چه را در آن نهاده می‌سوزاند و آب می‌کند، ولی کنترل آن در دست اوست، سبحان.

و اگر خواست آن را شعله ور ساخت و نسوخت، بلکه حال و سلامت او را برای کسانی که از اولیای او می‌خواستند، به سبحان او بر حضرت ابراهیم - صلوات الله علیه - تبدیل کرد. : {گفتند که خدایان شما را سوزانند و یاری کردند (68) قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾} [انبیاء: 68-69].

خدایا پروردگارا ما را در دنیا خیر عطا کن و در آخرت ما را از عذاب آتش نجات ده.

{رَبَّنَا اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخَذْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ ای پروردگار ما، هر که را در آتش افکنی او را سخت خوار کرده‌ای، و ستمکاران هیچ یاری ندارند (192) [آل عمران: 192].

و خداوند سبحان می فرماید:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾ [الفرقان: 65، 67].

مخلوق جن

و خداوند متعال فرمود: {وَلَا خَلَقَتِ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَهُ} (56) مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِي (57) . { 56 . 57 زاریات }

و خداوند متعال فرمود: { خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ } (۱۴) وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶) انسان از گل مانند سفال (14) و جن از آب جوشان از آتش آفریده شده است (15) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید (16) { [رحمن: 16 - 14] .

خداوند تبارک و تعالی ملائکه را از نور و جن را از آتش و انسانها را از خاک آفرید
چنانکه سبحان الله می فرماید :

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۶) وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (۲۷)

و همانا ما انسان را از گل و لای کهنه متغیر بیافریدیم. (۲۶)

و طایفه دیوان را پیشتر از آتش گدازنده، خلق کردیم. (۲۷)

[حجر: 26، 27] .

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از نور و جن ها از شعله های آتش و آدم نیز از آنچه برای شما توصیف شد آفریده شده است

و ابلیس: او پدر شیاطین است و فرزندانی دارد که جز با او نمی میرند و او از جنیان است ولی شیطان پاک است.

و آدم: او پدر مردم است و در میان آنها مؤمن و کافر است.

و ملائکه: خداوند آنها را از نور آفرید، و ملزم به اطاعت هستند.

ملائکه به خیر گرایش دارند و شیاطین به بدی گرایش دارند. جن و انس مستعد ایمان و کفر آماده هدایت و گمراهی هستند.

برای شناخت ملائکه و جن راهی جز وحی نیست.

و ابلیس شیطان است و از جن است و فرزندانی دارد چنانکه خدای تعالی فرمود:

{وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (50)}

[الکھف: 50] .

جن از مخلوق خداوند است و این نوع خلقت دارای ویژگی هایی است

که از جمله آنها را از آتش آفریده است.

از جمله این است که مردم را می بینند و مردم آنها را نمی بینند، چنانکه خداوند در

مورد شیطان فرمود: { يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ

يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا

جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ همانا او و قبیله او شما را از جایی می بینند که شما آنها را نمی بینید} [اعراف: 27] .

و جنیان دارای اجتماعات خاصی هستند که شبیه اجتماعات انسان در قبایل و نژادهاست.

و این توانایی را دارند که در این زمین با انسان زندگی کنند، چنانکه خداوند در مورد آدم و ابلیس فرموده است: { قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ فرمود: یکی از شما دشمنان فرود آید، تا مدتی در زمین استراحت و خوشی خواهید داشت. » (24) [الاعراف: 24] .

و همچنین توانایی زندگی در خارج از زمین، و عروج به آسمان را دارند، چنانکه خداوند متعال فرمود: {وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مَلِيَّتٌ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا (8) وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (9) } [الجن: 8، 9] .

و جنیان صدای انسان را می شنوند و زبان او را می فهمند و تحت تأثیر آن قرار می گیرند چنانکه خداوند در مورد آنها فرمود: {و چون از جن به تو ضربت دادیم قرآن را گوش می دهند و چون آمدند. ، گفتند :

شیطان و فرزندانش قدرت نفوذ و اغوای انسانها را دارند، مگر بندگان مخلص خدا که بر آنها تسلط ندارند، چنانکه خدای سبحان فرمود: « قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

﴿۸۲﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿۸۳﴾ به عزت سوگند، حتماً خواهم کرد. همه آنها را اغوا کن (82) مگر بندگانت که صادق هستند (83) { [ص 82، 83] .

جن ها مانند انسان ها هستند که حق را از باطل و حق را از باطل و خوبی را از بدی می شناسند.

و خداوند عز و جل اراده کرد که جنیان را خبر آخرین رسالت بداند و به گروهی از آنان ایمان بیاورد چون قرآن را شنیدند، سپس قوم خود را به سوی خود دعوت کردند: { قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۳۰﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۳۱﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۳۲﴾ گفتند: ما کتابی شنیدیم. پس از موسی نازل شد که صدقه ای برای حق است. « خدا را بخوانید و به او ایمان بیاورید تا گناهان شما را ببامرزد و از عذاب دردناک نجات دهد (31) و هر کس دعای خدا را اجابت نکند، در زمین نمی تواند بگریزد و جز او سرپرستی ندارد، آنان در گمراهی آشکارند (32) { [الاحقاف: 30-32] .

و چون هدایت پروردگارشان را شنیدند، بی درنگ اسلام آوردند، چنان که خداوند سبحان درباره آنان فرمود: { و چون هدایت را شنیدیم به آن ایمان آوردیم . و آن جنیانی که قرآن را از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - شنیدند وظیفه داشتند که به آنان هشدار دهند که باید انجام دهند و هبوط این کتاب به زمین را دعوتی از

سوی آنان دانستند. خداوند به همه آنها، اعم از انس و جن رسید، پس قوم خود را ندا دادند: « ای قوم ما، گناهانتان را می‌آمزد و شما را از عذاب دردناکی نجات می‌دهد (31) » {احقاف: 31} .

و خداوند تبارک و تعالی جن و انس را آفرید تا او را بپرستند، چنانکه سبحان الله می‌فرماید: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (56) مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ (57) إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (58)} [الذاریات: 56 - 58] . و جنیان

در آماده شدن برای هدایت و ضلالت مانند فطرت انسان دارای طبیعتی دوگانه هستند چنانکه خداوند در مورد آنها فرمود: این تصدیق جن، حاکی از دوگانه بودن جن، و آمادگی آنها برای خیر و شر است، مانند بنی آدم، مگر کسانی که در میان آنها مستعد بدی هستند که ابلیس و قبیله او هستند. همه جنیان معرف شیطان نیستند، اما در میان آنها مؤمن و کافر، مطیع و نافرمان هستند.

{ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۳۴) } و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس سجده کردند، مگر ابلیس که امتناع ورزید و تکبر کرد و از کافران بود (34) {بقره: 34} .

و مؤمنان جن عظمت و قدرت خداوند را می دانند و می دانند که نه از قدرت او می گریزند و نه از چنگ او فرار می کنند، چنانکه خداوند در مورد آنان فرمود که فرمودند:

{ وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾ } و ما پنداشتیم که ناتوان

نیستیم. خدا در زمین است و ما با فرار ناتوان نمی شویم (12) { [جن: 12]

و مانند انسانها تحت تأثیر شنیدن هدایت قرار می گیرند، پس ایمان می آورند و به عدل و قدرت خداوند اطمینان می یابند و معتقدند که خداوند حق مؤمن را کوچک نمی کند، و او را بیش از توانش تکلیف نمی کند.

و جن در هدایت و گمراهی مانند انسان هستند و پاداش هدایت یا ضلالت چنان است که سبحان الله می فرماید: { وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾ } و از ما مسلمین و از ما فاسقان. (14) و اما رهگذران هیزم جهنم هستند (15) { [الجن: 14، 15] .

جن ها مانند انسان ها هستند، به عذاب آتش می رسند و بهشت بر حسب ایمان و عملشان نصیبشان می شود و هر کمک کننده ای همان کاری را انجام می دهد که برای آن آفریده شده است.

و خداوند سبحان انس و جن را به عبادت خود امر فرمود و به آنان توان عمل به دستورات و عمل شرعی داد و به هر جنسی از انرژیها و توانائیها و توانائیها و احوالش را داد.

اگر فردی بتواند یک جن را مسخره کند، در این صورت شانس بیشتری نسبت به اعضای هم نوع خود دارد، زیرا می تواند کاری را انجام دهد که دیگران نمی توانند انجام دهند.

اگر این شخص مورد ظلم هوی و هوس و خودخواهی قرار گیرد و از این مزیت به جای خیر برای بدی استفاده کند، خداوند چیزی را به او می دهد که او را در زندگی طاقت فرسا می کند.

بنابراین، افرادی مانند اینها را می یابیم که زندگی فلاکت بار و فلاکت باری دارند و در نهایت به خودکشی، جنون یا بدبختی می پردازند.

برای کسی که از فرصتی بالاتر از دیگران استفاده کند، ممکن است او را بدبخت کند و خوشحال نکند و کسی که خداوند به او فرصت قوی تری بدهد، اگر از آن استفاده خیر نکند، خداوند او را بدبخت می کند.

کسی که از قدرتی غیر از قوای انسانی استفاده می کند، مثلاً جن، ظاهرش را منفور می دانیم و اگرچه ممکن است ذهن برخی افراد را دست کم بگیرد و از آنها پول بگیرد، اما همیشه او را ورشکسته، ورشکسته، مضطرب می یابیم. ، و او اغلب در بدترین حالت می میرد. فرصت نابرابر، جز بدبختی برای او به ارمغان نمی آورد، چنانکه سبحان الله می فرماید: «وَأَنَّ أَعْمَ الْأَنْسِ الْأَنْسَابِ لَهُمْ أَسْتَجْلُمُ بِالْجِنَّ إِلَّا يَفْرَعُهُمْ» (6) [جن: 6] .

و خداوند سبحان او را هنگامی که جنیان را مسخر سلیمان - رضی الله عنه - قرار داد، آنان را به سود مردم و بنای زمین مسخ کرد و آنان را به زیان نرساند. خداوند متعال درباره سلیمان - رضی الله عنه - فرمود: ما او را از عذاب آتش فروزان می‌چشمیم. (12) آنچه را که او از محارم و هویت پلکها می‌خواهد، مانند قربانی‌ها و قبور صالحان انجام می‌دهند.

چه بسیارند فریبکارانی که شیطان آنها را در میان جن و انس گمراه کرد. خداوند به آنها دل و شنوایی و بینایی عطا کرد. اما آنها از این نعمتها در آنچه آفریده شدند استفاده نکردند... شناخت خدا و ایمان به آن. او و اطاعت از او.

آن‌ها سزاوارند که در میان اهل جهنم باشند، چنان که حق تعالی فرمود: {وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ (179)}

[الأعراف: 179] .

خلقت آدم

خداوند متعال فرمود: { وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ } [حجر: 26].

خداوند متعال فرمود: { إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (71) فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (72) فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (73) إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (74) } [ص: 71 - 74].

اولین چیزی که خداوند تبارک و تعالی آفرید عرش بود سپس قلم را آفرید و مقدارها را قبل از آفرینش با آن نوشت و آدم آخرین مخلوقات را به عنوان آمادگی برای سرای قبلی آفرید. و برای کرامتی که بر خالقش داشت، علایق و نیازها و دلایل زندگی خود را قبل از خلقتش آماده کرد.

و خلقت آدم از بزرگ ترین نشانه هاست، خداوند آنچه را در جهان جدا کرد در خلقت آدم جمع کرد، زیرا آن عالم صغیر است و در آن آنچه در عالم بزرگ است که گوهر هستی است و میوه اش و ارواح همیشه آرزوی آخر دارند.. و خداوند متعال بهترین کتابها را.. بهترین رسولان.. بهترین شریعت ها.. و بهترین امت ها را تا آخرالزمان بیرون آورده و آخرت را نیکوتر قرار داده است. نسبت به اولی زمانی که خداوند متعال آفرینش این جهان را با قلم گشود، بهترین فرصت برای آن بود که بر خلقت انسان مهر زد.

قلم ابزار علم است و انسان عالم.

به همین دلیل است که خداوند برتری آدم را بر فرشتگان با علم به این امر نشان داد که او را به جای آنها اختصاص داده است.

خداوند متعال آدم را با دست خود آفرید و از روح خود در او دمید و فرشتگانش برای او سجده کردند و عزت او را نشان دادند و او را در بهشت خود ساکن ساختند. و چون به بهترین شکل آفریده شد و کمال آدم بر دیگران ظاهر شد، تقدیر خداوند از گناه گذشت تا اثر بندگی در ذلت نشان داده شود و خوردن از درخت همچنان او را آزار می داد و او را می ترساند تا اینکه بیماری او را فرا گرفت. نگه داشتن فرزندان

پس لطیف آگاه به دست کسانی که برگزیده بود برای آنان دارو فرستاد و آنان را برگزید و از میان پیامبران خود برگزید، چنانکه سبحانه الله می فرماید: {قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (38) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اُولَٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (39) } [البقره: 38-39].

پس شفا دهنده آنها را با حرامات حفظ کرد... و قوت را با اوامر حفظ کرد... و شوخ طبعی ها را با توبه از آنها تخلیه کرد... پس سلامتی از هر جهت نصیبشان شد. و دلهایشان به ایمان آراسته شد و به تقوا آراسته شدند و اعضایشان به طاعت آراسته شد و پروردگارشان از آنان خشنود شد و در حسنات امام شدند.

و چون مبدأ عبودیت را به آدم سپرد، او را به گناه نکوهش نکرد و چون دانا متوجه شد که گناه بنده او نه مخالفت با او بوده و نه توهین به حکمت او. ، به او آموخت که چگونه از او عذرخواهی کند: { فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ } (۳۷) پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت و خداوند توبه او را پذیرفت، زیرا خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (37) [بقره: 37] .

پس آدم - رضی الله عنه - نمی خواست که نافرمانی او با مولایش منافات داشته باشد و نه جرأت تجاوز به حرام او را داشته باشد، بلکه بر طبیعت غلبه کند و روح و شیطان را زینت بخشد، پس خداوند به او الهام کرد که توبه کند. ، و آن را از او پذیرفت.

در آفرینش حضرت آدم از گل راز عجیبی نهفته است، زیرا گل از دو مبدأ تشکیل شده است:

آبی که خداوند همه موجودات زنده را از آن آفریده است و خاکی که خداوند آن را انبار منافع و برکات قرار داده است.

این نشان می‌دهد که این شخص هدایتی را که دنیا با آن زندگی می‌کند، حمل می‌کند و دینی را حمل می‌کند که همه آن سودمند است.

و از عزت خداوند برای آدم این است که او را به دست خود آفرید و از روح خود در او دمید و همه مخلوقات را خداوند به فرمان او آفرید، پس به آنها گفت: باشید و آنها بودند.

برای او نیز این شأن است که فرشتگانش بر او سجده کنند و همه نامها را بدون ملائکه به او بیاموزند، سپس مقدمات معراج را در او فراهم آورد تا مانند فرشتگان شود، یا نزول کند تا از حیوان پستتر شود. پس عمر خود را در راه حیوان از خوردن و آشامیدن و خوشگذرانی و بازی می گذراند.

و خداوند تبارک و تعالی توانا و حکیم است که ذره ای در عالم بیهوده نیافریده است.

ارزش انسان و جایگاه او در میان موجودات بسیار است.. جایگاه او بین آسمان ها و زمین مانند جایگاه قلب از بدن است و بقای موجودات در گرو وجود انسان است.. و همچنان که قلب ، اگر بدن از بین برود، از بین می رود.. انسان هم همینطور است، اگر خدا این عالم را به پایان رسانده و تا کرده است.

و خداوند همه مخلوقات را آفرید و هر موجودی را مقصدی قرار داد و شریف ترین موجودات هدفی دارند که آن انسان است و او یکی از موجودات در مقام قلب به بدن است.

و خداوند عز و جل اراده کرد که آدم را بیافریند و او را در زمین جانشین او قرار دهد تا او را بر چیزها چیره سازد و او را بر چیزها ناتوان کند و چیزهایی را به او بیاموزد و چیزهایی را از او پنهان دارد. او را بر اشیاء چیره کرد و در کارها به او اختیار داد تا ارکان خلافت را کامل کند.. و فراموش نمی کند که اصالت ندارد.. مرجعی برای

بازگشت دارد.. و قدرت بالاتری که به آن باز می گردد.. و از آن استفاده می کند..
هر چه می خواهد برای او فراهم کند.

خداوند آدم را بدون آموزش عملی به زمین نفرستاد تا فرمان خدا را تثبیت کند، بلکه او را به تجربه ای واقع بینانه تبدیل کرد که در آن زندگی می کند تا اوامر و نواهی خود را به او سپرده شود و عناصر مأمور از غفلت و فراموشی و وسوسه و زینت را به او واگذار کند. شیطان پیش از آن که به زمین فرود آید و اگر خطایی کند خداوند به نرمی او را به راه راست باز می گرداند. پس خداوند او را با همسرش در بهشت ساکن کرد و هر چه را که نیاز داشت بدون خستگی و

خستگی به او عنایت کرد، چنانکه سبحان الله می فرماید : سپس آدم برنامه درسی را از پروردگارش دریافت کرد و نهی کرد: { و گفتیم ای بام جان بهشت را به تو می دهیم و همه آن آرزوست، آنجا که هستی و نمی آیی . سپس سبحان حضرت آدم را از موانع تکلیف به ویژه شیطان برحذر داشت و فرمود:

{پس گفتیم ای آدم این دشمن تو و همسرت است. پس آن چیزی بود که از شیطان بود، پس آدم و همسرش را وسوسه کرد که از درخت بخورند: {پس شیطان با او نجوا کرد . پس آنها را وسوسه کرد که از درخت بخورند تا جاودانگی و سلطنت را برایشان به دست آورد و به عنوان مشاوره که برایشان خیر می خواهد به آنها اطمینان داد.: { فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ

سَوَاتِرِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ
 الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِيَّيْ لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا
 الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِرُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا
 أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾ {
 [الاعراف: 20-22] .

و آدم فراموش کرد که او در نقش آزمایش و آموزش است، پس او و همسرش از
 درخت خوردند، پس آنها چه شدند؟ {فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا
 سَوَاتِرُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ
 الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ (22)} [الاعراف: 22] .

و ثواب آدم چه بود که فرمان پروردگارش را فراموش کرد و از درخت خورد؟

ثواب او فقط این بود که خداوند مولایش به او یاد دهد که چگونه به سوی خود
 بازگردد: { قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾
 سپس آدم از پروردگارش سخنانی دریافت کرد و توبه او را پذیرفت . آدم و همسرش
 به گناه خود اعتراف کردند و از پروردگارش طلب آمرزش و رحمت کردند.

گفتند: پروردگارا، ما به خود ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و به ما رحم نکنی،
 قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.» (اعراف: 23) .

پس خداوند دعای آدم را مستجاب کرد و او را پذیرفت و توبه کرد و او را هدایت کرد،
 همچنان که سبحان الله فرمود: { ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٢٢﴾ سپس

پروردگارش او را اجابت کرد و توبه او را پذیرفت و او را هدایت کرد (122) {طه: 122}

و پس از این تربیت آدم در بهشت، و پس از آنکه دشمنی شیطان بر او ظاهر شد، و پس از آن که خداوند به او چگونگی رهایی از گناه را آموخت، خداوند آدم را به زمین نازل کرد تا او و فرزندانش خلافت را در آنجا برقرار کنند، و شیطان. با او نازل شد و او را از او انذار کرد: و مایه ی بهره وری .

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾

[الاعراف: 24] .

و هنگامی که خداوند آدم و همسرش را بر زمین فرود آورد، فرزندانی به آنها عنایت کرد و آنان را از وضعیت سکونتشان در آن آگاه ساخت و زندگی پر از آزمایش و آزمایش و سپس مرگ را برایشان در زمین قرار داد. آن را دنبال کرد.

و اینکه هنوز در آن هستند، خداوند پیامبرانش را به سویشان می‌فرستد و کتاب‌هایش را بر آنها می‌فرستد، تا زمانی که مرگ به سراغشان می‌آید و در آن دفن می‌شوند، پس چون آن را کامل کردند، خداوند آنها را می‌فرستد و از آن بیرون می‌برد. به خانه ای که در حقیقت خانه است، که خانه سکونت است چنانکه او سبحان گفت: { قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ } ﴿٢٥﴾ فرمود در آن ساکن می شوید و در آن خواهید مرد و از آن بیرون رانده می شوید. (25)

[الاعراف: 25] .

سپس هر چه از لباس، غذا، نوشیدنی، مسکن و وسیله نقلیه برایشان آسان بود، برکت داد، و به آنها نشان داد که این هدف مشخصی نبوده، بلکه خداوند آن را وحی کرده است تا کمکی برای عبادت و اطاعت او باشد. و اینکه لباس تقوا بهترین لباس برای بنده است و زیبایی دل و جان است چنانکه سبحان الله می فرماید: ((پسرم ای آدم) برای تو وحی کردیم برای لباسی که به کار تو می آید و به لباس تقوای که بهتر از لباس آیات الهی رحمت کند .

سپس خداوند به فرزندان آدم هشدار داد که شیطان همان گونه که با پدرشان آدم کرد با آنها رفتار خواهد کرد، پس آنها را به گناه وسوسه می کند و آنها را برایشان زیبا می کند، پس تسلیم او می شوند و از او برحذر می مانند.:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ [اعراف: 27] .

پس آدم پدر انسان است و انسان شامل مؤمن و کافر می شود، پس آدم در دوران تربیت در بهشت یک انسان معمولی، بی توجه، بی توجه، فراموشی و ضعف بوده است.

در مرحله دوم، نماینده برگزیدگان، آگاهان به خداوند است، پس باید معصوم باشد، زیرا او فرستاده خداوند است.

و آدم - صلی الله علیه و آله - از پروردگارش نافرمانی کرد و شیطان از پروردگارش نافرمانی کرد، اما تفاوت در این است که آدم از امر اطاعت نکرد و به سوی خدا بازنگشت، بلکه توبه کرد و ظلم و کوتاهی را تشخیص داد. غفلت و نسیان: } گفتند: خدایا، ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحمت و رأفت نفرمایی سخت از زیانکاران خواهیم بود. (۲۳) {23} [الاعراف: 23] .

و اما ابلیس امر را به پروردگارش بازگرداند و تکبر کرد و با فرمان پروردگارش مخالفت کرد چنانکه سبحان الله می فرماید :

خداوند به خاطر همین مردسالاری و تکبر او را بیرون کرد و لعنت کرد.

هر کس امر را به خدا برگرداند به ابلیس تشبیه شده است و هر که نافرمانی کند و عذرخواهی کند و توبه کند به آدم - رضی الله عنه - تشبیه شده است. و آدم و همسرش چون از درختی که خداوند آنها را از خوردن آن نهی کرده بود خوردند، برهنگی آنها بر آنها آشکار شد ،

چنانکه خداوند سبحان فرمود : این نشان می دهد که وقتی دین زیر پا گذاشته شود، عیب مردم نمایان می شود و در جامعه ای شرم نیست مگر این که دستور خداوند نقض شده باشد. و چون آدم نافرمانی کرد و سپس توبه کرد و خداوند از او توبه کرد، خداوند او را برای خلافت و اجرای احکام خدا به زمین فرو فرستاد و شیطان نیز با او نازل شد. سپس تقرب الهی در زمین آغاز شد، چنانکه سبحان الله می فرماید:

آن گاه خدا (به آدم و حوا) فرمود: اکنون از عالی رتبه‌ی بهشت فرود آید که برخی از شما با برخی دیگر دشمنید، پس اگر از جانب من برای شما راهنمایی بیاید آن هنگام هر که از راه من پیروی کند نه هرگز گمراه شود و نه شقی و بدبخت گردد. (123) و هر کس از یاد من اعراض کند همانا (در دنیا) معیشتش تنگ شود و روز قیامتش نابینا محسور کنیم. (124) [طه: 123، 124].

و نافرمانی آدم را خدای سبحان ذکر کرده است که می فرماید: « فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿١٢١﴾ » [طه: 121].

و عصیان ممکن است عمدی باشد، پس گناه است.. ممکن است سهو یا نسیان باشد، پس لغزش است.. و این نافرمانی آدم است: { پس شیطان آن‌ها را به لغزش افکند (تا از آن درخت خوردند) و (بدین عصیان) آنان را از آن مقام بیرون آورد، و گفتیم که (از بهشت) فرود آید که برخی از شما برخی را دشمنید، و شما را در زمین تا روز مرگ قرارگاه و بهره خواهد بود. (۳۶) } [بقره: 36]. آنچه نشان می دهد که نافرمانی آدم از روی عمد یا عمدی نبوده، بلکه از روی فراموشی بوده است، گفتار او سبحان است: از این رو سرزنش نشوید، زیرا خداوند مسئولیت خطا و فراموشی را بر عهده نمی گیرد.

قرآن فراموشی را نافرمانی آدم می داند و آن را به خاطر مقام آدمی می داند که خداوند او را با دست خود آفرید و از روحش در او دمید و فرشتگانش را به سجده او واداشت و او را در خود ساکن ساخت. باغ، و همه نام ها را به او آموخت. و هر که این گونه است باید به اندازه خود هوشیار باشد تا فرمان خدا را برای او فراموش نکند.

و چون خداوند از او دانست که نافرمانی او از روی تکبر نیست، بلکه از روی غفلت و فراموشی، شهوت و وسوسه شیطان است، خداوند به او الهام کرد که توبه کند و توبه کرد.

ترک امر گناه است و نهی فسق است و نهی سبکتر از ترک امر است و ترک امر گناه شیطان است و به سبب او از رحمت خدا رانده شد و مرتکب نهی شد. گناه آدم است و آدم در بهشت به دو بلا مبتلا شد :

نسیان . و این دو بیماری است.. و درمان اولی با ذکر و تذکر است. چاره دوم ایجاد محیط ایمان و عمل نیک است. و آدم در بهشت کسی ندارد که در صورت فراموشی، او را متذکر شود، و برای اعمالی که در صورت ضعف عزم او را تقویت کند، و شهوات بر او غلبه کند، محیطی ندارد. این دو آفت برای هر انسانی لازم است و انسان با یادآوری و ایجاد محیطی پر از ایمان و عمل نیک که در زمان ضعف عزم او را تقویت می کند، از آنها شفا می یابد.

و خداوند سبحان، آدم و فرزندانش را گرفتار ساخت و هر انسانی را به عشق جاودانگی و عشق به پادشاهی که فرسوده نمی‌شود، آزار داد و شیطان به وسیله آنها توانست آدم را اغوا کند.

و چون این فراموشی عهد و پیمان آدم بود، خداوند به او الهام کرد که توبه کند: « سپس آدم از پروردگارش سخنی دریافت کرد و توبه او را پذیرفت . خداوند بر آدم عطا کرد و ایمان و توحید و معرفت پروردگارش را به او آموخت و به خود و نام و صفاتش یقین و یقین به او الهام کرد و او را از دشمنش شیطان بیم داد و گفت: دشمن شما و شوهرتان است. و ابلیس اولین کسی بود که با وسوسه آدم برای خوردن از درخت تلاش کرد تا یقین به ذات خدا را به یقین بر اشیاء تغییر دهد تا به ملکوت و جاودانگی دست یابد.

شیطان اولین کسی بود که یقین آدم را تباه کرد. و همچنان یقین فرزندانش را تباه می‌کند.. با انسانها مبارزه می‌کند.. یقین به پروردگارشان را به یقین به مخلوق تبدیل می‌کند.. و با پول حواسشان را پرت می‌کند. و چیزهای دور از ایمان و عمل نیک.. و به جای هنجارها و احکام، عادات و سنت‌ها را برایشان زیبا می‌کند.. و آنها را به ابدیت در دنیا وسوسه می‌کند.. و ذکر مرگ و آخرت را فراموش می‌کند.

اما خداوند توبه کرد و آدم را هدایت کرد و فرزندانش را از اطاعت از دشمنشان شیطان که پدرشان را فریب داد تا زمانی که به نافرمانی افتاد برحذر داشت.

وقتی آدم از کنار درختی که شیطان او را وسوسه کرد تا از آن غذا بخورد، در بهشت ابدیت خواست، با اخراج از آن عذاب شد.

به همین ترتیب، یوسف نیز هنگامی که از طرف بیبا از زندان خواستار آزادی شد، با اقامت چند سال در آن مجازات شد.

و همه اینها به وسوسه و آراستگی شیطان و میل او به از بین بردن یقین بندگان است تا پروردگار خود را نافرمانی کنند و او را اطاعت کنند و با او هلاک شوند.

و هنگامی که خداوند آدم را آفرید، خداوند به فرشتگان فرمود

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آن‌که ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۳۰) (بقره: 30) .

خداوند آدم را آفرید و او را گرامی داشت و در باغش سکنی گزید و برای پرورش او آزمایش کرد و پس از آنکه او را از او بیم داد، دشمنش بر او مسلط شد، اما ضعیف شد و پروردگارش را نافرمانی کرد، پس خداوند او را به زمین نازل کرد. .

او با ایمان به پروردگارش و طلب آمرزش برای گناه و عهد جانشینی بر زمین فرود آمد تا از آنچه از جانب پروردگارش به او می رسد پیروی کند و از شیطان و هوس ها پیروی نکند.

سپس زمان گذشت و فرزندان او آمدند و خداوند مردان و زنان بسیاری را از نسل او فرستاد.

آنچه بر پدرش آدم، از نسیان و ضعف گذشت، به انسان رسید و شیطان بر او مسلط شد و او را به گناه وسوسه کرد و آن را برایش آراسته کرد، چنان که با پدرش کرد و شیطان بر او چیره شد، چنان که حق تعالی فرمود: {وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ} (۲۰) و شیطان گمان باطل خود را درباره‌ی مردم، سخت به صدق و حقیقت رساند، پس جز فرقه‌ی کمی از اهل ایمان همه پیرو او شدند (20) {سبأ: 20} .

آدم متحد و هدایت شده و توبه کننده به زمین فرود آمد، اما در اینجا بیشتر بشریت را گمراه، تهمت زن، ظالم، دروغگو، مشرک و دشمن رسول پروردگارش می بینیم، پس باید دوباره نجات داد.

و از رحمت خدا بر بشر این است که هر گاه از روش خدا منحرف شد، رسولی می فرستد تا آن را به سوی او بازگرداند تا اینکه بر آنها مهر محمد صلی الله علیه و آله وسلم زد و امتش پس از او به او ابلاغ شد. این دین و استقرار آن در نقاطی از زمین، چنانکه سبحان می فرماید:

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٥٢﴾

این (قرآن عظیم) حجت بالغ برای جمیع مردم است (تا خلایق از آن پند گرفته) و تا بدان وسیله خداشناس و خداترس شوند و تا عموم بشر خدا را به یگانگی بشناسند و صاحبان عقل، متذکر و هوشیار گردند. (52) { [ابراهیم: 52].

و روش شناسی، هدایتی است که خداوند پیامبرانش را با آن فرستاد:

دعوت به توحید و ایمان به خدا.. و تشویق به اطاعت.. و هشدار از نافرمانی.. و امر به معروف.. و هشدار از هر بدی.. .

و ارزش یک چیز بر حسب صفاتی که در آن است بالا می رود، و ارزش مسلمان نزد خدا بر حسب ایمانی که حمل می کند و اعمال نیکی که انجام می دهد بالا می رود.

و فرزندان آدم بسیارند ولی خداوند بهترین و بهترین و کاملترین آنها را از آنان خرید و آنان مؤمنانند زیرا اینان بهترین مردم و بهترین مردم و گرانبهاترین مردمند، مردم.

و کالایی که ارزشش از تو پنهان است و می خواستی ارزشش را بدانی.

پس ببینید خریدار آن کیست؟، و به قیمتی که برای آن خرج شده است، نگاه کنید، و بنگرید که قرارداد خرید بر روی دست او بسته شده است؟

کالا روح مؤمن است و خریدار آن خداوند متعال است و بهای آن باغ های پر نعمت است و سفیر در این عقد بهترین مخلوق او در میان فرشتگان و گرامی ترین

آنهاست. اوست و او جبرئیل - صلی الله علیه و آله - است..و بهترین مخلوق او در میان انسانها و گرامی ترین آنها نزد اوست و او محمد - صلی الله علیه و آله - است.

وصف این کالا، ایمان و عمل نیک است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِالَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

« همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس (دشمنان دین را) به قتل می‌رسانند و (یا خود) کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا باوفا تر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است). [توبه: 111].

خداوند آدم را از زمین آفرید و از گل خداوند همه عناصر بدن او را پدید آورد، جز راز حیات که هیچ کس نمی‌داند از کجا آمده است و جز آن ضربه بالایی که او را انسان ساخته است.

و ما نمی‌دانیم این دمیدن و این روح چیست، پس هیچ کس آن را نمی‌داند مگر خدا، چنان که سبحان الله می‌فرماید: {و از تو درباره روح سؤال می‌کنند .

اما اثرات آن را می دانیم و این تأثیرات آن است که این انسان را از همه موجودات روی زمین متمایز می کند.

ویژگی او توانایی رشد ذهنی و معنوی بود و ذهن خود را به تجربیات گذشته، طراحی برنامه های آینده و ترس و هشدار واداشت.

و روحش را فراتر از محسوس حواس و ادراک شده توسط ذهن ها قرار داد تا به مجهولات به حواس و ذهن ها متصل شود.

ویژگی تعالی روحی و روانی یک ویژگی کاملاً انسانی است که هیچ یک از زندگان این زمین جز جن در آن شریک نیستند.

خداوند متعال از روح خود در این انسان دمید، زیرا اراده او ایجاب می کرد که خلیفه روی زمین باشد و به فرمان خداوند افسار این کره خاکی را در حدودی که خداوند برای او مقدر کرده است به دست گیرد. خلافت در زمین، چنان که سبحان می فرماید: « وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ » [بقره: 30] .

و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آن‌که ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۳۰)

خداوند علم را به انسان سپرده است و از آن روز به بعد هر گاه با پروردگارش تماس می گیرد عروج می کند و روش زندگی را از او گرفته و امر خلافت را برپا می دارد. و اگر لطف و سخاوت پروردگارش نبود، این شخص کوچک و کوتاه مدت و محدود علم به چیزی از این کرامت نمی رسید: {وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (70)}

[الإسراء: 70] .

خداوند چقدر کرامت دارد و چقدر لطف و رحمت بشریت در خلقت آدم... در سجده ملائکه بر او... در سکونت او در بهشت... در هبوطش به زمین... در خلیفه بودنش در زمین... و در ذریه و نسلش...؟

خداوند برتری آدم را بر فرشتگان با علم به آن که ملائکه نمی دانستند نشان داده است.

و به آنها دستور داد که به احترام او برای او سجده کنند و فضل او را به نمایش بگذارند و آنها را با سجده بر کسانی که ادعا می کردند زمین را فساد می کنند و خون می ریزند بیازمایند.

منزه است آنچه در جان ابلیس از تکبر و نافرمانی نهفته بود که هنگام امر به سجده با فرشتگان برای آدم ظاهر شد.

پس سزاوار لعن و اخراج و اخراج به خاطر آنچه نهفته در روحش بود، و خدا این را می داند، اما او را به خاطر آنچه می دانست عذاب نمی کرد، بلکه به دلیل وقوع

علمش بود که فرشتگان آن را نکردند. بدانید، پس چون از سجده امتناع کرد، بدی او را دانستند.

علت نافرمانی شیطان، تکبر و انکار و کفر است، اما او از روی لجابت آن سوء ظن را ذکر کرده است، زیرا در دستور او برای سجده بر آدم چیزی نیست که به هیچ وجه با حکمت منافات داشته باشد.

و شبهه ابطال کننده ابلیس این است که گفت: او از آتش آفریده شد و آدم از گل آفریده شد و آتش بهتر از گل است پس او بهتر از آدم است پس چگونه تسلیم آن شود؟

چنانکه خداوند متعال به ابلیس فرمود: گفت: چه چیزی تو را از سجده باز داشت هنگامی که به تو امر کردم، گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی .

پس چون ابلیس از سجده امتناع ورزید و پروردگارش را نافرمانی کرد و تکبر کرد، خداوند او را از مرتبه بلندش به پایین ترین مرتبه فرود آورد و او را از بهشت فرو فرستاد، زیرا آن جا جایگاه پاکان و نیکوکاران است. شایسته خلق خدا و بدترین آنها نیست، فرمود: از آن فرود آید، و شما در آن تکبر نخواهید داشت، پس بیرون شوید و شبهه ابلیس باطل و عقلاً عقلی و شرعی است.

گل و خاک از آتش بهتر است، زیرا آتش با فساد و تباهی، و خاک به نفع و جوانه زدن، و آتش با سبکی و بی پروایی، و خاک متشخص متانت و سکون، و غباری که

خداوند در آن می آفریند. معیشت حیوانات و لباس و مسکن آنها، بر خلاف آتشی که همه چیز را می سوزاند، و غباری که در آن عشق قرار می گیرد، بارها آن را بیرون می آورد، بر خلاف آتشی که هر چه را در آن فرو می برد.

و زمین را خداوند به برکت توصیف کرده است و آتش برای برکت طلاست و خداوند در زمین منافع و رزق و میوه و درخت و معادن و چشمه و گیاه و حیوان و غیر آن را تا زمانی که چیزی نیست در زمین گذاشته است. از آن در آتش رسوب کرد.

و آتش اگر چه فوایدی در آن باشد، شر در آن نهفته است.

و خداوند از این خلیفه و اولادش انبیا و رسولان.. بندگان و علما.. مجاهدان و خیرین.. اولیاء و مؤمنان را استخراج کرد و برای آنها بهشت را برپا کرد و فاسقان را از فرزندان متمایز کرد. از نیکان، و آنها را پر از جهنم کرد.

و خداوند آدم علیه السلام را به بهترین شکل آفرید. و کاملتر و زیباترین صورت را آفرید. و فضایل باطنی او را با علم و بردباری و کرامت کامل کرد. و پروردگارش به دست خود آفرینش او را بر عهده گرفت. .. پس به بهترین آداب آمد.. و زیباترین شکل.. قدش شصت ذراع در آسمان است.. لباس بر تن کرد زیبایی و نیکی.. عظمت و شکوه.

و فرشتگان منظره‌ای دیدند که بهتر و زیباتر از آن ندیدند، پس همه به فرمان پروردگارشان به سجده افتادند، مگر شیطان که از سجده حسد پرهیز می‌کرد که سبحان اوست .

و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید. (بقره ۳۴).

و خداوند سبحان برای کمال قدرت خود مخلوقات خود را در دسته های مختلف آفرید:

بعضی از آنها عقل های بی آرزو دارند مانند فرشتگان و بعضی از آنها آرزوهای بی دلیل دارند مانند حیوانات.

حکمت خداوند، ترجیح فرزندان آدم را بر بسیاری از مخلوقاتش ایجاب می کرد، پس خداوند آنان را متمایز ساخت و به هر چه اراده کرد، آنان را گرامی داشت، و بندگی آنان را کاملتر از بندگی دیگران قرار داد، چنان که بندگی اختیاری و مملو از مخالفت است. ، بازدارندگی ها و خواسته ها.

در مورد بندگی فرشتگان دیگر، بندگی بدون اعتراض است، چنانکه آنها مجبور به انجام آن هستند، همانطور که خورشید برای روشنایی ساخته شده است.

و خداوند تبارک و تعالی در علم خود پیشی گرفت که خلیفه ای را در زمین قرار داد و فرشتگان خود را از آن خبر داد و او را در بهشت ساکن کرد تا او را برانگیزد و

سرای نعمتی را که خداوند برایش آماده کرده بود به او نشان دهد. او و فرزندان او

پس خداوند او را امر و نهی کرد و او را از دشمنش خبر داد و او را از او برحذر داشت

و هر چه در بهشت نیاز داشت به او عنایت کرد و به او دستور داد که از هر چه در

بهشت است بخورد و او را از خوردن یک درخت نهی کرد و رفت. بین او و دشمنش

شیطان، تا ایمان و اطاعتش را بیازماید، پیش از آنکه به میدان کار فرود آید، پس شیطان با او نجوا کرد، با خوردن غذا فراموش کرد و شهوت بر او چیره شد، پس خورد.

و خود را با خود رها کرد تا آنکه به قول حق تعالی نافرمانی خدا کرد: {وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (35) فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمُدْتَى بِهْرِهِ مَنَدَى (36) } [بقره: 35، 36].

سپس خداوند به او الهام کرد که توبه کند، پس توبه کرد و خداوند او را آمرزید و پس از آنکه تربیتش را به پایان رساند و دشمن خود را شناخت و در خانه اش ساکن شد، خداوند متعال او را از سرای سعادت به سرای بلا و کار نازل کرد. ، تا او و کسانی که به فرزندانش ایمان آورده اند به کامل ترین وجه به آن بازگردند. چقدر خداوند در فرود آوردن آدم به زمین حکمت دارد که زبانها از توصیف آن عاجز هستند و عقلها از درک و درک آن عاجز هستند.

از جمله این است که خداوند آدم را نازل کرد تا ایمان او و فرزندانش کامل شود و ایمان گفتار و عمل و جهاد و صبر و بخشش و ترک است و این فقط در خانه آزمایش است نه در باغ سعادت

از جمله این است که خداوند آدم و فرزندان او را آفرید تا آنها را در زمین مستعمره کند و آنها را جانشینان زمین قرار دهد.

پس آنها را آفرید تا آنها را امر و نهی و آزمایش کند تا با اطاعت بهترین پاداش او را بدست آورند و اگر پس از زحمت و زحمت به سرای سعادت رسیدند، خواهند دانست. ارزش آن خانه، و از سعادت کسانی که در بهشت از صنوبر و نوزادان آفریده شده اند، کاملتر است.

از جمله این است که خداوند عز و جل خواست از فرزندان آدم رسولان و پیامبران و شهدا را که آنها را دوست دارد و او را دوست دارند، بگیرد و کتابهای خود را بر آنها نازل کند و آنچه را دوست دارد و او را خشنود می سازد بر هوس و آنچه او را دوست دارد ترجیح دهد. آنها دوست دارند خانه سعادت مطلق.

از جمله این است که زیباترین نام های خداوند مانند آمرزنده و مهربان، توانا و بخشنده، فرمانروا و توانا دارای آثاری است، پس خداوند آدم را به زمین فرو فرستاد و برای او فرزندی قرار داد تا نشان دهد. تأثیر اسماء و صفات او بر آنها و موجودات اطرافشان.

خداوند پادشاهی است که امر می کند و نهی می کند و می دهد و نهی می کند و گرامی می دارد و خوار می کند و پاداش می دهد و کیفر می دهد، پس پدر و مادر انس و جن به خانه ای فرستاده شدند که این احکام بر آنها جاری می شود،

فرستاده ای از شما که به شما می گوید. آیات من و هشدار می دهند که روز خود را ملاقات کنید، این همان است که گفتند .

و خداوند تبارک و تعالی فرمانروای همه چیز است، ملکوت آسمانها و زمین از آن اوست و ملکوت دنیا و آخرت از آن اوست، او پروردگار ماست و ما بندگان او هستیم.

او صاحب ملک است.. و پادشاه باید سرباز داشته باشد.. و خداوند سپاهیان آسمانها و زمین را از فرشتگان و دیگران دارد.. و فقط او سربازان پروردگارت را می شناسد.. و پادشاه باید داشته باشد. دستوراتی است که احوال رعیت را اصلاح می کند.. و کتاب های آسمانی است که شامل اندرز و تشویق و نهی و انذار است. باید بین خود و خلقش سفیران باشد. آنها فرستادگانی هستند که آنچه را برای مردم بیان می کنند. از طرف پروردگارشان بر آنان نازل شده است. او باید محکمه ای داشته باشد که در آن اطاعت کنندگان و نافرمانان در آن بازخواست شوند، آن روز قیامت است.

پس از حساب، اطاعت کنندگان را با آنچه که بهشت است، به آنان شادی می بخشد، و نافرمانی ها را با آنچه از عذاب برایشان آماده کرده، یعنی جهنم، خوار و ذلیل کند.

فَسَيُحِبُّ يَحْمَدُ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

{ پس به ذکر اوصاف کمال پروردگارت تسبیح گو و از نمازگزاران باش (تا به یاد خدا شاد خاطر شوی). (۹۸) و دائم به پرستش خدای خود مشغول باش تا یقین (ساعت مرگ و هنگام لقای ما) بر تو فرا رسد. (۹۹){[حجر: 98، 99]

{ پایان جلد اول }